



مطالعات زن و خانواده

فصلنامه علمی مطالعات زن و خانواده
پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهراء (س)

دوره ۱۲، شماره ۳، پیاپی ۳۴، پاییز ۱۴۰۳



بسم الله الرحمن الرحيم

فصلنامه علمی

مطالعات زن و خانواده

پائیز ۱۴۰۳

دوره ۱۲، سالی ۳۴، شماره ۳



این نشریه در انگار مقالات حوزه زن و خانواده با انجمن مشاوره ایران بخاری می‌کند

صاحب امتیاز: پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهراء (س)

سرمدبیر: دکتر انسیه خزعلی

مدیر مسئول: دکتر سیده فاطمه موسوی

اعضای هیأت تحریریه

دکتر سیمین حسینیان

اسناد مشاوره دانشگاه الزهراء (س)

دکتر فریبا شایگان

اسناد جامعه‌شناسی دانشگاه علوم انتظامی امین

دکتر جمیله علم الهدی

دانشیار فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شهید بهشتی (س)

دکتر یاسر رضاپور میر صالح

دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه اردکان پرد

دکتر رضا خجسته مهر

رئیس انجمن روان‌شناسی خانواده ایران و اسناد مشاوره دانشگاه شهید چمران اهواز

دکتر غلامرضا جمشیدبها

اسناد دانشگاه تهران

دکتر الهام امین‌زاده

دانشیار حقوق عمومی دانشگاه تهران

دکتر غلامرضا دهشیری

دانشیار روان‌شناسی دانشگاه الزهراء (س)

دکتر سیده فاطمه موسوی

دانشیار روان‌شناسی دانشگاه الزهراء (س)

دکتر محمدجواد جاوید

اسناد حقوق عمومی دانشگاه تهران

دکتر محمدتقی ایمان

اسناد علوم اجتماعی دانشگاه شیراز

ویراستار ادبی و علمی:

دکتر سمانه‌سانات سدیدپور

ویراستار انگلیسی:

دکتر فرشاد لوفاف پور نوری

طراح و صفحه‌آرا:

دکتر سمانه‌سانات سدیدپور

ناشر:

دانشگاه الزهراء (س)

ترتیب انتشار:

فصلنامه

شماره پروانه انتشار:

۲۶۹۲ - ۲۳۴۵

شماره پروانه علمی-پژوهشی:

۳/۲۶۰۹۴

شمارگان: چاپ الکترونیکی

نشانی دفتر مجله:

تهران، میدان ونک، خیابان ونک، دانشگاه

الزهراء، ساختمان خوارزمی، طبقه ششم،

پژوهشکده زنان

تلفکس: ۸۸۰۴۹۸۰۹ (۲۱) ۹۸ +

آدرس وبگاه:

<http://jwfs.alzahra.ac.ir>

پست الکترونیک:

jwfs@alzahra.ac.ir

کدپستی: ۱۹۹۳۸۹۱۱۷۶

مدیر اجرایی: دکتر سمانه‌سانات سدیدپور



مطالعات زن و خانواده

حق چاپ ۱۳۹۱ پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهراء (س)

بهدستاق از آن ناشر است. چاپ، با نشر و کپی از این فصلنامه یا بخش بانی از آن، به هر شکل، نیازمند اجازه کتبی ناشر است.

چاپ شده در جمهوری اسلامی ایران

درجه علمی-پژوهشی فصلنامه مطالعات زن و خانواده، از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در تاریخ ۹۱/۲/۱۱ شماره ۹۴/۲۶۰۳/۳ ابلاغ شد.

طبق آیین نامه ارزیابی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، از تاریخ ۹۹/۲/۰۸ تمامی نشریات مصوب، نشریات علمی

قلمداد می شوند.

راهنمای نویسندگان

فصلنامه «مطالعات زن و خانواده»، نشریه علمی پژوهشکده زنان دانشگاه الزهراء^(س) است که اقدام به انتشار مقالات اصیل منتج از یافته‌های پژوهشی، مقالات کیفی، موردی و مقالات نظریه‌پردازی در حوزه زن و خانواده می‌کند.

نویسندگان محترم موظف اند جهت تسریع در فرایند بررسی و داوری، فرمت نشریه را کاملاً رعایت نمایند و پیش از ارسال مقاله نسبت به عدم ارسال همزمان مقاله به نشریه دیگر تا حصول نتیجه متعهد شوند، لذا، هنگام ارسال مقاله (فرم تعهد) و (فرم تعارض منافع نویسندگان) توسط نویسنده مسئول تکمیل و در سامانه بارگذاری شود.

این نشریه با احترام به قوانین اخلاق در نشریات تابع قوانین کمیته اخلاق در انتشار (COPE) بوده و از آیین‌نامه اجرایی قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در آثار علمی پیروی می‌نماید.

این فصلنامه در ارزیابی مقاله از سامانه مشابهت‌یاب «سمیم نور» و «همیاب» استفاده می‌کند.

مقالات را دو داور، داور تطبیقی و دبیر تخصصی ارزیابی می‌نمایند و در هر مرحله از ارزیابی امکان عدم پذیرش مقاله وجود دارد.

پس از صدور نامه پذیرش، هیچ‌گونه تغییری در اطلاعات شناسنامه‌ای مقاله داده نخواهد شد، لذا نویسندگان محترم در هنگام ثبت مقاله در سامانه مجله، اطلاعات همه نویسندگان مقاله را به طور دقیق به فارسی و انگلیسی ثبت نمایند. بعد از انتشار مقاله، دفتر مجله هیچ تعهدی نسبت به تغییر اطلاعات نویسندگان ندارد.

اجزای یک مقاله

یک مقاله پژوهشی به ترتیب شامل بخش‌های زیر است:

- عنوان مقاله به فارسی (B Zar-Bold : 14)
- نام نویسندگان (به ترتیب) (B Nazanin : 12) و وابستگی سازمانی آن‌ها در پانویس (B Mitra : 9) (نویسنده مسئول) در مقابل وابستگی نویسنده مسئول قرار گرفته و ایمیل وی درج می‌شود.
- تیتر چکیده (B Nazanin : 14) و متن چکیده کوتاه (بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ واژه) به زبان فارسی (B Nazanin : 11)
- چکیده فارسی و چکیده انگلیسی باید منطبق برهم بوده، در مقالات پژوهشی شامل مقدمه و هدف پژوهش، روش‌شناسی، نمونه و شیوه نمونه‌گیری، ابزارهای پژوهش، یافته‌ها و نتیجه‌گیری است. دقت شود که بخش‌های یادشده مجزا نوشته نمی‌شوند.
- در مقالات مروری، چکیده دربرگیرنده هدف پژوهش، منابع داده‌ها، روش مطالعه، تعداد مطالعات انجام‌شده و معیارهای انتخاب، یافته‌ها (جمع‌بندی اطلاعات و ارتباط بین جملات و سازماندهی یافته‌ها و نتایج حاصل از مرور مطالعات انجام شده) و نتیجه‌گیری و کاربردهای آن در حوزه مربوطه است.
- تیتر واژگان کلیدی (B Nazanin-Bold : 11): واژه‌ها بین ۳ تا ۵ واژه (B Nazanin : 11)

- Title of Paper (Times New Roman-Bold : 14)
- The Authors (Times New Roman-Bold : 10) and affiliation in footnote (Times New Roman : 9) (Corresponding author) is typed in front of the Corresponding author' name with an email.
- Abstract (Times New Roman-Bold : 11) the text of abstract (between 200-250 words) (Times New Roman : 11)
- Keywords (Times New Roman-Bold : 11) between 3-5 words (Times New Roman : 11)

- تیتر مقدمه (B Lotus-Bold : 14) و متن مقدمه (B Lotus : 12)

این بخش شامل بیان هدف، مسأله، تعریف واژگان نوظهور (متغیرهای مورد مطالعه)، مروری بر پیشینه نظری و تجربی پژوهش، ضرورت مطالعه و نوآوری پژوهش به سایر پژوهش‌های مشابه است. نویسنده باید تلاش کند تا بستری مناسب (که همسو با اهداف نشریه است) برای پرداخت به موضوع مورد مطالعه پیدا کرده و با شروع از گروه مورد مطالعه، متغیرهای وابسته (ملاک) و مستقل (پیش‌بین) خود را در این بستر و در رابطه با یکدیگر یک به یک مورد توجه قرار دهد. مطالب بهم‌پیوسته باید انسجام روایی و محتوایی داشته باشد و حلقه‌های یک زنجیره را تشکیل دهد، نه زنجیره‌های گسسته و خواننده در پیدا کردن حلقه اتصال آن‌ها دچار سردرگمی شود، خلاء پژوهش و سوالاتی که در خلال پژوهش‌های پیشین به آنها پاسخ داده نشده و نویسنده قصد دارد در این مطالعه به آنها پاسخ دهد، مشخص شود.

- تیتر روش‌شناسی پژوهش (B Lotus-Bold : 14) و متن روش‌شناسی پژوهش (B Lotus : 12)

این بخش شامل اطلاعاتی در مورد جامعه، نمونه، روش نمونه‌گیری و معیارهای ورود و خروج و تمامی مشخصات جمعیت‌شناختی نمونه است.

- تیتر ابزارهای پژوهش (B Lotus-Bold : 14) و متن ابزارهای پژوهش (B Lotus : 12)

این بخش شامل اطلاعاتی در مورد سازنده، سال، تعداد گویه‌ها، خرده‌آزمون‌ها، طیف نمره‌گذاری، شیوه نمره‌گذاری، روایی و پایایی ابزار در پژوهش‌های داخلی و خارجی (ترجیحاً در نمونه مشابه با پژوهش حاضر) و پایایی ابزار در پژوهش حاضر باشد)

- تیتر شیوه اجرای پژوهش (B Lotus-Bold : 14) و متن شیوه اجرای پژوهش (B Lotus : 12)

این بخش شامل نحوه گردآوری داده‌ها و مراحل اجرای پژوهش اعم از اخذ مجوزها، نحوه رعایت اخلاق پژوهش، کسب رضایت شرکت‌کنندگان و حفظ محرمانگی اطلاعات شخصی ... است.

تیتیر یافته‌ها (14: B Lotus-Bold)

این بخش شامل خلاصه‌ای از یافته‌های بدست آمده از داده‌های جمع‌آوری شده و نتایج مربوط به تحلیل آزمون‌های آماری است که در قالب جداول و نمودارها گزارش می‌شود. تعداد جداول حداکثر تا ۴ جدول و تعداد نمودارها نیز حداکثر ۳-۲ نمودار است. مفروضه‌های اجرای آزمون آماری به کار رفته در پژوهش در قالب متن و نه جدول پیش از گزارش جداول بیان شود.

عناوین جداول (بالای آن و وسط چین) (11: B Nazanin-Bold) و متن جدول (11: B Nazanin) باشد. تمامی اعداد در جداول و نمودارها به فارسی و با دورقم اعشار (علامت /) گزارش می‌شوند.

تیتیر بحث و نتیجه‌گیری (14: B Lotus-Bold)

این بخش به خلاصه‌ای از یافته‌های پژوهش اشاره دارد و به تفسیر و شرح آنها می‌پردازد، همسویی و ناهمسویی نتایج با یافته‌های پژوهش‌های مشابه قبلی مقایسه و با استفاده از مباحث نظری پرداخت شده در بخش مقدمه، تبیین می‌شوند، لذا نویسنده ابتدا پس از بیان هدف پژوهش و یافته‌های پژوهش به صورت مجزا، به بیان پژوهش‌های همسو و ناهمسو پرداخته و صرفاً بر اساس پیشینه تجربی و نظری بحث شده در مقدمه (ونه دریافت‌های شخصی نویسنده) به تبیین این همسویی و ناهمسویی می‌پردازد. در پایان، پس از ذکر محدودیت‌های پژوهش، پیشنهادات برخاسته از نتایج پژوهش و کاربرد نتایج در عمل برای پژوهشگرانی که ممکن است در حوزه پژوهش حاضر مطالعه کنند، بیان می‌شود.

در این بخش از کلی‌گویی‌های بی‌مورد چون توصیه به دست‌اندرکاران و مسئولین و برگزاری کارگاه و آموزش و... خودداری نموده و کاربرد عینی نتایج پژوهش خود را در حوزه مربوطه بیان کنید.

تیتیر ملاحظات اخلاقی (14: B Lotus-Bold) شامل تیتیرهای جزئی‌تر (11: B Lotus-Bold) به قرار زیر است:

رعایت اخلاق پژوهش (11: B Lotus-Bold): شامل کد اخلاق، مجوزهای اخذ شده، مستخرج از رساله و سال دفاع، مستخرج از طرح پژوهشی و بیان کد طرح (یا شماره و تاریخ قرارداد) با ذکر رعایت اصول اخلاق پژوهش‌های انسانی یا غیرانسانی است. (11: B Lotus)

حمایت مالی (11: B Lotus-Bold): حمایت مالی دریافت شده از سازمان یا موسسه برای انجام پژوهش را ذکر کنید و چنانچه بدون حمایت مالی صورت گرفته است، قید کنید. (11: B Lotus)

سهم نویسندگان (11: B Lotus-Bold): نقش هریک از نویسندگان و نوع همکاری آن‌ها در پژوهش و نگارش مقاله حاضر به ترتیب مشخص شود. (11: B Lotus)

تضاد منافع (11: B Lotus-Bold): در یک عبارت بیان شود که آیا پژوهش حاضر با منافع شخصی یا سازمان خاصی تعارض منافع دارد یا نه؟ (11: B Lotus)

تشکر و قدردانی (11: B Lotus-Bold): در این قسمت، از کلیه افراد حقیقی یا حقوقی که در اجرا، تحلیل یا در نقش مشاور به پژوهش حاضر کمک کرده‌اند، با ذکر دلایل سیاسی، قدردانی شود.

تیتیر منابع فارسی (14: B Lotus-Bold)

کلیه منابع مندرج درون متنی باید به ترتیب حروف الفبا (نام خانوادگی) و به سبک APA نسخه ۷ در این بخش تنظیم شوند. (11: B Lotus)

نکات مورد توجه:

- ۳۰٪ از منابع مورد ارجاع مقاله باید مربوط به ۵ سال اخیر باشد.
 - ارجاع به رساله، صرفاً در مقطع دکتری به صورت محدود و در ضرورت صورت گیرد.
 - منابع مورد ارجاع از نشریات معتبر نمایه‌شده در نمایه‌های معتبر داخلی و بین‌المللی صورت گیرد.
 - تعداد منابع مورد ارجاع در مقالات پژوهشی کم‌تر از ۳۰ منبع و در مقالات مروری کم‌تر از ۵۰ نباشد. (لازم به ذکر است مقاله مروری، با مقاله آرشویی یا کتابخانه‌ای متفاوت بوده و فقط از صاحب نظران حوزه مربوطه قابل انتظار و دریافت است، به گونه‌ای که بخشی از ارجاعات مقاله، حاصل سال‌ها پژوهش و مطالعات محقق در حوزه مربوطه است).
 - تک‌تک ارجاعات درون‌متنی و پایان‌متنی باید با هم مطابقت داشته باشند، به گونه‌ای که هر منبع درون‌متنی به صورت هایپرلینک منبع پایان‌متنی را نشان دهد.
 - منابع دارای DOI را حتماً با ذکر شناسه دیجیتال ذکر کنید.
 - از ارجاع به مقالات همایش بپرهیزید.
 - پس از ذکر هر منبع پایان‌متنی داخل کروشه [Link] لینک منبع مذکور را به صورت هایپرلینک ارجاع دهید، به گونه‌ای که با کلیک بر روی [Link] بتوان به منبع ارجاع شده، دست یافت. برای چگونگی هایپرلینک منابع درون‌متنی یا پایان‌متنی بر روی این لینک کلیک نمایید.
- نمونه‌های از شیوه ارجاع به منابع پایان‌متنی به صورت مقاله، کتاب و رساله به شکل زیر گزارش می‌شوند:

ارجاع به مقاله چاپ‌شده در نشریه

احمدی، خدابخش. (۱۳۹۱). مقایسه وضعیت استحکام خانواده در خانواده‌های نظامی و غیرنظامی. *مجله علوم رفتاری*. ۶ (۱): ۳۷-۳۱. DOI: [Link]

Tang, T. L., & West, W. B. (1997). *The importance of human needs during peacetime, retrospective peacetime, and the Persian Gulf War*. *International Journal of Stress Management*, 4 (1): 47-62. DOI: <https://doi.org/xxxx>. [Link]

ارجاع به کتاب تألیفی

ادیبی، علی‌اصغر. (۱۳۸۷). *تکه‌نگاری: فرایندی در طراحی معماری (ویراست...)*. دانشگاه تهران.

Jahoda, M. (1958). *Current concepts of positive mental health (...ed.)*. Basic Books Publisher. [Link]

- کتاب ترجمه‌ای چاپی مثال:

احمدی، علی. (۱۳۸۱). فن نشر کتاب. ترجمه محسن مدیرشانه‌چی و هوشنگ خوش‌آموز. سمت. [Link]

ارجاع به وبسایت

دیلمقانی، میترا. (۱۳۷۸). دانشگاه‌های مجازی: چالش‌ها و ضرورت‌ها. مقاله ارائه شده به کنفرانس آموزش الکترونیکی ایران. بازیابی شده در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۵. به نشانی: <http://www.wsu.edu/0dee/GLOSSARY/ARETE.HTM>.

Hooker, R. (1996). *Arete*. Retrieved April 7, 1999 from the World Wide Web: <http://www.wsu.edu/0dee/glossary/arete.htm>. [Link]

ارجاع به پایان‌نامه و منابع منتشرنشده

خامسان، احمد. (۱۳۷۴). بررسی مقایسه‌ای ادراک خود در زمینه تحولی و سلامت روانی. رساله دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه تهران، چاپ نشده.

ارجاع به فصلی از کتاب

Jahoda, M. & Jahoda, M. (1958). Title of the book chapter. In R. Hooker, & Y. Hooker (Eds.), *Title of the book* (2nd ed., pp. 15-30). Springer.

[Link]

نمونه‌ای از ارجاع درون‌متنی (نقل قول غیرمستقیم) به قرار زیر است:

تعداد نویسندگان	اولین بار در متن	بارهای بعدی در متن
۱	ادیبی (۱۳۸۷)	ادیبی (۱۳۸۷)
۲	جاوید و ایزدی (۱۳۸۹)	جاوید و ایزدی (۱۳۸۹)
۳ و بیش‌تر	علیزاده و همکاران (۱۳۸۹)	علیزاده و همکاران (۱۳۹۱)

در ارجاعات درون‌متنی نقل قول شده از افراد مهم، روایات یا احادیث، علامت گیومه و ذکر شماره صفحات الزامی است.

▪ تیتراژ (References) (Times New Roman-Bold:12)

کلیه منابع انگلیسی مندرج درون‌متنی باید به ترتیب حروف الفبا (نام خانوادگی) و به سبک APA نسخه ۷ در این بخش تنظیم شوند. (Times New Roman-10) چنانچه مقاله در مرحله داوری نیازمند اصلاح تشخیص داده شد، نویسنده موظف است همه منابع فارسی مندرج در بخش منابع فارسی پایان‌متنی را با مراجعه به سایت انگلیسی (منبع استخراج و در بخش منابع لاتین) با رعایت حفظ ترتیب الفبا) درج کند و چنانچه منبع یادشده دارای DOI است، در انتهای منبع قرار دهد. در آخر هر منبع فارسی به انگلیسی برگردانده شده (text in Persian) نوشته شود.

سخن سردبیر

پژوهش در علوم انسانی و به صورت خاص رشته‌ها و موضوعات ویژه و پرکاربرد و مورد مراجعه عصر حاضر از دغدغه‌های اندیشمندان خصوصاً در رشته‌ها و گرایش‌هایی است که آسیب‌های اجتماعی با آن ارتباط و تعلق خاص دارد و بدون شک برنامه‌ریزی صحیح و علمی در این زمینه نیازمند پشتوانه پژوهشی استوار با رویکردهای گوناگون بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای است.

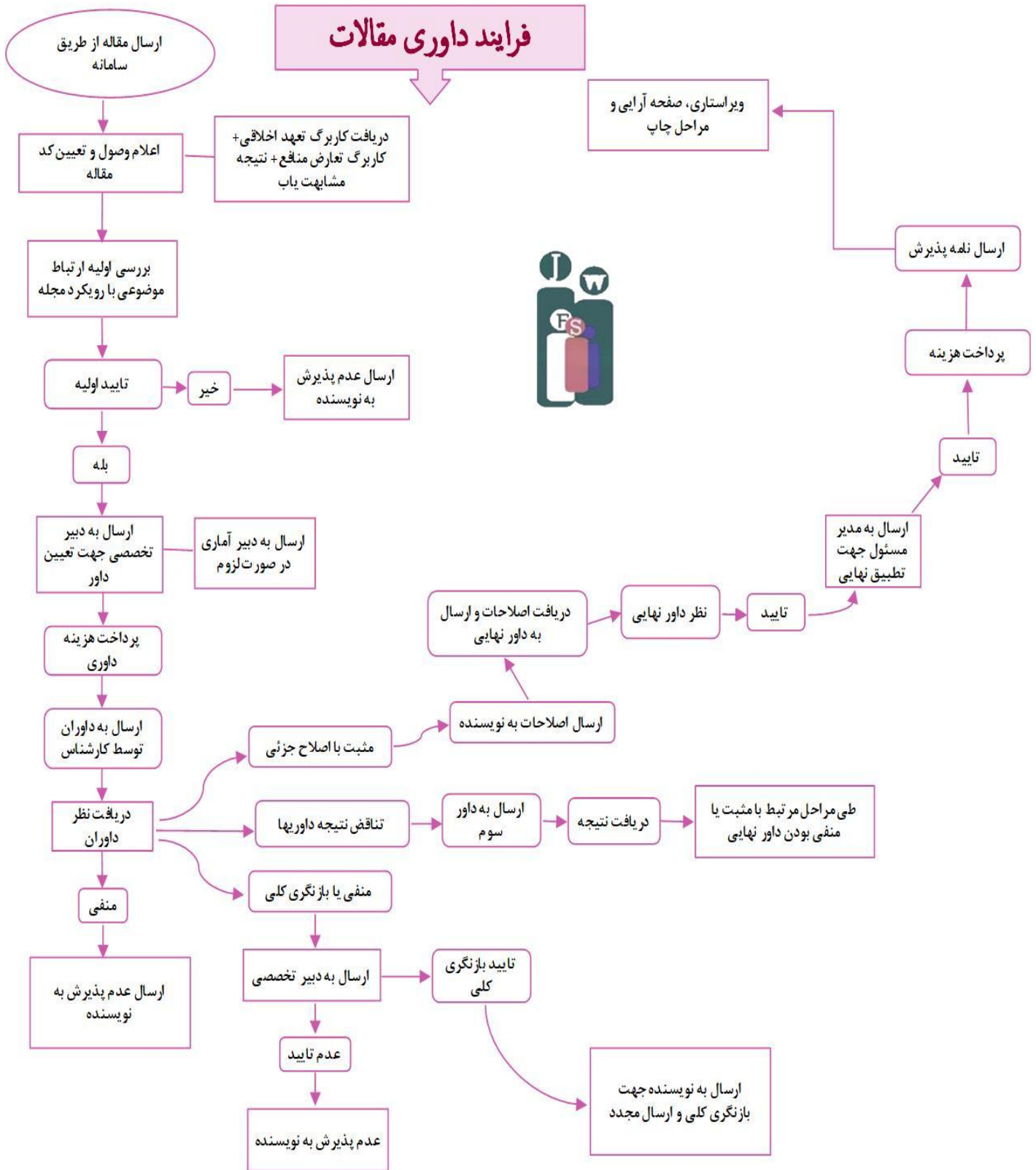
مسأله تولید علم و نظریه‌پردازی‌های جدید خصوصاً در زمینه زن و خانواده که از چالش‌های جدید عصر حاضر به شمار می‌رود، ابعاد گوناگونی را در ساحت‌های حقوقی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، روان‌شناختی و فرهنگی به خود اختصاص می‌دهد و تأثیر و تأثر مستقیم و غیرمستقیم این امور با نهاد خانواده به صورت خاص و جنس زن به صورت عام ضرورت تعمیق امور پژوهشی و بومی‌سازی آن‌را دوچندان می‌کند.

فصل‌نامه «مطالعات زن و خانواده»، نشریه علمی پژوهشکده زنان دانشگاه الزهراء (س)

سعی دارد تا مقالات اصیل منتج از یافته‌های مقالات نظریه‌پردازی و دارای ایده نو در حوزه زن و خانواده را در اولویت چاپ قرار دهد.

نشریه حاضر از راه‌آورد‌های تحقیقی نو و مقالات پژوهشی علمی و کاربردی استقبال می‌کند که موضوعات مورد نیاز جامعه ایران را در زمره اهداف راهبردی خویش قرار داده است.

فرایند داوری مقالات



فهرست مطالب

- ۱۰-۴۸ کاربرد مفاهیم و آموزه‌های سرفصل‌های درسی رشته مطالعات زنان در تجربه زیسته دانشجویان این رشته
صدیقه حیدری مجد؛ خدیجه برزگر
- ۴۹-۷۳ واکاوی کیفی بسترها و الگوی زیسته کودک‌همسری از دیدگاه زنان جوان
حسین افراسیابی؛ هانیه منصوری خسروی؛ مریم بهارلوئی
- ۷۴-۹۲ واکاوی مفهوم شناسی کراهت در طلاق خلع از نگاه فقه و حقوق
محمد حسن زاده
- ۹۳-۱۳۴ چالش‌ها و نیازهای پیش روی دانشجویان در حوزه فرزندآوری
فاطمه ملک خانی؛ فاطمه بیدکی؛ زهرا ملک خانی
- ۱۳۵-۱۶۳ معیار شناسایی نهاد طلاق خودسرانه در نظام‌های حقوقی ایران، عراق و الجزایر
مینا سالم پور؛ محمد روشن؛ حسین سیمایی صراف
- ۱۶۴-۱۸۷ اثربخشی معادرمانی بر اضطراب مرگ، احساس تنهایی و بهزیستی ذهنی زنان سرپرست خانوار
آرش قندهاری، ایلناز سجادیان، علی مهداد



Original Research

The Application of Concepts and Teachings of Course Units of Women's Study in Student's Lived Experience

Sedighe Heidari Majd*¹  Khadijeh Barzegar² 

¹ PhD. Student of women's studies, women's rights in Islam Department of Women's Studies Faculty of Humanities Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding Author) dhuha.majd.1987@gmail.com

² Assistant Professor at University of Religions and Denominations, Faculty of Women and Family Studies, Department of Women's Law in Islam, Qom, Iran.

Background and Purpose

Academically, the interdisciplinary discipline of women's studies originated in the West within the domains of sociology and the social sciences. This critical approach is supported by the historical development of sociology in the West, which suggests that "*male dominance has cast such a shadow over sociology that ignoring women in it is not a superficial flaw, but rather a male vision ingrained in its structure. From the very beginning, focusing on men has relegated women to a marginal position*" (Abbott & Wallace, 2010). Despite the impact of political feminism on the discipline of women's studies, Western universities offer an opportunity for students to examine the status, experiences, and participation of women in society in the past and present through the lens of women's studies as an interdisciplinary humanities field that equips learners with the necessary reasoning and methodological skills for conducting research and prepares them for systematic thinking (Center for Women's Participation Affairs, 2001).

Interdisciplinary activities in practice and work process also encounter certain challenges and difficulties, primarily organizational and methodical (Khorsandi, 2009). "*The significant challenge faced by women's studies in Iran is the conflict between the goals and concepts of feminism and the cultural and religious traditions of the country. This has resulted in women's studies being seen as a subversive and rebellious field in Iran.*" (Towhidi, 2015). In Iran, the field of women's studies was established due to the influence of two significant currents. In the seventies, there was a noticeable influence of feminism on journalistic activities (Patai et al.,



2010). The second movement is connected to the government of the era, specifically the reformist government. One of their first actions was creating the Presidential Office of Women's Affairs. Eventually, they drafted the declaration of women's rights and duties in the Islamic Republic of Iran (Sarmadi, 2017).

The evaluation of women's studies field in Iran highlights the importance of various actors, including policymakers, executives (such as teachers and education department officials), and students. Through the practical application of the principles and knowledge gained in this field, students can assess the compatibility between the needs and concerns of women and the theories and teachings of women's studies. By approaching the subject with a balanced and thoughtful perspective, individuals can accurately assess the value and relevance of women's studies in addressing the challenges and concerns women face in their lived experiences. The content and curriculum that have been approved are the main and primary sources for presenting concepts and teachings. The authors of the study by Jamali Zawareh et al. (2008) state that scientific content involves a range of knowledge, skills, and awareness that students should gain in a particular course and field. This goes beyond simply acquiring information and knowledge in a subject but also includes important skills like problem-solving and critical thinking. To ensure the alignment between the presented content and lived experiences, it is crucial to examine university education and its influence on students' experiences (Riegeluth et al., 2015). Given that the primary objective of education is learning (Dehghanzadeh, 2015), the content given to graduates plays a crucial role as a learning tool.

Method

In this study, a qualitative approach was employed, utilizing interview tools and content analysis techniques. The target population is the curriculum approved by the Ministry of Science in the field of women's studies. Three courses were chosen from the basic and advanced curriculum on women and families using a purposive sampling method:

1. Women's social movements and criticism of feminism
2. The history of family developments (from advanced courses)
3. Women and family pathology (from advanced courses)

The participants in this study are undergraduate students from three universities: the University of Religions and Denominations, Alzahra University, and Allameh Tabataba'i University. These students were admitted in 2018 and were selected without taking their gender into account. The individuals were chosen for an interview using the snowball sampling approach. Given the unique circumstances of the Covid-19 outbreak, the interview was done remotely via a telephone conversation.

Table 1. Demographic characteristics of participants

University	gender	Marital status	Number of children	Job	bachelor's degree
ALAM	female	Unmarried	-	Student	Philosophy
ALAA	female	Married	-	Student-housewife	civil engineering
ALAK	female	Married	-	Student-housewife	Accounting
ALAH	female	Unmarried	-	Cultural activist	Computer
ALAP	female	Married	2	Student-housewife	Social research
ALZJ	female	Unmarried	-	Social activist	Law and Jurisprudence
ALZP	female	Unmarried	-	Office worker	Anthropology
ALZA	female	Married	-	Social worker	Family studies
ALZH	female	Married	2	Student-Social worker	Sociology
ALZS	female	Unmarried	-	Student-Lecturer-	Genetics
ADK	female	Married	3	social activist	Philosophy
ADA	female	Married	1	Office worker	Chemistry
AND	female	Married	-	housewife	Seminary
ADS	male	Married	2	Student_ Office worker	Seminary
ADT	male	Married	3	Student_ Office worker	Seminary

Results

The research findings indicate that, based on the students' lived experiences, there are three distinct levels of interaction between the content and the student. These levels include the level of knowledge (awareness), the level of attitude (change of perspective), and the level of action. Each of these levels included a total of 15 core categories.

The insufficiency of the approved curriculum, the deficiency of the student's contextual understanding, the professor's responsibility in conveying and implementing concepts, and the student's responsibility in assimilating concepts, the use of conceptual and theoretical literature to facilitate critical presentation, scientific explanation and overcoming



absolutism, a gender-sensitive approach and understanding patriarchal hegemony, encouraging students' creative and critical thinking, updating the curriculum as a means to achieve efficiency and realize goals in this field, and the conflict between object and subject in the topics of women's studies, The interplay between social construction (culture), education, and social awareness in relation to the theories and concepts put forth in the realm of women's studies, the discouragement of conscious and active activism, the dearth of suitable job opportunities and career fields, and the implicit influence of concepts on students' perspectives and attitude are the key factors that describe the process of applying concepts and teachings in the real-life experiences of students.

Discussion & Conclusion

The three levels of knowledge, insight, and action are fundamental aspects of students' lived experiences. Furthermore, the interconnectivity between these levels should also be taken into account. It suggests that students who struggled to connect with the concepts due to cultural differences, whether ethnic or religious, did not actively engage in social activism because they did not perceive a necessity for it. It is the case at the level of insight that sometimes, one may have developed an understanding of women's shared identity, but when it comes to taking action, they view prevailing social structures as predominantly patriarchal. In the students' lived experiences, these structures are seen as the primary influence on the advancement of women's status and the practical application of women's studies. Hence, these structures influence the proactive and mindful engagement of women in activism, resulting in the implementation of just those changes and advancements that the governing institutions and authorities desire.

Ethical Considerations: All steps taken in this study were conducted in accordance with ethical principles in human research, and all participants voluntarily participated with informed consent.

Funding: This study was conducted without any financial support from individuals or organizations.

Authors' contribution: First Author: Conducted interviews and prepared the first draft of the article. Second Author: Revised the content of the article. Both authors contributed to the final revisions of the article.

Conflict of interest: The authors declare that there is no conflict of interest.

Acknowledgment: The authors would like to thank all participants in this study.

Data Availability: The supporting data for this study is available if you contact to dhuha.majd.1987@gmail.com

References

- Abbott, P., Wallace, C., & Tyler, M. (1997). *An introduction to sociology: feminist perspectives* (2nd ed.). London; New York: Routledge. Translated in Farsi by Manijeh Najm Araqi, Tehran. Ney Publication.
- Khorsandi Taskoh, A. (2017). *Interdisciplinary Discourse of Knowledge: Theoretical Foundations, Typology, and Policies for Action in Higher Education*. Tehran: Research Institute of Cultural and Social Studies.
- Center for Presidential Women's Participation (2001). *An overview of women's studies in universities and educational centers of some countries*. Tehran, Barge Zeitoun Publications.
- Towhidi, N. (2015). Women's studies discipline in Iran: another manifestation of the Islamic Republic paradox. *Azadi Andisheh Journal, 1*, 150-213.
- Patai, D., Koertge, N., Maher, F. A., Tetreault, M. K. T., & Kessler-Harris, A. (1995). Professing Feminism: Cautionary Tales from the Strange World of Women's Studies; The Feminist Classroom. *Academe, 81*(6), 65–67. Translated by Manijeh Rezaei and others; Qom, Education publishing office.
- Sarmadi, P. (2017). Women and the Government in Post-Revolution era. Tehran: Amir Kabir Publications.
- Jamali Zavareh, B., Nasr Esfahani, A., Armand, M., and Nili, M. (2009). Explanation of the content standards of university textbooks in educational sciences, counseling, and psychology. *University Textbooks: Research and Writing, 14*(21), 31-49.
- Dehghanzadeh, H., Dehghanzadeh, H., Norouzi, D., & Amir Teimouri, M. H. (2016). Comparison of the Effectiveness of Riegeluth and Gagné Instructional Design Models Together and with Traditional Method in Learning Third Grade Junior Students. *Educational Psychology, 12*(39), 119-134. doi: 10.22054/jep.2016.4120



کاربست مفاهیم و آموزه‌های سرفصل‌های درسی رشته مطالعات زنان در تجربه زیسته دانشجویان این رشته

صدیقه حیدری مجد*^۱ خدیجه برزگر^۲

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰

چکیده

رشته مطالعات زنان در ایران ره‌آوردی از غرب در راستای توسعه جهانی و تأثیر جریان‌های فمینیستی بر فضای دانشگاهی است. با توجه به دو دهه حضور مطالعات زنان در فضای علمی ایران انتظار می‌رود شاهد نقش‌آفرینی دانش‌آموختگان رشته در ابعاد علمی و اجتماعی مرتبط با زنان باشیم. پژوهش حاضر در صدد است با بررسی برخی از سرفصل‌های درسی رشته مطالعات زنان و تجربه زیسته دانش‌آموختگان، نگاهی آسیب‌شناسانه به توانمندی رشته مطالعات زنان در راستای تربیت دانش‌آموختگان به مثابه کنشگران رشته مطالعات زنان داشته باشد. پژوهش حاضر با روش کیفی و با استفاده از ابزار مصاحبه با دانشجویان رشته مطالعات زنان و تکنیک تحلیل محتوا چگونگی کاربرد مفاهیم و نظریه‌ها را در تجربه زیسته دانشجویان در سطوح مختلف دانش، بینش و کنش بررسی می‌کند. کدگذاری گزاره‌های مصاحبه‌ها در نهایت به ۱۵ مقوله محوری از جمله توانمندسازی دانشجویان در تفکر خلاق، ضعف دانش زمینه‌ای دانشجویان، عدم کفایت سرفصل‌های مصوب در پوشش مسائل عینی، روزآمدسازی سرفصل‌ها سرآغاز کارآمدی و تحقق اهداف، تعارض عین و ذهن در مباحث مطالعات زنان، اجتناب از کنشگری فعالانه و آگاهانه، نقش دانشجو و استاد در کاربرد مفاهیم رشته مطالعات زنان و مانند آن ختم شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که سه سطح دانش، بینش و کنش در کاربرد مفاهیم و آموزه‌ها در تجربه زیسته دانشجویان در رابطه متقابل قرار دارند، اما اجتناب از کنشگری در سطح کنش که تجلی و تعین سطح آموزش و بینش است به دلایل متعدد به مثابه انتخاب شخصی یا برآیند ساخت اجتماعی تعبیر می‌شود. در مجموع می‌توان گفت که ساخت اجتماعی، استاد و دانشجو (بازیگران اصلی در انتقال و دریافت مفاهیم) در پیوستار هم‌عرض، فرآیند کاربرد مفاهیم و آموزه‌ها در تجربه زیسته دانشجویان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند.

نوع مقاله: پژوهشی اصیل

واژگان کلیدی

مطالعات زنان، تجربه زیسته، سرفصل‌های مصوب، میان‌رشته‌ای، دانش، بینش و کنش.

ارجاع به مقاله:

حیدری مجد، صدیقه و برزگر، خدیجه. (۱۴۰۳). کاربرد مفاهیم و آموزه‌های سرفصل‌های درسی رشته مطالعات زنان در تجربه زیسته دانشجویان این رشته. *مطالعات زن و خانواده*، ۱۲(۳)، ۴۸-۱۰. DOI: 10.22051/jwfs.2024.43846.2984

۱. دانشجوی دکتری مطالعات زنان، گرایش حقوق زن در اسلام، گروه مطالعات زنان، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

dhuha.majd.1987@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب، دانشکده مطالعات زن و خانواده، گروه حقوق زن در اسلام، قم، ایران.

مقدمه

رشته مطالعات زنان با ماهیت میان‌رشته‌ای، در غرب ذیل رشته‌های جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی در عرصه دانشگاهی ظهور پیدا کرد. در واقع این رشته گامی برای طرح، بررسی و مطالعه نیازها و مسائل زنان در ابعاد مختلف و در یک شبکه درهم‌تنیده به زبان علمی برخاسته از تجارب علمی و عینی زنان است. تاریخچه شکل‌گیری آن در غرب حاکی از این رویکرد انتقادی است که «سلطه مردانه بر پیکره علم جامعه‌شناسی چنان سایه انداخته که نادیده‌گرفتن زنان در آن نقضی سطحی نیست، بلکه بینش مردانه‌ای است که در ساختار آن ریشه دوانده است. توجه به مردان از همان ابتدا زنان را به موضوعی حاشیه‌ای تبدیل کرده است» (آبوت و والاس^۱، ۱۳۹۰). از سوی دیگر، ریشه‌های مطالعات زنان در غرب را می‌توان در جنبش‌های مدنی چپ‌گرای دهه هفتاد میلادی جستجو کرد. دانشجویان مبارز متأثر از جنبش‌های آزادی‌بخش - که بعدها پایه‌گذار فمینیسم رادیکال در موج دوم فمینیسم شدند - توجه به آموزش و آگاهی‌بخشی زنان را در اولویت اهداف خود قرار دادند (مشیرزاده، ۱۳۸۹) بر همین اساس، دوره‌های آزاد مطالعات زنان در راستای آگاهی‌بخشی زنان در اواسط دهه هفتاد میلادی توسط فمینیست‌های پیشرو برگزار شد. شرکت‌کنندگان، زنانی از طبقات و اقشار مختلف جامعه بودند. نتیجه مباحث نشان می‌داد زنان در حال تجربه مشکلات مشترکی هستند که به زیست شخصی و متفاوت آنان مرتبط نمی‌شود و همچنان از بعد نظری مورد مطالعه قرار نگرفته و قدرت پاسخگویی و تحلیل دلیل نابرابری میان زنان و مردان وجود ندارد (پاتای و همکاران، ۱۳۹۰).

تجربیات مشترک زنان و تأکید بر ابعاد نظری به اقدام فمینیست‌های دانشگاهی منجر شد. به تدریج دانشگاه‌ها به برگزاری کلاس‌های آزاد روی آوردند و سپس واحد درسی مسائل زنان طراحی شد و این واحد درسی در رشته‌های علمی ارائه شد، اما کمی نگذشت که مشخص شد مسائل زنان با ارائه یک درس در مجموع دروس دیگر نه به درستی بررسی شده و نه مشکلی از مشکلات زنان را حل خواهد کرد. بدین ترتیب از سال‌های ابتدایی دهه ۸۰ میلادی جهت تأسیس مطالعات زنان در قالب رشته تحصیلی جداگانه تلاش‌ها و اقدامات قابل توجهی شکل گرفت که در نهایت به ارائه مطالعات زنان به عنوان رشته فرعی و یا اصلی در دانشگاه‌های معتبر جهان منجر شد (مرکز امور

¹. Abbott

². Wallace



مشارکت زنان، ۱۳۸۰). همچنان که امکان تحصیل همزمان دو رشته در آمریکا در فهم و دستیابی به اهداف و ماهیت میان‌رشته‌گی مطالعات زنان نیز سهم به‌سزایی دارد.

رشته مطالعات زنان در غرب از همان ابتدای تأسیس با انتقادات و مخالفت‌های زیادی مواجه بود. نامشخص و مبهم بودن اهداف رشته، بهره‌مندی از استادان سایر گروه‌های درسی به‌دلیل کمبود استادان خبره که به عدم شکل‌گیری مستقل گروه مطالعات زنان منجر شد، تفسیر به رأی و مداخله دیدگاه شخصی استادان که نگاه دانشجو را در رفت‌وبرگشت افراط و تفریط قرار داد، سرگردانی در علم‌گرا یا عمل‌گرا بودن رشته، تعیین خط‌مشی‌های رشته توسط فمینیسم سیاسی، دیدگاه کم‌ارزش و غیرعلمی سایر گروه‌های درسی به رشته مطالعات زنان و تضاد عین و ذهن در محتوای ارائه‌شده و واقعیت عینی جامعه، برخی از انتقادات پرشمار و قابل توجه این رشته در غرب بود و هست (پاتای و همکاران، ۱۳۹۰). پیشگامی غرب در تأسیس رشته مطالعات زنان و اقدام علمی و عملی برای بررسی و پاسخ به نیازها و مسائل زنان که به نوعی مستلزم بازاندیشی و بازپژوهی در عرصه علم بود، جوامع غیرغربی نیز زنان و مسائل آنان را در مرکز توجه و مباحثه علمی قرار دادند که درنهایت به تأسیس رشته مطالعات زنان یا مطالعات فمینیستی در کشورهای مختلف ختم شد.

رشته مطالعات زنان در ایران با چالش‌های مضاعفی علاوه بر چالش‌های ذاتی خود روبه‌رو است «پررنگ‌ترین مشکل مطالعات زنان در ایران، تعارض و مغایرت اهداف و مفاهیم فمینیسم با فرهنگ و سنت دینی ایران است که منجر به شناخت مطالعات زنان در ایران به مثابه یک رشته ساختارشکن و یاغی گشته است» (توحیدی، ۱۳۹۴). دیگر چالش مطالعات زنان در ایران را می‌توان عدم توفیق رشته در ایفای نقش مؤثر در حل مسائل زنان و تربیت نیروی انسانی مؤثر در راستای اهداف رشته نام برد. عوامل متعددی می‌تواند زمینه‌ساز این ناکامی باشد، اما به نظر می‌رسد بخشی از چرایی این امر را می‌توان در موفقیت دانشجویان این رشته در کاربست مفاهیم و آموزه‌های مطالعات زنان در تجربه زیسته بررسی کرد.

در ایران رشته مطالعات زنان متأثر از دو جریان تأسیس شد. طیف نخست، متأثر از فمینیسم است که بیشترین کارکرد آن در فعالیت‌های ژورنالیستی دهه ۷۰ قابل مشاهده است (پاتای و همکاران، ۱۳۹۰) که به گسترش مفاهیم فمینیستی در میان زنان تحصیل‌کرده منجر شد. طیف دوم، جریان وابسته به دولت وقت (دولت اصلاحات) است. اقدامات نخستین این گروه در دفاع از حقوق زنان را می‌توان پس از شرکت در کنفرانس پکن در سال ۱۹۹۵، تأسیس دفتر امور زنان ریاست

جمهوری و در نهایت تدوین منشور حقوق و وظایف زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران برشمرد. بهبود شرایط اجتماعی و بهداشتی زنان در راستای اهداف سازمان ملل از دستاوردهای این کنفرانس بود (سرمدی، ۱۳۹۶). در ادامه با تلاش مؤسسه، مطالعات زنان به مثابه پایه‌گذار رشته و حمایت دانشگاه تربیت مدرس، طرح تشکیل رشته در شورای گسترش و توسعه وزارت علوم عنوان شد و با مشورت فعالین حوزه زنان و استادان حوزه علمیه در جلسات متعدد، برگزاری این رشته در مقطع کارشناسی ارشد تصویب شد. دانشجویان در این رشته برای نخستین بار در سال تحصیلی ۸۱-۸۲ از طریق کنکور سراسری پذیرفته شدند.

پس از آغاز کار دولت نهم، طرح بازنگری و اصلاح رشته مطالعات زنان به دلیل محتوای فمینیستی و عدم توجه به رویکرد اسلامی مطالعات زنان در سطح وزارت علوم آغاز شد که سرآغازی برای تغییرات بنیادین در سرفصل‌ها، دروس و محتوا بود. اگرچه به باور برخی متخصصان چون این بازنگری فارغ از نگاه تخصصی و علمی انجام گرفت، مطالعات زنان بیش از پیش دست‌خوش ابهام و سرگردانی علمی شد. همچنان‌که برخی معتقدند تغییرات سریع و بدون کارشناسی در تعیین محتوا، درواقع تضعیف رشته در تربیت نیروی انسانی توانمند را سبب شده‌است. برنامه درسی بازنگری شده در سال ۱۳۸۷ به دانشگاه‌ها ابلاغ و از سال ۱۳۸۹ به مرحله اجرا درآمد. با این وصف قریب به دو دهه از حضور مطالعات زنان در فضای علمی ایران می‌گذرد. در حال حاضر ۱۲ دانشگاه با ظرفیت پذیرش بیش از ۵۰۰ دانشجو در مقطع کارشناسی ارشد ارائه‌دهنده دو «گرایش زن و خانواده» و «حقوق زن» هستند.

باتوجه به عمر این رشته انتظار می‌رود شاهد کنشگری دانش‌آموختگان رشته به‌نحو مؤثرتر در راستای اهداف سیاست‌گذار باشیم. حال آنکه متخصصین و استادان دانشگاه نسبت به ابعاد مختلف این رشته انتقاد دارند. ناکارآمدی رشته در تربیت نیروی انسانی مؤثر قدر مشترک منتقدان است. به‌گفته آنان، دانش‌آموختگان رشته مطالعات زنان فاقد توانمندی در پژوهش، تفکر نقادانه و دید حساس جنسیتی در راستای تبیین دیدگاه اسلامی به زن و یا تشخیص و ارائه راهکار به مشکلات زنان هستند.

یکی از مؤلفه‌های مهم و قابل‌توجهی که از دید منتقدان مغفول باقی‌مانده، عدم توجه سیاست‌گذاران آموزشی به ماهیت میان‌رشته‌ای رشته مطالعات زنان است. ماهیتی که فرایند پاسخگویی به پرسش‌ها، شناخت، حل مسئله و تحلیل موضوع یا موضوعات پیچیده با استفاده از



دانش، روش و تجربه‌های صرفاً یک رشته یا تخصص را نمی‌کند (کیدوری و همکاران، ۱۳۹۱). ماهیت میان‌رشته‌ای فرصت عبور از مرزهای سنتی رشته‌های گوناگون را فراهم می‌سازد. به عبارت دیگر، تلفیق دانش، روش و تجارب دو یا چند حوزه علمی و تخصصی برای شناخت و حل یک مسئله پیچیده یا معضل اجتماعی چندوجهی تعریف صحیحی برای حوزه دانشی میان‌رشته‌ای است. کارشناسان دو یا چند رشته علمی در ارتباط با شناخت، حل یا تحلیل یک پدیده، موضوع یا مسئله با یکدیگر تعامل و همکاری علمی می‌کنند. بنابراین، فعالیت علمی میان رشته‌ای زمانی معنا پیدا می‌کند که هدف شناخت و فهم علمی یک پدیده که از ظرفیت و دانش یک رشته یا تخصص خارج است، باشد (خورسندی، ۱۳۸۸).

باتوجه به اینکه جهت‌گیری میان‌رشته‌ای در مطالعات علمی در آینده نزدیک نه یک انتخاب که یک اجبار و الزام خواهد بود (مهرمحمدی، ۱۳۸۸)، جامعه علمی ایران نیز ناگزیر از تجربه و ورود به عرصه دانش‌های میان‌رشته‌ای شد. با این حال پس از چند دهه زیست نهادی و تجربه سازمانی واکنش‌ها و مقاومت‌های پراکنده، اما جدی در برابر میان‌رشته‌ای و فعالیت‌های آن وجود دارد. فعالیت‌های میان رشته‌ای در عمل و فرایند کار نیز با پیچیدگی‌ها و چالش‌های خاصی مواجهه هستند که عمدتاً سازمانی و روشی هستند (خورسندی، ۱۳۹۷).

با شروع انقلاب فرهنگی تلاش بر این بوده که علوم غربی موجود در دانشگاه‌های کشور به نحوی با علوم اسلامی با راهکارهایی شبیه ایجاد میان‌رشته‌ای‌ها، ترکیب شده و رشته‌های علمی جدیدی برای پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه اسلامی به وجود آید. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در مجموع چنین ایده‌ای چندان موفق نبوده و دانشگاه‌ها همچنان به روند گذشته خود (قبل از انقلاب اسلامی) ادامه داده‌اند. مجموعه‌ای از عوامل ساختاری، محیطی، اقتصادی، سیاست‌گذاری‌ها در عدم توفیق میان‌رشته‌ای مؤثر هستند که نقش مجریان میان‌رشته‌ای (دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی) و دانشجویان در این میان قابل توجه است. آسیب‌شناسی و رفع موانع فعالیت‌های پژوهشی در دانشگاه‌ها، توسعه و تربیت استادان گروه‌های علمی با نگرش بین‌رشته‌ای، منابع مالی برای طراحی فعالیت‌های میان رشته‌ای، تأسیس دانشگاه میان‌رشته‌ای، بازنگری ساختارهای علمی و اداری گروه‌های درسی، تحول در نظام آموزشی در راستای تربیت دانشجویان پژوهش‌محور مؤلفه‌های مؤثر در توفیق میان‌رشته‌ای از جمله مطالعات زنان در ایران هستند (مهدی، ۱۳۹۲).

در بررسی رشته مطالعات زنان در ایران نقش سیاست‌گذار، مجری (استاد و گروه آموزش) و دانشجو به‌عنوان کنشگران رشته قابل توجه است. پژوهش حاضر به آسیب‌شناسی مطالعات زنان از منظر دانش‌آموختگان می‌پردازد که نقش مهمی در به‌عینیت رساندن مفاهیم و آموزه‌های این رشته در راستای پاسخگویی به نیازها، مسائل و مشکلات زنان دارند. این گروه با کاربست مفاهیم و آموزه‌های این رشته در تجربه زیسته خود می‌توانند هم‌راستایی عین و ذهن در نیازها و مسائل عینی زنان و مفاهیم و آموزه‌های رشته مطالعات زنان را آزمون کنند. درواقع، دانشجویان با درک عینی و شخصی از خود می‌توانند نسبت به کارآمدی/ناکارآمدی مفاهیم و آموزه‌های مطالعات زنان در تجربه زیسته زنان و پاسخگویی به نیازها، مسائل و مشکلات آنان (که هدف عمده و غایی تأسیس رشته مطالعات زنان بود) قضاوت نزدیک به واقع و منصفانه داشته‌باشند. بدون تردید این قضاوت نمی‌تواند بدون توجه به محتوا و سرفصل‌های ارائه‌شده باشد، چرا که محتوا به‌عنوان ابزار ابتدایی، فرد را در عرصه دانش و بینش تجهیز می‌کند. با تکمیل دانش و بینش، فرد می‌تواند به عرصه کنش مطلوب ناظر به اهداف تأسیس رشته وارد شود.

پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این مسئله است که سرفصل‌های درسی مطالعات زنان چه نسبتی با تجربه و تحول زیسته دانشجویان در حوزه‌های فردی، اجتماعی و خانوادگی دارد؟ عوامل مؤثر در کاربست مفاهیم، نظریه و آموزه‌های سرفصل‌های رشته مطالعات زنان در تجربه زیسته دانشجویان در سطوح مختلف دانش، بینش و کنش چیست؟ آیا سرفصل‌های درسی مطالعات زنان توانسته مفاهیم انتزاعی و ذهنی را به عرصه درک عینی و تجربه زیسته نزدیک کند؟ در شرایطی که مفاهیم انتزاعی به عرصه درک عینی نزدیک باشند، کاربست آنها در تجربه زیسته دانشجویان کارآمد و موفق خواهد بود. البته ناگفته نماند عوامل پرشماری می‌توانند این فرآیند را مختل کنند.

هم‌زمان با اجرای رشته مطالعات زنان در دانشگاه‌های ایران، رویکردهای مختلفی در بررسی و نقد این رشته مطرح شد. برخی با رویکردی محافظه‌گرایانه از غربی بودن مفاهیم رشته، تربیت دانشجو با ذائقه فمینیستی و عدم تبیین نگاه دین به زن در رشته مطالعات زنان سخن گفتند. در مقابل برخی دیگر نیز با رویکردی اصلاح‌طلبانه و منتقد از تثبیت وضعیت موجود در رشته مطالعات زنان، ناتوانی رشته در حل مشکلات زنان، عدم درک و همراهی دانشجویان با تغییرات جهانی شرایط زنان، نارسایی رشته در اصلاح قوانین سخن به‌میان آوردند. تفاوت‌های این دو رویکرد زمینه‌ساز بررسی انتقادی رشته مطالعات زنان از زوایای مختلف شد. مقاله «نگره‌ای انتقادی بر سیر تغییرات در رشته



مطالعات زنان در ایران و راهکارهای ارتقا آن» (همدانیان، ۱۳۹۲) تغییرات و دگرگونی اهداف و سرفصل‌های رشته مطالعات زنان پس از تأسیس آن را بررسی کرده است. همدانیان معتقد است مطالعات زنان به سمت تک‌ساحتی شدن پیش‌رفته و صرفاً رویکرد فقهی مسئله مورد توجه است و در اجرای رشته به بیان کلی سرفصل‌ها اکتفا شده است. مقاله به روش گزارش‌محور به تقسیم‌بندی دوره‌ای رشته مطالعات زنان در ایران و سیر تاریخی آن می‌پردازد (روشنی و همکاران، ۱۳۹۸).

در مقاله «رشته مطالعات زنان در ایران، چالش‌ها و راهکارها»، با روش کیفی (مصاحبه، تحلیل داده‌ها با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا) وضعیت رشته مطالعات زنان را پس از دو دهه از تأسیس آن بررسی کرده و با اشاره به چالش‌های رشته، راهکارهای رفع آن از دیدگاه متخصصان را عنوان می‌کنند. براساس یافته‌های پژوهش طراحی غیراصولی رشته، ضعف و نقص در برنامه درسی، بازنگری‌های غیراصولی و ناکارآمد، کمبود استادان متخصص، شرایط نادرست پذیرش دانشجوی، ضعف تخصص علمی و کارآمدی فارغ‌التحصیلان و ماندن آن از چالش‌های رشته مطالعات زنان در ایران بوده و راهکار متخصصان برای رفع آن اصلاح ساختار رشته، بازنگری تخصصی برنامه درسی، استفاده از استادان دغدغه‌مند و موارد متعدد دیگر است.

«فرایند پژوهی تکوین رشته مطالعات زنان معطوف به تغییرات پارادایمی جنسیت» (قاسمپور و نصرت، ۱۳۹۷) به پیوستگی رشته مطالعات زنان در دانشگاه‌های آمریکا با واقعیت در حال تغییر وضعیت زنان در این کشور اشاره دارد. نویسندگان در این مقاله با روش فرایند پژوهی مبتنی بر آثار تاریخ‌نگارانه مطالعات زنان در آمریکا، به چالش درون‌گفتمانی برخاسته از تغییرات پارادایمی حوزه جنسیت پرداخته و معتقدند حتی نام این رشته در زمان حال به دلیل تفوق‌گرایی‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی در آمریکا ناکافی و نارسا قلمداد می‌گردد. «واکاوی ردپای فمینیسم در سرفصل‌های رشته مطالعات زنان» (باقری و همکاران، ۱۳۸۸) در واقع نقد کلی کتاب «جامعه‌شناسی زنان» نوشته «پاملا آبت» است. در این نوشته که فاقد قالب پژوهشی است، نگارندگان معتقدند سرفصل‌های ارائه شده در مطالعات زنان فاقد هماهنگی با مقتضیات و الزامات ماهوی این رشته و نیز ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران است. «جامعه‌شناسی زنان» عنوان می‌کند که روش و نظریه‌های جامعه‌شناسی مردم‌محور بوده و تحت سلطه مردان شکل گرفته است. شهلا باقری و همکاران به نقد این دیدگاه پرداخته و معتقدند این دید جنسیتی و متأثر از نگاه فمینیستی بوده و از غنای کافی و بیان دیدگاه همه‌جانبه‌نگر محروم است.

«جایگاه رشته مطالعات زنان در آموزش عالی، به‌مثابه زیربنای دستیابی زنان به عرصه‌های مدیریتی»، (عامری و شریعت پناهی، ۱۳۹۴) در همایش ملی «زن و مدیریت در نظام آموزش عالی» ارائه شده است. نویسندگان با روش تحقیق اسنادی و تکیه بر یافته‌های پژوهشی این حوزه و با تحلیل تطبیقی جایگاه و تأثیرگذاری رشته با توجه به سرفصل‌های آموزش عالی در ورود زنان به عرصه‌های مدیریتی را بررسی کردند. عامری و شریعت پناهی معتقدند آنچه امروز به‌عنوان رشته مطالعات زنان در کشور ارائه می‌شود به‌دلیل تأثیر سیاست‌های متفاوت در برهه‌های زمانی مختلف، از تفکر موسسین رشته و استانداردهای جهانی دانش مطالعات زنان تا اندازه‌ای دور شده است و نیاز است رشته مورد بازنگری جدی قرارگیرد تا از ظرفیت‌های آن در راستای مسئله‌شناسی زنان و افزایش کیفی و کمی حضور آنان در عرصه‌های مدیریتی استفاده شود.

باتوجه به ادبیات پژوهشی موجود در حوزه «بررسی انتقادی رشته مطالعات زنان»، بررسی ارتباط سرفصل‌ها با تجربه زیسته دانش‌آموختگان به شیوه تحلیل محتوای تجربه زیسته مورد بررسی قرار نگرفته است. زمانی که مفاهیم و آموزه‌های سرفصل‌های درسی رشته مطالعات زنان به تجربه زیسته دانشجویان ورود کند، در این شرایط می‌توان نسبت به ارزیابی و تحقق اهداف تأسیس رشته (حل مسائل زنان) قضاوت نزدیک به واقع داشت.

مفهوم‌شناسی

مفهوم «تجربه زیسته» در این پژوهش همان اصطلاح مورد استفاده در مطالعات پدیدارشناختی است: بازنمایی تجربیات و انتخاب‌های یک شخص معین و دانشی که او از این تجربیات و انتخاب‌ها بدست آورده است. این اصطلاح که در هرمونوتیک و فلسفه ویلهلم دیلتای^۱ کاربرد داشته است، در لغت به زبان آلمانی به معنای «رویداد تجربه شده و همچنین رویدادی که فردی به نحوی تأثیر گذار و خاص تجربه کرده باشد» و در دانشنامه بروکهاوس^۲ (۲۰۲۲) «درونی شدن یک رویداد مهم و معنا بخش درونی یا بیرونی» معنا شده است. دغدغه اصلی دیلتای مرزنامه‌ی علوم و مشخص کردن تفاوت میان علوم طبیعی و علوم روحی (انسانی) بوده است و همچنان که علوم طبیعی، طبیعت را توضیح می‌دهند در علوم انسانی بیان‌ها و جلوه‌های گوناگون زندگی فهم می‌شوند. ون منن^۳ از جمله کسانی که موفق شد رویکرد فلسفی و نظری پدیدارشناسی را در قالب راهکارهای عملی برای

^۱. Wilhelm Dilthey

^۲. Brockhaus

^۳. Van Manen



اجرای آن ارائه کند معتقد است تجربه زندگی از دل زندگی و حیات هر فرد حاصل می‌شود و آن را تجربه زیسته فرد می‌داند. اصولاً معنی بر اساس تجربه زندگی بنا شده است و بر این پایه دلیلتای معتقد است دریافت تجربه زیسته دیگری از طریق انتقال ذهنی به دلیل مشابهت‌ها و اشتراکات تجربه‌های زیسته که ما را به یک عالم انسانی مشترک وارد می‌کنند ممکن و میسر است. با به نکات اشاره شده با وجود آنکه تجربه زیسته عمیقاً فردی است و درک آن برای دیگری غیرممکن است، مانند درک ناپذیری تجربه زیسته زنان برای مردان، با این حال این تجربه ویژه می‌تواند به تجربه ویژه یک گروه تبدیل گردد و به دلیل مشابهت‌ها و اشتراکات، ما را به یک عالم انسانی مشترک می‌رساند (نواب، ۱۳۹۵).

در راستای بررسی نسبت محتوای ارائه شده و تجربه زیسته نیازمند بررسی آموزش‌های دانشگاهی و تأثیر آن بر تجربه دانشجویان هستیم. اصلی‌ترین هدف آموزش یادگیری است (دهقان‌زاده، ۱۳۹۵). فرنگ و قاسم زاده (۱۳۹۶) برنامه‌های درسی را از عناصر اساسی در نظام تعلیم و تربیت و به‌ویژه در آموزش عالی می‌دانند که می‌تواند در بهبود و پیشرفت نظام آموزشی و تحول در اجتماع مفید باشد. میرزا بیگی در کتاب خود (۱۳۸۰) نشان می‌دهد محتوای آموزشی یکی از عناصر عمده‌ای است که هدف برنامه یعنی یادگیری مورد نظر از طریق آن تحقق می‌یابد. بنابراین، محتوا چیزی است که قرار است آموزش داده شود و یا آنچه می‌خواهیم یاد گرفته شود (مومنی، ۱۳۹۵). فتحی و اجارگاه (۱۳۸۹) برنامه‌های درسی دانشگاهی را به چهار عنصر دروس کلی یا آزاد، دروس دانشگاهی تخصصی، دروس دانشگاهی نیمه تخصصی و دروس اختیاری تقسیم می‌کند. از لحاظ عملی حداقل دو نوع محتوا در هر ماده درسی قابل شناسایی است: محتوای مکتوب (به معنای کتب درسی و منابع معرفی شده) و محتوای شفاهی (تدریس و توضیح ارائه‌دهندگان). در بیان دیگر، محتوای درسی را می‌توان به محتوای علمی و اجتماعی تقسیم کرد. جمالی زواره و همکاران (۱۳۸۸) معتقدند محتوای علمی مجموعه اطلاعات، آگاهی و مهارت‌هایی است که فراگیر باید در یک دوره خاص در زمینه خاص به دست آورد که علاوه بر دانش و اطلاعات در یک موضوع مهارت‌هایی مانند حل مسئله، تفکر انتقادی و دیگر مهارت‌های کلی را شامل می‌شود و مهارت‌های اجتماعی مجموعه ارزش‌ها و نگرش‌هایی است که از طریق محتوا انتقال می‌یابد. برنامه درسی ابزاری برای فراهم ساختن فرصت‌های لازم برای توسعه و تقویت آگاهی و مهارت‌های شخصی و حرفه‌ای متعدد به شمار می‌رود و از مهم‌ترین عناصر و ابزار تحقق بخشیدن

به اهداف و رسالت‌های کلی آموزش عالی است (شادفر و همکاران، ۱۳۹۰). محتوای آموزشی برای یادگیری افراد تولید و ارائه می‌شوند به هر میزان افراد در هنگام یادگیری نقش فعال‌تری داشته باشند، محتوای تولیدشده عملکرد بهتری خواهد داشت. سطح ارتباطی برقرار شده میان محتوای رشته مطالعات زنان به مثابه رشته‌ای دانشگاهی با دانش‌آموختگان این رشته را نیز می‌توان در این چارچوب مفهومی جست‌وجو کرد.

روش پژوهش

باتوجه به مسئله پژوهش، از روش کیفی، ابزار مصاحبه و تکنیک تحلیل محتوا در انجام پژوهش بهره‌برده شد. جامعه هدف سرفصل‌های درسی مصوب وزارت علوم در رشته مطالعات زنان است. نمونه‌گیری هدفمند انتخاب سه واحد درسی، از سرفصل‌های دروس پایه و تخصصی گرایش زن و خانواده انجام شده است که عبارتند از:

۱- جنبش‌های اجتماعی زنان و نقد و بررسی فمینیسم

۲- تاریخ تحولات خانواده از دروس تخصصی

۳- آسیب‌شناسی مسائل زنان و خانواده از دروس تخصصی

در مورد چرایی انصراف از سایر مواد درسی و تمرکز بر سرفصل‌های سه‌گانه می‌توان گفت با تحلیل محتوای سرفصل‌های منتخب رفت و برگشت معرفت‌افزایی مطالعات زنان را در جغرافیای فرد - خانواده می‌توان دریافت. مواد درسی فوق از دروس پایه و تخصصی این گرایش است که توسط شورای تحول وزارت علوم در سال ۹۳ تصویب شده درحالی‌که محتوای ارائه شده مرتبط با سرفصل‌ها در دانشگاه‌های مجری متفاوت است. همچنین این سرفصل‌ها در مقایسه با سایر سرفصل‌ها (دروس مرتبط با حوزه دانشی حقوق، تاریخ و روان‌شناسی) بیشتر از رویکرد جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی تاریخی و تحولات اجتماعی به مسئله زن و خانواده پرداختند و در تلاش هستند فرآیند تحولات وضعیت زنان را در دوران مختلف و سنخ مسائل آنان را تبیین کنند. جامعه مشارکت‌کننده دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد سه دانشگاه ادیان و مذاهب، الزهرا و علامه طباطبایی پذیرفته شده در سال ۱۳۹۸ هستند که بدون لحاظ متغیر جنسیت مورد مطالعه قرار گرفتند. این افراد با روش گلوله‌برفی برای مصاحبه تعیین شدند. باتوجه به شرایط ویژه (پاندمی کووید ۱۹)، مصاحبه به صورت غیرحضور و از طریق تماس تلفنی انجام شده است. قبل از انجام مصاحبه، با استفاده از پیام‌رسان واتس‌آپ، هماهنگی نخستین و ارسال سؤالات کلی مصاحبه به شرکت‌کنندگان



انجام شد تا افراد نسبت به کلیت موضوع گفتگو آمادگی داشته باشند. در همان روز با فاصله حداکثر ۶ ساعت، مصاحبه کامل انجام می‌شد. تمام مصاحبه‌ها ضبط و کامل و بدون هیچ ویرایشی پیاده‌سازی شدند. ابتدا یک نمونه آزمایشی انجام شد. پس از استخراج کدهای ابتدایی و اصلاح سؤالات و فرآیند مصاحبه، سایر نمونه‌ها مورد مصاحبه قرار گرفتند.

جدول ۱. منابع به تفکیک دانشگاه مجری

واحد درسی دانشگاه	آسیب‌شناسی مسائل زنان	تاریخ تحولات خانواده	جنبش‌های زنان و تاریخ تحولات فمینیسم
ادیان و مذاهب	آسیب‌شناسی خانواده (مجموع مقالات)، سید جعفر حق شناس	تحولات خانواده، بهنام جمشید	درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی، رزماری تانگ
طباطبائی	رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی، ارل رابینگتن	درآمدی بر مطالعات خانواده، جان برناردز	چهار تعلق از فمینیسم: الیسون جگر (مقاله) از جنبش تا نظریه، حمیرا مشیرزاده فمینیسم تاریخیچه، نظریات، گرایش‌ها و نقد، نرجس رودگر
علامه	رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی، ارل رابینگتن	تحولات خانواده، بهنام جمشید	درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی، تانگ
الزهرا	رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی، ارل رابینگتن ایران (جامعه‌شناسی اقشار آسیب پذیر). سعید، معیدفر	تحولات خانواده، بهنام جمشید	نظریه‌های فمینیستی، ژوزفین دانون از جنبش تا نظریه، حمیرا مشیرزاده
	جامعه‌شناسی الگوهای خانواده ایرانی، پس از مناقشه‌های مدرنیته در ایران سهیلا صادقی، عرفان منش.	تغییرات، چالش‌ها و آینده خانواده ایرانی، نقی آزاد از مکی	جامعه‌شناسی زنان، پاملا آبوت منبع‌شناسی جنسیت (شامل چند عنوان کتاب) نانسی چودرو، فاطمه مرنیسی، ویرجیانا وولف، بتی فریدان، اندرا دورکین، لوسی ایریگاری، جودیت باتلر، آن اوکلی
	رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی، رابینگتن، ارل زوال پدرسالاری، فروپاشی خانواده یا ظهور خانواده‌ی مدنی، سید محمد امین قائمی راد	عشق سیال، زیگمونت باومن	در طرح درس اسامی فمینیست‌های بالا معرفی و برای هر کدام از اشخاص منابعی از کتب، مقاله و وب سایت معرفی شده است

جدول شماره ۳، مشخصات مشارکت‌کنندگان را نشان می‌دهد. به هر کدام از مشارکت‌کنندگان کدی شامل عنوان مخفف دانشگاه محل تحصیل اختصاص داده شد. بنابراین ALZ، ALA، AD به ترتیب مخفف سه دانشگاه الزهرا، علامه طباطبایی و ادیان و مذاهب است.

جدول ۲. مشخصات مشارکت‌کنندگان در مصاحبه

ردیف	جنسیت	تاهل	فرزند	شغل	رشته کارشناسی
ALAM	زن	مجرد	-	دانشجو	فلسفه
ALAA	زن	متاهل	-	دانشجو-خانه‌دار	مهندسی عمران
ALAK	زن	متاهل	-	دانشجو-خانه‌دار	حسابداری
ALAH	زن	مجرد	-	فعال فرهنگی	کامپیوتر
ALAP	زن	متاهل	۲	دانشجو-خانه‌دار	پژوهشگری اجتماعی
ALZJ	زن	مجرد	-	فعال اجتماعی	فقه و حقوق
ALZP	زن	مجرد	-	کارمند	مردم‌شناسی
ALZA	زن	متاهل	-	مددکار اجتماعی	مطالعات خانواده
ALZH	زن	متاهل	۲	معلم-فعال اجتماعی	جامعه‌شناسی
ALZS	زن	مجرد	-	دانشجو	ژنتیک
ADK	زن	متاهل	۳	مدرس-فعال اجتماعی	فلسفه
ADA	زن	متاهل	۱	کارمند	شیمی
AND	زن	متاهل	-	خانه‌دار	حوزوی
ADS	مرد	متاهل	۲	دانشجو-کارمند	حوزوی
ADT	مرد	متاهل	۲	دانشجو-کارمند	حوزوی

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند با توجه به تجربه زیسته دانشجویان سه سطح ارتباطی میان محتوا و دانشجو وجود دارد که به ترتیب سطح دانش (آگاهی)، سطح نگرش (تغییر دیدگاه) و سطح کنش است. کنش بر مبنای یادگیری (تغییر رفتار پایدار) به مثابه عمیق‌ترین سطح کاربریست مفاهیم در تجربه زیسته تلقی می‌شود. رابطه متقابل این سه سطح هم‌راستا با نقش استاد و دانشجو به مثابه بازیگران اصلی انتقال و دریافت مفاهیم و آموزه‌های سرفصل‌های درسی را می‌توان در این پژوهش دریافت. همچنان که ساخت اجتماعی (فرهنگ، ساختارهای اجتماعی و سیاست‌گذاری) نیز بستر



غیرقابل انکار در چرخه انتقال، دریافت و کاربست مفاهیم در تجربه زیسته دانشجویان است. دانشجویان از زوایای مختلف عوامل مؤثر بر کاربست مفاهیم و آموزه‌های سرفصل‌های منتخب را در تجربه زیسته خودشان روایت کردند. جدول ذیل، مقولات و زیرمقوله‌های چگونگی کاربست مفاهیم در تجربه زیسته دانشجویان را به تصویر می‌کشد.

جدول ۳. مقولات و زیرمقوله‌های چگونگی کاربست مفاهیم و آموزه‌های سرفصل‌های رشته مطالعات زنان در تجربه زیسته دانشجویان این رشته

شماره	مقوله	زیر مقوله
۱	توانمندسازی دانشجو در تفکر خلاق و نقادانه	افزایش قدرت تحلیل با الزام به مطالعه منابع و پرخوانی تمرین مهارت تفکر نقادانه با ترغیب به تفکر و تحلیل مسائل اجتماعی نیاز به ایجاد نگرش نقادانه به گرایش‌های فمینیستی در مقابل رویکرد حذف و رد کلی آن ضرورت آموزش دید چندجانبه و دقت و جزئی‌نگری در مسائل دانشجویان فاقد دانش جامعه‌شناسی در درک مباحث دچار مشکل می‌شوند
۲	ضعف دانش زمینه‌ای و ضرورت تجهیز دانش زمینه‌ای دانشجو در راستای بهره‌وری بیشتر از مباحث	صرف زمان محدود کلاس به مفاهیم پایه جامعه‌شناسی راهکار اساتید در تجهیز دانشجو به اطلاعات جامعه‌شناسی: برگزاری کارگاه جامعه‌شناسی، الزام به مطالعه منابع و انجام برخی تکالیف کلاسی نیاز به ارائه واحد پیش‌نیاز جامعه‌شناسی محدودیت زمانی در ارائه واحدهای اصلی در مقابل ارائه واحدهای غیرضروری عدم پرداختن به مباحث روز و چالشی در مقابل پرداخت به مباحث نظری و تاریخی
۳	عدم کفایت سرفصل‌های مصوب (در پوشش مسائل عینی و فقدان لحاظ واحد مناسب با محتوای سرفصل و زمان کافی)	فقدان محتوای بومی با توجه به جغرافیای فرهنگی ایران و عدم توجه به کشورهایی با اشتراکات فرهنگی فقدان نوآوری و پژوهش در مسائل بی‌پاسخ و چالشی هم‌پوشانی محتوا و سرفصل‌های مشترک در واحدهای مختلف عدم یادگیری مهارت‌های کاربردی از جمله تحلیل و پژوهش تناقض مفاهیم ارائه شده در واحدها ضرورت بازنگری در سرفصل‌ها از نظر کارآمدی، محتوا و اهداف رشته
۴	روزآمدسازی سرفصل‌ها سرآغاز کارآمدی و تحقق اهداف	فقدان دید تخصصی در طراحی و بازنگری رشته اهمیت تخصص زمینه‌ای دانشجویان و بازبینی در راستای تربیت متخصص

شماره	مقاله	زیر مقاله
۵	ادبیات مفهومی و نظری پل ارائه نقادانه و تبیین علمی و عبور از مطلق گرایی	تأثیر مسائل سیاسی بر رشته بیش از نگاه علمی فقدان همراستایی محتوا و سیاست های اجرایی با ماهیت میان رشته ای فقدان بستر کاربرد و کنش اجتماعی در رشته مطالعات زنان فقدان مهارت استدلال و مباحثه در دانشجویان فقدان توانمندی رشته در ارتباط با مسائل فقهی محتوای غربی و فقدان رویکرد اسلامی کمبود محتوای بومی ناکارآمدی رشته در اصلاح قوانین نقد مفاهیم و نظریه ها مؤثر در فرآیند یادگیری تبیین و نقد منجر به پیشگیری از موضع گیری احساسی در ارتباط با مسائل زنان تبیین علمی و آسیب شناسانه منجر به فهم عمیق زنان و شرایطشان عبور از مطلق گرایی و ایجاد بینش بیطرفانه نسبت به رویکردها و نظریات
۶	تعارض عین و ذهن در مباحث مطالعات زنان	تردید دانشجویان نسبت به مفروضات ذهنی با محتوای ارائه شده سرخوردگی از هویت و مبارزات زنان، نتیجه فقدان مقاله نقد تمایل دانشجویان به تفکرات فمینیستی در غیبت رویکرد آموزش همراه با نقد، تحلیل و تبیین تعارض نگاه اسلام و واقعیت های اجتماعی و عدم پذیرش جامعه نسبت به حقوق زن در اسلام چالشی بودن ورود مفاهیم برابری طلبانه به خانواده تعارض واقعیت اجرایی رشته و ذهنیت دانشجویان نسبت به رشته تعارض برخی مفاهیم فمینیستی با طبیعت و چرخه زیستی انسان فقدان وجه عام خواسته های فمینیستی و عدم پوشش نیازهای زنان
۷	مناسبات ساخت اجتماعی (فرهنگ) با مفاهیم و نظریات مطرح در رشته مطالعات زنان	عدم تحقق حقوق اسلامی و قانونی زنان در نهادهای رسمی پذیرش جامعه نسبت به مفاهیم حقوقی و پاسخ به شبهات در مقابل مباحث انتقادی مطالعات زنان کنشگری انتقادی حرکتی مخالف جریان جامعه فقدان فرهنگ پذیرش تضارب آرا در جامعه و دانشجویان نهادینگی باورهای سنتی در دانشجویان و جامعه همسانی مطالعات زنان با فمینیسم (تجربه انگ فمینیستی) در جامعه چهارچوب فکری جامعه در مورد زنان و نقش قانون و فقه در آن



شماره	مقاله	زیر مقاله
۸	اجتناب از کنشگری فعالانه و آگاهانه	<p>پذیرش وضع موجود توسط زنان و کمک به بازتولید آن نگرانی از تحدید بنیان‌های خانواده توسط مفاهیم مطالعات زنان ترس از انگ فمینیستی پیشگیری از بروز مشکلات خانوادگی عدم اعتقاد دانشجویان به ارتباط مفاهیم با سپهر خصوصی اجتناب از چالش‌های کنشگری اصلاح طلبانه عدم تجربه حس تبعیض و مطلوب دانستن وضع موجود تجربه باز خورد منفی از کنشگری فقدان حس اتحاد و همدلی زنان تنها مسائل بسیار بغرنج نیاز به کنش و اصلاح دارند ناامیدی از تغییر شرایط جامعه آموزش تدریجی و نرم مباحث مطالعات زنان در جامعه در راستای افزایش تاب آوری جامعه نسبت به مباحث زنان عدم آگاهی آحاد جامعه از اهمیت کنشگری در تعیین سرنوشت اجتماعی</p>
۹	مناسبات آموزش و آگاهی اجتماعی و نحوه مواجهه با مفاهیم رشته مطالعات زنان	<p>ضعف آگاهی زنان از حقوق خود و بهینه قلمداد کردن وضع موجود شهرهای دور از مرکز: آگاهی کمتر و موضع گیری بیشتر به رشته رابطه معکوس افزایش سن مخاطبان با پذیرش مفاهیم انتقادی نقش مؤثر گفتگوی کلاسی و مشارکت دانشجویان بر یادگیری تأثیر مثبت تدوین مقالات و کار کلاسی در یادگیری توانمندی علمی اساتید و تبیین (ادبیات نظری و مفهومی، تحلیل و نقد) در یادگیری عدم تبعیت اساتید از سرفصل‌های مصوب سوگیری، فقدان جامعیت و ضعف در ساختار منابع معرفی شده توسط اساتید اجتناب برخی اساتید از چالش‌های ماهیت رشته (پرخوانی منابع متعدد، اجتناب از مباحث چالش برانگیز، ماهیت میان رشته‌ای) نقش مؤثر زیست زنانه استاد در انتقال مفاهیم محدودیت اساتید متخصص محتوا فاقد ویژگی توانمندی سازی در راستای اشتغال فقدان تخصص در فارغ التحصیلان مطالعات زنان توقع کار استخدامی دولتی و اداری در دانشجویان</p>
۱۰	نقش استاد در انتقال و کار بست مفاهیم رشته مطالعات زنان	
۱۲	فقدان بازار کار و زمینه‌های شغلی متناسب با رشته	

شماره	مقاله	زیر مقاله
۱۳	نقش دانشجوی در دریافت و کاربست مفاهیم رشته مطالعات زنان	فقدان تعریف جایگاه شغلی مشخص توسط سیاست‌گذاران عدم استفاده از فارغ‌التحصیلان رشته در مشاغل مرتبط با زنان عدم آگاهی نسبت به محتوای رشته و انتخاب ناآگاهانه دانشجو بدون انگیزه و علاقه، فاقد تلاش کافی است مدرک‌گرایی، در مقابل یادگیری عمیق و پرخوانی ضعف دانشجوی تربیت شده در سیستم آموزشی نمره محور نبود سازوکار مناسب در گزینش دانشجویان توانمند و با انگیزه عدم توانمندی ویا انگیزه دانشجویان برای مطالعه منابع متکثر و پژوهش متعدد فقدان تمرکز و توجه دانشجوی به مباحث در فضای کلاس موفقیت افراد با روحیه پرسشگری و انتقادی دریافت دید حساس جنسیتی و فهم هژمونی فرهنگ مردسالار
۱۴	رویکرد حساس جنسیتی و فهم سازوکار قدرت (مردسالاری) در دانش‌آموختگان	تبیین سازوکار قدرت براساس تفاوت‌های جنسیتی و جایگاه زنان در جامعه، بازار و خانواده تشخیص نقش رسانه در بازتولید تبعیض و نقش‌های جنسیتی باور به نقش مشارکتی والدین ایجاد هویت مشترک زنانه و تشکیک در باور رایج جامعه به نقش‌های جنسیتی زنان و ناعادلانه دانستن آنان تأثیر ناخودآگاه سرفصل‌های درسی بر بازاندیشی نگرش فردی (کمترین سطح)
۱۵	تأثیر ناخودآگاه مفاهیم بر نگرش و بینش دانشجویان	عدم توانایی دانشجوی در تبیین و تحلیل و رشدیابی مفاهیم مؤثر بر نگرش خود

۱. توانمندسازی دانشجوی در تفکر خلاق و نقادانه: غفاری و همکاران (۱۳۹۹) تفکر خلاق را فرایند حس کردن مشکلات، مسائل، شکاف در اطلاعات، عناصر گم شده، چیزهای ناجور، حدس زدن و فرضیه‌سازی در مورد نواقص و آزمون این فرضیات و در نهایت انتقال نتایج عنوان کرده‌اند. باتوجه به اهمیت تفکر خلاقانه در مفهوم میان‌رشته‌ای و مطالعات زنان، ارتقا این مهارت در دانشجویان از عوامل مؤثر در کاربردی محتوا در زیست دانش‌آموختگان در راستای اهداف مصوب است. چراکه (شورای عالی برنامه‌ریزی، ۱۳۹۳) تربیت نظریه‌پردازان و کارشناسان متعهد در راستای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی حوزه زن و خانواده، ارتقا و توسعه پژوهش، تولید علم بومی و تبیین علوم اجتماعی بر اساس مبانی اسلامی را از اهداف رشته مطالعات زنان عنوان کرده‌است. «اتفاقات و مسائل که در کشور دارد اتفاق می‌افتد ... استاد از ما می‌خواست بروید و راجع به موضوع تحقیق



و تحلیل کنید ... و ببینید دلیلش چه بوده است و کدام نظریه از کدام رویکرد در حل این مسئله استفاده شده بر اثر کدام اتفاق به وجود آمده این خیلی به ما کمک می‌کند (ALZA)». یافته‌ها نشان می‌دهد الزام به مطالعه منابع، ترغیب به تفکر و تحلیل مسائل اجتماعی، خلق نگرش نقادانه به گرایش‌های فمینیستی به جای رویکرد حذف و رد کلی آن و ضرورت آموزش دید چندجانبه و جزئی‌نگری در مسائل می‌تواند دانشجویان را در راستای دستیابی به اهداف تأسیس رشته و در نهایت مواجهه منطقی با مسائل اجتماعی و حل آن توانمند سازد.

۲. ضعف دانش زمینه‌ای و ضرورت تجهیز دانش زمینه‌ای دانشجو در راستای بهره‌وری بیشتر از مباحث مطالعات زنان: مقوله فوق به عدم شناخت دانشجو با مباحث عمومی جامعه‌شناسی اشاره دارد. بنا بر گفته دانشجویان «بچه‌های مطالعات زنان یکی از بزرگترین مسائلی که دارند این است که از رشته‌های مختلف به این رشته آمده‌اند یعنی اساساً خیلی پایه علوم انسانی ندارند و خیلی پایه نظریه‌های جامعه‌شناسی ندارند و احتیاج هست که این مباحث نظری برای بچه‌ها جا بیفتد (ALZH)» برخی از دانشجویان معتقد بودند که به دلیل فقدان دانش جامعه‌شناسی در درک مباحث دچار مشکل می‌شوند «بچه‌ها... شاید به صورت پیش نیاز باید توی ترم‌های نخست نظریه‌های جامعه‌شناسی رو بگذرانند (ALZJ)»، ضمن آن که بخش قابل توجهی از زمان محدود کلاس برای ارائه مفاهیم پایه جامعه‌شناسی صرف می‌شود «فقط ۵ دقیقه طول می‌کشید تا استاد بتواند برای بچه‌ها مفاهیمی مثل دیوار شیشه‌ای یا سقف شیشه‌ای را توضیح دهد (ADT)». بنابراین، ارائه واحدهای درسی جامعه‌شناسی در قالب واحدهای پیش‌نیاز ضروری به نظر می‌رسد. راهکار دیگر، برگزاری برخی کارگاه‌های نظریه‌ها و مفاهیم جامعه‌شناسی و الزام دانشجویان به مطالعه منابع و انجام برخی تکالیف درسی است.

۳. عدم کفایت سرفصل‌های مصوب (در پوشش مسائل عینی و فقدان لحاظ واحد مناسب هم‌سو با محتوای سرفصل): این مقوله در مجموع کدهای ابتدایی استخراج شده به سه مسئله اشاره می‌کند:

۱- کمبود زمان در ارائه محتوای مناسب واحدهای درسی (عدم امکان ارائه سرفصل‌های مصوب در محدوده زمانی تعیین شده)

۲- نقص در سرفصل‌های مصوب (هم‌پوشانی محتوا در سرفصل‌های طراحی شده، فقدان همراستایی سرفصل‌ها با ماهیت میان‌رشته‌ای و عدم توانایی سرفصل‌ها در پوشش موضوع)

۳- ضعف محتوای ارائه شده (عدم پرداختن به مسائل روز جامعه و پرداختن به مباحثی که چالش روز جامعه نیست، پرداختن به مسائل جوامع غربی ناهمخوان با جامعه ایرانی، توجه به مباحث نظری در مقابل مباحث کاربردی، فقدان توجه به آسیب‌های متناظر با جامعه ایرانی و ارائه راه‌حل برون‌رفت در چارچوب فرهنگ بومی، عدم توجه به فمینیسم اسلامی در مقابل فمینیسم غربی، فقدان توجه به شرایط کنونی جنبش‌های زنان در غرب و ایران، عدم استفاده از تجربیات و پژوهش‌های کشورهای مشترک حوزه فرهنگی مانند عراق و ترکیه در مسائل زنان، تناقض مفاهیم ارائه شده در واحدها). دانشجویان بیان کردند «رشته بیشتر حول مسائل تاریخی و مسائلی که توی کتاب‌ها است.... تصور می‌کردم وارد دانشگاه می‌شوم می‌توانم برای ... معضلات حوزه زنان ... جواب پیدا کنم (ADK)» یا «برخی از سرفصل‌های وزارت علوم که برای برخی از درس‌ها داده‌است عملاً قابل اجرا در زمان تعیین شده نیست (ADT)». بنابراین، موارد فوق ارتباط کارآمد دانشجویان با محتوا و کاربری محتوا در تجربه زیسته را تحت تأثیر قرار داده‌است. این امر نیز در نهایت بر تحقق اهداف تأسیس رشته نیز تأثیر گذار است. از نگاه آنان بازتعریف دروس و سرفصل آنها از مهم‌ترین اقدامات مورد نیاز در راستای کاربردی سازی و بهبود شرایط رشته است.

۴. روزآمدسازی رشته مطالعات زنان سرآغاز کارآمدی و تحقق اهداف رشته مطالعات زنان:

این مقوله به مسائل کلان رشته از قبیل ماهیت، اهداف و سیاست‌گذاری رشته و اهمیت و ضرورت بازبینی آنها از منظر دانشجویی می‌پردازد. ناتوانی رشته در تبیین، تحلیل و نقد رویکرد اسلام به زن، فقدان نظریه‌پردازی اسلامی در مقابل نگاه اومانستی حاکم بر نظریه‌های جامعه‌شناسی، فقدان بستر کاربرد و کنش اجتماعی در رشته، لزوم بازبینی رشته در راستای تربیت متخصص، ناکارآمدی رشته در اصلاح قوانین، فقدان پاسخگویی رشته به چالش‌های فقهی و مسائل زنان، نیاز به بازبینی رشته از نظر کارآمدی و به‌روز رسانی محتوا، اجتناب استادان از مباحث نقادانه هم‌راستا با تحولات به‌دلیل حساسیت‌های موجود نسبت به رشته مطالعات زنان، تأثیر مسائل سیاسی بر رشته مطالعات زنان، فقدان کارشناسی علمی و تخصصی در طراحی و بازنگری سرفصل‌ها محور نظرات دانشجویان نسبت به رشته مطالعات زنان است. «اینها که سرفصل‌ها را نوشته‌اند یا زیر منگنه بوده‌اند یا می‌خواسته‌اند زودتر این کار را انجام دهند و آتو به دست فمینیسم‌ها نداده باشند (ADT)»، «فعلاً که این رشته توانسته است باعث شود قوانین در حوزه خانواده بهتر و محکم‌تر شود در مورد کار، اشتغال ازدواج زنان تأثیر بیشتر باشد (ALZP)».



۵. ادبیات مفهومی و نظری، پل ارائه نقادانه و تبیین علمی و عبور از مطلق‌گرایی: در تجربه دانشجویان اهمیت تبیین همه‌جانبه موضوع از جمله نقد مباحث قابل توجه است. تبیین همه‌جانبه به معنی پرداخت به ادبیات مفهومی (از قبیل تعاریف و تاریخچه)، ادبیات نظری (نظریات مرتبط)، تحلیل همه‌جانبه و درنهایت آسیب‌شناسی و نقد است. از نظر دانشجویان، نقد مفاهیم و نظریه‌ها ضمن آنکه در فرآیند یادگیری مؤثر هستند از موضع‌گیری احساسی نیز پیشگیری می‌کند. همچنان که تبیین علمی و آسیب‌شناسانه به فهم عمیق مسائل زنان منجر می‌شود و زمینه لازم را برای عبور از مطلق‌گرایی و ایجاد بینش بیطرفانه نسبت به رویکردها و نظریات ایجاد می‌کند «خواندن نقد جنبش‌های فمینیستی و در آوردن ایرادهای این جنبش‌ها نخست اینکه کمک می‌کرد ذهن آدم از اینکه یک طرفه یک موضوع را ببیند سیاه یا سفید ببیند بیاید بیرون یعنی مطلق‌گرایی را از ذهن آدم بیرون می‌آورد (ALZH)». همچنین دانشجویان معتقد هستند در صورت غیبت آموزش همراه با نقد، تحلیل و تبیین زمینه برای تمایل به تفکرات فمینیستی فراهم می‌شود. هرچند این شکل از تبیین با توجه به محدودیت زمانی و عدم آشنایی دانشجویان با مباحث زمینه‌ای در عمل دور از دسترس است. «فرق است بین فمینیسم لیبرال تا فمینیسم رادیکال و کاملاً دارند این را حذف می‌کنند. ما در اسلام هم داریم که نخست باید با آن ایده مواجه بشوید آن را بفهمیم آن وقت آن را رد کنیم نه اینکه مثلاً چون این آورده غرب است من کاملاً ردش کنم. (ALZH)»

۶. تعارض عین و ذهن در مباحث مطالعات زنان: عدم هم‌راستایی مفاهیم نظری ارائه شده با وضعیت موجود زنان در ایران (به‌طورکلی) و هر کدام از دانشجویان (به‌طورخاص) به‌نوعی چالش و تعارض در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی برخی از دانشجویان را سبب شده است. تضاد عین و ذهن در بستر «انتزاع» و «واقعیت محقق» در تجربه زیسته دانشجویان رشته مطالعات زنان قابل مشاهده است از قبیل: تضاد مفاهیم دروس با واقعیت رشته مطالعات زنان در دانشگاه‌ها، تضاد نظریات غربی با عینیت جامعه ایرانی، تعارض میان شعار و واقعیت جایگاه زن در جامعه، عدم پذیرش نگاه اسلام به حقوق زنان در سنت‌های رایج جامعه از قبیل شروط ضمن عقد و اجرت‌المثل، تعارض برخی مفاهیم فمینیستی با طبیعت و چرخه زیستی انسان، فقدان وجه عام مفاهیم فمینیستی و عدم جهان‌شمولی محورهای مبارزاتی. تضاد ایجادشده در نگاه دانش‌آموختگان نسبت به رشته و انگیزه آنان تأثیر داشته و کاربست محتوا در تجربه زیسته دانشجویان را مختل کرده است: «شرایط فرهنگی که در کشور وجود دارد برای سؤال ایجاد می‌شود که تو شبیه آن چیزی که می‌خوانی و دوست داری در زندگی نیستی (ALZH)» چرا که برخی از مباحث غربی ارائه‌شده اساساً امکان توجه و تحقق در جامعه ایرانی را ندارد. «آنجایی که

در فضای نظریاتی می‌مانند تضاد معنایی ندارند ... اما وقتی می‌آید در کانتکس جامعه ایرانی ... از اینجا به بعد چون ما تضاد ارزشی داریم با همدیگر ... این نظریات با جامعه ما جور در نمی‌آید (ALAH) «

۷. مناسبات ساخت اجتماعی (فرهنگ) با مفاهیم و نظریات مطرح در رشته مطالعات زنان:

تایلور^۱ (۱۸۷۱) فرهنگ را مجموعه پیچیده‌ای از دانش‌ها، باورها، هنرها، قوانین، اخلاقیات، عادات و هر چه که فرد به‌عنوان عضوی از جامعه خویش فرامی‌گیرد تعریف می‌کند. فرهنگ کنونی جامعه ایرانی نگاهی سلبی - ایجابی به زن دارد، از سویی با ترویج مادرانگی به مثابه نقشی والا مقام، زن را محور خانواده، انسان‌پرور و فداکار تعریف کرده و از سویی فعالیت اجتماعی، حرفه‌ای را برای زنان مستقل از هویت مادری و همسری اصیل نمی‌داند. «یکی از همکلاسی‌های ما حامله بود و سخت بود که سر کلاس حاضر شود بعد دانشگاه به او می‌گفت چرا نمی‌توانی سر کلاس حاضر شوی یا اینکه زایمان می‌کردی بعد می‌آمدی درس می‌خواندی (ALZP)». بنابراین تلاش زنان در راستای احقاق حقوق طبیعی خویش از قبیل کسب هویت مستقل از مادری و توجه به علایق و توانایی‌های فردی، تقسیم وظایف خانگی و نقش والدگری بر پایه مشارکت زوجین (در مقابل ایثارگری در مقام مادر و همسر که در فرهنگ ایرانی سهم مهمی در موفقیت مردان دارد) توسط جامعه پذیرفته نمی‌شود. «من مخالف این چیزها هستم مثلاً در بحث مشارکت در کار خانه اسلام فقط می‌گوید که مستحب است مرد در کار خانه کمک کند آنجا (دروس مطالعات زنان) تقریباً گفته می‌شد که مرد وظیفه‌اش است که کار خانه را انجام دهد (ADS)». زنانی که این‌گونه رفتار می‌کنند، از اقبال اجتماعی چندانی برخوردار نیستند. همچنین تصور هم‌راستایی رشته مطالعات زنان با فمینیسم و عدم کارایی و سودمندی آن از نگاه جامعه، در نگاه نامطلوب به مطالعات زنان مؤثر است. انگ فمینیست بودن به دلیل دانشجوی مطالعات زنان بودن «وقتی سه کلمه صحبت می‌کنیم در مورد مسائل زنان سریع می‌گویند فمینیست شده‌اید (ALAM)» و واکنش منفی جامعه نسبت به کنشگری در راستای مفاهیم اصلاحی منجر شده است دانشجو نسبت به استفاده از مفاهیم در زیست خود تجدیدنظر کند. چه بسا به دلیل چالشی بودن مسئله از آن اجتناب کند.

۸. اجتناب از کنشگری فعالانه و آگاهانه: ۱۳ نفر از مشارکت‌کنندگان به نوعی به اجتناب از

کنشگری اشاره کردند. دو نفر از مشارکت‌کنندگان که مرد بودند به اجتناب از کنشگری اشاره نکردند. این امر می‌تواند در دو سطح تحلیل شود: ۱) مشارکت‌کنندگان مرد علی‌رغم تحصیل در رشته مطالعات

^۱. Tylor



زنان اساساً ضرورتی برای کنشگری در حوزه مسائل زنان نمی‌دیدند و در نتیجه هیچ‌گاه با مانع مواجه نشدند؛ ۲) مردان به طور کلی در مقایسه با زنان از فرصت و فضای کافی و مناسب، بدون مواجهه با موانع اجتماعی یا مواجهه اندک با موانع برخوردار هستند و این امر کنشگری اجتماعی آنان را تسهیل و تسریع می‌کند. دلایل دانشجویان در اجتناب از کنشگری به موانع ذهنی و عینی قابل تقسیم است. موانع ذهنی از قبیل: اجتناب از کنشگری به دلیل عدم تجربه حس تبعیض جنسیتی و عدم هم‌ذات‌پنداری با مفاهیم انتقادی رشته «من تبعیض را درک نکرده‌ام و چنین حسی نداشته‌ام (ALAP)»، تنها افراد با هویت و زمینه شغلی خاص قادر به کنش اصلاحی هستند، تنها مسائل بسیار بغرنج و ملتهب در جامعه نیاز به کنش اصلاحی دارد «در اطرافم این چیزها نیست و نه آن‌طور شدید که در بعضی از جاها بحث می‌کنند، (ALZP)»، ناامیدی و پذیرش وضع موجود توسط مشارکت‌کننده است و موانع عینی عدم پذیرش مفاهیم ارائه شده در جامعه سنتی، پیشگیری از بروز مشکلات خانوادگی در مخاطبین، پیشگیری از تجربه چالش با خانواده «گفتند اگر این حرف تو درست باشد باز هم پایه‌های خانواده را متزلزل می‌کند آدم بهتر است که در این مورد ناآگاه باشد (ALZH)»، اجتناب از چالش با نهادهای حاکمیتی و دولتی «غالباً حتی کسانی که خودشان هم چنین وظایفی دارند در واقع مسئول رصد مشکلات هستند هم ترجیح می‌دهند دنبال مسائلی بروند که خیلی چالشی نباشد (ALZJ)». از یافته‌های مورد توجه پژوهش این است که مشارکت‌کنندگان کنشگری در راستای رشته را صرفاً در مسیر آگاهی‌بخشی به دیگران می‌دانند و کنش فردی در راستای کاربست مفاهیم و تأثیر آن بر انتخاب و تصمیمات دانشجو به ندرت قابل مشاهده است.

۹. مناسبات آموزش و آگاهی اجتماعی و نحوه مواجهه با مفاهیم رشته مطالعات زنان:

برخی از مشارکت‌کنندگان به نقش مثبت آموزش و آگاهی اجتماعی در پذیرش مفاهیم رشته مطالعات زنان اشاره کرد‌ه‌اند، کدهایی از قبیل فقدان شناخت از گرایش‌ها و مفاهیم فمینیسم منجر به واکنش افراطی به مباحث می‌شود، ناشناخته بودن مفاهیم زن و خانواده به دلیل فقدان ساختارها و پژوهش‌های مرتبط، زنان به دلیل عدم آگاهی، وضع موجود را طبیعی تصور کرده و اراده‌ای بر تغییر ندارند به کارآمدی آموزش و آگاهی اجتماعی در فهم و مواجهه بهتر با مفاهیم رشته مطالعات زنان اشاره دارد. بعد دیگر لزوم آموزش حقوق زنان در مدارس، در راستای نهادینه کردن مفاهیم از دوران ابتدایی آموزش است. کدهای رابطه معکوس بین افزایش سن مخاطبان مفاهیم مطالعات زنان و پذیرش مفاهیم به این موضوع اشاره دارد. «کنش اطرافیان بستگی به این داشت که من با چه جامعه‌ای سر و کار داشته باشم، دانش‌آموزان خوششان می‌آمد و می‌گفتند این حرف فشنگی است

ولی جامعه هدف دیگر من که جامعه سنتی بود خیر(ADT)) تجربه زیسته دانشجویان حاکی از آن است که آموزش و آگاهی اجتماعی مرتبط با حقوق زنان به جای مبارزه در راستای احقاق حقوق زنان تأثیر داشته است. دانشجویانی که تجربه تبلیغ مفاهیم داشتند با واکنش منفی جامعه مواجهه شده و به این نتیجه رسیده بودند که آموزش بیش از تلاش‌های فردی مستقل بر جامعه تأثیرگذار است «به این نتیجه رسیدیم که آگاهی خانم‌ها و حتی آقایان باید بالا برود و این باعث می‌شود که خانم‌ها آسیب کمتری ببینند و بحث آموزش رویش خیلی بیشتر تأکید بشود (ALZ SH)»، «شاید بشود مبارزه هم کرد ولی .. یک راه حل دیگر هم وجود دارد و آن افزایش آگاهی است (ADK)».

۱۰. نقش استاد در انتقال و کاربری مفاهیم رشته مطالعات زنان: دانشجویان فرایند انتقال

مفاهیم رشته مطالعات زنان را هنگام ارائه نامطلوب دروس توسط اساتید، مخدوش توصیف کردند. به همین نسبت کاربری مفاهیم نیز درک و محقق نشده است. ارائه مطلوب به مجموع ابزارها و روش‌های مورد استفاده استادان در راستای یادگیری بیشتر اشاره دارد و ترویج تفکر نقادانه، مهارت و دانش استاد در انتقال محتوا، برگزاری کلاس به شیوه تعاملی، مدیریت و هدفمند کردن مباحث، معرفی منابع مناسب و مرتبط با مباحث، بهره‌مندی از کار کلاسی در یادگیری را شامل می‌شود. از سوی دیگر، عدم اهتمام استاد به حضور فیزیکی و روانی دانشجو، عدم کفایت منابع معرفی شده، عدم توانمندی علمی و اجرایی برخی استادان، نامتناسب بودن سیر ارائه مطالب و ضعف ساختار علمی برخی منابع، اجتناب برخی استادان از چالش‌های ماهیت میان‌رشته‌ای مطالعات زنان (پرخوانی منابع متعدد و تفکر نقادانه)، عدم انعطاف استاد در بحث‌های گروهی «نیز به سهم استاد در انتقال مفاهیم رشته مطالعات زنان و در نهایت کاربری آنها در تجربه زیسته دانشجویان اشاره دارد».

۱۱. نقش دانشجو در دریافت مفاهیم رشته مطالعات زنان و کاربری آنها در تجربه

زیسته: دانشجو به‌مثابه عضوی از نظام آموزشی نقشی بسزایی در انتقال مفاهیم و فرآیند آموزشی ایفا می‌نماید. اگر مفاهیم آموزشی را پیام و اساتید را به فرستنده تشبیه کنیم در شرایط اختلال یا نبود گیرنده (دانشجو) تکمیل فرایند انتقال پیام ممکن نخواهد بود. به نظر می‌رسد دانشجو در ابعاد مختلف می‌تواند در فرآیند انتقال، دریافت و کاربری رشته مطالعات زنان تأثیرگذار باشد:

۱- انگیزه دانشجو: مشارکت‌کنندگان با انگیزه اصلاح‌طلبی ارتباط بهتری با مفاهیم برقرار کرده و سه سطح ارتباط با مفاهیم یعنی دانش، نگرش و کنش را تجربه کرده‌اند ۲- انتخاب رشته با آگاهی: مشارکت‌کنندگانی که پس از مطالعه و اطلاع از دروس و اهداف رشته مبادرت به تحصیل در رشته



کرده‌اند، با مفاهیم رشته مطالعات زنان بهتر ارتباط برقرار کرده و تجربه زیسته بهتری در کاربست مفاهیم داشتند. «علاقه‌ای که داشتیم به رشته روان‌شناسی بود، تصور من این بود که بیشتر در مورد بحث خانواده ورود/ می‌کند/ ولی مطالب بیشتر در مورد شبهات زنان بود (ADA)»، در مقابل «آدمی بودم که دنبال در دسر می‌گشتم... دنبال این می‌گشتم بروم ببینم کجا اشکالی وجود دارد یک چرایی برایش پیدا کنم وقتی که به من گفتن که اینجا/ رشته مطالعات زنان/ پر از در دسر است گفتم خوب است (ALAH)» دو دانشجو نسبت متفاوتی در درک و مواجهه با محتوای دروس رشته مطالعات زنان داشتند. دانشجوی دوم مفاهیم را در سطح کنش اجتماعی وارد کرده و با چالش‌های آن مواجهه مثبتی داشته است. دانشجویانی که ویژگی‌های میان‌رشته‌ای (پژوهش و پرخوانی منابع) مطالعات زنان را نپذیرفته بودند، رضایت و عملکرد کمتری را داشتند. «فکر می‌کنم مسئله بدی باشد که بحث ارشد را بدون کتاب مشخص انجام می‌دهند و یک چیز شاخص وجود ندارد و محور ندارد و خوب نیست (ADA)». ۴- ضعف در وظایف دانشجویی: عاداتی مانند روش حفظ مطلب و یادگیری در مقابل تفکر نقادانه، عدم توجه به ارائه اساتید، عدم مشارکت در مباحث، مدرک‌گرایی، مطالعه نمره‌محور در مقابل مطالعه تحلیلی.

۱۲. فقدان بازار کار و زمینه‌های شغلی متناسب با رشته: فقدان فرصت شغلی و در نهایت فقدان زمینه عملی و عینی لازم برای کاربست مفاهیم این رشته یکی دیگر از موانع ارتباط و کاربست مفاهیم رشته مطالعات زنان در تجربه زیسته دانشجویان این رشته است. بنابراین، عدم آگاهی دانشجویان از زمینه‌های کاری رایج همچون پژوهش، کنشگری اجتماعی، آموزش موجب شده تا دانشجویان انگیزه کافی در دریافت و درک مفاهیم نداشته باشند و در نهایت این سرفصل‌ها را در سطح نظری ارزیابی می‌کنند. از ۱۵ دانشجو مشارکت‌کننده تنها ۲ دانشجو اشتغال متناسب با رشته داشتند و در واقع به درآمد اقتصادی ثابت و بدون دغدغه رسیده بودند. یک دانشجو در زمینه پژوهش و تألیف مقاله و دو دانشجو مجری کارگاه شبهات فمینیستی بودند. یک دانشجو مفاهیم دریافتی از این رشته را در راستای توانمندسازی زنان حاشیه شهر به کار گرفته است. یک دانشجو نیز در صفحات مجازی فعالیت‌های ضد فمینیستی انجام می‌داد. سایر دانشجویان استفاده کاربردی از مفاهیم رشته عنوان نکرده‌اند. برخی مشارکت‌کنندگان نیز بیان کردند در شرایطی که طرف مشورت انتخاب رشته برای افراد قرار بگیرند، آنها را از انتخاب رشته مطالعات زنان برحذر می‌دارند، زیرا زمینه شغلی مناسب برای این رشته وجود ندارد. برخی از دانشجویان علت نبود فرصت شغلی مناسب برای

دانش‌آموختگان رشته مطالعات زنان را نبود تخصص دانشی کافی در این دسته از دانشجویان می‌دانند. «خیلی ارتباط دارد به اینکه خود دانشجو در یک فیلد کاری تخصص پیدا کرده باشد. خیلی از کسانی که در مطالعات زنان در زمینه‌های تخصصی و مدیریتی فعالیت می‌کنند وارد فیلد کاری شده‌اند که مرتبط با رشته‌شان هست بنابراین آن جایی که وارد شده‌اند احساس شده که ایشان متخصص هستند و می‌توانند بیایند آنجا کار کنند (ALZH)».

۱۳. رویکرد حساس جنسیتی و فهم سازو کار قدرت (مردسالاری): به نظر می‌رسد هرکدام از دانشجویان در طیف ارتباط، نسبت دور یا نزدیک‌تری با محتوا برقرار کرده و شاهد تغییرات نگرشی در اغلب دانشجویان هستیم. ۱۳ دانشجو به نگاه جنسیتی و فهم سازو کار قدرت مردسالار در جامعه اشاره کرده‌اند و به تأثیر آن بر شرایط زنان آگاه هستند و تنها دو دانشجوی مرد به این مسئله اشاره نکرده‌اند: «من قبل از اینکه وارد رشته شوم نسبت به مفاهیم پدر سالاری کاملاً غافل بودم (ALZH)»، «متوجه شدم چرا حقوق خانم‌ها پایین‌تر هست یا جایگاه شغلی آقایان بالاتر است... چرا خانم‌ها نمی‌توانند مدیر بشوند یا مدیر موفق شوند و متوجه شدم دید جامعه خیلی مؤثر است... من قبلاً حساس نبودم و نمی‌دانستم (ALZP)».

۱۴. محوریت مفاهیم نظری و فقدان مفاهیم کاربردی و عینی: استدلال مشارکت‌کنندگان در فقدان بعد کاربردی رشته مبتنی بر دو محور کلی است: ۱- عدم برقراری ارتباط با مفاهیم و یادگیری ۲- فقدان ظرفیت جامعه در پذیرش مفاهیم. همچنین پرتکرارترین گزاره کلامی در این مقوله ارائه مفاهیم نظری و فقدان بعد کاربردی محتوا است. به‌عنوان مثال اغلب دانشجویان واحد جنبش‌های اجتماعی زنان و تاریخچه فمینیست را دارای مفاهیم «نظری» و غیرقابل کاربرد در زمینه فردی، خانوادگی و اجتماعی تعبیر کردند. «بحث جنبش‌ها هیچ کمکی به ما نکرد چون این برمی‌گردد به شکل تخصصی به کسانی که می‌خواهند در این حوزه فعال باشند (ALZA)»، «اصلاً این طوری نیست که رفتی درس خواندی بیایی با خانواده برخورد کنی یا روش را عوض کنی اگر واقعیت را بخواهی هیچ‌کدام از این درس‌ها را نمی‌توانیم پیاده کنیم (ALZA)».

۱۵. تأثیر ناخودآگاه مفاهیم بر نگرش و بینش دانشجویان: مشاهده شد مشارکت‌کنندگان قادر به توصیف تغییرات بینشی و کنشی در خود نبوده و تأثیر محتوا بر دانشجو یک فرایند ذهنی ناخودآگاه است که به‌جز اندکی، دانشجو قادر به تشخیص این فرایند نیست. «بله من تأثیر گرفته‌ام



اما خوب نمی‌توانم بگویم که فقط از این واحد بوده است من در این دو سال آنقدر تغییر کرده‌ام که خانواده همش به من می‌گویند که تو آدم دو سال پیش نیستی (ALAH).

بحث و نتیجه‌گیری

سطوح کاربست مفاهیم و آموزه‌های رشته مطالعات زنان در تجربه زیسته دانشجویان را می‌توان در سطح دانش، بینش (نگرش)، کنش و تأثیر ناخودآگاه طبقه‌بندی کرد. سه سطح دانش، بینش (نگرش) و کنش در واقع سه ضلع اصلی در تجربه زیسته دانشجویان است. از سوی دیگر، ارتباط درون شبکه‌ای این سطوح با یکدیگر نیز قابل تأمل است. به این معنا که دانشجویانی که در سطح دانش به دلیل تضاد فرهنگی (فرهنگ قومیتی یا مذهبی) نتوانستند با مفاهیم ارتباط برقرار کنند، در سطح کنش، نیز به عنوان یک فرد کنشگر اجتماعی ظاهر نشوند، چرا که اساساً ضرورتی برای کنشگری نمی‌دیدند. همچنان که گاه در سطح بینش نیز فرد به فهم و تلقی هویت مشترک زنانه رسیده است ولی در سطح کنش، ساختارهای اجتماعی رایج را مردسالار تلقی می‌کند که به طور کلی در تحول وضعیت زنان و به طور خاص در کاربست مفاهیم و آموزه‌های مطالعات زنان در تجربه زیسته دانشجویان به مثابه مهمترین عامل تلقی می‌شود. از همین رو، کنشگری فعالانه و آگاهانه زنان متأثر از این ساختارها است و صرفاً اصلاحات و تحولاتی که از طریق نهادهای حاکمیتی و قدرت اراده شود، محقق می‌شود.

۱. سطح دانش: در این سطح انتظار می‌رود که آگاهی لازم بر اساس مفاهیم و نظریه‌های رشته مطالعات زنان به دانشجویان منتقل شود. تردیدی وجود ندارد که در سطح دانش، استاد و دانشجو بازیگران اصلی در انتقال و دریافت مفاهیم و آموزه‌های علمی هستند. از سوی دیگر، با توجه به پذیرش دانشجو از رشته‌های تحصیلی مختلف، ضعف دانش زمینه‌ای و ضرورت فراهم کردن و ارائه زیرساخت دانشی لازم در راستای فهم و درک مفاهیم و آموزه‌های رشته مطالعات زنان را می‌توان سرآغاز مهم در نقش سطح دانش و کاربست مفاهیم در تجربه زیسته عنوان کرد. همچنان‌که نقش استاد در انتقال مفاهیم و نقش دانشجو در دریافت و کاربست مفاهیم نیز غیرقابل انکار است. از نگاه دیگر، ارائه نقادانه، تبیین علمی و عبور از مطلق‌گرایی می‌تواند مکانیسم کارآمدی در افزایش سطح دانش و در نهایت کاربست مفاهیم در تجربه زیسته دانشجویان باشد. در همین راستا، گاه غفلت از مفاهیم و نظریه‌های شبکه‌ای و بنیادین و تمرکز بر مفاهیم دانشی سطح پایین و یا مفاهیمی که در جامعه ایران دیگر مسئله اجتماعی تلقی نمی‌شوند، موجب شده تا چرخه

انتقال و دریافت دانش و کاربری آن در تجربه زیسته دانشجویان محقق نشود و یا در حد مطلوب و مقبول به کار گرفته نشود. تمام مشارکت‌کنندگان، دانشجویان مفاهیم و آموزه‌های رشته مطالعات زنان را در این سطح ناکارآمد و غیرمرتبط با کاربری آن در تجربه زیسته خود ارزیابی کردند. بنابراین، عدم کفایت سرفصل‌های مصوب در پوشش مسائل عینی زنان نیز نقش غیرقابل انکاری در فرآیند کاربری مفاهیم در تجربه زیسته دانشجویان دارد.

۲. **سطح بینش (نگرش):** بینش در علوم گوناگون معانی متفاوتی را شامل می‌شود در علم روان‌شناسی «بینش یا بصیرت فهمی از خود و روابط با دیگران است که تجربه‌های پیشین را روشن یا فرد را در حل مسئله‌ای یاری می‌کند» (میرشکاری، ۱۳۹۶) یا می‌توان گفت یکی از دو خاصیت اساسی وجود انسان دستگاه ادراک و دیگری دستگاه اراده است، در حوزه ادراک، علم و شناخت دخیل است که به «بینش» تعبیر می‌شود (جلالی، ۱۳۸۹)؛ مخبر (۱۳۸۶) از دیگر تعاریف «بینش» در علم را «قدرت مسئله‌گشایی» عنوان می‌کند، اما بینش جامعه‌شناسی با تعریف ارائه شده از سی رایت میلز^۱ به معنای توانایی فرد در قرار دادن خویش در متن زمانه خود و برقراری ارتباط میان سرگذشت فردی خود با تاریخ جامعه تعریف می‌شود. با چنین کاری فرد ریشه بخش زیادی از مسائل خود را در اقتضانات زمانه و تحولات جامعه می‌داند و متوجه می‌شود این رفتاری فقط دامنگیر او نیست بلکه دامن گستره وسیعی از افراد جامعه را گرفته است و متأثر از سیاست‌گذاری‌ها و قوانین است. او با شناخت شرایط زمانه و ساختارهای حاکم بر جامعه، می‌تواند راهکارهای بهتری برای رفع رفتاری‌های خود و هم‌نوعان خود جست‌وجو کند (میلز، ۱۳۹۹). از لوازم بینش جامعه‌شناختی می‌توان به وجود ذهن مسئله‌پرداز، نگاه تاریخی و فرایندی به پدیده‌ها، نگرش انتقادی به نظریه‌های موجود برشمرد (مبارکی، ۱۳۹۵). تغییر بینش سطح عمیق‌تری از ارتباط مفاهیم با دانشجو را نشان می‌دهد و دانشجو درگیری ذهنی و عاطفی با متن را تجربه می‌نماید از سویی با توجه به مفهوم ارائه شده از بینش جامعه‌شناختی و مهارت‌های ضروری آن، بیش از پیش اهمیت تفکر نقادانه، فرایند حل مسئله، عادت پرخوانی و ذهن مشحون از اطلاعات اجتماعی تاریخی در راستای قضاوت صحیح و مهارت پژوهش بدون تعصب در کسب بینش روشن می‌شود.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که کاربری مفاهیم در این سطح مستلزم رویکرد حساس جنسیتی و فهم هژمونی مردسالار است. این امر نیز به نوبه خود مستلزم توانمندسازی دانشجو در

^۱. C.Right Miils

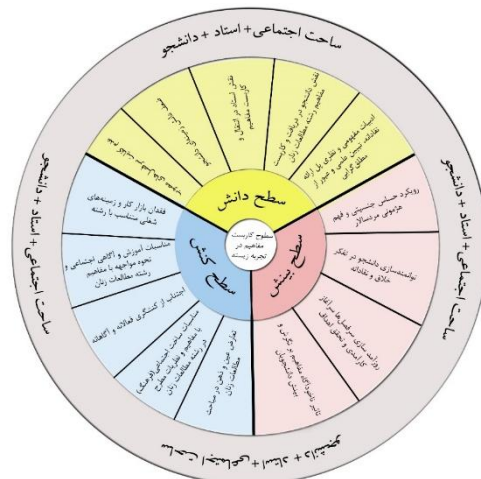


تفکر خلاق و نقادانه است. از سوی دیگر، روزآمدسازی سرفصل‌ها سرآغازی برای کارآمدی و تحقق اهداف و ورود مفاهیم دانشی به عرصه تجربه و زیست اجتماعی دانشجویان است. هرچند در برخی موارد نیز فقدان هم‌دلی و هم‌راهی دانشجو را شاهد هستیم. دلیل این وضعیت را می‌توان در تضاد و عدم هم‌راستایی فرهنگی (خرد و کلان) مفاهیم و نظریه‌های مطالعات زنان خلاصه کرد. البته به اذعان دانشجویان، مفاهیم ارائه‌شده ناخودآگاه بر نگرش و بینش آنان تا حدی تأثیر می‌گذارد، اما این تأثیر ضرورتاً به کاربست مفاهیم و نظریه‌ها در تجربه زیسته دانشجویان منجر نمی‌شود.

۳. سطح کنش: سطح کنش، در واقع عرصه بروز و تجلی دانش و بینش است. در صورتی که فرآیند یادگیری دانش از مسیر بینش و نگرش به‌شکل مطلوب انجام شود، در این صورت مرحله کنش نیز هم‌سو با دانش و بینش رقم می‌خورد. باتوجه به تعریف کیمبل^۱ از یادگیری (وایلز، ۱۳۹۲)، ارتباط مقولات استخراج شده با چرخه یادگیری و کنش را در سه حالت تعریف کرد: ۱- عدم تکامل فرآیند یادگیری ۲- تکمیل فرآیند یادگیری و عدم امکان بروز مفاهیم در کنش مشارکت‌کننده ۳- اجتناب از کنشگری به مثابه انتخاب شخصی یا فرآیند ساخت اجتماعی. سطح کنش در واقع مرحله عینی کاربست مفاهیم در تجربه زیسته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تعارض عین و ذهن در مباحث مطالعات زنان و مناسبات ساخت اجتماعی (فرهنگ) و آموزش و آگاهی اجتماعی با مفاهیم و نظریات مطرح در رشته مطالعات زنان بر کاربست مفاهیم در تجربه زیسته دانشجویان تأثیر گذار بودند. تاجایی که دانشجویان در برخی مواقع از کنشگری فعالانه و آگاهانه اجتناب می‌ورزیدند. از سوی دیگر، فقدان بازار کار و زمینه‌های شغلی متناسب با رشته مهم‌ترین عاملی است که در سطح کنش کاربست مفاهیم در تجربه زیسته دانشجویان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تحلیل و طبقه‌بندی یافته‌های پژوهش در سطوح سه‌گانه و با محوریت تجربه زیسته دانشجویان، آن را از یافته‌های سایر پژوهش‌ها متمایز کرده است. پژوهش‌هایی که از نگاه و تلقی متخصصان و کارشناسان به آسیب‌شناسی رشته مطالعات زنان پرداخته‌اند. به تبع سایر پژوهش‌ها، عدم همکاری و همراهی دانشجویان برای انجام مصاحبه و دشواری دسترسی به دانشجویان از محدودیت‌های اصلی این پژوهش بوده است. اما در فرآیند تحلیل مصاحبه‌ها و صورت‌بندی مقولات به نظر می‌رسید که یکی از مشکلات دانشجویان در کاربست مفاهیم در تجربه زیسته هراس از انگ

^۱.Kimbel

اجتماعی فمینیست بود. بنابراین شاید مطالعه و بررسی «چرایی و چگونگی این همانی مطالعات زنان با فمینیسم در ایران و راهکار برون‌رفت از آن» بتواند محور و مبنای پژوهش آتی باشد.



شکل ۱. سطوح کاربریست مفاهیم سرفصل‌های رشته مطالعات زنان در تجربه زیسته و عوامل مؤثر بر آن

ملاحظات اخلاقی در پژوهش: کلیه مراحل انجام‌شده در مطالعه با رعایت اصول اخلاقی در پژوهش انسانی انجام شده‌است و همه مشارکت‌کنندگان با رضایت آگاهانه در مطالعه شرکت کرده‌اند.
حمایت مالی: این مطالعه بدون حمایت مالی شخص یا سازمانی انجام شده‌است.
مشارکت نویسندگان: نویسنده نخست: مصاحبه‌ها و تهیه پیش‌نویس نخستین مقاله و نویسنده دوم: بازنویسی محتوایی مقاله. هر دو نویسنده در اصلاحات نهایی مقاله شرکت داشتند.
تضاد منافع: نویسندگان اعلام می‌کنند که هیچ تضاد منافی وجود ندارد.
قدردانی: نویسندگان از همه مشارکت‌کنندگان در این مطالعه تشکر می‌کند.

دسترسی به داده‌ها: اگر نیاز به داده‌ها بود می‌توانید با ایمیل نویسنده مسئول تماس بگیرید:

dhuha.majid.1987@gmail.com

منابع

- آبوت، پاملا؛ والاس، کلر. (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی زنان، (ترجمه منیژه نجم عراقی)، تهران، نی آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۹۵). تغییرات، چالش‌ها و آینده خانواده ایرانی، تهران، تیسا آلن، رپکو. (۱۳۹۴). پژوهش میان‌رشته‌ای نظریه و فرایند، (ترجمه محسن علوی‌پور، مجید کرمی، هدایت‌الله اعتمادی‌زاده‌دریکوندی، علی‌اکبر نورعلیوند علی‌اکبرنورعلیوند) تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی. ایتزن، دی استنلی؛ ماکسین، باکازین؛ کلی، ایتزن اسمیت. (۱۳۹۶). مسائل اجتماعی از دیدگاه انتقادی، (ترجمه هوشنگ نایی)، تهران پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.



- باقری، شهلا؛ قربانی، زهرا؛ کرامتی، معصومه. (۱۳۸۸). واکاوی ردپای فمینیسم در سرفصلهای رشته مطالعات زنان، کتاب ماه علوم اجتماعی، ۲۱ (۶): ۳۶-۴۱ [لینک]
- باومن، زیگمونت. (۱۳۹۶). عشق سیال، (ترجمه عرفان ثابتی) تهران، ققنوس.
- برنامه درسی دوره کارشناسی ارشد رشته مطالعات زنان گرایش زن و خانواده، کارگروه مطالعات زنان، شورای تحول و ارتقا علوم انسانی، وزارت علوم و تحقیقات و فناوری، نسخه بازنگری شده مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۶ [لینک]
- برناردز، جان. (۱۳۹۸). درآمدی بر مطالعات خانواده، (ترجمه حسین قاضیان)، تهران، نی.
- بهشتی پور، حسن. (۱۳۹۴). آشنایی گام به گام روش‌های تحلیل سیاسی، تهران، سروش
- بهنام، جمشید. (۱۳۹۲). تحولات خانواده: پویایی خانواده در حوزه‌های فرهنگی گوناگون، (ترجمه محمد جعفر پوینده)، ماهی
- پاتای، دافنه؛ کوئنج، نورتا؛ آرکلین، الن؛ موراتا، ساشیکو و پاپی نژاد شهربانو. (۱۳۹۰). فمینیسم در ترازوی نقد (مطالعات زنان): ترجمه منیره رضایی و دیگران؛ قم، دفتر نشر معارف
- تانگ، رزماری. (۱۳۹۱). درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی، (ترجمه منیژه نجم عراقی)، تهران، نی
- توحیدی نیره. (۱۳۹۴). رشته مطالعات زنان در ایران کردی دیگر از پارادوکس جمهوری اسلامی، آزادی اندیشه ۱: ۱۵۰ - ۲۱۳ [لینک]
- جلالی، حسین. (۱۳۸۰). درآمدی بر بحث بینش، گرایش، کنش و آثار متقابل آنها، معرفت ۵۰: ۴۵ [لینک]
- جمالی زواره، بتول؛ نصر اصفهانی، احمدرضا؛ آرمند، محمد؛ نیلی، محمدرضا. (۱۳۸۸). تبیین معیارهای محتوایی کتابهای درسی دانشگاهی رشته علوم تربیتی، مشاوره و روان‌شناسی، پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۱۴(۲۱): ۳۱-۴۹.
- ۱۳۸۸.14.21.3.7.dor/20.1001.1.26767503.1388 [لینک]
- حق شناس، سید جعفر. (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی خانواده (مجموع مقالات)، تهران، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری.
- خورسندی طاسکوه، علی. (۱۳۹۶). گفتمان میان‌رشته‌ای دانش: مبانی نظری، گونه‌شناسی و خط‌مشی‌هایی برای عمل در آموزش عالی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- خورسندی طاسکوه، علی. (۱۳۸۸). تنوع گونه‌شناختی در آموزش و پژوهش میان‌رشته‌ای دانش، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی ۱(۴): ۵۷-۸۳ https://doi.org/10.7508/isih.2009.04.003 [لینک]
- خورسندی طاسکوه، علی؛ معتمدی، اعظم؛ یمنی دوزی، محمد؛ عارفی، محبوبه. (۱۳۹۷). سیر تحول گونه‌شناسی پژوهش میان‌رشته‌ای: مطالعه‌ای تاریخی تبارشناسانه. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی ۱۱(۱): ۱-۳۲
- ۱۰.22035/isih.2019.2929.3266 [لینک]
- دانون، ژوزفین. (۱۳۹۷). نظریه‌های فمینیستی، (مترجم فرزانه راجی)، تهران، چشمه.
- دهقان‌زاده، حجت؛ حسین، نوروزی؛ داریوش، امیر تیموری. (۱۳۹۵). مقایسه اثر بخشی الگوهای طراحی آموزشی رایگلوث و روش مرسوم یادگیری دانش آموزان، روان‌شناسی تربیتی، ۱۲ (۳۹): ۱۱۹-۱۳۴
- ۱۰.22054/jep.2016.4120 [لینک]
- رابینگتن، ارل؛ واینبرگ، مارتین. (۱۳۸۲). رویکردهای نظری هفت‌گانه در بررسی مسائل اجتماعی، (مترجم رحمت‌الله صدیق سروستانی)، تهران، دانشگاه تهران.
- روشنی، شهره، بزرگور، خدیجه، شاهچراغیان، مریم. مؤمن، رقیه السادات. (۱۳۹۸). رشته مطالعات زنان در ایران: چالش‌ها و راهکارها. مطالعات زن و خانواده، ۷(۳). ۱۹۴-۱۹۸. doi: 10.22051/jwfs.2019.23398.1941 [لینک]
- رودگر، نرجس. (۱۳۹۶). فمینیسم تاریخیچه، نظریات، گرایش‌ها و نقد، تهران، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان
- سرمدی، پرستو. (۱۳۹۶). زنان و دولت پس از انقلاب، تهران، کبیر

- سگالن، مارتین. (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، (ترجمه حمید الیاسی)، تهران، مرکز شادفر، حوریه؛ لیاقتدار، محمدجواد؛ شریف، مصطفی. (۱۴۰۱). بررسی انطباق برنامه درسی رشته مدیریت و برنامه آموزشی با نیازهای دانشجویان، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی ۱۷(۴)(۶۲) (پیاپی) ۱۲۳-۱۴۶ [لینک]
صادقی فسایی، سهیلا؛ عرفان‌منش، ایمان. (۱۳۹۵). گفت‌وگو و خانواده ایرانی: جامعه‌شناسی الگوهای خانواده ایرانی، پس از مناقشه‌های مدرنیته در ایران، تهران، دانشگاه تهران.
- عامری پردیس، شریعت پناهی نسیم السادات. (۱۳۹۴). مطالعه تطبیقی جایگاه رشته مطالعات زنان در آموزش عالی، به مثابه زیربنای دستیابی زنان به عرصه‌های مدیریتی. همایش زن و مدیریت در آموزش عالی. [لینک]
علی احمدی، امید. (۱۳۸۹). تحولات معاصر خانواده در شهر تهران، شهر تهران (سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران) عمید، حسن (۷۵)، فرهنگ عمید، تهران: امیرکبیر
- غفاری، سعید؛ بقایی، حسن و قربانی رضوان، طیبه. (۱۳۹۹). تأثیر آموزش مهارت تفکر خلاق در کتابخانه‌های عمومی بر میزان خلاقیت کودکان مطالعه موردی کودکان ۱۲ ساله دختر عضو کتابخانه عمومی امام علی شهر قم، خانواده و پژوهش ۱۷(۱): ۱۲۷ تا ۱۴۳ <http://qjfr.ir/article-1420-1-fa.html> [لینک]
- فتحی واجارگاه، کوروش. (۱۳۸۹). ب. برنامه درسی دورریختنی، دو فصلنامه برنامه درسی آموزش عالی (۴)، ۶-۷ [لینک]
فرنگ، مرتضی، و قاسم زاده علیشاهی، ابوالفضل. (۱۳۹۶). نقش محتوای برنامه درسی در بهبود کیفیت آموزشی در دانشگاه‌ها. کنفرانس پژوهش‌های نوین ایران و جهان در روانشناسی و علوم تربیتی حقوق و علوم اجتماعی. دوره اول [لینک]
- قاسمپور، فاطمه، نصرت خوارزمی، زهره. (۱۳۹۷). فرایند پژوهی تکوین رشته مطالعات زنان معطوف به تغییرات پارادایمی جنسیت (مطالعه موردی: دانشگاه‌های آمریکا). زن در توسعه و سیاست ۱۶(۴): ۵۴۹-۵۲۵
doi.org/10.22059/jwdp.2019.267941.1007519 [لینک]
- قائم‌ی‌راد، سید محمد امین. (۱۳۹۶). زوال پدرسالاری، فروپاشی خانواده یا ظهور خانواده‌ی مدنی، تهران، نقد فرهنگ کیدوری، امیرحسین؛ یمنی دوزی، محمد؛ مهرمحمدی، محمود؛ ابوالقاسمی، محمود (۱۳۹۱). مفهوم پردازی توسعه برنامه‌های میان‌رشته‌ای، مطالعات برنامه ریزی آموزشی ۱۱(۱): ۱۰۵-۱۲۹ [لینک]
- مبارکی محمد. (۱۳۹۵). بینش جامعه‌شناختی چرا و چگونه، انجمن جامعه‌شناسی ایران [لینک]
مخبر، نغمه. (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین سطح پیش با تحصیلات و علایم مثبت و منفی اسکیزوفرنی، طب داخلی روز؛ مجله دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گناباد ۱۳(۲). [لینک]
- مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری. (۱۳۸۰). نگاهی به رشته مطالعات زنان در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی برخی کشورهای جهان، تهران: برگ زیتون
- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر مطالعات زنان. تهران، وزارت علوم تحقیقات و فناوری
- معیدفر، سعید. (۱۳۸۹). مسائل اجتماعی ایران (جامعه‌شناسی اقشار و گروه‌های آسیب‌پذیر)، تهران، علم مهدی، رضا. (۱۳۹۲). شکل‌گیری و توسعه میان‌رشته‌ای در آموزش عالی: عوامل و الزامات، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی ۵(۲): ۹۱-۱۱۷ doi.org/10.7508/isih.2014.18.005 [لینک]
- مهرمحمدی، محمود. (۱۳۸۸). ملاحظات اساسی در باب سیاست‌گذاری توسعه برنامه درسی میان‌رشته‌ای در آموزش عالی از منظر فرایند تکوین، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱(۳): ۱-۱۸.
doi.org/10.7508/isih.2009.03.001 [لینک]
- مومنی مهمویی، حسین؛ صفدری، زهرا. (۱۳۹۵). رابطه نگرش تحصیلی و انگیزش پیشرفت با تلقی دانشجویان از کیفیت برنامه درسی. مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، ۷(۱۳)، ۱۰۱-۱۲۱.
20.1001.1.25382241.1395.7.13.5.0 [لینک]



- میرشکاری، جواد. (۱۳۹۶). فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، دفتر سیزدهم تهران، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی (ذیل سرواژه بینش).
- میلز، سی رایت. (۱۳۹۹). بینش جامعه‌شناختی نقدی بر جامعه‌شناسی آمریکایی، مترجم عبدالمعبود انصاری، سهامی انتشار.
- میرزابیگی، علی. (۱۳۸۰). برنامه ریزی درسی و طرح درس، تهران: یسپرون.
- نواب، الهام؛ حاجی بابایی، فاطمه. (۱۳۹۵). پدیدار شناسی با تمرکز بر روش‌شناسی ون منن، تهران، اندیشه رفیع.
- وایلز، کیمبل. (۱۳۹۲). مدیریت و رهبری آموزشی، ترجمه محمد علی طوسی، تهران، بازتاب.
- ویلهلم دیلتای، (۱۴۰۱). شعر و تجربه، ترجمه منوچهر صانعی، تهران: ققنوس.

References

- Abbott, P; Wallace, C. (2001). *Sociology of Women*, [Manijeh Najm Iraqi translator]. Tehran: Ney. [Text in persian]
- Aameri, P., Shariat Panahi N. (2014). *A comparative study of the position of women's studies in higher education, as a basis for women's access to managerial fields*, Conference on women and management in higher education. [Text in persian]
- Ali Ahmadi, Omid. (2010). *Contemporary developments of the family in the city of Tehran*, Tehran (Cultural and Artistic Organization of Tehran Municipality). [Text in persian]
- Allen, F. r., Newell, W. H., Szosta, R. (2012). *Interdisciplinary research: process and theory*, (Mohsen Alavipour, Majid Karimi, Hedayatullah Etimadizade Darikondi, Aliakbar Nooralivand Translators), Tehran, Research Institute of Cultural and Social Studies. [Text in persian]
- Amid, H. (2014). *Amid dictionary*. Tehran, Amirkabir. [Text in persian]
- Azad Aramaki, T. (2015). *Changes, Challenges and Future of the Iranian Family*. Tehran: Tisa. [text in persian].
- Bagheri, S., Ghorbani, Z., Keramati, M. (2008). *Analyzing the footprints of feminism in the headlines of the field of women's studies*, The Book of Social Sciences, 21 (6): 36-41 [link] [Text in persian]
- Bauman, Z. (2017). *Liquid Love On the Frailty of Human Bonds*, (Irfan sabeti Translator) Tehran, Ghoghnoos. [text in persian]
- Behnam, J. (2012). *Changes in the family: family dynamics in different cultural fields*, (Mohammad Jafar Poindeh translator), Tehran: Mahi. [text in persian]
- Beheshtipour, H. (2014). *step-by-step introduction to political analysis methods*, Tehran: Soroush. [Text in persian]
- Bernardes, J. (2019). *Family studies: an introduction*, (Hossein Ghazian translator), Tehran, Ney. [text in persian]
- Burnett Tylor, E. (1871). *Primitive Culture*. London: cambridg.
- Brockhaus F. A., (2006). *German-language encyclopedia*, F. A. Brockhaus AG. [link]
- Donovan, J. (2000). *Feminist theory: the intellectual traditions*, (Farzane raji translator), Tehran, Cheshme. [Text in persian]
- Dehghanzadeh, H., Nowrozi, H., Amir Timuri, Dariush. (2016). Comparison of the Effectiveness of Riegeluth and Gagné Instructional Design Models Together and with Traditional Method in Learning Third Grade Junior Students, *Educational Psychology*, 12 (39): 119-134. [link] [Text in persian]
- Fathi Vajargah, K, (2010). Curriculum of Durrikhtani, *Two Quarterly Journal of Higher Education Curriculum* 1(4), 6-7 [link] [Text in persian]

- Farang, M., Ghasemzadeh, A. (2016). *The role of curriculum content in improving the quality of education, Conference of modern researches of Iran and the world in psychology and educational sciences, law and social sciences*, Conference center of the international unit in universities, Shiraz, first period. [link] [Text in persian]
- Ghaffari, Ph.D. S, Bagha'ee H, Ghorbani Rezvan T. (2020). *The Effect of Creative Thinking Training on Children's Creativity in Public Libraries (Case Study: 12-year-old Girl Members of Imam Ali Public Library, Qom)*. QJFR; 17 (1) :127-144 [dorl.net/dor/20.1001.1.26766728.1399.17.1.7.9](https://doi.org/10.1001.1.26766728.1399.17.1.7.9)[link] [Text in persian]
- Ghasempour, F., & Nosrat Kharazmi, Z. (2018). The development of women's studies programs in view of the gender paradigm shifts: A process tracing in the United States. *Woman in Development and Politics*, 16(4), 525-549. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2019.267941.1007519>[link] [Text in persian]
- Haqshenas, S. J, (2014). *Pathology of the family (collection of articles)*, Tehran, Office of Women's Studies and Research, Presidential Center for Women and Family Affairs. [Text in persian]
- Itzen, D. S., Maxine, B., Kelly, I. s. (2016). *Social issues from a critical point of view, (Hashang Naibi translator)*, Tehran, Institute of Culture, Art and Communication. [Text in persian]
- Jalali, H. (2010). *An introduction to the discussion of insight, tendency, action and their mutual effects*, Marafet 50[Text in persian]
- Jamali Zavareh, B., Nasr Esfahani, A. R., Armand, M., & Nili, M. R. (2009). Clarification of the content criteria for authoring and compiling university textbooks in the fields of educational sciences, University textbooks; Research and writing. *University Textbooks; Research and Writing*, 14(21), 31-49.[link] [Text in persian]
- Khorsandi Taskoh, A. (2016). *Interdisciplinary Discourse of Knowledge: Theoretical Foundations, Typology and Policies for Action in Higher Education*, Tehran: Research School of Cultural and Social Studies. [Text in persian] [Text in persian]
- Khorsandi Taskoh, A. (2010). Variety of Typologies in Interdisciplinary Education, *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 1(4):57-83[link] [Text in persian]
- Khorsandi Taskoh, A., Motamedi, A., Yemeni Dozi, M., Arefi, M. (2018). The Evolution of the Typology of Interdisciplinary Research: A Historical-genealogical Study, *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 11(1),1-32[link] [Text in persian]
- Khorsandi Taskoh, A. (2009). *Interdisciplinarity and its Challenges in Higher Education*, *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, Education,1(2):85-101[link]
- Kimball, W. (2014). Supervision for better schools, (Mohamad ali toosi translator). Tehran: Baztab [Text in persian]
- Kizouri, A., Yemeni Dozi, M., Mehrammohamdi, M., Abowal Ghasemi, M. (2013). Conceptualization of the development of interdisciplinary programs, *Journal of Educational Planning Studies* ,1(1) 105- 129[link] [Text in persian]
- Klein J. T, Newell W.H. (1997). *Advancing Interdisciplinary Studies*. In J. G. Gaff and J. L. Ratcliff (eds.), *Handbook of the Undergraduate Curriculum: A* Markova IS, Berrios GE. Insight in clinical psychiatry. *A new model*. J Nerv Ment Dis 1995 Dec; 183 (12): 51-743. [link] [Text in persian]



- Mehdi, Reza. (2013). Formation & Development of Interdisciplinary in Higher Education: The Key Factors and Requirements, *Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Humanities*, 5 (2): 117-91[link] [Text in persian]
- Mehrmohammadi, M., (2016). Key Consideration on the Policy Making for Interdisciplinary Sciences in Higher Education from the Standpoint of Development Process, *Interdisciplinary Studies in Humanities*, 1(3); 1-18. [link] [Text in persian]
- Mirshkari, J.(2017). *Dictionary of approved words of Farhangistan*, 13th office. Tehran: Persian Language and Literature Academy. [Text in persian].
- Mirza Beigi, A. (2008). *Curriculum Planning and Lesson Design*, Tehran: Yasteroon. [Text in persian]
- Mobaraki, M. (2015). *Sociological Insight Why and How*, Tehran: Iranian Sociological Association. [Text in persian]
- Mokhber N. (2007). The survey of relationship between insight with educational level & positive /negative symptoms of schizophrenia. *Intern Med Today*; 13 (2) :34-40. [Text in persian][link]
- Momeni Mahmoei, H., & safdari, Z. (2016). The Relationship between Academic Attitude and Achievement Motivation with Students' Perceptions of the Quality of Curriculum. *Journal of higher education curriculum studies*, 7(13), 101-121. [Text in persian][link]
- Moshirzadeh, H. (2004). *An introduction to women's studies*. Tehran: Ministry of Science, Research and Technology. [text in persian].
- Moidfar, S. (2010). *Iran's social issues (sociology of strata and vulnerable groups)*, Tehran, alam. [Text in persian]
- Nawab, E., Haji Babaei, F. (2015). *Phenomenology with a focus on Van Menen's methodology*, Tehran, Andisheh Rafi. [Text in persian]
- Papinejad, S; Murata, S; Patai, D; Kothraj N; Arklin A; Elizabeth, F. G. (Munira Rezaei, Azadeh Vojdani, Forough Zakavati, Zahra Vermziar translators). *Feminism in the scale of criticism (women's studies)*; Qom: Maaref publishing office [link] [text in persian].
- Rowshani, S., Barzegar, k., Shahcheraghian, M., Momen, R. (2019). Women's Studies in Iran: Challenges and Solutions, *Women and Family Studies*, 7(3) [Text in persian][link]
- Roudgr, N. (2016). *Feminism, history, theories, trends and critique*, Tehran, Women's Studies and Research Office. [text in persian]
- Rubington, E; Weinburg, M. (2014). *The study of social problems: seven perspectives*. [Rahmatullah Sediq Sarvestani, translator]. Tehran: Tehran University Press[text in persian].
- Sadegh Fasaei, S. IrfanManesh, I., (2015). *Discourses and Iranian family: Sociology of family patterns, after the conflicts of modernity in Iran*, Tehran, University of Tehran. [Text in persian]
- Sarmadi. P. (2016). *Women and the Government after the Revolution*. Tehran: Kabir. [text in persians]
- Segalen, M. (2014). *Historical Sociology of the Family*, [Hamid Eliyasi translator], Tehran: Markaz. [Text in persian]
- Shadfar, H., Liaqtdar, M. J., Sharif, M. (2023). Investigating Conformity Scope of Educational Planning and Administration Curriculum with Students Needs, *Institute for Research and Planning in Higher Education*, (62) 123-146. [link] [Text in persian]

- Stember, M. (1991). Advancing the social sciences through the interdisciplinary enterprise. *The Social Science Journal*, 28(1), 1-14. [https://doi.org/10.1016/0362-3319\(91\)90052-6](https://doi.org/10.1016/0362-3319(91)90052-6). [link] [Text in persian]
- Tong, R. (2013). *A comprehensive introduction to feminist theories*, [Manijeh Najm Iraqi translator]. Tehran: Nei. [text in persian]
- The Presidential Women's Participation Center. (2008). *A look at the field of women's studies in universities and educational centers of some countries in the world*. Tehran: Bargh Zeitoun. [Text in persian]
- Tohidi, N. (2014). Women's studies field in Iran is another manifestation of the paradox of the Islamic Republic, *Azadi Andisheh*, 1: 150-213 [Text in persian]
- Van Manen, M. (1997). *Researching lived experience: Human science for an action sensitive pedagogy*. London, ON: The Althouse Press.
- Wright Mills, C. (2019). *The Sociological Imagination*. (Abdul Maboud Ansari Translator) Tehran: publishing company. [Text in persian]
- Wilhelm, D. (2022). *Poetry and Experience*, (Manouchehr Sanei translator), Tehran: Phoenix [Text in persian]





Original Research

Qualitative Inquiry of the Contexts and Lived Patterns of Child-Marriage from the Perspective of Young Women

Hossein Afrasiabi¹ Hanieh Mansoori Khosravi² Maryam Baharluoei³

¹Associate Professor of Sociology, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran.
(Corresponding Author) hafrasiabi@yazd.ac.ir

² Master student of Sociology, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran.

³ Ph.D of sociology, Yazd University, Yazd, Iran.

Background & Purpose

The practice of early marriage between males and females was widely embraced in traditional communities. However, as societal patterns have evolved, there has been a notable upward trend in the average age at which individuals enter into marriage. Consequently, marriages taking place before the age of 18 have become increasingly rare. As cultures underwent the processes of urbanization, industrialization, and modernization, there was a noticeable trend towards an increase in the average age at which individuals entered into marriage. However, it is worth noting that in rural regions and minor urban centres, the practice of early marriage remains prevalent, with both girls and boys being married off at a young age, thereby perpetuating the cultural tradition.

The phenomenon of two people entering into marriage before reaching the age of 18 is sometimes referred to as early marriage, child marriage, or premature marriage. In spite of the notable shifts in patterns of marriage and the upward trajectory of the average age at which individuals marry worldwide, instances of child marriages persist, occasionally violating legal age restrictions (Hajiloo et al., 2021). When individuals enter into the institution of marriage, they establish a distinct and autonomous existence separate from their parental figures, so assuming a greater variety of duties and responsibilities. Assuming such a duty necessitates the physical and mental maturation of the individuals involved. However, it is observed in certain societies that the burden of marriage is placed upon children, leading to the occurrence of a phenomenon known as child marriage (Chenani et al., 2022).



Approximately one-third of females globally enter into marriage before turning 18 years old, with approximately one-seventh of them marrying before reaching the age of 15. The regions with the highest prevalence of child marriage are West Africa, South Asia, North Africa, the Middle East, and Latin America, respectively (Fatima, 2023:3). The prevalence of early marriage can be primarily attributed to the perpetuation of traditional cultural norms and customs that have been inherited and transmitted across successive generations (Subramanee et al., 2022). The consequences of child marriage are frequently extensive and result in enduring impacts on physical well-being, including early pregnancy (Nour, 2009; Auradkar, 2013), undesired pregnancy (Raj, 2010), as well as psychological and social harm that persists into adulthood. These consequences manifest in various adverse outcomes, such as diminished educational and employment prospects, mental disorders like depression, anxiety, and social isolation, and heightened domestic violence (Raj, 2010). The occurrence of early marriage frequently hinders the educational attainment of females and gives rise to negative health consequences in both the short and long term for these individuals (Krafft et al., 2022).

The main problem in this study concerns the interpretation of early marriage by adolescent females, as well as the factors that contribute to early marriage and its acceptance among this group of women.

Method

This study adopts a qualitative approach and utilizes the basic (generic) qualitative research method (Merriam & Tisdell, 2016) for its implementation. This study aimed to elucidate the lived experiences of adolescent females involved in child marriage and gain insights into their perspectives on this phenomenon. To do this, we employed a qualitative method of inquiry and employed ethnographic methods to conduct our investigation. The researchers employed purposive and snowball sampling techniques to select the participants for the study. An interview was conducted wherein 13 female participants residing in village inside the Yazd province were interviewed. Three steps of theme analysis were used to code and analyze the interview data. After transcription, the interview content was read through numerous times, and the concept that best fits each statement in the preliminary stage was then chosen. The concepts were then organized into categories based on their overlap and similarity, and a theme was developed for each group. After reviewing the sub-themes multiple times, we created a primary theme in the final stage that incorporated the sub-themes.

Results

The interview text was thoroughly analyzed using the thematic analysis technique. Through multiple careful reviews of the data, a total of 8 main themes were identified, effectively capturing the essence of women's

experiences pertaining to early marriage. These themes include patriarchy, the prevalence of early marriage as a societal norm, challenges specific to rural areas, the symbolic transition into adulthood, the accumulation of dissatisfaction, social exclusion, and a no-priority of education.

Patriarchy: within families where girls have experienced child marriage, decision-making authority is typically held by the father, who is regarded as the dominant figure. Marriage is commonly regarded as a decision made by the father, with females accepting and adhering to the family's and father's decisions within the family context.

Prevalence of early marriage as a societal norm: marriage at a young age is regarded as valuable and has remained a tradition. By observing those around them, females learn that it is preferable to wed in early youth and occasionally in adolescence. Their relatives, peers, acquaintances, and classmates are married at the same age. Marriage at a young age is regarded as a desirable norm and provides females with dignity and prestige.

Challenges specific to rural areas: Living in a small region with limited resources has facilitated girls' early marriage. In addition to limiting educational and employment opportunities, limited resources force young women to marry in order to obtain prospects and create a life.

The symbolic transition into adulthood: girls who participated in the study stated that they lacked proficiency in a variety of life skills and pretended to be competent and skilled. Girls assume many marital responsibilities at a tender age. They consider themselves to be adults and seek complete autonomy. By marrying, they respond to their emotions and enthusiasm and appear older than their age.

Non-priority of Education: Education is only a means to acquire literacy to assist children in school, and it is abandoned if it becomes an obstacle to marriage. The girls leave the lesson halfway through and proceed to their husband's residence.

Discussion & Conclusion

Child marriage is a situation that developed as a result of several causes. Girls learn to play feminine roles during the socialization process. The results show that a patriarchal cultural background, strict traditions, the marriage-first culture, social exclusion, rural living, and the accumulation of dissatisfaction all contribute to child marriage. Girls have been taught to display their femininity in marriage in order to fulfil the feminine roles of wife, homemaker, and mother. Traditions that have endured for a long time and compelled people to adhere to them play a bold role that cannot be undervalued. In females, early marriage customs are entrenched. Social interactions in a cultural setting that supports marriage have made early marriage possible and valuable for participant girls.



Ethical Considerations: This study was conducted in compliance with the ethical codes of human research.

Funding: The present study is the result of the authors' efforts and is not financially supported.

Authors' contribution: The first author assumed responsibility for the study's design, conducted the final analysis, revised the codes, and performed the final editing of the manuscript. The responsibility for conducting interviews and doing initial coding of data was assigned to the second author. The third author undertook the first draft of the article and subsequent data reanalysis.

Conflict of interest: The authors declared no conflict of interest with any person or organization.

Acknowledgment: The authors would like to thank all the woman who sincerely participated in our interviews.

Data Availability: The supporting data for this study cannot be made available due to the privacy and family confidentiality of the participants.

References

- Auradkar, J. B. (2013). child marriage in India: an overview. *Review of Research, Publish in OALib Journal*.
- Chenani, F., Rezaeifard, F., Jalali, F. & Jahangiri, S. (2022). Causes and harms of child-husbandry, *Psychology and Education sciences Studies*, 8 (2), 78-87. In Persian.
- Fatima, S. (2023). Rural development and education: critical strategies for ending child marriages.
- Hajiloo, F., Aghayari, T. & Alipoor, F. (2021). Causes of Child marriage (case study of woman client in health center of Tabriz), *Woman and Society*, 12 (48), 106-116. In Persian.
- Krafft, C., Arango, D. J., Rubin, A. H., & Kelly, J. (2022). Conflict and Girl Child Marriage.
- Merriam, S. & Tisdell, E. (2016). *Qualitative Research, A Guide to Design and Implementation*. San Francisco: Jossey-Bass.
- Nour, N. M. (2009). Child marriage: a silent health and human rights issue. *Reviews in obstetrics and gynecology*, 2 (1), 51.
- Raj, A. (2010). When the mother is a child: the impact of child marriage on the health and human rights of girls. *Archives of disease in childhood*, 95 (11), 931-935.
- Subramanee, S. D., Agho, K., Lakshmi, J., Huda, M. N., Joshi, R., & Akombi-Inyang, B. (2022). Child marriage in South Asia: a systematic review. *International journal of environmental research and public health*, 19 (22), 15138.



واکاوی کیفی بسترها و الگوی زیستهٔ کودک همسری از دیدگاه زنان جوان

حسین افراسیابی*^۱ ، هانیه منصوری خسروی^۲ ، مریم بهارلوئی^۳

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۷

چکیده

باوجود تغییردر سبک زندگی و الگوهای ازدواج، همچنان ازدواج در سنین پایین یا کودک همسری خصوصاً در مناطق کوچک‌تر و روستایی مشاهده می‌شود. این پژوهش با هدف کشف الگوهای زیسته زنان جوان از ازدواج در سنین پایین و با رویکرد کیفی انجام شده‌است. مشارکت کنندگان زنان جوان ۲۷-۱۴ ساله یکی از روستاهای استان یزد هستند که قبل از ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند و با روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی انتخاب شدند. برای گردآوری داده، با ۱۳ زن نوجوان و جوان مصاحبه نیمه-ساختاریافته انجام شد. متن مصاحبه پس از پیاده‌سازی، با روش تحلیل تماتیک مورد تحلیل قرار گرفت. در فرایند تحلیل، هفت تم اصلی ساخته شد که تجربه دختران از ازدواج زودهنگام را توصیف می‌کند: پدرسالاری فرهنگی، هنجار ازدواج زودهنگام، تنگنای روستایی، نمایش بزرگ‌سالی، نارضایتی انباشته، محدودیت اجتماعی و عدم اولویت تحصیل. نتایج نشان داد دختران نوجوان متناسب با بستر فرهنگی و اجتماعی، در مورد ازدواج تصمیم می‌گیرند. در این زمینه فرهنگی، هویت و خوشبختی دختر با ازدواج گره‌خورده است. هنجار اجتماعی در اولویت قراردادن ازدواج توسط خانواده و اجتماع محلی، دختران را به پذیرش ازدواج زودهنگام به عنوان یک الگوی اجتماعی سوق داده‌است. بنابراین فهم این پدیده، مستلزم قرار دادن آن در بستر اجتماعی تکوینی آن است که بخشی از آن در یافته‌های این پژوهش بازتاب یافته‌است.

نوع مقاله: پژوهشی اصیل

واژگان کلیدی

کودک همسری، ازدواج زودهنگام، ازدواج زودرس، ازدواج.

ارجاع به مقاله:

افراسیابی، حسین، منصوری خسروی، هانیه و بهارلوئی، مریم. (۱۴۰۲). واکاوی کیفی بسترها و الگوی زیستهٔ کودک همسری از دیدگاه زنان جوان. *مطالعات زن و خانواده*، ۱۲(۳)، ۴۹-۷۳. DOI: 10.22051/jwfs.2024.44148.2993



۱. مقدمه

ازدواج زنان و مردان در سنین پایین در جوامع سنتی امری بدیهی و پذیرفته شده بود، اما با رشد سبک زندگی مدرن، سن ازدواج به تدریج بالاتر رفته و ازدواج در سنین قبل از ۱۸ سالگی، به پدیده محدود تبدیل شد. هرچه جوامع به سمت شهری شدن، صنعتی شدن و مدرن شدن پیش رفتند، سن ازدواج افزایش یافت. با وجود این، در مناطق روستایی و شهرهای کوچک، همچنان ازدواج در سن پایین به عنوان یک الگوی فرهنگی برای پسران و دختران دیده می شود. این پدیده (ازدواج در سنین کمتر از ۱۸ سالگی) با عناوینی همچون ازدواج زودهنگام، کودک همسری و ازدواج زودرس یاد می شود. صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف^۱) ازدواج زودرس را به عنوان ازدواج قبل از ۱۸ سالگی تعریف می کند. با وجود تغییرات چند دهه اخیر در الگوهای ازدواج و افزایش سن ازدواج در جهان، هنوز شاهد وقوع ازدواج هایی در سنین کودکی و پایین تر از سن قانونی هستیم (حاجیلو و همکاران، ۱۴۰۰).

براساس گزارش یونیسف، ۶۰ میلیون ازدواج قبل از ۱۸ سالگی در سراسر جهان رخ می دهد. یک سوم از دختران در سراسر جهان قبل از رسیدن به ۱۸ سالگی و یک هفتم آنها قبل از رسیدن به سن ۱۵ سالگی ازدواج کردند. به ترتیب در کشورهای غرب آفریقا، جنوب آسیا، شمال آفریقا، خاورمیانه و آمریکای لاتین بیشترین میزان کودک همسری وجود دارد (فاطمیما، ۲۰۲۳). گزارش مرکز آمار ایران (۱۴۰۲) در خصوص تعداد ازدواج در کل کشور برحسب سن مردان و زنان در زمان ازدواج نشان می دهد، در سال ۱۴۰۱، تعداد ازدواج برای زنان زیر ۱۵ ساله، ۲۶۹۷۴ نفر و برای مردان همین سن، تنها ۱۵ نفر است. تعداد ازدواج زنان در گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ ساله نیز در این سال برابر ۱۳۸۱۵۱ نفر گزارش شده است. در حالی که ازدواج مردان در سن ۱۵ تا ۱۹ ساله تقریباً یک سوم زنان و به تعداد ۲۳۱۳۸ نفر است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲). بنابراین گزارش، ۵ درصد ازدواج زنان، در سنین زیر ۱۵ سال و بیش از ۳۰ درصد زیر ۱۹ سالگی است. در سال ۱۴۰۱ تعداد ۷۷۹ رویداد طلاق برای زنان زیر ۱۵ ساله ثبت شده است. ۱۵۰۷۱ زن نیز در زمان طلاق در سنین زیر ۱۹ سالگی قرار داشتند (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲). در مقایسه با مردان، آمار طلاق و ازدواج زنان در سنین زیر ۱۹ سالگی بیشتر است. این آمارها، به ظاهر

^۱. Unicef

فقط یک عدد است، اما با نگاهی عمیق و کیفی، سرنوشت و زندگی هزاران نفر انسان را درگیر می‌کند و کیفیت زندگی خودشان و اجتماع را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ازدواج زودهنگام عمدتاً ریشه در در هنجارها و شیوه‌های سنتی دارد که در نسل‌ها منتقل شده‌است (سابرامانی و همکاران، ۲۰۲۲). ازدواج کودکان گاهی آن‌ها را در معرض خشونت خانگی، سوء استفاده جنسی، تجاوز جنسی و محرومیت از دسترسی به آموزش (نگویان و همکاران، ۲۰۱۵) بارداری زودرس (نویر، ۲۰۰۹؛ اورادکار، ۲۰۱۳)، بارداری ناخواسته (اراج و همکاران، ۲۰۱۰) و آسیب‌های روانی و اجتماعی قرار می‌دهد و به پیامدهای نامطلوبی نظیر از دست دادن فرصت‌های تحصیلی، شغلی و ابتلا به اختلالات روانی، افسردگی، اضطراب و انزوای اجتماعی و خشونت خانگی (راج، ۲۰۱۰) منجر می‌شود (یونیسف، ۲۰۱۹). ازدواج زودهنگام اغلب مانع اتمام دوره تحصیل دختران می‌شود و پیامدهای نامطلوب برای سلامتی دختران دارد (کرافت و همکاران، ۲۰۲۲؛ نوس و همکاران، ۲۰۲۲).

این مطالعه با هدف کشف تجربه دختران از ازدواج در سنین پایین و چگونگی شکل‌گیری آن در میان دختران جوانی است در سنین پایین ازدواج کرده و چندسالی از زندگی مشترک آن‌ها گذشته‌است. انتخاب روستا به‌عنوان میدان مطالعه به این دلیل بود که یکی از نگارندگان در این روستا به‌عنوان معلم شاغل بود و از نزدیک شاهد تعداد قابل توجه ازدواج دختران دانش‌آموز در سنین پایین و ازدواج زودهنگام در آن روستا بود. تفسیر دختران از شرایط ازدواج زودهنگام و همچنین چگونگی سازگاری و پذیرش ازدواج زودهنگام از اهمیت برخوردار است و در شناخت دقیق مسئله و اتخاذ راهبرد مواجهه با آن مؤثر است. مسئله اصلی ما در این پژوهش این است که دختران نوجوان چگونه ازدواج در سن پایین را تفسیر می‌کنند و از دیدگاه آن‌ها چه شرایطی به ازدواج زودهنگام و سازگاری آن‌ها منجر می‌شود.

۲. مطالعات پیشین

کودک‌همسری در سراسر جهان از موضوعات بحث‌برانگیز است که مطالعات متعددی در رابطه با آن خصوصاً با رویکرد روان‌شناسی انجام شده‌است: موچومبا^۱، هوری^۲، ۲۰۲۱؛ مک دوگال و

¹. Muchomba

². Horii



همکاران^۱، ۲۰۲۰؛ میدما و همکاران^۲، ۲۰۲۰؛ پاول^۳، ۲۰۲۰؛ جودیاسیج و همکاران^۴، ۲۰۲۰؛ جوهن و همکاران^۵، ۲۰۱۹؛ میل و مودون^۶، ۲۰۱۸؛ کیدمن^۷، ۲۰۱۷؛ کالامر و همکاران^۸، ۲۰۱۶؛ ماسویکوا و همکاران^۹، ۲۰۱۵؛ مالهورا^{۱۰}، ۲۰۱۱؛ که در زیر مرتبطترین مطالعات مرور شده است.

حبیب پور گنابی و سلحشور (۱۴۰۱) مطالعه‌ای با عنوان مطالعه کیفی خشونت در بین کودک همسران شهر چابهار انجام داده‌اند. نتایج نشان‌دهنده تبعیض جنسیتی، فرهنگ بومی سکوت و خشونت در بافت چابهار و خودکم‌بینی تعمیم‌یافته موجب به کار بردن استراتژی‌های فرار، جدایی و خودکشی می‌شود که پیامدهایی چون خشونت‌های نمادین، فیزیکی، جنسی و انزوای اجتماعی را به بار می‌آورد. فتائی و همکاران (۱۴۰۱) مطالعه‌ای با عنوان مطالعه زمینه‌ها و پیامدهای کودک همسری در استان لرستان انجام داده‌اند. نتایج نشان‌دهنده مشروعیت قانونی، سنت‌ها، فضای آشفته خانواده، هنجار پاک‌دامنی و ترک تحصیل از علل عمده کودک همسری است. نقی زاده و میرغفوروند (۱۴۰۱) مطالعه‌ای با عنوان دانش و نگرش مادران دختران نوجوان در مورد ازدواج زودرس، علل و پیامدهای آن انجام دادند. یافته‌ها نشان‌دهنده سطح ضعیف دانش و آگاهی در مادران یکی از دلایل ازدواج در سنین پایین کودکان است. پورطالب و موسویان النجق (۱۴۰۰) مطالعه‌ای با عنوان "کودک همسری: رویکردی پدیدارشناسانه انجام داده‌اند. نتایج نشان‌دهنده افراد با توجه به تجربیات شخصی خود راهکارهای مختلفی در جهت رفع چالش‌های کودک همسری پیشنهاد داده‌اند. حاجیلو و همکاران (۱۴۰۰) مطالعه‌ای با عنوان علل زمینه ساز کودک همسری (مطالعه موردی زنان دارای تجربه زیسته مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی شهر تبریز) انجام داده‌اند. یافته‌ها نشان‌دهنده بلوغ جنسی زودرس، مردسالاری، تعصبات مذهبی، موقعیت محل زندگی و زندگی با پدر و مادر ناتنی مهمترین علل زمینه‌ساز کودک همسری در شهر تبریز است. مینا و کریمی خنجری (۱۳۹۹) مطالعه‌ای با عنوان عوامل مؤثر بر ازدواج کودکان انجام داده‌اند. یافته‌ها در پژوهش آن‌ها تأیید کرده‌اند که عواملی مثل مردسالاری، ناامنی و جنگ، به رسمیت شناختن توسط قانون، فرهنگ، وضعیت اقتصادی و اجتماعی و مانند آن از اهم مسائلی هستند که سبب اصلی ازدواج

1. McDougal

2. Miedema

3. Paul

4. Judiasih

5. John

6. Male & Wodon

7. Kidman

8. Kalamar

9. Maswikwa

10. Malhotra

کودکان هستند. اسدپور و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان فهم مسئله ازدواج در دوران کودکی از نگاه کودک-زنان ازدواج کرده خراسانی زیر ۱۸ سال انجام داده‌اند. یافته‌ها نشان دادند عواملی از جمله زمینه خانوادگی (وجود نامادری، طلاق، اعتیاد، فقر، رهایی از محدودیت‌های خانوادگی و مانند آن) و باور و مبانی اعتقادی و مذهبی منجر به ازدواج زود هنگام می‌شود. فرهمند و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان واکاوی تجارب زناشویی کودک همسری در میان زنان شهرستان سیرجان کرمان انجام داده‌اند. آن‌ها در این پژوهش ریشه ضعف و مسائل خانوادگی در روابط زناشویی را به ازدواج زود هنگام با محدودیت منابع فرهنگی، اجتماعی، شناختی و مهارت‌ها مرتبط می‌دانند.

آذینار و همکاران^۱ (۲۰۲۳) پژوهشی با عنوان تصورات از کودک همسری در دانش‌آموزان مدارس دوره متوسطه در مناطق روستایی انجام داده‌اند. نتایج مطالعه حاکی از آن است که از هر ۸ نوجوان یک نفر دارای وضعیت مطلوبی نسبت به درک کودک همسری (کمتر از ۱۹ سال) است و همچنین تفاوت زیادی در ادراک پسران و دختران نوجوان در مورد کودک همسری وجود ندارد. فاطیما^۲ (۲۰۲۳) پژوهشی با عنوان توسعه روستایی و آموزش: راهبردهای انتقادی برای پایان‌دادن به کودک همسری انجام داده‌است. نتایج نشان دادند هم‌بستگی مثبت بین کودک همسری و فقر روستایی وجود دارد. کرافت و همکاران^۳ (۲۰۲۲) پژوهشی با عنوان تعارض و ازدواج کودک همسری انجام داده‌اند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد تعارض به عنوان یک عامل کلیدی، اما محتمل باید در جهت کاهش کودک همسری در نظر گرفته شود. سابرامانی و همکاران^۴ (۲۰۲۲) پژوهشی با عنوان کودک همسری در جنوب آسیا: یک مرور نظام‌مند انجام داده‌اند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که محل سکونت روستایی، تحصیلات پایین، زمینه اقتصادی ضعیف و کمتر قرارگرفتن در معرض رسانه از مهمترین دلایل کودک همسری هستند. یافته‌های آنان نشان دادند سکونت در روستا یک عامل خطر در کودک همسری یا ازدواج زود هنگام است که باید مورد توجه قرار گیرد. میترا و همکاران^۵ (۲۰۲۰) پژوهشی با عنوان آیا کودک همسری برای رشد کودکان اهمیتی دارد؟ انجام داده‌اند. نتایج آن‌ها حاکی از اهمیت کودک همسری بر رشد کودکان و تأثیر نامطلوب آن بر رشد جمعیت، بهداشت، آموزش و نابرابری است. آهونسی و همکاران^۶ (۲۰۱۹) مطالعه‌ای با

¹. Azinar

². Fatima

³. Subramanee

⁴. Krafft

⁵. Mitra

⁶. Ahonsi



عنوان کودک همسری در غنا: شواهدی از یک مطالعه چند روشی انجام داده‌اند. نتایج آن‌ها حاکی از تأیید پیامدهای نامطلوب سلامتی در کودک همسری از جمله: فقر، بارداری زودرس، کودکی کوتاه و خشونت‌های جسمانی و روانی دارد. راج و همکاران^۱ (۲۰۱۹) مطالعه‌ای با عنوان دانش‌آموزان و عروس‌ها: تحلیل کیفی رابطه بین تحصیلات دختران و کودک همسری در اتیوپی و هند انجام داده‌اند. نتایج آن‌ها نشان داد کودک همسری مانعی بر راه تحصیل دختران است که با ازدواج در سنین پایین و کم‌ارزش شمردن تحصیل با مانعی بزرگ بر سر راه تحصیل و آموزش روبه‌رو می‌شوند.

مطالعات مرور شده در بالا جهت تأیید پیامدهای منفی کودک همسری و همچنین انواع آسیب‌هایی که دختران بعد از ازدواج در سنین پایین با آن مواجه می‌شوند. اغلب مطالعات روستازیستی، فقر و عدم دانش و سواد کافی را در کنار نقش پررنگ سنت‌ها از عوامل اصلی کودک همسری می‌دانستند. مطالعات بالا در نتیجه اهمیت بررسی دقیق و علمی خصوصاً از نگاه خود دختران نوجوان هستند. در این مطالعه ما قصد داریم کودک همسری و تجربه ازدواج در سنین پایین را از دیدگاه خود دختران جوان درک کنیم و کشف کنیم زنان دارای تجربه کودک همسری، چگونه این پدیده را تجربه و تفسیر می‌کنند.

۳. ملاحظات نظری

نظریه‌های متفاوتی در رابطه با تشکیل خانواده و ازدواج وجود دارد که از ابعاد مختلف اقتصادی، آموزشی، اجتماعی، روانی کودک همسری را مورد تبیین قرار داده‌اند. در زیر مرتبط‌ترین و نزدیک‌ترین نظریات را در جهت کمک به ارتباط یافته‌ها با دانش نظری موجود مرور می‌کنیم.

یکی از نظریه‌های نزدیک با مسئله بررسی، نظریه ویلیام گود است. ویلیام گود برای تبیین تفاوت سن ازدواج افراد از مفهوم نوسازی (مدرنیزاسیون) استفاده کرده است. از مهم‌ترین عوامل نوسازی، رشد فرصت‌های تحصیل، اشتغال زنان و شهرنشینی است. زندگی شهری به دلیل تفاوت در سبک زندگی و ضعف کنترل اجتماعی، در سنین بالاتر ازدواج می‌کنند. در اثر فرایند نوسازی، اهمیت خانواده کاهش می‌یابد و فرد در محور امور قرار می‌گیرد. این فرایند با تغییر نگرش‌ها و ایده‌های افراد جامعه همراه است. باتوجه به این نظریه می‌توان گفت در مناطق کمتر توسعه یافته یا در حال توسعه به دلیل بودن عامل‌های مدرنیزاسیون، با پدیده پیش‌رسی ازدواج روبه‌رو هستند (رضایی، ۱۳۹۴).

^۱. Raj

تصمیم به ازدواج در اثر یادگیری اجتماعی و مشاهده رفتار انتخاب همسر و ازدواج در فرهنگ تأثیر می‌پذیرد. کنشگران در تعامل با پیرامون خود یاد می‌گیرند چگونه و در چه زمانی در این مورد تصمیم بگیرند. آلبرت بندورا در نظریه یادگیری اجتماعی خود تأکید می‌کند که مقدار زیادی از یادگیری ما به وسیله مشاهده کردن انجام می‌گیرد اینکه ما آنچه را که به مشاهده یاد گرفته‌ایم به عمل درآوریم، بستگی به عواملی از قبیل انگیزش، علاقه، مشوق برای عمل، نیاز ادراک شده، حالت جسمی، فشارهای اجتماعی و نوع فعالیت‌های رقابتی دارد. خودتنظیمی یا یادگیری خود تنظیم شده به فرایندی اطلاق می‌شود که به وسیله آن، یادگیرندگان افکار، احساسات و اعمال خود را به‌طور نظام‌دار به سوی دستیابی به سوی هدف‌های خود هدایت می‌کنند (فتحی و رحمانی، ۱۳۹۴).

بکر نگاه اقتصادی به پدیده ازدواج را در قالب مدل "حداکثرسازی مطلوبیت" نظریه‌پردازی کرده است و همه عواملی که می‌تواند بر رفتار و تصمیم ازدواج تأثیر بگذارد، از نگاه مطلوبیت و منافع حاصل از ازدواج، مورد بررسی قرار داده است. نظریه اقتصادی ازدواج بر مبنای تحلیل هزینه-فایده می‌تواند باعث به تأخیر انداختن ازدواج در جست‌وجوی همسری با ویژگی‌های خاص و یا برعکس تعجیل در ازدواج شود. وقتی فرد مجرد ازدواج می‌کند همسر او بخشی از منافع غیرتجاری را فراهم می‌کند که در وضعیت مجردی باید برای آن‌ها بهایی بپردازد (حاجیلو و همکاران، ۱۴۰۰). جسی برنارد، ضمن تفکیک ازدواج فرهنگی (که برای زنان جنبه آرمانی دارد) را ازدواج نهادی (ازدواجی که در واقعیت وجود دارد)، نهاد ازدواج را عمدتاً مرد محور می‌داند و آن را به نفع مردان در نظر می‌گیرد. با ارائه شواهدی از درجه تش زنان و مردان ازدواج کرده و زنان و مردان مجرد، نتیجه می‌گیرد که پیامدهای نابرابر زناشویی برای زنان و مردان، زمانی کاهش می‌یابد که زن و شوهر به نحوی ازدواج کنند که با نیازها و شخصیتشان بهترین هم‌خوانی را دارد (ریترز، ۱۳۸۰).

۴. روش پژوهش

رویکرد این پژوهش، کیفی و روش اجرای آن روش کیفی بنیادی^۱ (میرام و تیسدل، ۲۰۱۶) است. با توجه به اینکه در این پژوهش به دنبال توصیف الگوهای زیسته زنان جوان از پدیده کودک‌همسری و درک این پدیده از نگاه آن‌ها بودیم، رویکرد کیفی برای اجرای پژوهش به کار گرفتیم. مشارکت‌کنندگان با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند از نوع دردسترس و گلوله برفی (حریری، ۱۳۸۵) انتخاب شدند. با ۱۳

^۱. Basic qualitative research



زن ساکن یکی از روستاهای استان یزد مصاحبه انجام شد. فرایند انتخاب موضوع و زنان مشارکت‌کننده در مطالعه از آنجایی آغاز شد که یکی از نگارندگان شاهد تحصیل دختران متأهل متعدد در مدرسه بود. زنان در گروه‌های سنی متفاوت با طول مدت ازدواج متفاوت انتخاب شدند تا یافته‌ها با اطمینان بیشتری حاصل شوند. ابتدا به کمک سرایدار مدرسه تعداد محدودی نمونه انتخاب کردیم و سپس هر مشارکت‌کننده، مشارکت‌کننده بعدی را معرفی می‌کرد. نمونه‌گیری تا جایی ادامه یافت که دیگر داده جدیدی به دست نیامد و نمونه با تعداد ۱۳ زن به اشباع رسید. البته در این فرایند با برخی از زنان چندبار مصاحبه کردیم.

مصاحبه با شیوه نیمه‌ساختاریافته انجام شد. ابتدا با سؤالات کلی آغاز و سپس سؤالات جزئی‌تر پرسیده شد. پژوهشگر ابتدا از زنان داوطلب شرکت در مصاحبه، سؤالات زمینه‌ای مرتبط به موضوع مطالعه مانند: سن فرد هنگام ازدواج، تعداد فرزندان خانواده، وضعیت اقتصادی خانواده، شغل و تحصیلات والدین، تفاوت سنی با همسر، تحصیلات و امکانات مالی همسر، پرسید. سپس متناسب با سؤالات از پیش طراحی شده ابتدا از آن‌ها خواستیم در مورد تصمیم به ازدواج صحبت کنند. در ادامه سؤالات جزئی‌تر مطرح شد و متناسب با پاسخ مصاحبه‌شوندگان سؤالات جدیدی مطرح می‌شد.

علاوه‌براین از مصاحبه‌گروهی^۱ نیز استفاده کردیم. به طوری که با گروه انتخاب شده از افراد برای اطلاع از دیدگاه‌ها و تجارب آن‌ها در زمینه ازدواج زود هنگام به بحث پرداخت و با تعامل و بحث بین مشارکت‌کنندگان با دیدگاه‌های متفاوت، ایده‌هایی را به دست آوردیم. از جمله سؤالات که حین مصاحبه پرسیده شد عبارتند از: شرایطی که باعث ازدواج در سنین پایین برای شما شدند چه بود؟ پیامدهای ازدواج در سنین پایین برای شما چه بود؟ هر مصاحبه‌باتوجه به شرایط مشارکت‌کننده بین ۶۰ تا ۹۰ دقیقه به طول انجامید.

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان

ردیف	نام	سن	سن همسر	مدت ازدواج
۱	ساناز	۱۸	۲۵	۳
۲	مهدیه	۱۷	۲۸	۲
۳	فاطمه	۲۰	۳۰	۶
۴	زهرا	۱۶	۲۴	۱
۵	ریحانه	۱۷	۲۵	۲

۴	۲۴	۱۸	زهرا	۶
۱۱	۳۲	۲۶	فاطمه	۷
۵	۲۹	۲۳	فاطمه	۸
۳	۲۸	۱۸	زهرا	۹
۲	۲۵	۱۷	ثمینا	۱۰
۲	۲۴	۱۷	کوثر	۱۱
۱۲	۳۵	۲۷	الناز	۱۲
۳	۲۶	۱۸	زهرا	۱۳

تحلیل داده‌ها: مصاحبه‌ها با استفاده از روش تحلیل تماتیک در سه مرحله کدگذاری و تحلیل شد. متن مصاحبه‌ها بعد از پیاده‌سازی چندین مرتبه مرور شد و سپس برای هر گزاره در مرحله مقدماتی، مفهوم متناسب با گزاره انتخاب می‌شد. در مرحله بعد مفاهیم را بر اساس تشابه و همپوشانی با یکدیگر دسته‌بندی کردیم و برای هر دسته یک تم متناسب با آنها ساختیم. در مرحله آخر بعد از مرور چندین باره تم‌های فرعی، یک تم اصلی که تم‌های فرعی را ذیل خود قرار می‌داد، به‌عنوان تم اصلی ساختیم.

اعتبارپذیری: جهت اطمینان به واقعی بودن یافته‌ها ابتدا از یکی از پژوهشگران که در روستای مورد مطالعه تجربه زندگی و کار داشت، خواسته شد تا با برقراری تعامل مستمر و مداوم با مشارکت‌کنندگان از تایید یافته‌ها توسط آن‌ها با در اختیار قراردادن یافته‌ها نزد مشارکت‌کنندگان اطمینان حاصل کند. همچنین یافته‌ها توسط هم‌تایان علمی نیز ارزیابی شد.

ملاحظات اخلاقی: در ابتدای هر مصاحبه درباره موضوع پژوهش، فرایند جمع‌آوری داده و هدف از انجام پژوهش توضیحاتی به مشارکت‌کننده داده شد. با توجه به اینکه روستا محیط کوچکی است و حرف مردم در این روستا بسیار مطرح است. هویت زنان محرمانه نزد ما باقی ماند و از اسامی مستعار استفاده شد.

۵. یافته‌ها

متن مصاحبه با مشارکت‌کنندگان را با تکنیک تحلیل تماتیک تحلیل کردیم. پس از اینکه داده‌ها چندین مرتبه مرور شد، در نهایت ۸ تم اصلی کشف شد که توصیف‌کننده تجربه زنان از پدیده ازدواج زودهنگام است. تم‌های اصلی عبارتند از: پدرسالاری فرهنگی، هنجار ازدواج زودهنگام، تنگناهای روستایی، نمایش بزرگسالی، نارضایتی انباشته، محدودیت اجتماعی و عدم اولویت تحصیل.



جدول ۲. مفاهیم و تم‌های برساخته از مصاحبه‌ها

تم اصلی	مفاهیم و تم‌های اولیه
پدرسالاری فرهنگی	احترام به انتخاب پدر، اهمیت نظر پدر، موافقت پدر، سلطه پدر، نادیده گرفتن دختر، اقتدار پدر، حرف‌شنوی از پدر، عدم استقلال
هنجار ازدواج زود هنگام	ازدواج خویشاوندی، نگرش مثبت به کودک همسری، الگوبرداری از دیگران، عمومیت ازدواج در سنین پایین، پذیرش کودک همسری، عادی‌سازی کودک همسری، تأثیرپذیری از دوستان، محیط یک‌دست، پسندیده جلوه‌دادن کودک همسری، مطلوبیت فرزندآوری، چشم‌وهم‌چشمی، منزلت برتر متأهلی، ارجحیت ازدواج، سبقت گرفتن از دوستان، ارزش فرزندآوری
تنگناهای روستایی نمایش بزرگ‌سالی	عدم دسترسی به امکانات، نبود دانشگاه، محدودیت در انتخاب رشته، محدودیت در رفت و آمد، محیط کوچک، امکانات ناچیز، عدم آگاهی، نداشتن سواد کافی، ناتوانی در تصمیم بزرگ‌سالی زودرس، کسب منزلت، ضعف در برقراری ارتباط، رویای بزرگ‌شدن، تناقض در رفتار، نمایش خود، در جستجوی تحقق رویاها، فانتزی‌های کودکانه، عدم درک شرایط
نارضایتی انباشته	مسئولیت خانه‌داری، تعدد نقش‌ها، فرار از مشغله‌های متعدد، کودکی پرتنش، رها کردن تحصیل، عقب‌ماندگی فرهنگی، نداشتن اختیار، زیرسلطه‌بودن، پیروی از همسر و پدر، پذیرش وظایف، ناتوانی در تحقق نیازهای همسر
محدودیت اجتماعی	تابوی دوست‌پسر، ممنوعیت ارتباط با پسر، بی‌حیا تلقی شدن، عیب‌تراشی، انگ ناتوانی جسمی، بدخلقی، بدگویی، انگ‌زنی، بی‌آبرویی، عدم اعتماد، سلب اجازه و اختیار
عدم اولویت تحصیل	رهاکردن درس، انصراف از تحصیل، سواد پایین، عقب‌ماندگی درسی، نادیده گرفتن تحصیل، عدم اجازه اتمام تحصیل، تلقی تحصیل به‌عنوان مانع، تحصیلات ناچیز، بی‌ارزش شمردن درس

پدرسالاری فرهنگی: نخستین تم کشف‌شده از مصاحبه با مشارکت‌کنندگان، پدرسالاری فرهنگی است. در خانواده دختران دارای تجربه ازدواج زود هنگام، تصمیمات توسط پدر گرفته می‌شود و پدر، قدرت برتر خانواده محسوب می‌شود. ازدواج نیز اغلب از تصمیمات پدر به حساب می‌آید. منزلت پدر در کنار احترام و حرف‌شنوی از پدر سبب تبعیت دختران در ازدواج زود هنگام شده است. تمامی دختران مشارکت‌کننده اظهار داشتند که آنها از تصمیم پدران خود پیروی می‌کنند و وقتی پدرانشان فردی را برای ازدواج آنان انتخاب می‌کند، علی‌رغم سن پایینی که دارند، تصمیم او را می‌پذیرند. در ذهن آنان برتر بودن پدر در تمامی ابعاد زندگی نهادینه شده است. دختران مشارکت‌کننده بیان می‌کردند که به دلیل سن پایین، توان انتخاب صحیح را نداشته، و در نتیجه به پدر اعتماد کرده و سرنوشت خود را به دست پدر می‌سپارند.

ساناز ۱۸ ساله که ۳ سال است ازدواج کرده است می‌گوید:

«این مورد را پدرم برای من انتخاب کرده‌بودن و من هم به ایشون اعتماد کامل دارم و اگر حتی ۱۰ سال دیگه‌ام بابام می‌گفتن با این آقا ازدواج کنم باز من احترام می‌ذاشتم و ازدواج می‌کردم»

باتوجه به صحبت دختران، پدر یک نقش کاریزماتیک به حساب می‌آید که تعیین‌کننده ابعاد مختلف زندگی خانواده و فرزندان به‌ویژه سن ازدواج است. زهرا ۱۶ ساله که ۱ سال است از ازدواج او می‌گذرد:

«پدرم برای من این آقا رو در نظر گرفتن و بعدم که او مدن خواستگاری پدرم گفتن خوبه و جواب پدرم مثبت بود به ازدواج من با این آقا منم روی حرف پدرم اصلاً حرف نمی‌زنم و هر کی و پدرم انتخاب می‌کردن با همون ازدواج می‌کردم چون پدرم بهتر از من می‌دونه»

منزلت برتر پدر از کودکی و از بدو تولد دختران در هنگام جامعه‌پذیری و رشد درون آن‌ها نهادینه می‌شود و تبعیت از تمامی تصمیمات پدر ملکه ذهن دختران شده‌است.

هنجار ازدواج زودهنگام: مشاهدات میدانی حاکی از این است که اغلب دختران روستای مورد مطالعه، در حدود ۱۴ سالگی اقدام به ازدواج می‌کنند. از نظر مردم این روستا دختران در این سن آمادگی ازدواج را دارند و خواستگارهای مختلف به خانواده دختر برای ازدواج معرفی می‌شود. متناسب با سنت ازدواج زود هنگام، اکثر خانواده‌ها در سن ۱۴ سالگی شروع به بررسی خواستگارهای دخترشان می‌کنند. ازدواج در سن پایین یک ارزش تلقی می‌شود که به واسطه سنت تداوم یافته‌است. دختران با نگاهی به اطرافیان مشاهده می‌کنند که دوستان، اقوام و هم‌کلاسی‌های آن‌ها در همین سن و سال راهی خانه بخت شده‌اند. اغلب دختران مشارکت‌کننده با افتخار در رابطه با ازدواج خود صحبت می‌کنند. خوشحال از اینکه توانسته در سن پایین ازدواج کنند و از دوستان و آشنایانشان پیشی بگیرند. ازدواج در سنین پایین یک هنجار و کنش مطلوب تلقی می‌شود و برای دختران منزلت و اعتبار به ارمغان می‌آورد.

فاطمه، ۲۰ ساله که ۶ سال از ازدواج او می‌گذرد: «من خیلی خوشحالم که ۱۴ سالگی ازدواج کردم. تو روستای ما دختر آگه به ۱۸ سالگی برسه هنوز ازدواج نکرده باشه همه میگن این پیر شده، دیگه پیر دختر حساب میشه، کسی نمیداون و بگیره»

بنابر گفته دختران مشارکت‌کننده، در این روستا پذیرش اینکه دختر ۱۸ ساله شده و همسر ندارد بسیار سخت است و خانواده‌ها برای فرار از این موضوع دختران را قبل از ۱۸ سالگی شوهر می‌دهند. دختران نیز هرچند تمایل به مقاومت در ازدواج در سن پایین را داشته باشند، اما در جامعه کوچک ترجیح



می دهند زود ازدواج کنند تا در روستا انگشت نما نشوند. مصاحبه‌ها، بارها با واژه پیریودن دختر در شرایط ازدواج نکردن تا سن ۱۸ سالگی مواجه شدیم که این سن، سن رایج ازدواج دختران است که در صورت گذر از آن سن پیر خطاب می شوند.

کوثر، ۱۷ ساله، که ۲ سال از ازدواج او می گذرد: «ما طبق سنت هامون ازدواج می کنیم و یکی از سنت های ما ازدواج تو سن پایینه و همه هم ازش حمایت می کنن مثلاً مامانم، مامان بزرگم، خاله هام، خواهرام و همه دوستان همین قدر زود ازدواج کردن. همه از این سنت و آداب و رسوم اطاعت می کنن. اگه ازدواج نکنی کلی پشت سرت حرف درست می کنن»

ازدواج ارزشی برجسته میان مردم این روستا دارد و همه احترامی ستودنی برای آن قائل هستند. ازدواج امری پسندیده و قابل ستایش تعریف می شود که کسی اجازه ایجاد اختلال در آن و برهم زدن جایگاه آن را به خود و دیگری نمی دهد.

تنگنای روستایی: زندگی در محیطی کوچک همراه با محدودیت امکانات، شرایط ازدواج زود هنگام را برای دختران تسهیل است. زنان جوان مشارکت کننده بازگو می کردند که کوچکی روستا و نبود امکاناتی مانند دانشگاه سبب می شود تا دختران در سنین پایین تن به ازدواج دهند.

ریحانه ۱۷ ساله که دو سال از زمان ازدواج او می گذرد: «اینجا امکانات درستی نداریم. توی یه روستای کوچک زندگی می کنیم که همه همدیگر را می شناسند. اینجا دختر اگر تنها بیرون برود برایش حرف درست می شود. برای همین باید همه خیلی زود ازدواج کنن که حرف و حدیثی درست نشه.»

یکی از دلایل ازدواج زود هنگام، کمبود امکانات در روستا است. دختران اغلب آینده روشنی در تحصیلات خود نمی بینند. آن ها به این موضوع آگاه هستند که به دلیل نبود دانشگاه اجازه رفت و آمد به جای دیگری را ندارند و در نهایت همین امر عامل انصراف از تحصیل و عدم اتمام تحصیل و همچنین ازدواج زود هنگام می شود.

الناز، ۲۷ ساله که ۱۲ سال از ازدواج او می گذرد: «ما در اینجا امکاناتی نداریم. دانشگاهی هم نیست. بعضی از دخترا به این امید ازدواج می کنند که شاید شوهراشون اجازه بدن این ها برن یزد درس بخونن.»

زهره ۱۸ ساله که ۳ سال از ازدواج او می‌گذرد: «من خیلی رشته علوم تجربی را دوست داشتم هدفم این بود ۴ سال پیش این رشته رو انتخاب کنم ولی وقتی ازدواج کردم خانواده همسرم خیلی موافق نبودند به خاطر اینکه باید برم یزد درس بخونم و اینجا فقط یک رشته بیشتر نداره دیگه مجبور شدم این رشته رو انتخاب کنم.»

افرادی که در مناطق شهری زندگی می‌کنند به دلیل شیوه‌های زندگی متفاوت و نیز کنترل اجتماعی ضعیف‌تر نسبت به مناطق روستایی ازدواجشان با تأخیر انجام می‌گیرد. زیستن در محیطی روستایی، امکانات نسبتاً محدود و کنترل نسبتاً شدید بر تعاملات، باعث می‌شود که ازدواج را ترجیح دهند.

نمایش بزرگ‌سالی: دخترانی که در سن پایین ازدواج می‌کنند، به ناگزیر خود را بزرگ‌سال نشان می‌دهند، درحالی‌که نیازها و شور نوجوانی در آنها به ثمر ننشسته‌است. آن‌ها هنوز احساس نیاز به کودکی کردن دارند. آن‌ها با ازدواج در شرایطی تازه قرار می‌گیرند و برای مدیریت موقعیت تازه، دست به نمایش بزرگ‌شدن می‌زنند. با ازدواج کردن، دختران نوجوان ناچارند با مشکلات و مسائل زندگی بزرگ‌سالان دست‌وپنجه نرم کنند و این شرایط، تجربه نوجوانی مهیج را از دختران می‌گیرد. در بسیاری از مهارت‌های زندگی توانایی کافی ندارند و تلاش می‌کنند تظاهر به بزرگی و بلدبودن کنند. دختران در این سن هیجان و انرژی زیادی دارند و علاقه‌مندند با دوستان خود به تفریح و شادی بپردازند. دختران در این سن گمان می‌کنند، فرد بالغی شده‌اند و خواستار استقلال کامل می‌شوند که این برخاسته از بلوغ عاطفی و همچنین فرهنگ حاکم بر جامعه است. با ازدواج احساسات و شور و هیجان خود را سرکوب می‌کنند و خود را بزرگتر از سنی که هستند، نشان می‌دهند.

مهديه ۱۷ ساله که ۲ سال از ازدواج او می‌گذرد: «از سن ۱۴ خودت رو باید مثل ۳۰ ساله بگیری و از بازی کردن با بچه‌ها دست‌برداری با زن‌های بزرگ صحبت کنی»

دختران پس از ازدواج ناچار به هم‌نشینی با زنان متأهل و بزرگ‌سالی هستند که به لحاظ سنی فاصله سنی زیادی با آنها دارند. دخترانی که تا پیش از ازدواج در جوار دوستان هم‌سن و سال خود و پای صحبت کودکانه خود بودند حال دامنه ارتباطات خود را به زنان بزرگتر از خود گسترش دهند. ورود به جمعی ناشناخته با تجربه‌های متفاوت برای دختری نوجوان چالش‌برانگیز است.

زهره می‌گوید: «موقعی که عروس شدم فکر کردم که خیلی بزرگ شدم و آدم بزرگی شدم و سنم رفته بالا ولی بازم بچه بودم.»



پوشیدن لباس عروس و دریافت هدایا در آن سن، برای آن‌ها جذاب است. دختران در آن سن ظواهر ازدواج را می‌بینند، اینکه بعد از ازدواج "با همسرشان به یزد می‌روند و در یک کافه شیک شام دو نفره می‌خورند". ازدواج، کودکی را از آن‌ها گرفته و بالا فاصله آن‌ها را وارد دنیای بزرگ‌سالی و متأهلی می‌کند که نیاز به مهارت‌های متنوعی دارند و دختران نوجوان بدون یادگیری آن مهارت‌ها قدم به دنیای بزرگ‌سالی می‌گذارند.

نارضایتی انباشته: نارضایتی انباشتی ذیل زیر مضامینی همچون تعدد نقش، نداشتن اختیار، زیر سلطه بودن، کودکی پر نش و... قرار می‌گیرد. اغلب دختران مشارکت‌کننده اظهار می‌کردند که در زندگی پر چالشی قرار دارند. ازدواج در سن پایین مشغله آن‌ها را مضاعف کرده و آنان ناچار به پذیرش مسئولیت‌های متعددی هستند. شکایت متعددی از دختران در ارتباط با فشار مسئولیت‌ها در زندگی شنیده شد.

زهره ۱۶ ساله که کم‌تر از یک سال از ازدواج او می‌گذرد می‌گوید: «من الان کم‌تر از یک ساله رفتم خونه ی شوهر، هم باید به کارای خونه برسم هم درس بخونم هم مدیریت کنم واقعا برام سخته خیلی کار دارم که انجام بدم مثلا باید مهمانی بدم برای تعداد زیادی غذا درست کنم». یا زهرا در این رابطه می‌گوید: «خیلی دوست داشتم حداقل دوسال دیگه رو بخونم ولی دیگه با توجه به مشغله هام نمیتونم باید درس و ول کنم چون وقت نمی‌کنم»

با وجود اینکه خانواده‌ها تلاش می‌کنند مهارت‌های مورد نیاز را به دختران نوجوان خود بیاموزند، اما به دلیل پایین بودن سن، همچنان دختران نوجوان بسیاری از مهارت‌های لازم برای ورود به زندگی زناشویی ندارند. و پس از ازدواج آن‌ها ناچار هستند زمان زیادی را صرف یادگیری مهارت‌های خانه داری، همسر داری، بچه داری و مانند آن کنند. این شرایط فشار روانی و جسمی قابل توجهی بر آن‌ها وارد کرده و نارضایتی از ایفای نقش خود را تجربه می‌کنند.

محدودیت اجتماعی: دختران اظهار می‌کردند آن‌ها از بسیاری از ارتباطات محروم هستند و به آن‌ها اجازه داده نمی‌شود بیرون از خانه با دوستان خود وقت بگذرانند. والدین با هدف جلوگیری از ایجاد سرزنش دیگران، خروج دختران خود از خانه محدود است. ارتباط دختر و پسر پیش از ازدواج عملی ممنوعه و تابو تلقی می‌شود و داشتن چنین ارتباطاتی ننگ خانوادگی و بی‌آبرویی به حساب می‌آید. ارتباط با نامحرم پیش از ازدواج، بی‌حیایی تلقی می‌شود. ادامه تحصیل دختران نیز از اختیارات پدر و

پس از ازدواج شوهر محسوب می‌شود و در صورت عدم رضایت شوهر، دختر ناچار است تحصیل را رها کند و به خانه‌داری مشغول و محدود شود. ثمینا ۱۷ ساله که دو سال از ازدواج او می‌گذرد: «اگر اینجا دختری ۱۸ سالش بشه و شوهر نکرده باشه مردم می‌گن حتماً با پسری تو ارتباط بوده، همه پراش حرف و حدیث درست می‌کنن و کسی باهاش رفت و آمد نمی‌کنه»

پدران ترس ازدست‌دادن آبرو دارند و به همین دلیل بهترین راه را ازدواج در سنین پایین می‌دانند که مانع از ایجاد حرف و حدیث می‌شود. ترس از انگ زدن سبب تن‌دادن دختران به ازدواج در سنین پایین می‌شود. اگر دختران نسبت به ازدواج زود هنگام مقاومت کنند، جامعه آن‌ها را طرد می‌کند و برچسب روابط نامشروع با جنس مخالف را به او می‌زنند. فاطمه ۲۶ ساله که ۱۱ سال از ازدواج او می‌گذرد می‌گوید: «دوست و همسایه و فامیل اینجا سریع برات حرف می‌سازن، به دختر اجازه نمی‌دن تصمیم بگیره یا حتی بخواد درسش و ادامه بده یا جایی بره که مبادا پراش حرف درست بشه فقط سریع شوهرش می‌دن که خیالشون راحت بشه».

حرف مردم از اهمیت بالایی برخوردار است. هر گونه برچسب و انگی از جانب دیگران سبب طرد خانواده و دختر می‌شود. ترس از مخاطراتی که ممکن است گریبان‌گیر خانواده و دختران آن‌ها شود پدران را وادار می‌کند تا سختگیری‌های متعدد در رابطه با دختر کار گیرند. در چنین شرایطی، برخی به امید یافتن آزادی و رهایی از محدودیت، ازدواج می‌کنند.

عدم اولویت تحصیل: اغلب مشارکت‌کنندگان بعد از ازدواج ناچار به رها کردن تحصیل شده‌اند. بنابر اظهارات دختران، تحصیل نزد ساکنین اهمیت ندارد و تنها راهی برای آموختن کمی سواد جهت کمک به فرزندان در دوران مدرسه است. چنانچه تحصیلات مانعی برای ازدواج باشد، سریعاً آن را از میدان بیرون می‌کنند. دختران درس را نصفه و نیمه رها می‌کنند و راهی خانه بخت می‌شوند.

الناز ۲۷ ساله که ۱۲ سال از ازدواج او می‌گذرد: «تو روستای ما تنها چیزی که مهمه ازدواج و خونه بخت رفتنه، درس اهمیتی نداره من مامان خودم سواد نداره مامان بزرگم نداره کل فامیل دختر خاله دختر عمه خواهرام همه در حد کمی سواد دارن و درس خوندن چون همیشه همزمان هم درس خوندم هم به کارای خونه و شوهر و بچه رسید»

از کودکی درون ذهن دختران تنها یک چیز با ارزش تلقی شده و درونی می‌شود و ازدواج است. هر گاه تحصیل به‌عنوان مانعی عمل کند که ازدواج را به تأخیر بیندازد آن را کنار می‌زنند.



زهرآ ۱۶ ساله که یک سال از ازدواج او می‌گذرد: «من خودم درس و دوست دارم آدم از خیلی چیزها باخبر می‌شه. اما اینجا دخترا اجازه ندارن بگن ما نمی‌خوایم ازدواج کنیم می‌خوایم درسمون و ادامه بدیم»

یکی از دلایل تأخیر در ازدواج در اجتماعات شهری، افزایش سواد در میان زنان و خانواده‌ها است. حال آنکه عدم توجه به دانش و افزایش سواد خود دلیلی بر تأکید بر کودک‌همسری است. اولویت اول و تنها اولویت برای دختران در جامعه‌ی روستایی ازدواج تعریف شده‌است و براساس سنت‌های دیرینه ازدواج دختران به پیروی و حفظ سنت هستند.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش با هدف کشف تجربه و تفسیر دختران جوان از ازدواج زود هنگام انجام شد. داده‌ها با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته گردآوری و سپس با استفاده از روش تحلیل تماتیک مورد تحلیل قرار گرفت. ۸ تم اصلی از مصاحبه‌ها کشف شد که عبارتند از: پدرسالاری فرهنگی، تنگنای روستایی، هنجار ازدواج زود هنگام، بزرگ‌سالی نمایشی، نارضایتی انباشته، محدودیت اجتماعی و عدم اولویت تحصیل.

کودک‌همسری پدیده‌ای است که تحت تأثیر چندین عامل شکل گرفته‌است. ازدواج زود هنگام در بستر اجتماعی و فرهنگی مبتنی بر پدرسالاری شکل می‌گیرد. در جامعه کوچک که پدرسالاری و مردسالاری وجود دارد، دختران در جهت ایفای نقش زنانه که ب اساس نقش‌های همسر داری، خانه داری و مادری تعریف شده‌اند آموزش دیده و آموخته‌اند که ایفای نقش زنانه خود را در امر ازدواج که نمایانگر زنانگی است نشان دهند. یکی از مهم‌ترین دلایل ازدواج در سنین پایین، پدرسالاری و خواست و اراده پدر در ازدواج زود هنگام دختران است. پدرسالاری فرهنگی به عنوان یکی از دلایل کودک همسری در مطالعات مورد توجه بوده است (حاجیلو و همکاران، ۱۴۰۰؛ مینا و کریمی خنجری، ۱۳۹۹).

زندگی در محیطی کوچک با بافت سنتی دختران را محدود به عرصه خصوصی می‌کند. دختران نوجوان خود را در محیطی بسته و سنت‌هایی قوام یافته می‌بینند. نتایج با مطالعات حاجیلو و همکاران، ۱۴۰۰؛ فاطیما، ۲۰۲۳؛ سابرامانی و همکاران، ۲۰۲۲؛ هادیاتی و همکاران، ۲۰۲۲؛ در رابطه با اهمیت عامل زیستن در روستا هم‌سو است. مطابق با نظریه ویلیام گود، در مناطق شهری و توسعه یافته به دلیل مدرنیزاسیون ازدواج با تأخیر انجام می‌گیرد؛ چرا که مدرن شدن سبب تغییر نگرش، فرصت تحصیلی و

شغلی را برای خانواده‌ها و خصوصاً زنان می‌شود و با تغییر شیوه‌های زندگی و کاهش کنترل اجتماعی، ازدواج را با تأخیر انجام می‌دهند.

تشکیل خانواده به‌عنوان یک ارزش اجتماعی و تعریف ازدواج و تشکیل خانواده به‌عنوان یک امر مهم اجتماعی، موجب شده تا والدین و فرزندان، ازدواج را در اولویت قرار دهند. مهم رین دغدغه اغلب دختران نوجوان، ازدواج و مقدمات آن است. ازدواج سبب یافتن منزلت و کسب توجه و تأیید اطرافیان می‌شود. اگر دختری در سن مورد نظر ازدواج نکند مورد سرزنش قرار گرفته و در برخی موارد طرد می‌شود. در نتیجه یکی از عوامل‌های کلیدی ازدواج در سنین پایین، تقدم بخشی اجتماعی و فرهنگی به ازدواج و غلبه هنجار ازدواج زودهنگام است. چنانی و همکاران، ۱۴۰۱؛ و حاجیلو و همکاران، ۱۴۰۰؛ در مطالعات خود نشان داده‌اند که یکی از دلایل کودک‌همسری تعصبات قومی و سنت‌های قوی است. این یافته با مطالعات فتائی و همکاران، ۱۴۰۱؛ نقی زاده و میرغفوروند، ۱۴۰۱؛ سابرامانی و همکاران، ۲۰۲۲؛ میترا و همکاران، ۲۰۲۰؛ راج و همکاران، ۲۰۱۹؛ هم‌سو است.

ازدواج مانند هر پدیده و کنش اجتماعی، در بستر فرهنگی معین شکل گرفته و تحول می‌یابد. سن ازدواج و نحوه تصمیم‌گیری آن، نیز از این زمینه جدا نیست. شرایط فرهنگی، اجتماعی روستا به گونه‌ای است که ازدواج ارزشی برتر داشته و دختران در همین زمینه فرهنگی وارد زندگی مشترک می‌شوند. امروزه بر اثر رسوخ ارزش‌های مردن، گسترش تحصیلات، امکان اشتغال زنان و دسترسی به اطلاعات فرامحلی و جهانی، عوامل فرازمینه‌ای نیز بر کنش‌ها مؤثر است. در اثر همین شرایط تغییراتی در حال رخ دادن است. به نظر می‌رسد خانواده‌ها از زمینه خاص زندگی خود در روستا فاصله می‌گیرند، نوع نگاهشان به زمان مناسب برای ازدواج نیز تغییر خواهد کرد. البته ماندگاری شرایط فعلی بعید به نظر می‌رسد و هر یک از این شرایط پیامدهایی دارد.

پیشنهاد‌های کاربردی: ازدواج در سن مناسب، مقدمه موفقیت زندگی مشترک است. کلیشه‌های جنسیتی و انتظارات اجتماعی از جمله مواردی است که موجب می‌شود پدیده کودک‌همسری تداوم یابد. آموزش و سیاست‌گذاری در زمینه سن مناسب ازدواج، مخاطرات ازدواج سنین پایین را کاهش می‌دهد. شناسایی و آگاهی‌بخشی با تأکید بر مناطقی که ازدواج در سنین پایین رواج دارد.



پیشنهادهای پژوهشی: پژوهش در مورد تفسیر والدین، بویژه پدران افراد دارای تجربه کودک همسری و همچنین مردانی که تمایل به ازدواج با دختران سنین پایین دارند، می‌تواند ابعاد مهمی از پدیده را بگشاید.

محدودیت‌های پژوهش: به دلیل کوچک بودن روستا و نگرانی مشارکت‌کنندگان از برچسب زنی، زمان زیادی صرف جلب رضایت دختران برای شرکت در مصاحبه شد. اغلب مشارکت‌کنندگان دانش-آموز بودند و نبودن مکان مناسب در مدرسه برای مصاحبه موجب ناقص ماندن مصاحبه و گاهی به ناچار تکرار مصاحبه شد.

ملاحظات اخلاقی: این مطالعه، با رعایت کدهای اخلاقی انجام پژوهش‌های انسانی انجام شده است. **حمایت مالی:** مطالعه حاضر تلاش نویسندگان بوده و تحت حمایت مالی منابع خارجی نیست. **سهم نویسندگان:** نویسنده نخست: مسئول طراحی مطالعه، انجام تحلیل نهایی، بازنگری کدها و ویرایش نهایی مقاله بود، نویسنده دوم: مسئول انجام مصاحبه‌ها و کدگذاری ابتدایی داده‌ها بود. نویسنده سوم: پیش‌نویس ابتدایی مقاله را نوشت و پس از آن داده‌ها را دوباره تحلیل کرد. مقاله با مشارکت هر سه نویسنده به نگارش درآمده است.

تضاد منافع: نویسندگان اعلام می‌کنند که هیچ تضاد منافع با هیچ فرد یا سازمانی ندارند. **قدردانی:** نویسندگان از تمامی بانوانی که با صداقت در مصاحبه‌های ما شرکت کردند، قدردانی می‌کنند.

دسترسی داده‌ها: داده‌های حمایت‌کننده از این مطالعه را به دلیل رعایت حریم خصوصی و خانوادگی مشارکت‌کنندگان نمی‌توان در دسترس قرار داد.

منابع

- احمدی، کامیل. (۱۳۹۶). طنین سکوت: پژوهشی جامع درباره ازدواج زودهنگام کودکان در ایران، تهران، انتشارات شیرازه. اسدپور، عهدیه، کمالی، افسانه و سفیری، خدیجه. (۱۳۹۸). فهم مسئله ازدواج در دوره کودکی از نگاه کودک-زنان ازدواج کرده خراسانی. بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱(۱۰)، ۱۹۴-۱۶۷. [لینک].
- افتخارزاده، سیده زهرا. (۱۳۹۴). تجربه زیسته زنان در ازدواج زود هنگام. پژوهش نامه مددکاری اجتماعی، ۳(۱)، ۱۵۶-۱۰۸. [لینک].
- حاجیلو، فتانه، آقایی، توکل و علیپور آبدار، فریده. (۱۴۰۰). علل زمینه‌ساز کودک همسری (مطالعه موردی زنان دارای تجربه زیسته مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی شهر تبریز)، زن و جامعه، ۱۲(۴۸)، ۱۱۶-۱۰۶. [لینک].
- حبیب‌پور، کرم و سلحشور، عصمت. (۱۴۰۱). مطالعه کیفی خشونت در بین کودکان همسران شهر چابهار: شرایط، استراتژی و پیامدها، بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۳(۱)، ۱۴۰-۱۰۵. [لینک].
- ریتزر، جورج (۱۳۸۰). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، مترجم: محسن ثلاثی، تهران: علمی. فتائی، مهری؛ مطلق، معصومه و آقاجانی مرسان، حسین. (۱۴۰۱). مطالعه زمینه‌ها و پیامدهای کودک همسری در استان لرستان، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، ۹(۳۲)، ۱۴۲-۱۰۵. [لینک].

- فتحی، محمدرضا و رحمانی، جهانشاه. (۱۳۹۴). کاربرد نظریه یادگیری اجتماعی شناختی بندورا در خود تنظیمی و یادگیری، اولین کنفرانس بین المللی مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم تربیتی، ساری. [لینک].
- فرهمند، مهناز؛ دانافر، فاطمه و پور ابراهیم آبادی، محبوبه. (۱۳۹۹). واکاوی تجارب زناشویی کودک همسری: درهم آمیختگی عاطفی-فکری و بی قدرتی، پژوهش جامعه شناسی معاصر، ۱۷ (۹)، ۱۱۵-۱۴۵. [لینک].
- کریمی، مریم و شجاعی، سامره. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین رهبری پدر سالارانه و آوای کارکنان با تاکید بر نقش تعدیل کننده تسهیم دانش کارکنان شعب بانک صادرات استان گلستان، نشریه مدیریت سازمان های دولتی، ۱۰ (۲)، ۲۱-۴۱. [لینک].
- مرکز آمار ایران (۱۴۰۲). گزارش وضعیت فرهنگی و اجتماعی ایران، بهار ۱۴۰۲، تهران: مرکز آمار ایران. [لینک].
- مقدادی، محمد مهدی و جوادپور، مریم. (۱۳۹۶). تأثیر ازدواج زودهنگام بر سلامت جنسی کودکان و ساز و کارهای مقابله با آن، فصلنامه حقوق پزشکی، ۱۱ (۴۰)، ۶۰-۳۱. [لینک].
- موسی پور، نعمت اله؛ فلاحتی، لیلا و مزینانی، مهدی. (۱۳۹۷). پدرسالاری فرهنگی؛ سیکی از مدیریت فرهنگی در نظام تربیت معلم ایران، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۱۱ (۴)، ۸۸-۵۵. [لینک].
- مینا، محبوبه و کریمی خنجری، فرزاد. (۱۳۹۹). عوامل مؤثر بر ازدواج کودکان، جامعه شناسی سیاسی ایران، ۳ (۴)، ۲۶۶۸-۲۲۵۶. [لینک].
- ناصری، عرفان و یزدخواستی، بهجت. (۱۳۹۸). بررسی عوامل جامعه شناختی مرتبط با عدم ازدواج مجدد زنان فاقد همسر، فصلنامه توسعه اجتماعی، ۱۴ (۱)، ۶۰-۳۱. [لینک].
- نقی زاده، سمیه و میرغفوروند، مرگان. (۱۴۰۱). دانش و نگرش مادران دختران نوجوان در مورد ازدواج زودرس، علل و پیامدهای آن، مجله حیات، ۲۸ (۲)، ۱۹۸-۱۸۴. [لینک].
- هاوک، پل. (۱۳۸۶). موفقیت در تربیت فرزندان (از ۵ تا ۱۸ سالگی) با رویکرد عقلانی-عاطفی، ترجمه ریاضی واریسی، تهران: رشد.

References

- Ahmadi, K. (2017). *The sound of Silence: a comprehensive study about early marriage in Iran*, Tehran: shirazeh Publication. [Text in Persian].
- Ahmed, T. (2015). Child Marriage: a discussion paper. *Bangladesh Journal of Bioethics*, 6(2), 8-14.
- Ahonsi, B., Fuseini, K., Nai, D., Goldson, E., Owusu, S., Ndifuna, I., ... & Tapsoba, P. L. (2019). Child marriage in Ghana: evidence from a multi-method study. *BMC women's health*, 19 (1), 1-15.
- Asadpoor, A., Kamali, A. & Safiri, Kh. (2020). Understanding the issue of marriage in childhood From the point of view of child-married women of Khorasan, *Iranian journal of Social Problems*, 10 (1), 167-194. [Text in Persian]
- Auradkar, J. B. (2013). child marriage in India: an overview. *Review of Research, Publish in OALib Journal*.
- Azinar, M., Nisa, A. A., & Ediyarsari, P. (2023, January). Perceptions of Early Marriage in Junior High School Students in Rural Areas. In *Unima International Conference on Social Sciences and Humanities (UNICSSH 2022)* (pp. 700-711). Atlantis Press.
- Eftekhazade, S. Z. (2015). Lived Experiences of Female Victims of Child Marriage, *Journal of social Work Research*, 3 (1), 108-156. [Text in Persian]
- Farahmand, M., Danafar, F., Poorebrahimabadi, M. (2021). Analysis of the marital experiences of the spouse's child: Emotional-intellectual and powerless



- fusion, *Contemporary Sociological research*, 17 (9), 115-145. [Text in Persian]
- Fataei, M., Motlagh, M. & Aghajani, M. H. (2023). Studying the contexts and consequences of child marriage in Lorestan province, *Journal Of Social Work research*, 9 (32), 105-142. [Text in Persian]
- Fathi, M. & Rahmani, J. (2015). Applicatipn of Social learning theory in self arrangement and learning, *First Conference of Management, Economics, Accounting and Education*. [Text in Persian]
- Fatima, S. (2023). Rural development and education: critical strategies for ending child marriages. Fatima, S. Rural Development and Education: Critical Strategies for Ending Child Marriages. *Archives of the Social Sciences: A Journal of Collaborative Memory*, 1(1), 1-15.
- Habibpoor, K. & Salahshoor, E. (2022). A qualitative study of violence among child wives in Chabahar city: conditions, strategies and consequences, *Iranian Journal of Social problems*, 13 (1), 105-140.
- Hadiati, M., Farma Rahayu, M. I., & Sudiro, A. (2022). An Empirical Study in Indonesia of Girl Child Marriage Determinants. *Journal of International Women's Studies*, 24 (5), 6. [Text in Persian]
- Hajilou, F., Aghayari, T. & Alipoor-Abdar, F. (2021). The Contextual Causes of Child Marriage (A case study of Women Who Have Child Marriage Experience and Recourse to Health Centers in Tabriz), *Woman & Society*, 12 (48), 106-116. [Text in Persian]
- Hauk, P. A. (2002). *How to Cope with people Who drive You Crazy*, Translated in Persian by Hossein seifourian & Mohammad Taher Riazi arasi, Tehran: Roshd. [Text in Persian]
- Horii, H. (2021). Child Marriage as a "Solution" to Modern Youth in Bali. *Progress in Development Studies*, 1-14. <https://doi.org/10.1177/1464993420977793>. [Text in Persian]
- Iman, M. T. (2012). *Methodology of Qualitative Research*, Qom: Research Institute of Hawzeh & University. [Text in Persian]
- John, N. A., Edmeades, J., Murithi, L., & Barre, I. (2019). Child marriage and relationship equality in Ethiopia. *Culture, Health and Sexuality*, 21 (8), 853–866. <https://doi.org/10.1080/13691058.2018.1520919>.
- Judiasih, S. D., Rubiati, B., Yuanitasari, D., Salim, E. F., & Safira, L. (2020). Efforts to Eradicate Child Marriage Practices in Indonesia: Towards Sustainable Development Goals. *Journal of International Women's Studies*, 21 (6), 135–149.
- Kalamar, A. M., Lee-Rife, S., & Hindin, M. J. (2016). Interventions to Prevent Child Marriage Among Young People in Low- and Middle-Income Countries: A Systematic Review of the Published and Gray Literature. *Journal of Adolescent Health*, 59 (3), S16–S21. <https://doi.org/10.1016/j.jadohealth.2016.06.015>.
- Karimi, M. & Shojaee, s. (2015). Studying the relationship between paternalistic leadership and employees' voice emphasizing on moderator role of knowledge sharing of employees at branches of Saderat Bank in Golestan Province, *Public Organizations Management*, 3 (2). 21-40. [Text in Persian]
- Kidman, R. (2017). Child marriage and intimate partner violence: A comparative study of 34 countries. *International Journal of Epidemiology*, 46 (2), 662–675. <https://doi.org/10.1093/ije/dyw225> .

- Krafft, C., Arango, D. J., Rubin, A. H., & Kelly, J. (2024). Conflict and girl child marriage: global evidence. *Population Research and Policy Review*, 43(4), 60.
- Male, C., & Wodon, Q. (2018). Girls' Education and Child Marriage in West and Central Africa: Trends, Impacts, Costs, and Solutions. *Forum for Social Economics*, 47 (2), 262-274. <https://doi.org/10.1080/07360932.2018.1451771>.
- Malhotra, A., Warner, A., McGonagle, A., & Lee-Rife, S. (2011). Solutions to End Child Marriage. In International Center for Research on Women. Retrieved from <http://www.icrw.org/files/publications/Solutions-to-End-Child-Marriage.pdf>.
- Maswikwa, B., Richter, L., Kaufman, J., & Nandi, A. (2015). Minimum Marriage Age Laws and the Prevalence Of Child Marriage and Adolescent Birth: Evidence from Sub-Saharan Africa. *International Perspectives on Sexual and Reproductive Health*, 41 (2). <https://doi.org/doi.org/10.1363/4105815>
- McDougal, L., Shakya, H., Dehingia, N., Lapsansky, C., Conrad, D., Bhan, N., ... Raj, A. (2020). Mapping the patchwork: Exploring the subnational heterogeneity of child marriage in India. *SSM - Population Health*, 12 (May), 100688. <https://doi.org/10.1016/j.ssmph.2020.100688>
- Meghdadi, M. M., Javadpour M. (2017). Impact of Early Marriage on Children's Sexual Health and Mechanisms of Deal with It, *Medical Law Journal*, 11 (40), 31-60. [Text in Persian]
- Merriam, S. & Tisdell, E. (2016). *Qualitative Research, A Guide to Design and Implementation*. San Francisco: Jossey-Bass.
- Miedema, E., Koster, W., & Pouw, N. (2020). Taking choice seriously: Emic understandings of decision-making about child marriage. *Progress in Development Studies*, 1-9. <https://doi.org/10.1177/1464993420965315>
- Mina, M. & Karimi, K. F. (2021). Factors affecting child marriage, *Political Sociology*, 3 (4), 2256-2268. [Text in Persian]
- Mitra, p, pondi endengle, eric m, pant, malika, almeida, luiz (2020). does child marriage matter for growth. *lmf working papers*, 20-27.
- Mousapour, N., Falahati, L. & Mazinani, M. (2019). Cultural Patriarchy as a Cultural Management style in Teacher Training System of Iran, *Journal of Iranian Cultural Research*, 11 (4), 55-88. [Text in Persian]
- Muchomba, F. M. (2021). Parents' assets and child marriage: Are mother's assets more protective than father's assets? *World Development*, 138, 105226. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2020.105226>
- Naghizadeh S, & Mirghafourvand M. (2022). Knowledge and attitude of mothers with teenage daughters towards early marriage, its causes and consequences. *Journal of Hayat*, 28 (2), 184-198. [Text in Persian]
- Naseri, e. & Yazdkhasti, B. (2019). Sociological Factors Related to the Lack of Remarriage of Widows (Case Study: Sponsored Women in Sanandaj), *Social Development*, 14 (1), 31-60. [Text in Persian]
- Nguyen, M. C., & Wodon, Q. (2014). Impact of child marriage on literacy and education attainment in Africa. *Washington, DC: UNICEF and UNESCO Statistics*.
- Nour, N. M. (2009). Child marriage: a silent health and human rights issue. *Reviews in obstetrics and gynecology*, 2 (1), 51.
- Paul, P. (2020). Child Marriage Among Girls in India: Prevalence, Trends and SocioEconomic Correlates. *Indian Journal of Human Development*, 14 (2), 304-319. <https://doi.org/10.1177/0973703020950263>



- Powell, R. R. (1999). Recent trends in research: A methodological essay. *Library & information science research*, 21 (1), 91-119.
- Raj, A. (2010). When the mother is a child: the impact of child marriage on the health and human rights of girls. *Archives of disease in childhood*, 95 (11), 931-935.
- Raj, A., Salazar, M., Jackson, E. C., Wyss, N., McClendon, K. A., Khanna, A., ... & McDougal, L. (2019). Students and brides: a qualitative analysis of the relationship between girls' education and early marriage in Ethiopia and India. *BMC public health*, 19 (1), 1-20.
- Ritzer, G. (2001). *Contemporary sociological Theory*, Translated in persian by Mohsen Solasi, Tehran: Elmi.
- Subramanee, S. D., Agho, K., Lakshmi, J., Huda, M. N., Joshi, R., & Akombi-Inyang, B. (2022). Child marriage in South Asia: a systematic review. *International journal of environmental research and public health*, 19 (22), 15138.
- UNICEF (2019). Child marriage available at: <https://www.unicef.org/protection/child-marriage>.





Original Research

Analyzing the Concept of Abhorrence in Divorce From the Point of View of Jurisprudence and Law

Mohammad HasanZadeh¹

¹. Ph.D in Jurisprudence and Islamic Law, University of Tehran, Student in Howzeh 4th level, Qom, Iran. (Corresponding Author) mohamadhasanzadeh1375@gmail.com

Background and Purpose

From the lexical point of view, the word ‘kerahat’ (reluctance) is a noun derived from either ‘karh’ or ‘korh’. Basically, it means dissatisfaction, hardship, or unpleasant feeling toward something (Ibn Faris, 1984, Ragheb Esfahani, 1992). But what is important is the inferential evidence in the religious rules on the meaning of ‘kerahat’. The Holy Qur'an states some decrees about divorce. For example, «*At the time of divorce, the man should not withhold anything that he gave to the woman as dowry and property in exchange for divorcing her*». The continuation of the verse, however, considers it permissible to take property in divorce only when "there is a fear that the rules set by God will not be observed" (Qur'an, 2:229). In jurisprudential terms, khul' divorce is considered distinct from other types of divorce. In fact, its distinction is due to the probable non-implementation of divine decrees in married life (Shahid Sani, 1992; Salar Deylami, 1984). In other words, the only reason for accepting khul' divorce is the fear of non-implementation of divine decrees during marriage.

In this regard, Tabarsi (1993) mentioned a hadith suggesting that the non-implementation of the divine laws is when a wife tells her husband «*I swear to God I have not been faithful to you, I will not obey your order*» (vol. 2: 578).

Many hadiths quoted from the Shia Imams mention the conditions and nature of khul' divorce. For instance, the book *Wasael al-Shia*, authored by Sheikh Hor Ameli, presents a set of hadiths related to khul' divorce in a chapter under the title ‘the wife's kerahat of her husband’. To explain the reason for khul' divorce, Ameli refers to nonfeasance in marital rights and duties, and then he uses the word ‘kerahat’ as the consequence of that evil. This word has, thus, taken on a new meaning (Sheikh Hor Ameli, 1988).



However, a search through the quotes of Imams and the criteria proposed for khul' divorce shows that kerahat is not mentioned as a condition for khul' divorce. To prove it, some hadiths about this issue are presented in this study. For example, as authentically quoted from Imam Baghir, if a wife tells her husband that she is no longer willing to obey or accompany him, he is permitted to deprive her of money, and the divorce is not revocable once it occurs, i.e., the divorce is permanent (ibid; Tousi, 1979). In this hadith, there is no word of kerahat, and the only condition for khul' divorce is the avoidance of marital duties by the wife.

It should be noted that jurists have drawn upon Article 1146 in the civil law of the Islamic Republic of Iran to analyze the nature of kerahat in khul' divorce, and they have expressed different opinions in this regard. This legal article and the opinions of some jurists are investigated in the present study. Based on these sources, the wife's kerahat is the main reason for khul' divorce. Some other jurists have accepted the literal meaning of kerahat in khul' divorce, thus believing that khul' divorce refers to a situation in which the wife hates the husband, gives him some property as a 'fedyeh' (a ransom), and then gets divorced. In this case, the divorce is a bound one which occurs in return for a fedyeh (Katouzian, 2014). The judicial opinions generally impart that hatred or reluctance is the reason for khul' divorce. So, in the absence of such a reason, there is no khul' divorce to realize.

Method

This research was conducted with a descriptive-analytical method, and the data were collected through library sources and documents as well as similar research models. The available inferential pieces of evidence were examined to verify the research hypothesis.

Results

The kerahat (reluctance or hatred) that leads to divorce is valid only if it is due to the nonfeasance of one of the spouses in performing rituals or his or her avoidance of fulfilling marital duties. Therefore, merely the literal meaning of kerahat is not adequate to serve as a jurisprudential basis for divorce.

Discussion & Conclusion

What was discussed in this study shows that, contrary to the common notion in jurisprudence and law, the literal meaning of the word 'kerahat' is not intended in the Qur'an or any books of hadith as a condition for divorce. In fact, according to the religious rules, the validity of a wife's reluctance for her husband as a condition for khul' divorce is based on the man's avoidance of rituals or his nonfeasance in marital rights. The opinion of those jurists who literally take kerahat as a reason for divorce is re-interpreted to denote the concept of nonfeasance in the fulfillment of

marital rights, hence considered in line with all the other religious rules related to divorce.

Ethical considerations

All procedures conducted in this study adhered to the ethical standards set forth in the 1964 Declaration of Helsinki and its subsequent amendments or comparable ethical guidelines.

Funding. The current study was not funded by any organization or person.

Authors' Contribution: In this article, Mohammad Hassanzadeh is the corresponding author.

Conflict of interest: There is no conflict of interests to declare regarding this study.

Acknowledgements: The authors are grateful to all those who contributed to the conduction of this study.

Data Availability: Due to the type and method of the research, no data were generated or analyzed during the study.

References

- Ibn Faris, A. (1983). *Mo'jam Maghaeis al-Loghat* (2nd volume). Qom: Maktab al-Alam al-Islami. [Text in Arabic][link]
- Katouzian, N.. (2014). *A course in family civil rights* (Volume 1). Tehran: Enteshar Publishing Company.[Text in persian]
- Ragheb Esfahani, H.(1991). *Mofradat al-Alfaz al-Qur'an* (3rd volume). Beirut: Dar al-Qalam publishing house. [Text in Arabic][link]
- Salar Dailami, H. (1983). *Al-Marasem fi Feghh al-Amami* (Mahmoud Bustani's research, Volume 1). Qom: Al-Haramain Publications. [Text in Arabic][link]
- Shahid Sani, Z.A. (1991). *Al-Ruwza al-Bahiya fi Sharh al-Loma' al-Damashkiyyah* (Volume 2). Qom: Nab Mandeghar Publications. [Text in Arabic][link]
- Sheikh Hor Ameli, M.(1988). *Wasael al-Shia* (Volume 22). Qom: Publications of Al al-Bayt Institute. [Text in Arabic][link]
- Tabarsi, F.(1993). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an* (2nd volume). Tehran: Nasser Khosrow Publications. [Text in Arabic]
- Tousi, M. (1979). *Al-nehaya fi mojarad al-fiqh wa al-fatawi*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi Publishing House. [Text in Arabic][link]



واکاوی مفهوم‌شناسی کراهت در طلاق خلع از نگاه فقه و حقوق

محمد حسن‌زاده*^۱

چکیده	اطلاعات مقاله
<p>زن و خانواده؛ اصلی مهم در نظام فقهی حقوقی اسلامی که آثار مؤثری بر اجتماع، آن را از دیگر موضوعات متناظر جدا ساخته است. در این میان فرآیند سلب علقه نکاح و یا همان طلاق با تمامی انحاء آن بیش‌تر از دیگر موضوعات این نحله مورد توجه است. در این مطالعه به دلیل ابتلاء فراوان جامعه و مراجعات قضایی بسیار در محاکم خانواده، طلاق خلع را مورد واکاوی ماهوی قرار گرفت. در میان آنچه که قابل تأمل است، معنای کراهت معتبر در آن، از سمت زوجه است. برخلاف تصور مشهور و نص کتب فقهی متأخر و نیز قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، آنچه که مروی روایات و ادله استنباط احکام فقهی است، کراهت به معنای لغوی آن که مجرد تنفر زوجه از زوج است، نبوده و تنفر ناشی از عدم رعایت وظایف زناشویی و نیز عدم اقامه حدود الهی از جانب زوجه، مورد رأی و نظر است. از آنجا که واکاوی پیش‌رو دارای پیشینه پژوهشی غیر مؤثر مرتبط با موضوع خود است، جلوه‌هایی از پویایی و نوآوری فقه جعفری را به نظاره گذاشته و مسیر جدیدی را در رابطه با وضع و اصلاح قوانین مدنی پیرامون طلاق خلع ره‌گشایی کرده است.</p>	<p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۴</p> <p>نوع مقاله: پژوهشی اصیل</p> <p>واژگان کلیدی کراهت، خلع، طلاق، زوجین، طلاق خلع.</p>

ارجاع به مقاله:

حسن‌زاده، محمد. (۱۴۰۳). واکاوی مفهوم‌شناسی کراهت در طلاق خلع از نگاه فقه و حقوق. *مطالعات زن و خانواده*، ۱۲(۳)، ۷۴-۹۲. DOI: 10.22051/jwfs.2024.44387.2999

^۱ دانشجوی دکتری فقه و حقوق اسلامی دانشگاه تهران و طلبه سطح چهار حوزه علمیه قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

مقدمه

پیوند زناشویی از شاخص‌ترین امور هر انسان در امتداد حیات وی به شمار رفته و نهاد خانواده بر پایه آن شکل گرفته است که می‌توان آن را اصلی‌ترین رکن اجتماع و بستر هنجارهای متنوع و زمینه‌ساز سعادت و شقاوت انسان‌ها دانست. از این رو، دین اسلام - که آئین کمال و تکامل بشر است^۱ (نحل، ۸۹، اسراء ۹)، نگاه ویژه‌ای بدان داشته و در ارتباط با وی، احکام و برنامه‌هایی تقنین کرده است. در مقام اهمیت آن نیز همین بس که در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم این پیوند را موجب احراز نیمی از دین فرد مسلمان دانسته‌اند^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۱۹/۱۰۰). با تمام این تفصیلات، موقعی عوامل گوناگونی بروز ناسازگاری‌ها در نهاد خانواده را سبب شده و تداوم این پیوند را از زوجین سلب می‌کند، حتی گاهی باید آسایش را در پرتوی ازاله چنین پیوندی دانست. از آنجاکه دین اسلام مدعی برنامه‌ای در تمام ساحات انسانی است، برای چنین مهمی طرح‌هایی پیش‌بینی کرده است. دین در پرتو توصیه‌های خود احکامی در رهایی از این مصائب قرار داده که طلاق خلع یکی از آن‌هاست که بر حسب اقتضاء، دربرگیرنده یکی از احکام خمسسه تکلیفیه است؛ حرام، واجب، مکروه و مستحب (البته طلاق خلع مباح که انجام و ترک آن برابر باشد دارای وجود خارجی نیست). در نتیجه اسلام راه‌هایی از چنین دشواری را در صور گوناگون بیان کرده تا فرضی که این امر به‌ظاهر ناصواب، به‌عنوان امری ممدوح از سوی شارع قرار گرفته است (شهید ثانی، ۱۴۱۲، ۲۳۲/۴).

در طلاق خلع، کراهت زوجه از زوج سبب تصحیح سلب ادامه‌ی نکاح شده و همین کراهت، به‌عنوان علت تامه در امر جدایی واقع می‌شود. حال دغدغه این است که از نگاه ادله فقهی حقوقی، ماهیت و معنای معتبر در کراهت چیست؟ هدف از این پژوهش وصول به دکترین فقهی حقوقی اسلام در طلاق خلع و پی‌بردن صحیح آن نظریه است. زیرا می‌توان در نتیجه اثبات مدعای این پژوهش و درک صحیح از معنای کراهت معتبر، در برابر بسیاری از ناعدالتی‌ها در محاکم اسلامی و تضییع حقوق اشخاص، ایستاد. این پژوهش با روش کتابخانه‌ای میسر شده و وصول به حل این موضوع نیز از این رهگذر است. هر چند که در موضوع خلع و علل مصححه آن پژوهش‌های فراوانی انجام گرفته است، اما

۱. «وَتَزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبَيَّنًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهَدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ». نحل: ۸۹.

۲. «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِيَتِي هِيَ أَقْوَمٌ». اسراء: ۹.

۳. و قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أُعْطِيَ بِنُصْفِ الْعِبَادَةِ. (مجلسی، ۱۴۰۳، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۱۹).

۴. ما، الأمالی للشيخ الطوسي بإسناد المجاشعي عن الصادق ع عن أنابه ع قال قال رسول الله ص من تزوج فقد أحرز نصف دينه فليتق الله في النصف الباقي. (مجلسی، ۱۴۰۳، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۱۹).



باید توجه داشت که تا کنون پژوهشی پیرامون واکاوی مفهوم‌شناسی خلع و کراهت معتبر در آن رخ نداده است، بنابراین بدین جهت پژوهش پیش رو فاقد پیشینه مرتبط است. حال به برخی از سوابق اشاره و تغایر و نوآوری پژوهش پیش رو بیان می‌کنیم:

۱- مقاله علمی پژوهشی معیار تحقق کراهت زوجه از زوج در طلاق خلع (فتوحی و کیخا، ۱۴۰۱). در ارتباط با این مقاله باید بیان داشت که نگاه نگارندگان مقاله مذکور دارای غلبه حقوقی بوده و بررسی فروع فقهی آن به شکل استطرادی و در راستای احتیاجات قانونی انجام پذیرفته است. همچنین نگارندگان مقاله مذکور تمرکز خود را در این مقاله حول محور صوری و با حقیقی بودن شرط کراهت معتبر در طلاق خلع از سوی زوجه قرار داده‌اند و اشاره‌ای به کیفیت کراهت معتبر در اجرای طلاق خلع از جهت چگونگی معنای آن، نکرده‌اند. در حقیقت نگارندگان مقاله مذکور بر این باور هستند که زوجه علاوه بر ابراز کراهت لفظی خود هنگام تحقق طلاق خلع، از جهت باطنی و نفس الامری نیز باید از زوج کراهت داشته باشد و در غیر این شرایط تحقق طلاق خلع غیرممکن تصور شده و وی در فرض اصرار بر طلاق باید از دیگر انواع طلاق بهره‌بردار حال باید توجه داشت که پژوهش پیش رو برخلاف آنچه که در مقاله مذکور گذشت، دارای غلبه فقهی بوده و به بررسی معنای کراهت معتبر در طلاق خلع از منظر منابع ادله احکام فقهی شریعت اسلام پرداخته است، در شرایطی که مقاله مذکور هیچ اشاره خاصی به کیفیت معتبر معنای کراهت در طلاق خلع نداشته و می‌توان این مقاله را (برخلاف دو پژوهش بعد) کامل خارج از پژوهش پیش رو دانست.

۲- مقاله علمی پژوهشی بررسی فقهی حقوقی نقش کراهت در طلاق خلع (قانع و موسوی، ۱۴۰۰). این مقاله به بررسی اثباتی کراهت در طلاق خلع پرداخته و همچون دیگر پژوهش‌ها معنای معتبر در کراهت را، مجرد تنفر زوجه از زوج اما با قید شدت می‌داند. در مقام نقد مقاله مذکور باید توجه داشت که علاوه بر نگاه جامع فقهی نگارندگان به اقوال فقهاء حول محور این موضوع، اما مستقیم به بررسی منابع ادله احکام فقهی شریعت اسلام در راستای وصول به کیفیت معتبر معنای کراهت در طلاق خلع نپرداخته است و صرفاً با قبول نظری از فقهاء متأخر، قائل به وجوب وجود کراهت شدید از سمت زوجه است و اشاره‌ای به عدم رعایت وظایف زناشویی و اجرای حدود الهی از سمت وی نمی‌کند. حال آنکه در ادامه پژوهش پیش رو خواهد آمد که علت غفلت بسیاری از فقهاء در موضوع مذکور و قبول معنای لغوی کراهت معتبر در طلاق خلع، تبعیت آنان از برداشت ناصواب مرحوم شیخ حرعاملی ذیل نقل روایات مربوط به طلاق خلع در قرن چهارم هجری قمری است. در نتیجه پژوهش پیش رو بر

خلاف مقاله مذکور به مجرد دیدگاه فقهاء پیرامون موضوع کراهت معبر در طلاق خلع اکتفا نکرده و خود به سراغ ادله استنباطی این موضوع رفته است.

۳- کتاب مختصر حقوق خانواده (صفایی و امامی، ۱۳۸۰). این کتاب نیز به پیروی از قوانین مدون در قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران معنای معتبر در کراهت را مجرد تنفر زوجه از زوج می‌داند. در حقیقت در این منبع پژوهشی در حوزه حقوق خانواده، به صرف اشاره به معنای لغوی کراهت در تحقق طلاق خلع اکتفا شده و از واکاوی پژوهشی در این زمینه خودداری شده است، اما بنابر پژوهش پیش رو، با بررسی منابع ادله احکام فقهی شریعت اسلام، کیفیت معنای کراهت معتبر در طلاق خلع مورد بررسی و کنکاو قرار گرفته و به مجرد دیدگاه اعتبار معنای لغوی آن بسنده نشده است. آنچه که از پژوهش‌های گذشته نمایان است، عدم بررسی تفصیلی کراهت معتبر در طلاق خلع و معنای مقصود آن از منظر روایات است، که این مهم خود از زوایای نوآوری پژوهش پیش رو است، چراکه بنابر رأی مختار، صرف تنفر زوجه از زوج معنای مورد نظر در منابع اصیل فقهی نبوده و این برداشت، صرفاً از تفسیر برخی محدثین همچون شیخ حرعاملی اقتباس شده است که به زودی بدان اشاره خواهد شد.

۲. مفهوم‌شناسی

کراهت: واژه کراهت مصدر، و از ماده «ک ره» اخذ شده است. کره دارای دو قرائت است که به فتح و ضم است. و در اصل به معنای عدم رضا، مشقت و شیء ناپسند است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۷۲/۵ جوهری، ۱۳۷۶: ۲۲۴۷/۶). در قول دیگری نیز مشهود است که در فرض اختلاف فتح و ضم تفاوت معنایی به وجود نمی‌آید (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۰۷). در نتیجه اصل معنای عسر و عدم رضایت در ماده کره مورد مناقشه در میان لغویین نیست؛ بلکه تفاوت معنایی محدود در معاجم وجود دارد که به اصل معنا خدشه ای وارد نمی‌کند. در نتیجه کراهت که از ماده ک ره اخذ شده است، به معنای مذکور دلالت می‌کند. در آیات قرآن کریم نیز مصادیقی از ماده ک ره به میان آمده. سوره احقاف از وضع حمل و مراقبت نوزاد به عنوان کراهت یاد کرده و آن را مذموم شمرده است (احقاف، ۱۵). و نیز سوره نساء که در آن زنان به اجبار ارث می‌برند، ماده ک ره به کار رفته است (نساء، ۱۹).

از آنچه بیان شد، می‌توان فهمید که کراهت حکایت است از مشقت، عملی ناپسند دارد زیرا مصدر آن نیز همین معنا را بیان می‌کند. از مصادیق ماده کره در آیات قرآن می‌شود به روشنی پی برد؛ مشقتی که در معنای ماده کره موجود است، مشقتی گذرا نیست، بلکه چون مراقبت و وضع حمل نوزاد، دارای



مشقتی طاقت فرسا است، در نتیجه ناپسندی و رنجی که در معنای ک ره وجود دارد با توجه به مصادیق آن در معاجم و آیات قرآن حاکی از نوعی مشقت نامعمول و عملی ناصواب است. در مفهوم شناسی ماده (ک ره) و (اکراه) آنچه که از قواعد فقهی روشن است، بحث تحمل طاقت فرسا است و غیر قابل - تحمل بودن که موجبات عسر و حرج را فراهم می آورد. در واقع به مجرد وجود تنفر معنای ماده (ک ره) صدق نکرده و با رعایت عرف در ازمنه مختلف، هر آنچه که موجب عسر و حرج معتد به و قابل اعتنا باشد را می توان ذیل موضوع کراهت دانست (بجنوری، ۱۳۷۸: ۲۴۷).

خلع: واژه خلع اسم مصدر از ماده خلع - مفتوح - است، که به معنای نزع بیان شده است. در حقیقت اگر شخصی لباس را از تن درآورد گفته می شود که او لباس خود را خلع کرده است (زهری، ۱۴۲۱: ۱۱۴/۱، ابن درید، ۱۹۸۸: ۶۱۳/۱). در اصطلاح فقهی شیعه، طلاق خلع به طلاق گویند که در آن زوجه در عوض مال و فدیة ای به زوج، شوهر او را طلاق می دهد (شهید ثانی، ۱۴۱۲: ۱۶۳/۲). در نتیجه خلع را از جهت لغوی به نزع گویند، و در اصطلاح فقهی به معنای طلاق است که در آن زوجه به شوهر مالی داده تا شوهر او را طلاق دهد (توجه به این نکته ضروری است که منظور از طلاق مذکور، معنای اعم آن که عبارت است از سبب انحلال مورد نظر است و در حقیقت، پژوهش پیش رو در مقام اثبات استقلال خلع از طلاق به معنای خاص و یا وابستگی آن به عنوان فرعی از کلیت طلاق به معنای خاص نیست). در نهایت خلع استعاره از درآوردن لباس است. از آن جهت که به بیان قرآن کریم، همسران لباس یکدیگر هستند، در این طلاق که زوج، زوجه را از خود جدا می سازد این عمل را طلاق خلع نامیدند.

۱-۲. مفهوم کراهت در طلاق خلع از نگاه قرآن کریم و روایات: قرآن کریم در تعبیر احکام طلاق می فرماید: «به هنگام طلاق نباید که مرد هر آنچه از مهریه و مال به زن داده را در عوض طلاق دادن او بازستاند». اما در ادامه آیه فقط در یک فرض گرفتن عوض را در طلاق جایز دانسته و می فرماید: «مگر آنجا که خوف از آن باشد که حدود دین خداوند رعایت نشود» (بقره، ۲۲۹). در اصطلاح فقهی، آن طلاق که با قید گرفتن از دیگر طلاقها استثناء شده است، طلاق خلع نامیده می شود. در حقیقت استثناء شدن آن به علت خوف از عدم اقامه حدود الهی در زندگی زناشویی آمده است (شهید ثانی، ۱۴۱۲). به بیان دیگر یگانه دلیل قبول طلاق خلع، ترس از عدم اقامه حدود الهی در دوران زناشویی است. در همین راستا، مرحوم طبرسی در تفسیر خود، ذیل آیه مذکور روایتی آورده که عدم اقامه حدود الهی این است که زوجه به زوج گوید: «به خدا سوگند به تو وفادار نبوده، امر تو را اطاعت نخواهم کرد

و به سبب تو غسل جنابت انجام نمی‌دهم - کنایه از این که در بالین وی نمی‌خوابد (طبرسی، ۱۳۷۵، طباطبایی، ۱۳۹۰ و قمی، ۱۳۶۳). با عنایت به آنچه که از کتاب و سنت آمده، دوری جستن و عدم اقامه حدود الهی از سمت زوجه در دوران زناشویی، علت طلاق خلع است. همچنین بیان شد که در قرآن کریم تعبیری از اشتراط کراهت در طلاق خلع به میان نیامده است. در حقیقت می‌توان گفت مطابق رأی قرآن کریم، ماهیت کراهت در طلاق خلع، عدم اقامه حدود الهی از طرف زوجه در زندگی زناشویی است. همانند عدم اطاعت زوجه از زوج در اوامر و نواهی شرعی و عدم وفاداری وی به زوج و عدم تمکین از هم‌بستری با او که همگی نشان از عدم رعایت حدود الهی در دوران زناشویی دارد. چنان که این مورد را می‌توان به عنوان ماهیت کراهت و تنها دلیل مستنبط از آیات الهی در شکل‌گیری طلاق خلع دانست. آنچه که در بیان فقهای امامیه از ماهیت کراهت به عنوان شرط طلاق خلع بیان شده است، همان معنای مستنبط اخیر خواهد بود. زیرا در قرآن کریم کراهت در ارتباط با علیت طلاق خلع بیان نشده و از رهگذر همین فرض دریافت می‌شود که کراهت، منصوب به جعل فقها در سبب خاص مذکور در قرآن کریم است.

۲-۲. ماهیت کراهت در احادیث: در احادیث منقول از معصومین علیهم السلام، در موارد متعددی در ارتباط با شرایط و ماهیت طلاق خلع سخن به میان آمده است. در کتاب وسایل الشیعه به تألیف شیخ حر عاملی، احادیث مرتبط با طلاق خلع، با عنوان باب کراهت زوجه از زوج گردآوری شده است. وی در بیان علت طلاق خلع، عدم رعایت حقوق زناشویی را وارد در کراهت دانسته و واژه کراهت را برای مصادیق آن جعل کرده، که این مطلب نشان دهنده آن است که واژه کراهت معنای جدیدی به خود گرفته است (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۷۹/۲۲). در نتیجه علاوه بر معنای لغوی نفرت، عدم رعایت حقوق زناشویی نیز در مفهوم کراهت راه پیدا کرده و هر دو مفهوم به عنوان ماهیت کراهت به کار گرفته شده است. ولی با تفحص در احادیث ائمه علیهم السلام و تصریح آن در تعریف ملاک طلاق خلع، مشخص است که در سخن ایشان، لشرط کراهت و تنفر به عنوان شرطی از شرطهای طلاق خلع بکار نرفته، و فقط شرط عدم رعایت حقوق زناشویی مراد وی بوده است. بنابراین برای اثبات این مدعی، به برخی از احادیث این باب استناد داده می‌شود.

۲-۲-۱. حدیث یک و دو: از امام باقر علیه السلام به سند صحیح که راویان هر دو حدیث از بزرگان هستند، روایت شده: اگر زوجه به زوج خود گوید که دیگر حاضر به اطاعت و همراهی وی نیست، برای زوج آن مالی که از زوجه می‌گیرد حلال بوده، و رجوعی برای زوج در این نوع جدایی نیست [و



طلاق بائن است] و (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۷۹/۲۲، طوسی، ۱۴۰۷: ۹۷/۸ و ۱۳۹۰: ۳۱۶/۳). در این حدیث لفظ کراهت وجود نداشته و یگانه شرط طلاق خلع در این حدیث، عدم ملاحظه حقوق زناشویی بواسطه ی زوجه است. معصوم علیه السلام این سازگاری نکردن زوجه با زوج را مجوز صحت طلاق خلع دانسته و آنچه به عوض از سمت زوجه به زوج پرداخت می شود را برای وی حلال می داند. نیز با اجرای طلاق خلع، زوج حق رجوع به زوجه خود را نخواهد داشت و طلاق وی طلاق باین به حساب خواهد آمد. استظهار عرفی بدین شکل است که اگر عدم سازگاری زوجه با زوج به عدم رعایت حقوق زناشویی زوج و زوجه نائل آید، طلاق خلع نیز جایز می شود، و بنابراین ماهیت کراهت در این شرط خاص خلاصه است.

۲-۲-۲. حدیث سه: در حدیث صحیح دیگری به روایت سماعة بن مهران حضرمی کوفی (از اصحاب اجماع) این گونه روایت شده است، شخصی از امام صادق علیه السلام سؤال می پرسد که چه لفظی باعث طلاق خلع می شود و زوج در برابر طلاق زن از وی می تواند اخذ عوض کند؟ امام صادق علیه السلام در جواب می فرماید: «اگر زوجه به زوج گوید من در آن حقوقی که رعایت آن ها را در برابر تو از من خواسته اطاعت نمی کنیم، در این فرض هر آنچه یافت که به عنوان عوض از زوجه اخذ کند تا طلاقتش دهد، برای وی مباح است» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۷۹/۲۲، طوسی، ۱۳۹۰: ۳۱۶/۳ و طوسی، ۱۴۰۷: ۹۷/۸).

در این روایت نیز امام علیه السلام از واژه کراهت سخنی به میان نیاورده است و بر اساس استظهار عرفی از این حدیث، می توان همچون احادیث یک و دو، ماهیت و مصداق کراهت در طلاق خلع را در عدم رعایت حقوق زناشویی منحصر دانست. زیرا امام علیه السلام در این حدیث عدم رعایت حقوق زناشویی را دلیل جواز طلاق خلع به شمار آورده است.

۲-۲-۳. حدیث چهار: در روایتی از ابن ابی عمیر (از اصحاب اجماع) نقل شده است که امام صادق علیه السلام در تعریف طلاق خلع بیان دارند: حلال نیست و زوج نمی تواند در برابر اخذ فدیة زوجه مختلعه را طلاق دهد، مادامی که زوجه به زوج گوید: «به خدا سوگند به تو وفادار نبوده، امر تو را اطاعت نمی نمایم و به خاطر تو غسل جنابت انجام نمی دهم و حتماً به فراتش تو پایبند نبوده و به فراتش دیگر پایبند خواهیم بود، دیگر به اجازه تو مقید نخواهم بود». در ادامه امام علیه السلام می فرماید: «اگر زوجه به زوج چنین گوید، بر زوج حلال است که در برابر اخذ مال، وی را طلاق دهد» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۷۹/۲۲، کلینی، ۱۴۰۷: ۱۳۹/۶). در این حدیث نیز همچون روایتی که قبل، امام علیه السلام

در توضیح ساختار طلاق خلع، عدم اطاعت و نیز عدم رعایت حقوق زناشویی توسط زوجه را علت طلاق خلع به حساب آورده و جواز آن را برای شوهر ثابت می‌کند. در نتیجه با تفحص و استظهار عرفی از منابع استنباطی چنین نمایان است؛ کراهت به معنای تنفر و مشقت در طلاق خلع شرط نبوده، بلکه تنها موضوعی که در قرآن و حدیث برای علیت طلاق خلع بدان اشاره شده، عدم رعایت حقوق زناشویی به واسطه زوجه است. بنابراین، قطعاً می‌توان بیان داشت؛ فقط در فرض عدم رعایت حقوق زناشویی به واسطه زوجه و دوری وی از زوج خود، حلیت طلاق خلع برای زوج ثابت خواهد بود. در غیر این فرض، نمی‌توان مجرد کراهت را بدون در نظر گرفتن شرط مذکور، مجوز طلاق خلع دانست. بدین دلیل که در این فرض در صحت سببیت چنین طلاق‌ی شک شده، و با عنایت به قاعده استصحاب، زوجیت به بقاء خود ادامه خواهد داد.

۳. کراهت در نگاه فقیهان

با تفحص در کلام فقهای امامیه، به بیان‌های گوناگونی در بیان شروط مواجه هستیم: بیان نخست) واژه کراهت به عنوان لفظی در موضوع ماهیت طلاق خلع قرار داشته‌باشد، نبوده و در حقیقت به عدم رعایت حقوق زناشویی بواسطه زوجه مشیر است. در بیان دو) در واژه کراهت هیچ بیانی از عدم رعایت حقوق زناشویی وجود نداشته. بیان سه) جدای از بیان واژه کراهت، اشتراط عدم رعایت حقوق زناشویی نیز وجود دارد. در حقیقت برخی از فقیهان که واژه کراهت را برای مستنبط خودشان از دلیل‌های فقهی به عنوان ماهیت طلاق خلع جعل کرده‌اند، چنانچه هدف ایشان از مفهوم واژه کراهت، عدم رعایت حقوق زناشویی بواسطه زوجه باشد و نیز واژه کراهت را بدین شکل مراد خود داشته‌اند، رأی آنان صواب خواهد بود، اما اگر فقط واژه کراهت را به معنای لغوی داشته‌باشند، نمی‌توان رأی آنان را ثابت دانست. در حقیقت، استظهار از ظاهر سخن فقیهانی که از واژه کراهت بهره جسته‌اند، رأی را فقط به معنای لغوی منصرف ساخته و آنچنان که در مکتوبات ایشان نمایان است، نظر آنها مشعر به معنای لغوی واژه کراهت است، و عدم رعایت حقوق زناشویی بواسطه زوجه با وجود اینکه در کتاب و سنت نیز آمده‌است، خارج از نظر آنان است. حال برای فهم مناسب هر سه بیان بالا، شیوه‌هریک را در ادامه مشاهده می‌کنند:

۱-۳. بیان نخست: بیان نخست برای فقهایی است که اصلاً واژه کراهت را در عنوان طلاق خلع ذکر نکرده، و فقط تعبیرات قرآن و روایات را در رأی خود آورده، و توجهی به واژه کراهت نداشته‌اند. در کتاب مقنع (ابن بابویه، ۱۴۱۵: ۳۴۸) ابن بابویه بیانی از واژه کراهت به میان نیاورده‌است، در حقیقت



منحصراً به بیان آنچه مصادیق عدم رعایت حقوق زناشویی بواسطه زوجه که کتاب و حدیث آمده، اکتفا کرده و توجهی به واژه کراهت نداشته است.

در الکافی فی الفقه نیز ابو صلاح حلبی واژه کراهت را ذکر نکرده و تنها بیان داشته اگر اقامه حدود الهی و رعایت حقوق زناشویی به واسطه زوجه محقق نشود، زوج می‌تواند زوجه خود را طلاق خلع دهد. در واقع این نشانگر این است که ایشان توجهی به واژه کراهت نداشته و یگانه دلیل صحت طلاق خلع را، عدم رعایت حقوق زناشویی دانسته است (حلبی ابوالصلاح، ۱۴۱۶: ۳۰۷). در نهایت نیز شیخ طوسی در ارتباط با شرط طلاق خلع این‌گونه بیان کرده است که هنگامی که زوجه به زوج گوید حقوق زناشویی را در برابر تو انجام نمی‌دهم و موارد آن را همانند عدم اطاعت از اوامر زوج، نبود آمیزش و عدم تقید به فراس زوج و مانند آن را بیان کند، خلع واجب و شوهر باید او را طلاق دهد. پس زمانی که او را طلاق خلع دهد، از نوع طلاق باین محسوب می‌شود (طوسی، ۱۴۰۰: ۵۲۹). پس در سخنان فقره اخیر نیز به لفظ کراهت در علل جواز طلاق خلع اشاره‌ای نشده، و تنها عدم رعایت حقوق زناشویی مورد نظر مصنف قرار گرفته است.

۲-۳. بیان دو: بیان دو، فقط لفظ کراهت بیان شده و شرط دیگری در جواز طلاق خلع در میان نیست. بنابراین با ارائه واژه کراهت توسط فقیهان و به دلیل وجود صناعت اصولی اصالة الظهور و عدم تقدیر، چنین قابل فهم است که همان معنای لغوی لفظ کراهت، به عنوان هدف آنها در سؤال از ماهیت طلاق خلع لحاظ شده است. بنابراین هر زمان هدف فقها از بیان واژه کراهت در بیان عدم رعایت حقوق زناشویی به واسطه زوجه و تباعد وی از زوج باشد، نظر آنان صحیح است، و الا با عنایت به صراحت کتاب و حدیث در ارتباط شرط جواز طلاق خلع، مقصود آنان مورد خدشه و خواهد بود. در تداوم قول ایشان می‌آید. شهیدین بیان دارند که طلاق خلع فقط در یک فرض صحیح است و آن این است که کراهت از سمت زوجه باشد (شهید اول و شهید ثانی، ۱۴۱۲: ۱۶۵/۲، شهید ثانی، ۱۴۱۱: ۳۷۵/۹، شهید اول، ۱۴۲۱: ۵۰/۱ و شهید اول، ۱۴۱۷: ۲۲۱/۳). در نگاه نخست از ظاهر بیان شهیدین رحمهما الله چنین است که مرادشان از کراهت، معنای لغوی کراهت زوجه از زوج بوده و نیز دو اصل اصالة الظهور و عدم تقدیر در این استظهار از کلام این دو یاری رسانده است، اما ممکن است که مراد شهیدین از عنوان لفظ کراهت، عدم رعایت حقوق زناشویی باشد و در حقیقت شهیدین از آن، تعبیر به کراهت کرده‌اند.

محمدحسن نجفی نیز در تأیید قول علامه حلی، کراهت را در جواز طلاق خلع مورد شرط می‌داند (نجفی، ۱۴۲۱: ۷/۱۷). در نهایت تمام آنچه که به تفصیل در ارتباط با نظر شهیدین آمد، در ارتباط با صاحب جواهر نیز صدق خواهد کرد. توجه به این نکته نیز ضروری است که هر چند در اکثر موارد عدم رعایت حقوق زناشویی از کراهت فرد نشأت می‌گیرد اما اگر توجیهی که در ارتباط با دیگر فقیهان گذشت، محقق نباشد و واژه کراهت به معنای لغوی مورد رأی باشد، نمی‌توان این نظر را صحیح دانست. زیرا ملاک آن به صراحت در ادله آمده، و ثابت است که احکام توقیفی بوده و نمی‌توان در آنها دخالتی داشت. ابن ادریس نیز بیان دارد که واژه کراهت را در طلاق خلع مدخلیت داشته، که البته هیچ تبیینی نسبت به غرض خود از بیان واژه کراهت ارائه نداده که این مهم خود بیانگر این است که استظهار وی از کلام فقها، معنای لغوی کراهت است (ابن ادریس، ۱۳۸۷: ۵۱۳/۱۱). در این میان، امام خمینی نیز در ارتباط با طلاق خلع، کراهت زوجه را شرط می‌داند. وی در تحریر الوسیله کراهت را شرط دانسته، بدون آنکه به شرطی همچون عدم رعایت حقوق زناشویی به واسطه زوجه اشاره‌ای کنند (خمینی، ۱۳۹۲: ۲۵/۲). نظر امام خمینی در فرض قبول قول لغوی از کراهت و نبود شرطی دیگر، نظر صحیحی نیست. زیرا در دلایل مذکور مکرراً از دیگر شروط سخن به میان آمده است. در نتیجه، اگر منظور امام خمینی عدم رعایت حقوق زناشویی به واسطه زوجه باشد و از آن تعبیر به کراهت بیان کرده باشند، نظر ایشان صحیح خواهد بود.

۳-۳. بیان سه: در نگاه بیان سوم از فقها واژه کراهت بیان شده، اما علاوه بر اشتراط کراهت زوجه، شرط عدم رعایت حقوق زناشویی توسط زوجه نیز عنوان گشته است. با مروری گذرا از این دسته از فقیهان، در نگاه نخست این موضوع چنین به ذهن خطور می‌کند که مفهوم واژه کراهت یک شرط در طلاق خلع بوده و عدم رعایت حقوق زناشویی توسط زوجه، شرطی دیگر به حساب می‌آید. اما با کمی تأمل می‌توان فهمید که در نظر این فقیهان، کراهت مترادف به عنوان تعبیری دیگر از همان شرط عدم رعایت حقوق زناشویی توسط زوجه بوده، بنابراین در کلام آنها کراهت در معنای لغوی آن که انزجار باشد نخواهد بود. بلکه منظور، کراهتی است که عدم رعایت حقوق زناشویی توسط زوجه را به دنبال داشته باشد. شیخ مفید (مفید، ۱۴۱۰: ۵۲۸) نیز چنین از ادله استنباط کرده‌اند. شیخ طوسی نیز در خلاف در ادله این باب چنین بیان دارد که در ابتدا نبود سازگاری زوجه و زوج شرط بوده، اما در این فرض نمی‌توان به تنهایی طلاق خلع جاری کرد. در حقیقت شرط دیگری نیز مورد نظر است که عبارت است از اینکه زوجه حقوق زوج خود را رعایت ننموده و در حقیقت، زوجه از زوج خود عصبان و سرپیچی



کند که در فرض تحقق این دو شرط، طلاق خلع صحیح خواهد بود (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۲۱/۴). همچنین سلّار دیلمی نیز همین تفسیر مذکور را در بیان ماهیت کراهت بیان داشته‌است. بنابراین وی کراهت را نگاه نخست شرط طلاق خلع و در ادامه، نافرمانی زوجه را شرط می‌داند. در حقیقت سلّار دیلمی کراهت ملازم با عصیان را در قالب یک شرط می‌داند (سلّار دیلمی، ۱۴۰۴).

در بررسی و مذاقّه از قول فقها در باب ماهیت کراهت در طلاق خلع می‌توان چنین عرضه داشت که قول دسته نخیت از فقها که عدم رعایت حقوق توسط زوجه را شرط دانسته‌اند مطابق ادله بوده‌است. اما قول دسته دو که تنها به لفظ کراهت اکتفا کرده، و همچنین دسته سوم که در کنار لفظ کراهت، شرط عدم رعایت حقوق را نیز ذکر کرده‌اند، باید در کلام ایشان قائل به توجیه شد، و در تبیین عبارات ایشان چنین گفت که غرض این فقها از بیان کراهت، همان عدم رعایت حقوق زناشویی توسط زوجه است که ایشان لفظ کراهت را برای آن جعل کرده‌اند. از این رو اگر کلام ایشان آنچنان که گذشت توجیه نشود، با توجه به صراحت ادله در بیان عدم رعایت حقوق، نمی‌توان صحت قول این طایفه را درباره شرط طلاق خلع، قولی صواب و خالی از اشکال دانست. با این اوصاف، باید کلام ایشان را آنچنان که در ادله آمده فهم کرد و دانست که به صرف وجود کراهت، طلاق خلع جاری و محقق نشده‌است. همین طور وقتی که در تحقق اصل چنین طلاق شک کنیم، مجرای قاعده استصحاب بوده و حکم به بقای نکاح می‌شود.

۴. ماهیت کراهت در نظر حقوق دانان و آراء محاکم قضایی

حقوق دانان بنا بر ماده ۱۱۴۶ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران به واکاوی ماهیت کراهت در طلاق خلع پرداخته، و در این رابطه به بیان نظرات مختلفی قائل گردیده‌اند. حال برای بررسی بیشتر، به ذکر این ماده قانونی پرداخته و به برداشت برخی از حقوق دانان پرداخته می‌شود. در قانون مدنی جمهوری اسلامی و در ماده ۱۱۴۶، قانون‌گذار کراهت زوجه را اصلی‌ترین رکن در طلاق خلع می‌داند. برخی حقوق دانان در بیان ماهیت کراهت در مطابق نص قانون چنین بیان دارند: بنا بر صریح ماده، طلاق خلع هنگامی محقق می‌شود که زوجه از زوج کراهت داشته و برای رهایی خود مالی به زوج پرداخت کند تا بدین ترتیب زوج وی را طلاق دهد. در کراهتی که سبب بذل مال از سمت زوجه برای اخذ طلاق می‌شود، فرقی نیست که کراهت زوجه از خصوصیات طبیعت زوج، همانند قباحات منظر، سوء خلق و نقض بعضی اعضاء باشد، یا اینکه ناشی از عوارض خارجی، همانند داشتن همسر دیگر، عدم ایفاء زوج به بعض حقوق واجبه زوجه باشد و یا اینکه زوجه از حیات زناشویی خسته و بخواهد

آزادشود. در حقیقت هرگاه زوجه از زوج خود کراهت نداشته، اما چون زوج وی را آزار می‌دهد، همچون فحاشی و ضرب و زوج بدین دلیل برای رهایی خود و حفظ آبرو، مالی به زوج می‌دهد تا طلاق واقع شود، طلاق مزبور خلع نبوده و زوج مستحق مال نمی‌شود و باید آن را به زوجه رد کند (امامی، ۱۳۹۱: ۶۲/۵ و محقق داماد، ۱۳۸۴: ۴۲۳). در هر حال ملاحظه شد، برخی از حقوق دانان ماهیت کراهت را به معنای لغوی دانسته، و تنها معنای لغوی را مراد قانون می‌دانند و اشاره‌ای به عدم رعایت حقوق زناشویی از سمت زوجه نمی‌کنند.

در ادامه، برخی دیگر نیز معنای لغوی کراهت را به عنوان ماهیت کراهت در طلاق خلع مورد قبول قرار داده و در تعریف آن بیان داشته‌اند: طلاق خلع به فرضی اطلاق می‌شود که زوجه از زوج دارای تنفر بوده و مالی به عنوان فدیة به وی بذل می‌کند، و در عوض آن طلاق می‌گیرد. در این فرض، جدایی مسبب طلاقی است که به شکل مقید و در عوض فدیة انجام شده است (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۱/۳۹۵). در این بیان نیز همچون نظر قبل، تنفر علت تامه در سبب طلاق خلع فرض شد، به صورتی که در فرض نبود چنین سببی طلاق خلع محقق نمی‌شود.

در نتیجه‌گیری از نظرات حقوق دانان می‌توان عرضه داشت که فهم ایشان از ماهیت کراهت در طلاق خلع، در حقیقت معنای لغوی کراهت است که تنفر زوجه از زوج است و این موضوع محلی برای توجیه کلام ایشان باقی نمی‌گذارد چراکه این مطلب به صراحت و روشنی از توضیح ایشان از ماهیت کراهت استفاده می‌شود.

در همین راستا، آنچه که آراء محاکم قضایی نظام حقوق خانواده جمهوری اسلامی ایران نیز در سامانه ملی آراء قضایی روشن است؛ پیروی آراء محاکم قضایی بر اساس نظر حقوق دانان پیرامون معنای کراهت در طلاق خلع است، که باید توجه کرد که تمامی آراء صادره بر اساس ماده ۱۱۴۶ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران است. در حقیقت رژیم قضایی کشور نیز آنچه را که در راستای صدور احکام قضایی خود در ارتباط با کراهت معتبر در طلاق خلع در نظر دارد صرف معنای لغوی کراهت پنداشته و نیز از دیگر قوانین مدنی مبنی بر حمل الفاظ بر معانی عرفیه، صرف تنفر زوجه از زوج بر خواهد آمد. حال آنکه بنابر ادله استنباطی احکام شریعت، کراهت معتبر در طلاق خلع، مجرد تنفر و انزجار زوجه از زوج خود نبوده و معنایی تأسیسی مورد نظر شریعت است. در نمونه ای از آراء قضایی پیرامون صدور حکم طلاق خلع آمده است: «با عنایت به ماده ۱۱۴۶ و اظهار انزجار از سمت ی.ن. زوجه آقای ن.و، و توافق بر پرداخت عوض مورد قبول طرفین، حکم طلاق خلع صادر می‌شود». همچون رأی مذکور، آراء



غیر قابل احصائی با همین رویه موجود قضایی مشاهده می‌شود که رژیم قضایی بدون در نظر گرفتن معنای خاصی از کراهت معتبر در تحقق طلاق خلع، به مجرد اظهار انزجار از طرف زوجه به نسبت زوج خود، حکم به طلاق خلع وی را در برابر عوض معلوم صادر می‌کنند.

این فرض با رجوع به آراء صادره به درستی روشن است و به آسودگی پی برده می‌شود که تفسیر مورد نظر در محاکم قضایی به پیروی از قانون مدنی ایران و تبیین تفاسیر حقوق دانان، معنای لغوی کراهت که شامل انزجار، تنفر، نبود علاقه و در مراتبی عدم تحمل زوجه نسبت به زوج است، که به عنوان مثال به تعدادی از آراء قضایی اشاره می‌شود که با توجه به کثرت آراء یکسان در این موضوع به رویه‌ای قضایی پیرامون معنای کراهت در طلاق خلع نائل می‌آییم. حال باید توجه داشت که در جهت رعایت اختصار به بیان شماره دادنامه این آرا اکتفا می‌شود ۹۳۰۹۹۸۲۵۱۵۱۰۰۹۱۴، ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۲۶۰۰۹۷۳، ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۲۶۰۰۸۷۱، ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۲۶۰۱۹۷۷، ۹۴۰۹۹۷۰۹۰۸۳۰۰۲۴۱، ۹۴۰۹۹۷۰۹۰۸۳۰۰۲۴۱، بیان داشت که در هیچ یک از آراء مورد بررسی واقع شده، کراهت به معنای عدم رعایت حقوق زناشویی و حدود الهی از طرف زوجه مورد قبول واقع نشده و مراتب بسیار پایین‌تر از معنای مورد قبول روایات همچون مجرد انزجار و تنفر، موجب صدور حکم طلاق خلع از طرف قضات دادگاه‌های خانواده شده است.

۵. نتیجه‌گیری

آن چه گذشت، نمایان این موضوع است که بر خلاف تصور رایج و مشهور در فقه و حقوق؛ معنای لغوی واژه کراهت در هیچ کدام از ادله استنباطی کتاب و حدیث به عنوان شرطیت در طلاق خلع ذکر نشده و این اشتباه تنها برداشت شخصی و ناصواب شیخ حرعاملی در ذیل بیان روایات حول محور طلاق خلع است. در حقیقت نگاه کلی ادله استنباط احکام شریعت، بر اعتبار کراهت زوجه از زوج بر اساس عدم اقامه حدود الهی و نیز عدم رعایت حقوق زناشویی به واسطه زوجه در تحقق طلاق خلع است. حال در این میان، رأی آن دسته از فقیهان که مجرد کراهت بر اساس معنای لغوی را از اسباب تحقق طلاق خلع عنوان کرده‌اند، به مفهوم عدم رعایت حقوق زناشویی به واسطه زوجه نقل داده شده و منصرف می‌شود تا بدین وسیله با جملگی ادله استنباط احکام شریعت هم‌خوانی داشته باشد. نیز از تفسیر حقوق دانان نمایان است که برداشت معنای لغوی و مجرد تنفر و انزجار زوجه از زوج از لفظ کراهت در طلاق خلع، خلاف صریح ادله استنباط احکام شریعت به شمار می‌آید، و با قبول چنین معنایی دچار خطا شده‌اند.

زیرا آنچه که از کتاب و سنت مورد اعتبار واقع شده است؛ کراهت به معنای عدم اقامه حدود الهی و عدم رعایت حقوق زناشویی به واسطه زوجه است. در نتیجه، به مجرد نظر حقوق دانان، چنین طلاق از نظر شرع تحقق نیافته و جاری نیست. در نهایت، با عنایت به ادله متقن فقه محقق امامیه، پیشنهاد می شود که بایستی در ماهیت کراهت در طلاق خلغ، تغییر نگاه انجام شده و در این امتداد، قانون مدنی جمهوری اسلامی نیز مورد اصلاح واقع قرار گیرد.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش: کلیه مراحل انجام شده در مطالعه مطابق با بیانیه هلسینکی ۱۹۶۴ و اصلاحات بعدی آن یا استانداردهای اخلاقی است.

حمایت مالی: مطالعه پیش رو از هیچ سازمانی حمایت نشده است.

سهم نویسندگان: در این مقاله محمد حسن زاده نویسنده مسئول است.

تضاد منافع: این پژوهش به طور مستقیم و غیر مستقیم دارای تعارض منافع نیست.

قدردانی: از تمامی مؤثران قدردانی به عمل می آید.

دسترسی به داده‌ها: به دلیل نوع و روش پژوهش مورد استفاده، هیچ داده‌ای در طول این مطالعه تولید یا تجزیه و تحلیل نشد.

منابع

- ابن ادریس، محمد بن احمد (۱۳۸۷ش). موسوعه ابن ادریس الحلی. جلد یازدهم، قم: انتشارات دلیل ما.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۵ق). المقنع. قم: نشر پیام امام هادی علیه السلام.
- ابن فارس، ابوالحسن احمد بن فارس (۱۴۰۴ق). معجم مقانیس اللغة. جلد دوم، قم: نشر مکتب الاعلام الاسلامی. [لینک]
- ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸م). جمهرة اللغة. جلد دوم، بیروت: نشر دار العلم للملایین. [لینک]
- ابوالصلاح حلبی، تقی بن نجم (۱۴۱۶ق). الکافی فی الفقه. جلد پنجم، اصفهان: نشر مکتبه الإمام امیرالمؤمنین علی علیه السلام.
- قانع، احمدعلی، موسوی، احمدرضا (۱۴۰۰). بررسی فقهی حقوقی نقش کراهت در طلاق خلغ. مجله علمی پژوهشی مطالعات زن و خانواده دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی، ۵ (۱۳)، ۱۲۱-۱۰۵ [لینک]
- امامی، سیدحسن (۱۳۹۱ش). حقوق مدنی. جلد پنجم، تهران: انتشارات اسلامی.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق). الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية. جلد ششم، بیروت: نشر دارالعلم للملایین.
- خمینی، روح الله (۱۳۹۲ش). تحریر الوسیلة. جلد دوم، تهران: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمینی قدس سره.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. جلد سوم، بیروت: نشر دار القلم. [لینک]
- سالار دیلمی، حمزه بن عبدالعزیز (۱۴۰۴ق). المراسم فی فقه الامامی. تحقیق محمود بستانی. جلد یکم، قم: منشورات الحرمین. [لینک]
- شهید اول، محمدابن مکی (۱۴۲۱ق). القواعد و الفوائد. جلد یکم، قم: نشر کتاب فروشی مفید.
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۷). غایه المراد فی شرح نکت الارشاد. جلد یازدهم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۱ق). مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الإسلام. جلد نهم، بیروت: مؤسسه معارف الاسلامیه. [لینک]
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۲ق). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. جلد دوم، قم: نشر ناب ماندگار. [لینک]
- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة. جلد بیست و دوم، قم: نشر مؤسسه آل البيت. [لینک]
- صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر (۱۴۲۱ق). جواهر الکلام. جلد هفدهم، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.



- صفایی، سید حسین، امامی، اسدالله، (۱۳۸۷). مختصر حقوق خانواده. جلد یکم، تهران: انتشارات حقوقی میزان.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. جلد دوم، لبنان: نشر مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. جلد دوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طریحی، فخر الدین بن محمد (۱۳۷۵ش). مجمع البحرین. جلد ششم، تهران: انتشارات مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). الخلاف. جلد دوم، قم: انتشارات موسسه النشر الاسلامی. [لینک]
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰ق). النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی. بیروت: نشر دار الکتب العربی. [لینک]
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰ق). الإستبصار. جلد سوم، تهران: نشر دارالکتب الإسلامیة. [لینک]
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰ق). تهذیب الأحکام. جلد هشتم، تهران: نشر دارالکتب الإسلامیة. [لینک]
- فوتوحی، کیخا، عبدالله، محمدرضا (۱۴۰۱). معیار تحقق کراهت زوجه از زوج در طلاق خلع. مجله جامعه المصطفی، ۹(۲۰): ۲۹-۴۵ [لینک]
- قیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر. ج ۲، قم: نشر مؤسسه دار الهمزة.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۴ش). دوره حقوق مدنی خانواده. جلد یکم، تهران: نشر شرکت سهامی انتشار.
- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. جلد صدم، بیروت: نشر دار إحياء التراث العربی. [لینک]
- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: انتشارات اسماعیلیان. [لینک]
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۴ش). بررسی فقهی حقوق خانواده. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۰ق). المقتعة. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.

References

- Ameli Hor, M.(1988). *Wasael al-Shiite*. Volume 22, Qom: Publication of Al El Bayt Institute. [Text in Arabic][link]
- Emami, S.H. (2013). *Civil Rights*. The fifth volume, Tehran: Islamiya Publications.[Text in persian]
- Fayyumi, Ahmad bin Muhammad (1993). *Al-Mesbah al-Munir fi Gharib Sharh al-Kabir*. Vol. 2, Qom: Dar Al-Hijrah Publishing House.
- Fotuhi, K., Abdullah, M.R.(1980). *The criteria for fulfilling the wife's hatred of the husband in divorce*. Al-Mustafa Society Journal, 9(20), 29-45.[Text in persian][link]
- Ghane, A. Mousavi, A. R.A(1989). Jurisprudential analysis of the role of disgust in divorce. *Scientific Research Journal of Women and Family Studies*, University of Islamic Religions and Religions, 5 (13), 105-121. [link]
- Ibn Babuyeh, M. (1986). *Al-Muqnaq*. Qom: Publication of the message of Imam Hadi, peace be upon him. [Text in Arabic]
- Ibn Darid, M.(1988). *Jamrah al-Loghat*. The second volume, Beirut: Dar El Alam Lalmalayin Publishing House[Text in Arabic]. [link]
- Ibn Faris, A. (1983). *Majmae maghais alloghat*. The second volume, Qom: Maktab al-Alam al-Islami publication.[link]
- Ibn Idris, M. (2008). *Mousooe Ibn Idris al-Halli*. Volume 11, Qom: Dalil Ma Publications.
- Johari, I. (1996). *Sahah Taj al-Lagha va Sahah al-Arabiya*. The sixth volume, Beirut: Dar al-Alam Lalmalayin publishing house. [Text in Arabic]
- Katouzian, N. (2014). *Family civil rights course*. Volume 1, Tehran: Publishing Company.
- Khomeini, R. (2004). *Tahrir al-Wasileh*. The second volume, Tehran: Publications of Imam Al-Khomeini Qods Sareh Publishing House. [Text in Arabic]
- Majlesi, M. (1982). *Bihar al-Anwar*, 100th volume, Beirut: Ihya al-Trath al-Arabi publishing house. [Text in Arabic] [link]

- Mofid, M. (1999). *Al-Moghne'e*, Qom: Al-Nashar al-Islami Publishing House [Text in Arabic].
- Mohagheq Damad, M. (2005). *Jurisprudential review of family law*. Tehran: Islamic Sciences Publishing Center.
- Mohagheq Hali, J. (1998). *Sharae' al-Islam fi Masael al-Halal va al-Haram*. Qom: Ismailian Publications [Text in Arabic]. [link]
- Muhammad, H. (2000). *Jawahar al-Kalam*. Volume 17, Qom: Islamic Jurisprudence Encyclopedia Institute. [Text in Arabic]
- Ragheb Esfahani, H. (1991). *Mofradate alfaze quran*. The third volume, Beirut: Dar al-Qalam publishing house [Text in Arabic]. [link]
- Safai, S. H., Emami A. (2008). *Summary of family law*. Volume 1, Iran, Tehran: Mizan Legal Publications.
- Salar Dilmi, H. (1983). *Almarasem fi feqhe alemami*. Mahmoud Bustani's research. Volume 1, Qom: Charters of Al-Haramain. [link]
- Shahid Awal, M. (1996). *Qayatol morad*. Volume 11, Qom: Publications of the Islamic Propaganda Office of Qom Seminary. [Text in Arabic]
- Shahid Awal, M. (2000). *Alqavaed va alfavaed*. Volume 1, Qom: Mufid Publishing House. [Text in Arabic]
- Shahid sani, Z. (1990). *Masalak al-Afham to revision of the laws of Islam*. Volume 9, Beirut: Islamic Education Institute. [Text in Arabic] [link]
- Shahid sani, Z. (1991). *Al-Rawda al-Bahiya fi Sharh al-Lama' al-Damashkiyyah*. Volume II, Qom: Nab Mandagh Publishing [Text in Arabic]. [link]
- Tabarsi, F. (1993). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. The second volume, Tehran: Nasser Khosrow Publications. [Text in Arabic]
- Tabatabayi, M. (2011). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. The second volume, Lebanon: Publishing House of Al-Alami Publishing House. [Text in Arabic]
- Toreaihi, F. (1996). *Mo'jam al-Bahrain*. Volume 6, Tehran: Mortazavi Publications. [Text in Arabic]
- Tusi, M. (1987). *Al-Khalaf*. Volume II, Qom: Al-Nashar al-Islami Publishing House [Text in Arabic] [link].
- Tusi, M. (2011). *Al-Estebzar*. Third volume, Tehran: Darul-e-Kitab al-Islamiyya publishing house. [Text in Arabic] [link]
- Tusi, M. (2011). *Tahzib al-Ahkam*. Volume 8, Tehran: Darul-e-Kitab al-Islamiyya Publishing House. [Text in Arabic] [link]
- Tusi, M. (1979). *Al-Nahiya fi majart al-fiqh va al-fatawi*. Beirut: Al-Kitab Al-Arabi Publishing House [Text in Arabic] [link]





Original Research

Challenges and Needs of Students in the Field of Having Children

Fateme Malekkhani¹ **Fateme Bidoki²** **Zahra Malekkhani³**

¹. Ph.D student of social communication sciences, Faculty of social sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding Author) F.malekkhani@ut.ac.ir

². MS student of Agricultural Biotechnology, University of Tarbiat Modares, Tehran, Iran.

³. MS student of Population and family governance, University of Tehran, Tehran, Iran.

Background and Purpose

Solving the population problem needs a correct understanding of the objective and subjective barriers to having children. Some obstacles and needs in the field of childbearing are common among students and the rest of the society, but students have their own challenges too. These challenges become more evident as the level of education increases. Addressing this issue is necessary for certain reasons. First, the age of starting university education often coincides with the reproductive age. With the end of higher education, the reproduction tendency or capacity begins to decline, and new problems arise in this regard. Considering the general trend of university education in Iran, these problems pose serious challenges to the population in the long run. Especially, with the increasing admission of women to university and the importance of academic degrees in marriage, student couples face the challenges of education and, thus, have the least number of children. Second, with the long-term presence of top talents in universities and their greater exposure to these obstacles, the birth rate of this group gradually decreases and the country's genetic reserve of talents is depleted.

Relatively rich literature has been formed around the issue of student fertility and the relationship between education and childbearing in the world. All researchers agree on one point; with the increase in the level of education (especially for women), the fertility rate decreases. Some researchers point to the issues of climate, health, food security, biodiversity, energy and other vital resources as well as the need of developing countries to reduce population growth and evaluate this

phenomenon positively (Götmark & Andersson, 2020). In contrast, some have pointed to intelligent higher education. They believe that the reduction of childbearing in the educated classes of the society reduces the collective intelligence in the long term. So, they introduce it as a great risk for societies (Misenberg, 2008). In general, based on the existing research, bearing children among educated people decreases for several reasons including a) increase of the age of marriage and the high probability of permanent celibacy (Shen, 2018), b) lack of support during studies and pressure of roles, c) biological limitations, d) economic issues (e.g., the problem of housing, financing of students, and the economic conditions of women), e) change of cultural norms and the attitudes of educated people (Chaudhury, 1984), f) the relationship between marriage and having children (in many countries, this relationship is stronger among the educated), g) association of quantitative and qualitative values (i.e., tendency to increase the quality of parenting versus decreasing the quantity of children) (Cornett, 2020), h) sensitivity to parenting and a kind of idealism, i) more desire for and access to contraceptives, j) reduction of child mortality in families with higher education, and k) Reduced attractiveness of having children among the educated.

So far, various theories have been used to understand the relationship between the increase of education level and the decrease of fertility. A large number of researchers have explained this relationship by referring to the opportunity cost theory. Some have also combined this theory with others such as the theory of roles and the effect of human capital (Brüderl & Diekmann, 1997).

Method

The research data were collected in two stages. In the first stage, using the snowball method, 15 students of Sharif University of Technology, Science and Technology University, Amir Kabir University, Tehran University and Allameh Tabatabai University, including 10 women and 5 men, were identified, and semi-structured in-depth interviews were conducted with them. In order to achieve a more accurate understanding of the dimensions of the problem and have a greater diversity in the samples, the initial findings were used to extract the challenges of childbearing and formulate new questions in the form of an electronic questionnaire to distribute among university groups in the cyberspace. A total of 54 female and 6 male students, 13 of whom were single and 47 were married, answered the questions. The data were analyzed and evaluated with the thematic analysis method based on the model proposed by Attride-Stirling (2001).

Results

In the process of analysis, 75 basic themes, 8 organizing themes and 2 inclusive themes were identified. Individual, family, social and religious



motivations were included under the comprehensive theme of "need to have children". Also, economic, cultural, medical, psychological and support-facilitation needs were included under the inclusive theme of "obstacles to and prerequisites of having children".

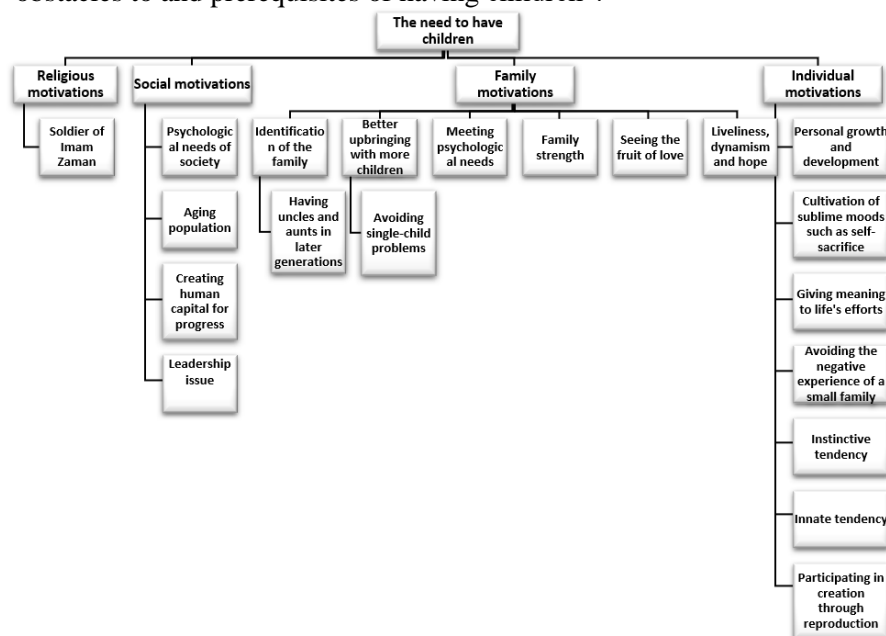


Figure 1. The need to have children

According to the findings, there seems to be a desire to have children among students, but some structural problems prevent them from thinking about having children or a large number of children. The male students mostly mentioned job and housing as their problems, and the female ones referred to the lack of academic, social and family support for childcare

Discussion and Conclusion

The results of this research show that the barriers to having children among students are very diverse. The factors that have turned raising children into a challenge for students mainly include the prohibition of employment during studies, too much academic preoccupation, lack of supportive organs for students, new attitudes about family size, induction of a feeling of being repulsed by others, and education, especially for mothers. To cope with these challenges, special policies and laws are needed. In many countries, family-friendly universities have been established to reduce the effect of such obstacles and facilitate the education of parents. These universities have created structures and facilities to provide material and psychological supports for parents (CohenMiller et al., 2018). The supports range from matrimonial dormitories, financial aids and scholarships for parents to psychological

and counseling services, flexible educational planning, and appropriate institutions such as child-parent libraries. These accommodations can be localized and reproduced in our country too.

Ethical Considerations: Informed consent was obtained from the individual participants in the study. To maintain confidentiality, the personal profile information of all the participants was removed.

Funding: There was no financial support for this study.

Authors' contribution: The first author is responsible for conducting the study and preparing the initial draft of the article, and the second and third authors collaborated in the interview process, compiling the online questionnaire and analyzing the data. All the authors read and approved the final manuscript.

Conflict of interest: The authors declare that they have no conflict of interests regarding this research.

Acknowledgment: We would like to thank the professors who guided us in the formation of the article design and compiling the findings. Also, the students who participated in the interview and preparation of the electronic questionnaire are appreciated.

Data Availability: The data used in this study are not publicly available due to their confidentiality. In case of request, contact by the email (f.malekkhani@ut.ac.ir).

References

- Attride-Stirling, J. (2001). Thematic networks: an analytic tool for qualitative research. *Qualitative Research*, 1(3), 385-405. doi: 10.1177/146879410100100307 [Link]
- Brüderl, J., & Diekmann, A. (1997). Education and Marriage. A comparative study. *Unveröffentlichtes Arbeitspaier*. [Link]
- Chaudhury, R. H. (1984). The influence of female education, labor force participation, and age at marriage on fertility behavior in Bangladesh. *Social Biology*, 31(1-2), 59-74. DOI: 10.1080/19485565.1984.9988562 [Link]
- CohenMiller, A. S., Saburova, A., & Sagitova, R. (2018). What is a Family-Friendly University Campus? A Pilot Study to Develop Student Research and Provide Practical Results. *American Journal of Qualitative Research*, 2(2), 103-119 [Link]
- Cornett, A. (2020). Analyzing the Relationship Between Female Education and Fertility Rate. *Drake Undergraduate Social Science Journal*. [Link]
- Götmark, F., & Andersson, M. (2020). Human fertility in relation to education, economy, religion, contraception, and family planning programs. *BMC*



Public Health, 20(1), 1-17.

DOI: 10.1186/s12889-020-8331-7 [Link]

Meisenberg, G. (2008). How universal is the negative correlation between education and fertility?. *Journal of Social Political and Economic Studies*, 33(2), 205. [Link]

Shen, D. (2018). Better Educated, Fewer Divorces: The Impact of College Education Quality on Marriage Outcomes (No. 94198). *University Library of Munich, Germany*. [Link].



چالش‌ها و نیازهای پیش روی دانشجویان در حوزه فرزندآوری

فاطمه ملک‌خانی*^۱، فاطمه بیدکی^۲، زهرا ملک‌خانی^۳

چکیده

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۰۸

با توجه به تطبیق سن باروری با سن تحصیل و افول آن پس از اتمام تحصیلات عالی، نیاز است به فرزندآوری دانشجویان در حین تحصیل توجه ویژه‌ای انجام بگیرد. این مقاله به‌طور خاص بر نگرش‌ها و چالش‌های دانشجویان نسبت به مسئله فرزندآوری متمرکز است. گردآوری داده‌ها در دو مرحله انجام شد؛ در مرحله نخست با ۱۵ دانشجوی مصاحبه عمیق نیمه ساخت‌یافته انجام شد. در مرحله بعد با استفاده از یافته‌های ابتدایی سوالات جدیدی تدوین و در قالب پرسشنامه الکترونیک در فضای مجازی (گروه‌های دانشگاهی) منتشر شد و ۶۰ پاسخ معتبر دریافت شد. داده‌ها بر مبنای الگوی تحلیل مضمون آترید استرلینگ در یک فرآیند رفت و برگشتی کدگذاری شدند. در روند تحلیل ۷۵ مضمون پایه‌ای، ۸ مضمون سازمان‌دهنده و ۲ مضمون فراگیر شناسایی شدند. مضامین فراگیر «ضرورت فرزندآوری از نگاه دانشجویان» و «موانع و نیازهای دانشجویان در زمینه فرزندآوری» هستند. ذیل مضمون نخست ۴ مضمون سازمان‌دهنده «انگیزه‌های فردی»، «انگیزه‌های خانوادگی»، «انگیزه‌های اجتماعی» و «انگیزه‌های دینی» و ذیل مفهوم دوم، ۵ مضمون سازمان‌دهنده «نیازهای اقتصادی»، «نیازهای فرهنگی»، «نیازهای روانی»، «نیازهای حوزه سلامت» و «نیازهای تسهیلاتی - حمایتی» قرار دارد. در نهایت با مرور سیاست‌ها و قوانین موجود و استفاده از تجربه دانشگاه‌های دوست‌دار خانواده در جهان راهکارهایی برای ارتقاء وضعیت فرزندآوری در این قشر ارائه شد.

نوع مقاله: پژوهشی اصیل

واژگان کلیدی

دانشجو، فرزندآوری، چالش‌ها، موانع، دانشگاه دوستدار خانواده.

ارجاع به مقاله:

ملک‌خانی، فاطمه، بیدکی، فاطمه و ملک‌خانی، زهرا. (۱۴۰۳). چالش‌ها و نیازهای پیش روی دانشجویان در حوزه فرزندآوری. *مطالعات زن و خانواده*، ۱۲(۳)، ۹۳-۱۳۴. DOI: 10.22051/jwfs.2024.44902.3019

F.malekxhani@ut.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری علوم ارتباطات اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی کارشناس ارشد بیوتکنولوژی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۳. دانشجوی کارشناس ارشد حکمرانی جمعیت و خانواده، دانشگاه تهران، تهران، ایران.



مقدمه و بیان مسئله

هرگونه تلاش در راستای حل مسئله جمعیت، بدون فهم صحیحی از انگیزه‌های فرزندآوری و موانع عینی و ذهنی آن محکوم به شکست است و موجب هدر رفت منابع خواهد شد. در این پژوهش به دنبال دستیابی به چنین فهمی هستیم. بخشی از موانع و نیازهای حوزه فرزندآوری در میان دانشجویان و عموم جامعه مشترک است، درعین حال این قشر مشکلات و چالش‌های مخصوص به خودشان را هم دارند. چالش‌هایی که با بالا رفتن مقطع تحصیلی برجسته‌تر می‌شوند. پرداختن به این مسئله با توجه به دو نکته ضرورت بیشتری پیدا می‌کند:

نخست، اینکه سن آغاز تحصیلات دانشگاهی غالباً با سن باروری تطابق دارد و با پایان تحصیلات عالی، سن باروری سیر نزولی خود را پشت سر می‌گذارد و مشکلات جدیدی در این مسیر بروز می‌یابد، امکان داشتن فرزند بیشتر به‌خودی‌خود کاهش پیدا می‌کند و نهایتاً باید به یک یا دو فرزند اکتفا کرد. با توجه به عمومیت گرایش به تحصیلات دانشگاهی در ایران، این مسئله در درازمدت چالش‌های جدی در حوزه جمعیت ایجاد می‌کند.

دو اینکه با حضور طولانی مدت استعدادهای برتر در دانشگاه‌ها و مواجهه بیشتر آن‌ها با این موانع، فرزندآوری این قشر رفته‌رفته کاهش می‌یابد و ذخیره ژنتیکی کشور از این استعدادها تخلیه می‌شود. هرچند به‌طورقطع تمام افراد دارای هوش برتر در دانشگاه‌ها و مراکز علمی فعال نمی‌شوند و در هرکجای کشور و در هر شغل و منصبی حضور دارند اما آنچه بدیهی است این افراد در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و در مقاطع تحصیلات تکمیلی متمرکزتر و فشرده‌تر حضور دارند و خصوصاً در ایران که تمایل به تحصیلات عالی فراوانی بیشتری نسبت به متوسط جهانی دارد، این استعدادها راحت‌تر شناسایی می‌شوند. یعنی اگر در سایر کشورها استعدادهای برتر در میان مردم پراکنده‌اند و علاقه‌ای به شرکت در کنکور یا تحصیلات عالی ندارند و به این واسطه از یک پالایه عمومی نمی‌گذرند در ایران این اتفاق فراگیر است.

از سوی دیگر، درگذشته‌های نه‌چندان دور بانوان مستعد شناسایی نمی‌شدند و مردان مستعد به پشتوانه حمایت‌های همسرشان که غالباً خانه‌دار بود، می‌توانستند فرزندان زیادی بیاورند لذا چرخه تکثیر زن مستعد - چه از سمت مردان و چه از سوی زنان - با چالش جدی مواجه نبود. همان‌طور که در زندگی علما و اندیشمندان قدیم هم این مسئله مشهود است. اما در عصر حاضر با اقبال زیاد بانوان به تحصیل

و شرکت آن‌ها در رقابت‌های علمی چون کنکور، دختران مستعد نیز شناسایی می‌شوند و با ورود به تحصیلات دانشگاهی با موانع فرزندآوری مواجه خواهند شد. امروزه کفویت در حوزه علم نیز به یکی از حوزه‌های مهم کفویت برای ازدواج تبدیل شده و افراد تحصیل کرده ترجیح می‌دهند با هم‌نوعان خود ازدواج کنند. چنین پیوندهایی غالباً با نوعی از فعالیت فشرده علمی همراه است که مواجهه با فرزندآوری را در این قشر بازم پیچیده‌تر کرده است. این فرایند به مرور زمان در چرخه تکثیر زن مستعد تأثیر می‌گذارد و بانک ژنی ایران را فقیر می‌کند. مسئله‌ای که داریوش فرهود پدر علم ژنتیک ایران بارها نسبت به آن هشدار داده است (خبرگزاری ایسنا، ۱ دی، ۱۴۰۰). پایین آمدن متوسط بهره هوشی پس از چند نسل چالش‌های امنیتی زیادی برای کشور به وجود خواهد آورد و موجبات وابستگی بیشتر آن را فراهم خواهد آورد. هدف این مقاله شناخت چالش‌های دانشجویان در حوزه فرزندآوری و اهمیت پرداخت به آن است.

پیشینه پژوهش

حبیب‌پور گنابی و سلحشور (۱۴۰۱) مطالعه‌ای با عنوان مطالعه کیفی خشونت در بین کودک همسران شهر چابهار انجام داده‌اند. نتایج نشان‌دهنده تبعیض جنسیتی، فرهنگ بومی سکوت و خشونت در بافت چابهار و خودکم‌بینی تعمیم یافته موجب به کار بردن استراتژی‌های فرار، جدایی و خودکشی می‌شود که پیامدهایی چون خشونت‌های نمادین، فیزیکی، جنسی و انزوای اجتماعی را به بار می‌آورد.

ادبیات نسبتاً غنی حول مسئله میزان باروری دانشجویان و ارتباط میان تحصیل و فرزندآوری در جهان شکل گرفته است. همه پژوهشگران روی یک نقطه باهم اشتراک نظر دارند: با افزایش تحصیلات (خصوصاً در زنان) میزان باروری کاهش می‌یابد. برای مثال مقاله «همبستگی منفی بین تحصیلات و باروری چقدر جهانی است» می‌گوید یک هم‌بستگی منفی بین تحصیلات و باروری در جوامع مدرن به‌طور منظم توصیف شده است. این هم‌بستگی در زنان قوی‌تر از مردان است، در سطوح نسبتاً پایین رشد اقتصادی، اجتماعی و شناختی قوی‌تر است و در پیشرفته‌ترین جوامع ضعیف‌تر می‌شود. این رابطه در آمریکای لاتین و جنوب غربی آسیا قوی‌ترین است و در اروپای پروتستان ضعیف‌ترین است (میزنبرگ، ۲۰۰۸). تقریباً در ۴۰ درصد از کشورهایی که اطلاعات در دسترس دارند، زنان با هفت سال تحصیل یا بیشتر، کمتر از نیمی از زنان بدون تحصیلات فرزند خواهند داشت (وینبرگر، ۱۹۸۷). البته رابطه منفی بین تحصیلات و باروری یک پدیده نسبتاً جدید است. برای مثال، در اوایل قرن هفدهم،

انگلیسی‌های ثروتمند تقریباً دو برابر بیشتر از افراد فقیر فرزندان زنده مانده داشتند. این امر عمدتاً ناشی از باروری بیشتر ثروتمندان بود. از آنجایی که ثروتمندان باسوادتر از فقرا بودند، بین سواد و باروری نیز رابطه مثبت وجود داشت (کلارک، ۲۰۰۷ به نقل از میزنگ، ۲۰۰۸).

نسبت به این مسئله سه نوع نگاه وجود دارد: برخی آن را مثبت ارزیابی می‌کنند، برخی منفی و عده‌ای نیز صرفاً به عوامل شکل‌گیری آن می‌پردازند و از این رهگذر تحلیلی از وضع موجود ارائه می‌دهند.

الف) مثبت

گوتمارگ و اندرسون^۱ (۲۰۲۰) با اشاره به تأثیر رشد جمعیت بر تشدید مشکلات مرتبط با آب‌وهوا، سلامت، امنیت غذایی، تنوع زیستی، انرژی و سایر منابع حیاتی، تأثیر تحصیلات بر کاهش نرخ باروری را مثبت ارزیابی می‌کنند. ریندفوس^۲ و همکاران (۱۹۹۶) با بیان اندک بودن نرخ باروری در میان زنان تحصیل کرده و اینکه مادران و پدران تحصیل کرده برای رسیدن به یک وضعیت باثبات و خوب اقتصادی ازدواج و فرزندآوری را به تعویق می‌اندازند می‌گویند: «ولی وقتی این افراد ازدواج می‌کنند ازدواجشان از سایرین پایدارتر است و کودکان شرایط بهتری را تجربه می‌کنند». برخی نیز کاهش نرخ باروری را به معنای منابع بیشتر به ازای هر فرزند و میزان سلامت و بقای بهتر برای مادران و کودکان می‌داند (پرادهان^۳، ۲۰۱۵). بسیاری نیز معتقدند کشورهای در حال توسعه، با پیشرفت در گذار جمعیتی، نیاز به کنترل جمعیت با ابزارهایی مانند تشویق به تحصیلات دارند (کارنت^۴، ۲۰۲۰، حق^۵، ۲۰۱۸، مارتین^۶، ۱۹۹۵، سیکوللا^۷، ۲۰۱۹، سفیری ۱۳۸۶).

ب) منفی

میزنگ (۲۰۰۸) می‌گوید با افزایش تحصیلات، فرزندآوری کاهش می‌یابد و اگر فرض کنیم تحصیلات عالی به هوش مرتبط است این روند باعث کاهش بهره‌هوشی جمعی در درازمدت خواهد شد. تحقیقات نشان می‌دهند رابطه تحصیل و باروری در کشورهایی که در سطوح متوسط توسعه اقتصادی و شناختی قرار دارند از بقیه کشورها منفی‌تر است. کمترین همبستگی منفی در کشورهای مرفه

¹. Götmark & Andersson

². Rindfuss

³. Pradhan

⁴. Cornett

⁵. Haq

⁶. Martin

⁷. ciccolella

با میانگین بهره هوشی بالا مشاهده می‌شود. این مقاله با اشاره به بحث هوش و رابطه تحصیل و باروری در جهان می‌گوید در گذشته افراد ثروتمند هم تحصیل بهتری داشتند هم باروری بیشتری ولی در روندهای کنونی با افزایش تحصیلات عالی که به احتمال زیاد با بهره هوشی مرتبط است شاهد کاهش باروری هستیم.

روی و همکاران^۱ (۱۹۹۹) می‌گویند تحصیلات عالی پدر و مادر از دو جهت می‌تواند با هوش فرزند مرتبط باشد. والدین با تحصیلات بالاتر احتمال بیشتری برای انتقال ژن‌های مرتبط با ضریب هوشی بالاتر دارند و همچنین محیط‌های محرک فکری بیشتری را برای فرزندانشان فراهم می‌کنند. حداقل در میان نوزادان و کودکان شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد بخشی از هم‌بستگی بین محیط خانه و هوش فرزندان به طرز ژنتیکی میانجی‌گری می‌شود و همکاران ۱۹۹۰، روی و همکاران، ۱۹۹۹ در مورد اثرات منفی کاهش باروری پژوهش‌های بسیاری در جهان شکل گرفته است. یکی از موضوعات مهم، رابطه قدرت با جمعیت و بحران‌های حاصل از کاهش جمعیت در کشورهای دارای نرخ فرزند آوری پایین است.

ج) علل میانجی: رابطه تحصیلات و فرزند آوری از مجرای برخی علل به وقوع می‌پیوندد که در ادامه معرفی می‌شوند.

^۱. Rowe



۱. افزایش سن ازدواج و تجرد قطعی: پژوهش‌هایی از اسپانیا، هند و چین حکایت از میانجی‌گری قوی تجرد برای کاهش باروری دارند. دانشجویان و تحصیل‌کردگان (خصوصاً در زنان) بیش از سایرین مجرد می‌مانند و این به‌نوبه خود باروری را کاهش می‌دهد (ریکونا و سالازار^۱، ۲۰۱۴، ویکرام^۲، ۲۰۲۳، هو و سان^۳، ۲۰۲۱). هوم^۴ (۱۹۸۶) در توضیح این مسئله می‌نویسد هرچند ازدواج مزایایی مانند عشق، همراهی و زندگی جنسی منظم دارد ولی درعین‌حال هزینه‌هایی مانند کاهش آزادی و حریم خصوصی و بار نامتناسبی از کارهای خانه برای زنان هم دارد. از سوی دیگر وضعیت اقتصادی دانشجویی ناپایدار امکان این روابط را کم می‌کند. دانشجویان ناچارند وقت کمتری برای پر کردن و تمرکز بیشتری بر آینده به قیمت از دست دادن لذت‌های زندگی داشته‌باشند. آن‌ها همچنین تحمل کمتری در مورد نابرابری‌های زندگی دارند. هو و سان (۲۰۲۱) یکی از دلایل مهم این رابطه را در چین، بالا بودن قیمت مسکن و انتظارات زیادی که از افراد با تحصیلات بالا وجود دارد می‌دانند.

برخی نویسندگان استدلال می‌کنند زنان با تحصیلات عالی از نظر اقتصادی مستقل هستند بنابراین می‌توانند از ازدواج خودداری کنند و افزایش تحصیلات نه تنها ازدواج را به تأخیر می‌اندازد بلکه از شدت ازدواج نیز می‌کاهد (برودل و دیکمن^۵، ۱۹۹۷). شن^۶ (۲۰۱۸) نشان می‌دهد به‌طورکلی تحصیلات دانشگاهی بهتر با ازدواج پایدار، احتمال ازدواج کمتر، ازدواج به تعویق افتاده و احتمال ازدواج مجدد کمتر، مرتبط است. البته پژوهش‌ها حکایت از تفاوت رابطه تحصیل، ازدواج و باروری میان زنان و مردان دارند (مارینی^۷، ۱۹۷۸، باگاوس و تراگیدی^۸، ۲۰۱۷) زنانی که تحصیلات عالی را دنبال نمی‌کنند، مدت کوتاهی پس از دبیرستان ازدواج می‌کنند، درحالی‌که مردان تمایل دارند بدون توجه به رفتار تحصیلی‌شان دیرتر ازدواج کنند (مارینی، ۱۹۷۸). به‌طورکلی به‌نظر می‌رسد تأثیر بیشتر آموزش بر تولیدمثل زنان نسبت به مردان، جهانی است و تفاوت زن و مرد در مناطقی با نقش‌های جنسیتی سنتی، کمتر از مناطقی است که زنان آزادتر دارند (میزنبرگ، ۲۰۰۸).

1. Requena & Salazar

2. Vikram

3. Hu & Sun

4. Hoem

5. Brüderl, & Diekmann

6. Shen

7. Marini

8. Bagavos & Tragiki

سفیری (۱۳۸۶) نشان می‌دهد با بالا رفتن تحصیلات، سن ازدواج بالا می‌رود، میزان آزادی زنان در انتخاب همسر افزایش می‌یابد و تعداد فرزندان کاهش می‌یابد. چابکی (۱۳۹۵) به دنبال فهم عوامل مجرد قطعی دختران ۴۵ سال به بالای تهران، یکی از عوامل کاهش‌دهنده جاذبه ازدواج را معرفی تحصیلات و استقلال اقتصادی دختران به‌عنوان موفقیت در جامعه معرفی می‌کند.

حسینی (۱۳۹۲) با اشاره به غلبه ۶۰ به ۴۰ ورودی‌های دختر دانشگاه در ایران این مسئله را در کنار اهمیت پیدا کردن کیفیت تحصیلی در سال‌های اخیر باعث افزایش سن ازدواج دختران، کاهش شانس آن‌ها برای ازدواج و احتمال مجرد قطعی آن‌ها دانست. بانکی پور فرد و همکاران (۱۳۹۰) اشاره دارند بالا رفتن تحصیلات در پسران باعث به تعویق افتادن زمان سربازی، اشتغال و آمادگی برای ازدواج می‌شود و در دختران نیز به علت ایجاد دل‌مشغولی و دغدغه منجر به تعویق ازدواج می‌شود. در دختران با تحصیلات بالا احتمال پیدا کردن کفو از لحاظ تحصیلی کمتر شده (و دامنه انتخابشان محدودتر می‌شود). کاوه‌فیروز و همکارانش (۱۳۹۳) افزایش تحصیلات دختران را با افزایش سطح توقعات اجتماعی آن‌ها مرتبط می‌دانند و این مسئله را به‌عنوان یک متغیر مهم در افزایش سن ازدواج معرفی می‌کنند. باقری و همکاران (۱۳۹۸) از انتخاب آگاهانه دختران تحصیل کرده به ازدواج دیر هنگام و معنا بخشی به آن می‌گویند و رجیبی (۱۳۸۶) طولانی بودن دوران تحصیل را به‌عنوان عاملی برای افزایش سن ازدواج و احتمال مجرد قطعی اضافه می‌کند. به گفته او در گذشته یک نوجوان آموزش‌ها و مهارت‌های لازم برای تشکیل خانواده را به شکل سنتی کسب کرده و آماده ازدواج بود. ولی در عصر حاضر افراد به خاطر وابستگی جایگاه اجتماعی و اقتصادی به تحصیلات، نیاز دارند زمان زیادی را صرف این مسئله کنند. گرایلی و پناهی (۱۳۹۵) ترس از ناتوانی در انجام مسئولیت‌های خانوادگی در حین تحصیل و لطمه خوردن به درس را عامل مهمی برای تأخیر در سن ازدواج معرفی می‌کنند.



۲. نبود حمایت در هنگام تحصیل و فشار نقش‌ها: ملینسکروت و لیونگ^۱ (۱۹۹۲) نشان می‌دهند در تحصیلات تکمیلی، زنان به‌طور قابل‌توجهی علائم استرس بیشتر و حمایت کمتری از بخش‌های خانوادگی گزارش کردند. خصوصاً با توجه به وجود درصد بالایی از مادران مجرد بحث مراقبت از کودک و فقر یکی از موارد مهم در استرس زنان محصل است. برند و دیویس^۲ (۲۰۱۱) نیز نشان می‌دهند پیش‌زمینه تحصیلی اثر مهمی بر باروری دارد و زنان محروم تحصیل‌کرده باروری کمتری از زنان با پشتوانه تحصیل‌کرده دارند چراکه دسته دوم امکان دریافت حمایت در تحصیل را بیشتر دارند. زنانی که کمترین احتمال تحصیل در دانشگاه را دارند، بیشترین تأثیر دانشگاه را بر باروری تجربه می‌کنند. بسترهای اجتماعی-اقتصادی مانند: نژاد، قومیت، درآمد خانواده، تحصیلات خانواده، سلامت خانواده و تعداد اعضای آن اثر مهمی بر باروری دانشآوران دارند. کرینفلد و کونیزکا^۳ (۲۰۰۸) این امر را به سیاست‌های اجتماعی و عدم حمایت دولتی مرتبط می‌دانند. حاجیان و مکتوبیان^۴ (۱۳۹۴) نیز میل به پیشرفت در درس و شغل و نبود حمایت‌های لازم را مانعی برای فرزندآوری در اقشار تحصیل‌کرده معرفی کردند.

۳. محدودیت‌های بیولوژیکی: مادران تحصیل‌کرده به‌خاطر تحصیلات، زایمان اول خود را به تأخیر می‌اندازند و به همین دلیل از لحاظ بیولوژیکی فرصت زیادی برای داشتن فرزندان بیشتر ندارند و داشتن اولین فرزند در سنین بالاتر و بی‌فرزند ماندن در میان زنان با تحصیلات عالی رایج‌تر است (ایمپیکیاتور و زونا^۴، ۲۰۱۸).

۴. مسائل اقتصادی: افراد دارای تحصیلات عالی به‌دو نوع تأثیر اقتصادی را بر باروری تجربه می‌کنند:

^۱ Mallinckrodt & Leong

^۲ Brand & Davis

^۳ Kreyenfeld & Konietzka

^۴ Impicciatore & Zuanna

الف) مشکل مسکن و تأمین مالی دانشجویان: دانشجویان در هنگام تحصیل به دلیل عدم امکان اشتغال تمام وقت از نظر تأمین هزینه‌های زندگی و تهیه مسکن مناسب دچار مشکل می‌شوند. هوم (۱۹۸۶) به دوره‌ای از تاریخ سوئد اشاره می‌کند که در آن قیمت مسکن افزایش می‌یابد، حمایت‌های دانشجویی کاهش می‌یابد و با کاهش حقوق دانشگاهیان انگیزه‌های اقتصادی درس خواندن کم‌رنگ می‌شود. در این ایام زندگی با والدین بیشتر شده و ازدواج و همباشی به کمترین حد خود می‌رسد. ب) بهبود شرایط اقتصادی زنان: پس از اتمام تحصیلات خصوصاً برای بانوان باروری معادل خواهد بود با از دست دادن فرصت‌های شغلی مناسب و ناتوانی در ورود به مشاغل تمام وقت و این مسئله موجب اجتناب از فرزند آوری می‌شود (لم و همکاران^۱، ۲۰۱۶).

با این حال اثر اقتصادی در همه‌جا یکسان نیست. برای مثال برودل و دیکمن (۱۹۹۷) نشان می‌دهند در آلمان شرقی که سیاست‌های سوسیالیستی دارد رابطه میان تحصیلات و ازدواج خیلی کمتر از آمریکا و آلمان غربی بود به دلیل اینکه تسهیلات دولتی برای تشکیل خانواده بیشتر در اختیار است و سیاست‌های حمایت از خانواده در این کشور بیشتر است.

۵. تغییر هنجارهای فرهنگی و نگرش جوانان: چادهاری^۲ (۱۹۸۴) اشاره دارد تحصیلات با نقشی حیاتی در شکل دادن به نگرش‌ها، نظرات و ارزش‌ها، قرار گرفتن در معرض ایده‌های جدید و شیوه‌های زندگی جایگزین ممکن است فرد را به زیر سؤال بردن هنجارها و شیوه‌های سنتی سوق دهد و بر نقش تولیدمثل آن‌ها اثر بگذارد (کاساردا و همکاران، ۱۹۸۶؛ ایزمون، ۱۹۸۷؛ دوریس، ۱۹۹۲، چادهاری ۱۹۸۴). به طور مثال پیشینه‌های اجتماعی-اقتصادی و دستاوردهای تحصیلی و شغلی برای زنان برتر هویت‌آفرینی می‌کنند همان‌طور که فرزندآوری و مادری برای زنان جوان محروم‌تر هویت اجتماعی ایجاد می‌کند (ادین و کفلاس ۲۰۰۵؛ فورستبرگ ۱۹۷۶؛ ویلسون ۱۹۸۷ و چادهاری ۱۹۸۴). گوتمارگ و اندرسون (۲۰۲۰) نشان می‌دهند باروری با دین‌داری رابطه مثبت دارد. اکبری و شعاع کاظمی (۱۴۰۱) نیز مهمترین عامل گرایش به فرزند آوری در میان زنان تحصیل کرده ایرانی را باورداشت‌های دینی آنها معرفی می‌کنند.

¹ Lam, Sedlacek & Duryea

² Chaudhury



۷. **ارتباط بین ازدواج و فرزند آوری:** در میان زنان تحصیل‌کرده بین ازدواج و باروری رابطه مستحکم‌تری نسبت به زنان کم‌سواد وجود دارد. فورستبرگ (۲۰۰۳:۳۶) اشاره دارد امروزه «ازدواج به یک کالای تجملی تبدیل شده است» که مختص زنان دارای مزیت است و از آنجایی که زنان دارای مزیت و تحصیل‌کرده تمایلی به درگیر شدن در فرزند آوری غیر ازدواجی ندارند، تأخیر زناشویی با تأخیر باروری همراه است (کوکت و همکاران، ۲۰۰۲، برند و دیویس ۲۰۱۱).

۸. **مبادله کمی و کیفی:** کرن (۲۰۲۰) اشاره دارد زنانی که آموزش رسمی بیشتری دریافت می‌کنند، تمایل دارند تعداد فرزندان کمتری داشته باشند اما منابع بیشتری را به هر فرزند اختصاص دهند.

۹. **حساسیت نسبت فرزند پروری:** نازوکی (۲۰۱۷) به جای تأکید بر مباحث اقتصادی و اجتماعی به تأثیر عوامل روانی در تصمیم‌گیری برای بارداری می‌پردازد. او می‌گوید رابطه معکوس بین باروری و تحصیلات زنان را می‌توان تا حدی با آگاهی زنان تحصیل‌کرده از وظایف و بارهای فرزند آوری توضیح داد. هوندا (۲۰۰۸) نشان داد که زنان با تحصیلات عالی تمایل به داشتن احساس مسئولیت قوی در زمینه فرزند آوری دارند. برای آن‌ها، فشار "مادر کامل" بودن مانعی برای داشتن فرزندان بیشتر است (نازوکی، ۲۰۱۷). وینبرگر (۱۹۸۷) نیز می‌گوید: آموزش می‌تواند از مسیر اثرگذاری بر نگرش‌ها، ارزش‌ها و باورها، شیوه‌ای از تربیت فرزند را به وجود بیاورد که از نظر زمانی و مالی برای والدین هزینه‌بر است.

۱۰. **پیشگیری از بارداری:** چادهاری (۱۹۸۴) نشان می‌دهد تحصیلات بیشترین ارتباط را با استفاده از روش‌های پیشگیری از بارداری دارد و همچنین یکی از متغیرهای مهم توضیح‌دهنده رفتار باروری است. تحصیلات، با افزایش اطلاعات در مورد تنظیم خانواده و القای حس کنترل بر سرنوشت فرد می‌تواند مشوقی برای تلاش در جهت کنترل فرزند آوری باشد. همچنین پتانسیل درآمد زوجین را افزایش می‌دهد و طیف وسیعی از روش‌های پیشگیری از بارداری را مقرون‌به‌صرفه می‌کند (وینبرگر، ۱۹۸۷). زنان تحصیل‌کرده نه تنها میزان استفاده از روش‌های پیشگیری از بارداری بسیار بالاتری دارند، بلکه بیشتر از هم‌تایان بی‌سواد خود به روش‌های مؤثر متکی هستند (مارتین^۱، ۱۹۹۵). مطالعه‌ای در چین نشان داد: کمتر از ۵۰ درصد از دانشجویان تحصیلات تکمیلی با همسر خود زندگی می‌کردند و بیش از ۶۰ درصد همیشه از روش‌های پیشگیری از بارداری استفاده می‌کردند (جی و یان^۲، ۱۹۹۷).

¹. Martin

². Ji & Yan

۱۱. کاهش مرگ و میر کودکان: زنان تحصیل کرده‌تر در مورد مراقبت‌های دوران بارداری و سلامت کودکان بیشتر می‌دانند و از این رو ممکن است باروری کمتری داشته باشند زیرا اطمینان بیشتری به زنده ماندن فرزندانشان دارند (کارنت^۱، ۲۰۲۰).

۱۲. جذابیت فرزندآوری: خط استدلال دیگری می‌گوید اکثر مردم ترجیح می‌دهند با کسانی که شبیه خودشان هستند تعامل داشته باشند در نتیجه، کودکان برای افرادی که از نظر فکری کم مهارت هستند جذاب‌تر از کسانی هستند که علایق فکری بسیار توسعه یافته دارند. این به عنوان یکی از دلایل تداوم تفاوت‌های باروری تحصیلی حتی در پیشرفته‌ترین جوامع مطرح شده است (میزنبرگ، ۲۰۰۸).

مطالعه پیشینه پژوهش در مناطق مختلف جهان نشان می‌دهد کاهش باروری در اثر افزایش تحصیلات یک پدیده تقریباً جهانی است. با این حال این اتفاق در مناطق مختلف مسیرهای متفاوتی را نشان می‌دهد. برای مثال ارتباط میان ازدواج و فرزندآوری در کشورهای آسیایی و شرقی همچنان مهم است ولی این ارتباط در کشورهای غربی از بین رفته و لذا تفاوت‌هایی میان اقشار تحصیل کرده و کم‌سواد از این لحاظ دیده می‌شود. تأثیر اقتصاد و مسکن در کشورهای کمونستی و دارای حاکمیت سوسیال کمتر از کشورهای لیبرال است. همچنین تأثیر دین و فرهنگ در برخی مناطق عوامل دیگر را تحت الشعاع قرار داده است. در پژوهش‌های مورد بررسی توسط پژوهشگر تحلیل جامعی در مورد عوامل مؤثر بر باروری محصلان در داخل کشور و موانع پیش روی آنان دیده نشد. این پژوهش به‌طور خاص بر عوامل مؤثر بر فرزندخواهی دانشجویان ایرانی تمرکز دارد.

فتائی و همکاران (۱۴۰۱) مطالعه‌ای با عنوان مطالعه زمینه‌ها و پیامدهای کودک‌همسری در استان لرستان انجام داده‌اند. نتایج نشان داده مشروعیت قانونی، سنت‌ها، فضای آشفته خانواده، هنجار پاک-دامنی و ترک تحصیل از علل عمده کودک‌همسری است. نقی زاده و میرغفوروند (۱۴۰۱) مطالعه‌ای با عنوان دانش و نگرش مادران دختران نوجوان در مورد ازدواج زودرس، علل و پیامدهای آن انجام دادند. یافته‌ها نشان داد سطح ضعیف دانش و آگاهی در مادران یکی از دلایل ازدواج در سنین پایین کودکان است. پورطالب و موسویان النجق (۱۴۰۰) مطالعه‌ای با عنوان «کودک همسری: رویکردی پدیدارشناسانه» انجام داده‌اند. نتایج نشان داده افراد با توجه به تجربیات شخصی خود راهکارهای مختلفی در جهت رفع چالش‌های کودک همسری پیشنهاد داده‌اند. حاجیلو و همکاران (۱۴۰۰)

^۱. Cornett



مطالعه‌ای با عنوان علل زمینه ساز کودک همسری (مطالعه موردی زنان دارای تجربه زیسته مراجعه کننده به مراکز بهداشتی شهر تبریز) انجام داده‌اند. یافته‌ها نشان دادند بلوغ جنسی زودرس، مردسالاری، تعصبات مذهبی، موقعیت محل زندگی و زندگی با پدر و مادر ناتی مهمترین علل زمینه‌ساز کودک همسری در شهر تبریز است. مینا و کریمی خنجری (۱۳۹۹) مطالعه‌ای با عنوان عوامل مؤثر بر ازدواج کودکان انجام داده‌اند. یافته‌ها در پژوهش آن‌ها تأیید کرده‌اند که عواملی مثل مردسالاری، ناامنی و جنگ، به‌رسمیت شناختن توسط قانون، فرهنگ، وضعیت اقتصادی و اجتماعی و مانند آن از اهم مسائلی هستند که سبب اصلی ازدواج کودکان هستند. اسدپور و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان فهم مسئله ازدواج در دوران کودکی از نگاه کودک-زنان ازدواج کرده خراسانی زیر ۱۸ سال انجام داده‌اند. یافته‌ها نشان دادند عواملی از جمله زمینه خانوادگی (وجود نامادری، طلاق، اعتیاد، فقر، رهایی از محدودیت‌های خانوادگی و مانند آن) و باور و مبانی اعتقادی و مذهبی منجر به ازدواج زود هنگام می‌شود. فرهمند و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان واکاوی تجارب زناشویی کودک همسری در میان زنان شهرستان سیرجان کرمان انجام داده‌اند. آن‌ها در این پژوهش ریشه ضعف و مسائل خانوادگی در روابط زناشویی را به ازدواج زود هنگام با محدودیت منابع فرهنگی، اجتماعی، شناختی و مهارت‌ها مرتبط می‌دانند.

آذینار و همکاران^۱ (۲۰۲۳) پژوهشی با عنوان تصورات از کودک همسری در دانش‌آموزان مدارس دوره متوسطه در مناطق روستایی انجام داده‌اند. نتایج مطالعه حاکی از آن است که از هر ۸ نوجوان یک نفر دارای وضعیت مطلوبی نسبت به درک کودک همسری (کمتر از ۱۹ سال) است و همچنین تفاوت زیادی در ادراک پسران و دختران نوجوان در مورد کودک همسری وجود ندارد. فاطیما^۲ (۲۰۲۳) پژوهشی با عنوان توسعه روستایی و آموزشی: راهبردهای انتقادی برای پایان دادن به کودک همسری انجام داده‌است. نتایج نشان دادند هم‌بستگی مثبت بین کودک همسری و فقر روستایی وجود دارد. کرافت و همکاران^۳ (۲۰۲۲) پژوهشی با عنوان تعارض و ازدواج کودک همسری انجام داده‌اند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد تعارض به‌عنوان یک عامل کلیدی، اما محتمل باید در جهت کاهش کودک همسری در نظر گرفته شود. سابرامانی و همکاران^۴ (۲۰۲۲) پژوهشی با عنوان کودک همسری در جنوب آسیا: یک مرور نظام‌مند انجام داده‌اند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که محل سکونت روستایی، تحصیلات پایین، زمینه اقتصادی

^۱. Azinar et al

^۲. Fatima

^۳. Subramanee et al

^۴. Krafft et al

ضعیف و کمتر قرارگرفتن در معرض رسانه از مهمترین دلایل کودک‌همسری هستند. یافته‌های آنان نشان دادند سکونت در روستا یک عامل خطر در کودک‌همسری یا ازدواج زودهنگام است که باید مورد توجه قرار گیرد. میترا و همکاران^۱ (۲۰۲۰) پژوهشی با عنوان آیا کودک‌همسری برای رشد کودکان اهمیتی دارد" انجام داده‌اند. نتایج آن‌ها حاکی از اهمیت کودک‌همسری بر رشد کودکان و تأثیر نامطلوب آن بر رشد جمعیت، بهداشت، آموزش و نابرابری است. آهونسی و همکاران^۲ (۲۰۱۹) مطالعه‌ای با عنوان کودک-همسری در غنا: شواهدی از یک مطالعه چند روشی انجام داده‌اند. نتایج آن‌ها حاکی از تأیید پیامدهای نامطلوب سلامتی در کودک‌همسری از جمله: فقر، بارداری زودرس، کودکی کوتاه و خشونت‌های جسمانی و روانی دارد. راج و همکاران^۳ (۲۰۱۹) مطالعه‌ای با عنوان دانش‌آموزان و عروس‌ها: تحلیل کیفی رابطه بین تحصیلات دختران و کودک‌همسری در اتیوپی و هند انجام داده‌اند. نتایج آن‌ها نشان داد کودک‌همسری مانعی بر راه تحصیل دختران است که با ازدواج در سنین پایین و کم‌ارزش شمردن تحصیل با مانعی بزرگ بر سر راه تحصیل و آموزش روبه‌رو می‌شوند.

مطالعات مرور شده در بالا جهت تأیید پیامدهای منفی کودک‌همسری و همچنین انواع آسیب‌هایی که دختران بعد از ازدواج در سنین پایین با آن مواجه می‌شوند. اغلب مطالعات روستازیستی، فقر و عدم دانش و سواد کافی را در کنار نقش پررنگ سنت‌ها از عوامل اصلی کودک‌همسری می‌دانستند. مطالعات بالا در نتیجه اهمیت بررسی دقیق و علمی خصوصاً از نگاه خود دختران نوجوان هستند. در این مطالعه ما قصد داریم کودک‌همسری و تجربه ازدواج در سنین پایین را از دیدگاه خود دختران جوان درک کنیم و کشف کنیم زنان دارای تجربه کودک‌همسری، چگونه این پدیده را تجربه و تفسیر می‌کنند.

ادبیات نظری

تاکنون نظریات مختلفی برای فهم ارتباط میان بالا رفتن تحصیلات و کاهش باروری مورداستفاده قرارگرفته‌اند. تعداد زیادی از آن‌ها با استناد به نظریه هزینه فرصت^۴ درصدد تبیین این پدیده هستند. هزینه حسابداری پولی است که برای یک‌چیز می‌پردازیم ولی هزینه فرصت چیزهای دیگری است که می‌توانستیم با آن پول به‌دست بیاوریم. به‌عبارت‌دیگر هزینه فرصت، ارزش بهترین گزینه‌ای است که با انتخاب گزینه‌ای دیگر از بین می‌رود (لیپسی و هابری، ۱۳۸۷، میر معزی، ۱۴۰۲) الوود و

^۱. Mitra et al

^۲. Ahonsi et al

^۳. Raj

^۴. opportunity cost

جنکس (۲۰۰۴) می‌گوید زنانی که سطح تحصیلات بالاتر و دستمزدهای بالقوه بالاتری دارند، با «هزینه فرصت» های بالاتری برای فرزندآوری مواجه می‌شوند لذا هر چه درآمد (و سطح تحصیلات) بالاتر باشد، باروری کمتر است، زیرا هزینه فرصت فرزندآوری افزایش می‌یابد.

برودل و دیکمن (۱۹۹۷) این نظریه را با نظریات دیگر ترکیب می‌کنند. آن‌ها تحت الگوی سنتی تقسیم‌کار اثر تحصیلات بر ازدواج را در دو مسیر علی‌پی می‌گیرند: اثر نهاد و اثر سرمایه انسانی. اثر «نهاد» با نظریه نقش‌ها قابل تبیین است: ۱. دانشجویان هنوز برای نقش بزرگسالان آماده نشده‌اند. ۲. تحصیل زمان زیادی می‌طلبد که به نقش‌های دیگر فرصت نمی‌دهد. ۳. انتظارات هنجاری زیادی وجود دارد که طبق آن افراد متأهل باید از نظر مالی خودکفا باشند. لذا نقش دانشجویی و همسری ناسازگار است. اثر «سرمایه انسانی» می‌گوید افراد با تحصیلات بیشتر، نرخ ازدواج دائمی کمتری دارند. خصوصاً علاقه ازدواج و تشکیل خانواده در بین زنان در دوره‌های آموزشی طولانی‌تر کمتر است. چراکه با ازدواج سرمایه انسانی و شغل حرفه‌ای آن‌ها به خطر می‌افتد و یا اینکه تحت فشار مضاعف واقع می‌شوند ولی در مورد مردان چون سرمایه انسانی‌شان مثبت است احتمال ازدواج بیشتر می‌شود. فرضیه آن‌ها به این ترتیب است: ۱. تأثیر «نهاد»ی آموزش باعث کاهش شدت ازدواج در زمان تحصیل برای هر دو جنس می‌شود. ۲. پس از اتمام تحصیل اثر «سرمایه انسانی» تمایل به ازدواج را در مردان با تحصیلات عالی افزایش داده و در زنان کاهش می‌دهد. و در نهایت هر دو این آثار در کنار هم سن ازدواج را بالا می‌برد. به همین منوال کیم^۱ (۲۰۱۶) به برخی مکانیزم‌هایی که بر تصمیم باروری زنان تحصیل‌کرده تأثیر می‌گذارد اشاره می‌کند: (۱) درآمد نسبتاً بالاتر و در نتیجه امکان از دست رفتن درآمد بالاتر به دلیل بچه‌دار شدن، آن‌ها را به خواستن فرزندان کمتر سوق می‌دهد. (۲) مراقبت بهتر این زنان، سرمایه انسانی فرزندانشان را افزایش می‌دهد و نیاز اقتصادی به فرزندان بیشتر را کاهش می‌دهد.

امپیکیاتور و توماتیس (۲۰۲۰) برای تبیین این پدیده به نظریه جدیدی در حوزه انقلاب جنسیتی اشاره می‌کند. این نظریه می‌گوید انقلاب جنسیتی دو مرحله دارد. در نخستین مورد، زنان شروع به مشارکت در بازار کار و دستگاه‌های آموزشی می‌کنند و شروع به ورود به نهادهای سیاسی می‌کنند. در نتیجه، افزایش آمار طلاق و به تعویق انداختن فرزندآوری، به‌ویژه در میان زنان با تحصیلات عالی و شغل گرا، وجود دارد. در مرحله دو، نقش‌های جدید زنان از نظر اجتماعی توسط جامعه پذیرفته می‌شود

^۱. Kim

و به نوبه خود، مردان بیشتر درگیر کارهای خانه و مراقبت از کودکان می‌شوند. براساس این رویکرد، وضعیت جدید منجر به معکوس شدن روند نرخ باروری و ثبات اتحادیه‌ها می‌شود (Impicciatore & Tomatis, 2020).

میزنبرگ (۲۰۰۷) به تأثیر افزایش آگاهی از روش‌های جلوگیری از باروری اشاره دارد و می‌گوید بر مبنای «نظریه تکامل» انسان‌ها تمایل زیادی به کودکان ندارند. انسان‌های قدیم مانند سایر حیوانات، از مکانیسم تولیدمثل اطلاعی نداشتند و نمی‌توانستند از انتخاب آگاهانه برای تنظیم رفتار تولیدمثل خود استفاده کنند و حتی پس از اینکه آن‌ها در مورد ارتباط بین آمیزش جنسی و زایمان یاد گرفتند، تا قرن ۱۹ یا ۲۰ به طور مداوم از این دانش برای تنظیم خانواده استفاده نکردند (Meisenberg, 2007). او در پژوهشی دیگر بر مبنای «تئوری عقلانی» می‌گوید در سطوح پایین توسعه، نرخ زادوولد بالاست زیرا افراد فرزند آوری را تحت کنترل خود نمی‌دانند. تحصیلات ابتدا به ابراز تمایل کلامی برای خانواده‌های کوچک‌تر و سپس به استفاده مؤثرتر از پیشگیری از بارداری منجر می‌شود (میزنبرگ، ۲۰۰۸).

کورت^۱ (۲۰۲۰) با استناد به «نظریه ایده پردازی» می‌گوید: زنان تحصیل کرده‌تر ممکن است از طریق مدرسه، اجتماع و قرار گرفتن در معرض شبکه‌های ارتباطی جهانی، ایده‌های متفاوتی درباره اندازه خانواده مورد نظر بیاموزند.

به طور کلی در پژوهش‌ها سه نوع نظریه در تبیین رابطه تحصیلات و باروری مورد استفاده قرار گرفته بودند: الف) نظریات ناظر به مباحث اقتصادی که ارجاع بیشتری داشتند مانند نظریه هزینه فرصت و مباحث مربوط به سرمایه انسانی. ب) نظریات ناظر به مباحث فرهنگی مانند نظریه نقش‌ها و نظریه ایده پردازی و در نهایت ج) نظریات ناظر به مباحث زیستی همچون نظریه تکامل که به ندرت و به صورت مکمل سایر نظریات مورد استفاده قرار گرفته بودند.

۴. روش پژوهش

رویکرد عمومی این تحقیق، کیفی است. تمرکز اصلی پژوهش کیفی بر کشف معانی‌ای است که خود افراد درگیر در محیط به مسئله پژوهش می‌دهند (کرسول، ۱۳۹۱) در این پژوهش هدف، کشف تلقی دانشجویان نسبت به فرزندآوری است. گردآوری داده‌های پژوهش در دو مرحله انجام شد در

¹ Cornett



مرحله اول با استفاده از روش گلوله برفی ۱۵ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های صنعتی شریف، علم و صنعت، امیرکبیر، تهران و علامه طباطبایی (۱۰ زن و ۵ مرد) شناسایی شدند و با آن‌ها مصاحبه عمیق نیمه ساخت‌یافته انجام شد. در جدول زیر مشخصات مصاحبه‌شوندگان ارائه شده است.

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان

جنس	دانشگاه	تاهل و مجرد	مقطع تحصیلی کنونی
مرد	تربیت مدرس	متاهل	دکتری
زن	تهران	متاهل	دکتری
زن	علم و صنعت	متاهل	کارشناسی ارشد
زن	تهران	متاهل	دکتری
مرد	تهران (فارابی)	متاهل	دکتری
زن	تهران	متاهل	دکتری
مرد	تهران	مجرد	کارشناسی ارشد
زن	علامه طباطبایی (ره) / سمنان	متاهل	دکتری
زن	تهران / باقرالعلوم (ع)	متاهل	دکتری
مرد	امیرکبیر / دانشگاه علامه	متاهل	کارشناسی ارشد
مرد	شریف	مجرد	کارشناسی
زن	تهران	متاهل	دکتری
مرد	امیرکبیر	متاهل	دکتری
زن	تهران	متاهل	دکتری
زن	تهران / دانشگاه اصفهان	متاهل	دکتری

برای رسیدن به فهم دقیق‌تر از ابعاد مسئله و رسیدن به تنوع بیشتر در نمونه‌ها، با استفاده از یافته‌های اولیه چالش‌های پیش‌روی فرزندآوری استخراج شدند و سؤالات جدیدی تدوین و در قالب پرسشنامه الکترونیکی در فضای مجازی (گروه‌های دانشگاهی) منتشر شدند. در این پرسشنامه که به صورت کیفی و با سؤالات بازطراحی شده بود؛ تلقی مجردها نسبت به ازدواج و فرزندآوری در کنار ذهنیت متأهلین موردتوجه قرار گرفت و از چشم‌انداز دانشجویان نسبت به تعداد فرزندشان، نیازمندی‌ها و موانع فرزندآوری و تلقی و برخورد اساتید، کادر علمی و دانشجویان نسبت به فرزندآوری سؤال شد. درنهایت ۶۰ پاسخ معتبر دریافت شد.

مجموعاً ۵۴ زن و ۶ مرد دانشجو که ۱۳ نفر آن‌ها مجرد و ۴۷ نفر متأهل بودند به سؤالات پاسخ دادند. از این میان ۱۶ نفر در مقطع کارشناسی، ۲۶ نفر در مقطع ارشد و ۱۵ نفر در مقطع دکتری تحصیل می‌کردند و سه نفر مقطع تحصیلی‌شان مشخص نبود. پاسخ‌دهندگان از رشته‌های: «فیزیک، مدیریت رسانه، زیست، نرم‌افزار، نانو فناوری، مهندسی کامپیوتر، روانشناسی، بیوتکنولوژی، نانو مواد، مهندسی برق، مهندسی پدافند غیرعامل، اقتصاد، گرافیک، مدیریت فناوری اطلاعات، شهرسازی، حقوق، شیلات، فلسفه تعلیم و تربیت، مهندسی بهداشت محیط، ارتباطات، مطالعات زنان، جامعه‌شناسی، مدرسی معارف اسلامی، شیعه‌شناسی، صنایع غذایی، عمران، مدیریت، اندیشه سیاسی در اسلام، حسابداری، الهیات، ارتباط تصویری، علوم تربیتی، ریاضی کاربردی، علوم آزمایشگاهی، مهندسی آی تی، علوم اجتماعی، علوم سیاسی، مدرسی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، زبان عربی، ادبیات فارسی، فلسفه، مامایی» و از دانشگاه‌های: «تهران، الزهراء، صداوسیما، مشهد، صنعتی شریف، شهید بهشتی، آزاد، صنعتی مالک اشتر، آزاد علوم تحقیقات، علمی کاربردی، آزاد تهران مرکز، بهبهان، تربیت مدرس، دولتی شیراز، صنعتی اصفهان، موسسه آموزش عالی رهیویان سیدالشهدا، علم و صنعت، پیام نور، شاهد، فرهنگیان، علامه طباطبایی (ره)، دولتی اراک، امیرکبیر، علوم پزشکی یزد، خواجه‌نصیرالدین طوسی، دولتی مازندران، ادیان و مذاهب، دولتی قم، فردوسی، جامعه‌المصطفی، دولتی تربت‌حیدریه و لار» بودند.

داده‌ها با روش تحلیل مضمون مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفتند. در این روش، مضامین یا الگوهای داده‌ها را می‌توان به روش استقرایی (مبتنی بر داده) و روش قیاسی (مبنی بر نظریه) شناخت (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰). در پژوهش پیش رو از روش استقرایی برای استخراج کدها استفاده شد. مصاحبه‌ها پس از پیاده‌سازی به پرسشنامه‌ها اضافه شده و بر مبنای الگوی آترید استرلینگ (۲۰۰۱) در یک فرآیند رفت و برگشتی کدگذاری شدند؛ با مطالعه ابتدایی متن مضامین «پایه» مشخص شدند، این مضامین براساس شباهت‌ها و تفاوت‌ها باهم ادغام شدند و مضامین «سامان دهنده» را شکل دادند و از ترکیب آن‌ها «مضامین فراگیر» به وجود آمدند. به منظور سنجش اعتبار یافته‌ها کدگذاری توسط سه پژوهشگر نویسنده به‌طور کامل انجام و تطبیق داده‌شد و یکی از استادان حوزه مطالعات زنان بر روند پژوهش نظارت داشتند و از نظرات ایشان برای اصلاح سؤالات و تأیید یافته‌ها استفاده‌شد.



یافته‌ها

در روند تحلیل ۷۵ مضمون پایه‌ای، ۸ مضمون سازمان‌دهنده و ۲ مضمون فراگیر شناسایی شدند. در جدول شماره (۲) مضامین فراگیر و سازمان‌دهنده آمده‌اند.

جدول ۲. مضامین فراگیر و سازمان‌دهنده

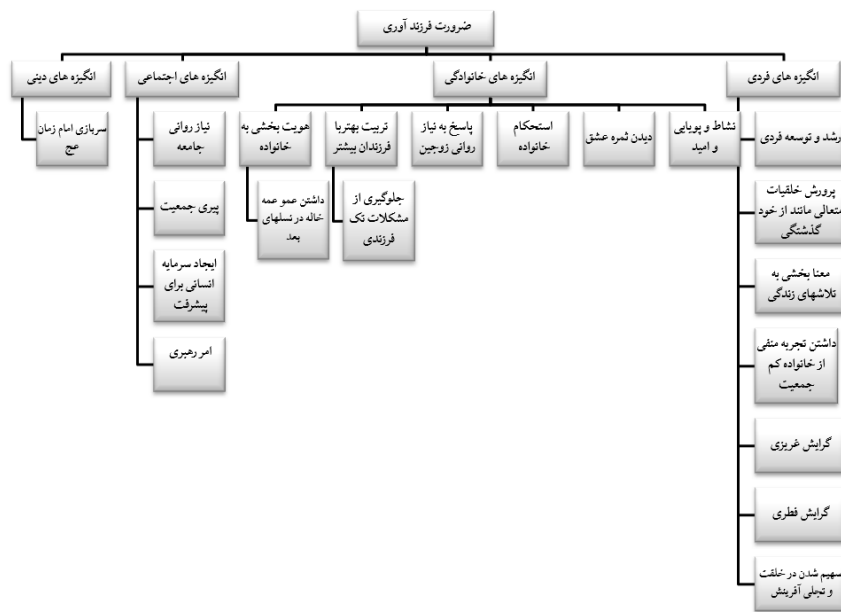
مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
انگیزه‌های فردی	ضرورت فرزندآوری
انگیزه‌های خانوادگی	
انگیزه‌های اجتماعی	موانع و نیازهای پیش‌روی فرزندآوری
انگیزه‌های دینی	
نیازهای اقتصادی	
نیازهای فرهنگی	
نیازهای پزشکی	
نیازهای روانی	
نیازهای حمایتی - تسهیل‌گری	

با توجه به اینکه موضوع اصلی پژوهش فرزندآوری و چالش‌های پیش‌روی آن بود مجردها، مردان و کسانی که با فرزندآوری مخالف بودند تمایل کمتری به پاسخ به سؤالات نشان دادند. بیشتر، بانوان و افرادی که تمایل به فرزندآوری داشتند ولی با چالش‌های آن درگیر بودند پاسخ‌گو بودند. درعین‌حال از همه اқشار نمایندگانی در میان پاسخگویان وجود داشت. مثلاً یکی از دانشجویان مرد ارشد دانشگاه تهران می‌گوید: «من فرزند داشتن در ایران رو اصلاً برای خودم تأیید نمی‌کنم گرانی تورم مشکلات متعدد اصلاً اجازه فکر کردن به فرزندآوری را نمی‌ده تا اونجایی که من با اساتید و دوستانم صحبت کردم به ازدواج حتی فکر هم نمی‌کنم چه برسه به فرزند. بسیاری ازدواج را غیر ضروری یا دست و پاگیر تلقی می‌کنند و برخی هم ازدواج می‌کنند ولی فرزندآوری را به تعویق می‌اندازند». به‌طورکلی در مورد ضرورت فرزندآوری برخی از دانشجویان به انگیزه‌های فردی اشاره کردند، برخی خانوادگی و برخی اجتماعی که در نمودار شماره (۳) آمده‌است.

براساس یافته‌ها به نظر می‌رسد تمایل به فرزندآوری در میان دانشجویان وجود دارد ولی برخی مشکلات ساختاری مانع فکر کردن به فرزندآوری یا تعداد زیاد فرزندان هستند. برای مثال دانشجوی مرد دانشگاه شریف می‌گوید: «دانشجویان مذهبی رویکردشون به فرزندآوری مثبت‌ه ولی از نظر شغل و درس

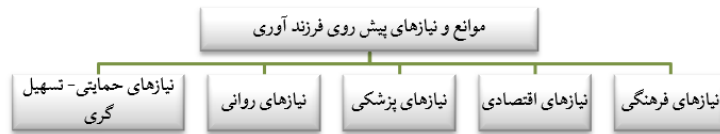
فرصت نداشتن ازدواج کنن چه برسه بچه داشته باشند مخصوصاً جایی مثل شریف یا برای دانشگاه‌هایی که رقابت درسی زیاد سخت‌تره)).

یافته‌ها حکایت از آن داشت که بسیاری از چالش‌ها در حوزه فرزند آوری در میان همه دانشجویان مشترک هستند. درعین حال برخی از چالش‌ها در میان دانشجویان دانشگاه‌های برتر به دلیل کار علمی فشرده آن‌ها، انتظارات اساتید و ساختارهای علمی موجود در آن دانشگاه‌ها بیش از سایرین است؛ تا جایی که ممکن است تفاوت‌های اساسی در نگرش دانشجویان این دانشگاه‌ها نسبت به فرزند آوری ایجاد کند.



نمودار ۱. ضرورت فرزندآوری

در مرحله بعد، از نیازها و موانع پیش روی فرزندآوری سؤال شد. دو نوع مواجهه مختلف در میان دانشجویان با این مسئله وجود داشت. دانشجویان پسر غالباً به مشکل شغل و مسکن مناسب اشاره می‌کردند و دانشجویان دختر به نبود حمایت‌های خانوادگی تحصیلی و اجتماعی در مراقبت از فرزند. درنهایت ۵ نیاز و مانع اصلی شناسایی شد.



نمودار ۲. موانع و نیازهای پیش‌روی فرزندآوری

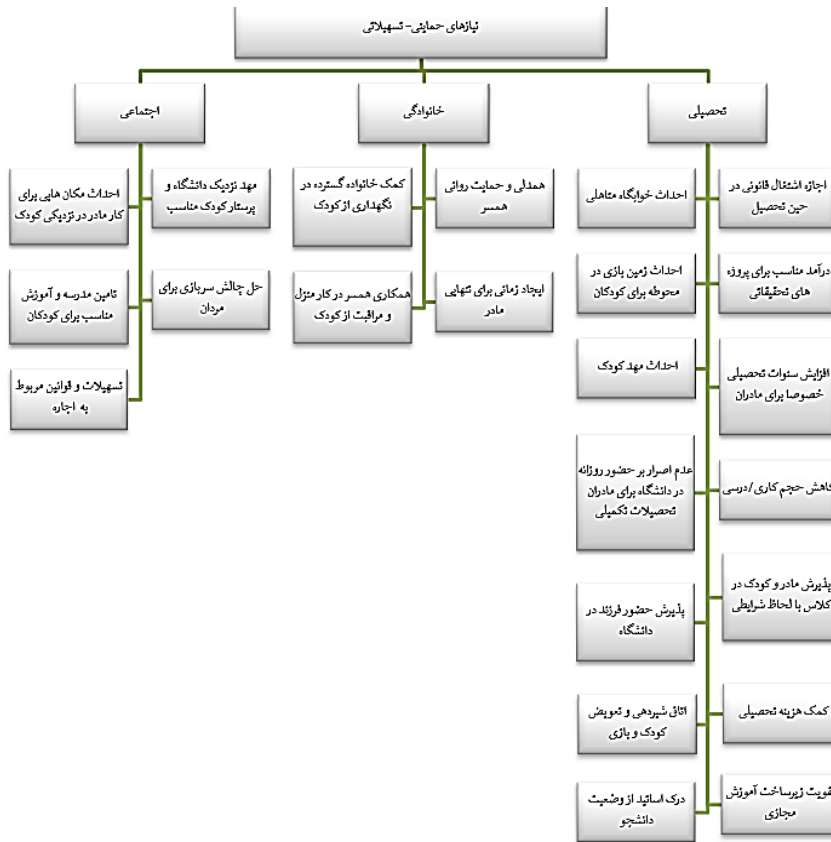


نمودار ۳. نیازهای اقتصادی

برخی داشتن شغل را در فرزندآوری تعیین‌کننده اصلی می‌دانند برای مثال دانشجوی مرد دکتری دانشگاه علم و صنعت می‌گوید: «با توجه به فراهم نبودن امکان حمایت مالی از دانشجویان، به‌خصوص در مقاطع تحصیلات تکمیلی، دانشجو مجبور به کار خارج از دانشگاه، جهت فراهم نمودن شرایط اداره زندگی و فرزندآوری است که حتماً موجب تطویل تحصیل و کاهش کیفیت آن خواهد شد». برخی نیز مسکن را عامل اصلی می‌دانند. دانش‌آموخته مرد کارشناسی دانشگاه امیرکبیر و ارشد علامه طباطبایی در این زمینه می‌گوید: «به نظر من انتظارات ذهنی افراد هست که شرایط رو تعیین می‌کند اما شرایط مالی خصوصاً تأمین مسکن بسیار در آمادگی ذهنی افراد مؤثره» دانشجوی آقا دکتری دانشگاه علم و صنعت می‌گوید: «برای فرزندآوری در حد یک یا دو فرزند در شرایط معمول، شاید با داشتن شغل مناسب بتوان اقدام کرد... لیکن برای تعداد ۳ یا ۴ فرزند، با توجه به دشواری اجاره‌نشینی و ضرورت فراهم بودن فضای لازم، وجود خانه مسکونی ملکی با وسعت کافی، حتماً ضروری به نظر می‌رسد». دانشجوی خانم ارشد علم و صنعت در این زمینه می‌گوید: «اولین نیاز تأمین مسکن است که تاکنون خانهای مناسب تأمین کنیم احتمالاً قید فرزند بیشتر را به دلیل فشار فضا بزنیم. فعلاً دو فرزند داریم و در خوابگاه متأهلی ساکن هستیم که خیلی کوچک است».

دانشجوی آقا دکتری دانشگاه تهران به لزوم وجود تضمین‌های لازم برای اشتغال محصلان تأکید دارد: «به‌علت اینکه تعداد فرزندان بیشتر، صرف زمان بیشتری از عمر پدر و مادر را می‌طلبد و از طرف دیگر به علت محدودیت سن استخدام در ادارات و یا مشاغل، این خانواده‌ها دچار مشکل می‌شوند. لذا نیاز است که مسئولین امور استخدامی به تعداد هر فرزند، محدودیت سنی استخدام را برای این والدین به‌تناسب افزایش دهند».

وضعیت مالی برای بانوان نیز تعیین‌کننده است. شرایط مالی مناسب امکان استفاده از خدمات برای مراقبت از فرزند را افزایش می‌دهد و موانع مالی موجب سختی مضاعف در تحصیل مادران می‌شود. دانشجوی دکتری خانم دانشگاه تهران می‌گوید: «مادران شاغل حداقل درآمدی برای جذب خدمات دارند، ولی مادر دانشجو علاوه بر اینکه منبع مالی مستقلی ندارد هزینه‌های جانبی ش هم بیشتر از سایرین هست. مثلاً تأمین هزینه مهد خودش چالش بزرگی است. علاوه بر آن استفاده از مهد یا سایر گزینه‌های مراقبتی رفت‌وآمد مادر محصل رو چند برابر می‌کند. با بچه نمی‌شه به‌راحتی از وسایل حمل‌ونقل عمومی استفاده کرد. در بسیاری از موارد همسر هم خودش دانشجو هست یا ممکنه حاضر به پرداخت هزینه‌های اضافی نباشد که این کار رو برای مادر پیچیده‌تر می‌کنه».



نمودار ۴. نیازهای حمایتی-تسهیلاتی

البته بخشی از مشکلات دانشجویان با در نظر گرفتن برخی تسهیلات و تغییراتی در قوانین با کمترین هزینه قابل حل هستند. در ادامه بر اساس پاسخ‌های دانشجویان سه حوزه اصلی حمایتی طبقه‌بندی شدند.

دانشجویان مرد از محدودیت اشتغال برای دانشجوی دکتری و لزوم چاره‌اندیشی دانشگاه می‌گفتند. برای مثال دانشجوی مرد دکتری امیرکبیر می‌گوید: «مهم‌ترین عامل برای جلوگیری از ازدواج و بچه‌دار شدن کسب درآمد هست دانشجویان اگر متأهل بشن و یا بچه‌دار باید کار کنن کار کردن یعنی کم گذاشتن برای دانشگاه، کم گذاشتن برای دانشگاه یعنی استاد نمیتونه مقاله زیادی با اسم شما چاپ بکنه پس بالطبع اون اصلاً شمارو قبول نمی‌کنه. یعنی هنگام ورود به رشته دکتری ازتون میپرسن متأهلید؟ میگی بله میگن پس با ما نمیتونی کار کنی حتی بعضی از اساتید شرط میکنند که اگر ازدواج نمیخوای کنی بیا با من پروژه بردار اگر نظام تأمین مالی دانشجویی درست بود یعنی مثلاً ای شدن درآمد قابل قبولی داشت یا

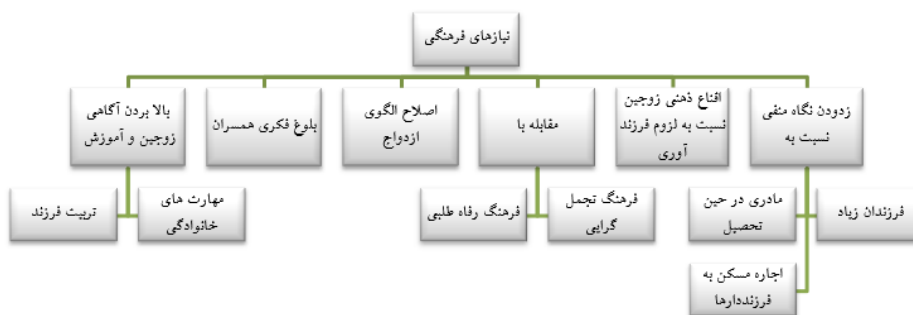
می شد داخل دانشگاه پروژه‌ها تأمین مالی بشه خیلی از بچه‌ها دنبال کار خارج دانشگاه نمی رفتن و وقت بیشتری می داشتن».

دانشجویی مرد دکتری دانشگاه تربیت مدرس با اشاره به دغدغه مسکن می گوید: «دانشگاه ما در سال‌های گذشته تصمیم گرفت خوابگاه‌های متأهلی را تعطیل کند و به جای آن خوابگاه‌های مجردی را گسترش دهد. نامه‌نگاری‌های زیادی کردیم که فایده‌ای نداشت جز اینکه دانشجویان قبلی که خوابگاه گرفته بودند را بیرون نکنند و موقتاً برایشان جایی را در نظر بگیرند. دانشجویان جدیدی که به امید خوابگاه متأهلی تصمیم به ازدواج یا فرزندآوری داشتند پشیمان شده یا دچار تردید شدند. من شنیدم برخی دانشگاه‌های دیگر مثل علم و صنعت و دانشگاه علامه هم خوابگاه متأهلی ندارند که این خیلی بد است». دانشجویی مرد ارشد دانشگاه تهران در این زمینه می گوید: «برای خوابگاه متأهلی درخواست داشتم مسئول مربوطه گفت ۱۰۰ نفر جلوتر از شما در نوبت حالا حالاها نوبت به شما نمی رسه یک سال دیگه مراجعه کنید. مجبور شدم خوابگاه مجردی بگیرم و خانواده را در شهرستان بگذارم». دانشجویی خانم دکتری دانشگاه تهران در همین زمینه می گوید: «چرا خوابگاه متأهلی فقط به مردان تعلق می گیرد؟ درحالی که اگر خانم‌های دانشجو هم بتوانند از خوابگاه استفاده کنند حداقل نیازهای خدماتی‌شان مانند پخت و پز یا دسترسی آسان به منابع، کتابخانه و آزمایشگاه مرتفع خواهد شد و در صورت وجود مهد در محوطه می توانند حمایت مراقبتی برای کودکان دریافت کنند».

دانشجویان خانم بیشتر انتظار حمایت خدماتی و کمک در مراقبت از فرزند داشتند. دانشجویی خانم دکتری دانشگاه تهران می گوید: «در دانشگاه و در طول تحصیل بزرگ‌ترین چالش من نبود مهد در دانشگاه بود که بتونم در ساعات برگزاری کلاس‌ها بچه‌ها رو به یه مهد مطمئن و با قیمت مناسب بسپارم. برای شرکت در کلاس‌هایی صبح مجبور بودم در دانشگاه به دنبال دانشجویانی باشم که اون ساعت کلاس ندارند و قبول کنن از بچه مراقبت کنن برای یکی از کلاس‌ها مجبور شدم هر هفته روز قبل از کلاس بچه را به شهرستان پیش مادرم ببرم و به تهران بیام و بعد از اتمام کلاس مجدد به شهرستان برم و به تهران برگردم. یعنی در دو روز متوالی مسافت سه ساعته رو برم و بیام. خوب بود مکان‌های دولتی با هزینه کم (مثل خانه حیات که در حال حاضر وجود داره و خصوصی و با صرف هزینه زیاد هست) وجود داشت مثلاً شهرداری‌ها چنین مکان‌هایی رو ایجاد می کردند که در اون مادرهای محصل یا شاغل با بچه‌ها حضور پیدا کنند و هم‌زمان که بچه‌ها با نظارت یک مربی در حال بازی هستند مادرها در همون محیط

به کار خودشون پردازند و هر موقع نیاز شد بتونن بچه رو ببینن». دانشجوی خانم ارشد علامه و دکتری دانشگاه سمنان لزوم حمایت‌های خانوادگی را مطرح می‌کند: «مشکلم این است که کودکم اجازه روشن کردن لب تاب به من نمی‌دهد و می‌خواهد تق‌تق دکمه‌هایش را فشار دهد. اگر از خواب شب هم بزنم، فردایش سردرد می‌گیرم. نیازم این است همسرم بچه را نگه دارد ولی اون نیز سرکار است و خسته برمی‌گردد». او ادامه می‌دهد: «نیاز هست مرخصی بدون احتساب سنوات بیشتری به دانشجویان داده شود، وام‌های بیشتری داده شود». دانشجوی خانم دکتری دانشگاه تهران می‌گوید: «بزرگ‌ترین مشکل من داشتن تمرکز هست، من که در حال حاضر در حال تدوین پروپوزال هستم نیاز دارم یک نفر چندساعتی بچه را بگیره تا بتونم روی کارم متمرکز شوم اما کسی رو ندارم». دانشجوی خانم دکتری دانشگاه صنعتی مالک اشتر از عدم تناسب امکانات با انتظارات سخن می‌گوید: «دانشگاه ما با این که مهدکودک داره ولی این امکان رو برای استفاده دانشجویها فراهم نمیکنه. از طرفی از دانشجو انتظار داره تمام وقت دانشگاه باشه. تا به اینجای کار مشکلی که باهاش مواجه شدم مهدکودک دانشگاه هست». او از اصرارهای بی‌معنی و غیرمنطقی و بی‌دلیل اساتید به حضور بی‌استفاده در دانشگاه علی‌رغم اینکه وظایف تحصیلی کامل انجام می‌شود، شکایت دارد. دانشجویان کمی برای حل چالش‌های بالا به امکان مجازی کردن تحصیل اشاره می‌کردند که آن‌هم معایب خاص خودش را دارد.

یکی از مسائل مهم در حوزه فرزندآوری دانشجویان، فرهنگ فرزندآوری در میان آن‌هاست که رابطه تنگاتنگی با سایر حوزه‌ها دارد.



نمودار ۵. نیازهای فرهنگی

نگاه غالب دانشجویان به مسئله فرزندآوری در حین تحصیل منفی است. دانشجوی خانم دکتری شهید بهشتی در این زمینه می‌گوید: «در دانشگاه فرزندآوری معادل بی‌لیاقتی یا تنبلی و خانه‌نشینی

است» در این زمینه بسیاری از دانشجویان به تأثیر جو سنگین دانشگاه نسبت به فرزندآوری و حتی ازدواج اشاره می‌کنند. دانشجوی خانم ارشد دانشگاه تهران در مورد تلقی استادان و دانشجویان نسبت به فرزندآوری در حین تحصیل می‌گوید: «بسیار بد، در دانشکده ما حتی عقد کردن هم مغایر با تحصیل تلقی می‌شود چه برسه به بچه‌دار شدن، بسیاری از اساتید نه‌تنها همراهی نمی‌کنند بلکه سنگ هم جلوی مادر و همسر دانشجو می‌اندازند» دانشجوی خانم دکتری دانشگاه تهران می‌گوید: «در دوران کارشناسی وقتی شیرینی ازدوادم را به دانشگاه بردم استادم در نخستین مواجهه گفت: یعنی چی آدم یا درس می‌خونه یا ازدواج می‌کنه! در دوران دکتری هم بنده و یکی از دوستان یک فرزند داشتیم استاد جلو همه هم-کلاسی‌ها ما را مخاطب قرار دادند و گفتند شما دوتا دیگه حق ندارید تا پایان درستون به فرزند دیگری فکر کنید». دانشجوی آقا کارشناسی دانشگاه امیرکبیر: «وقتی برای ازدوادم شیرینی دادم یکی از بچه‌ها به شوخی گفت این شیرینی بچه‌دار شدنشه استاد گفت این خودش بچست چه به این حرفا» دیگری به خاطره تلخی از دوران تحصیلش اشاره می‌کند: «زمانی که مخالفت شدید استادم رو دیدم و با صراحت تمام نظرشون به ترک تحصیل و سرزنش بابت ازدوادم و فرزنددار شدنم». دانشجوی خانم ارشد دانشگاه تهران و دکتری دانشگاه شیراز به وجه تاریخی این تلقی فرهنگی اشاره می‌کند: «کتاب منیه‌المیرید شهید ثانی رو که می‌خواندم استادمان می‌گفتند که اگر واقعاً طالب درس هستید ازدواج نکنید و در اون کتاب یکی از موانع درس خواندن ازدواج بود. روایتی که می‌فرمودن: تمام خودت را در اختیار علم قرار بده تا علم در اختیار تو قرار بگیرد».

به نظر می‌رسد مخالفت‌ها با تحصیل به دو مسئله برمی‌گردد. یک مسئله عینی و یک مسئله فرهنگی و ذهنی. اول اینکه به دلیل نبود حمایت‌های خانوادگی و تسهیلات آموزشی سختی‌های زیادی در این مسیر وجود دارد. دانشجوی دکتری خانم تربیت مدرس در این زمینه می‌گوید: «ظاهراً (با فرزندآوری) مخالفتی ندارند ولی در عمل فرد فرزنددار را ناتوان می‌بینند مخصوصاً در رشته‌های عملی، چون دانشگاه شرایط نگهداری خوبی برای مادری که کار عملی دارد یا کلاس دارد فراهم نکرده» دو اینکه به واسطه مواجهه مستمر با علوم و ساختارهای مدرن فرزند نداشتن یا کم‌فرزند داشتن یک ارزش تلقی می‌شود؛ اساتید از این کار نهی می‌کنند خانواده‌ها هم به این روند دامن می‌زنند. دانشجوی خانم ارشد دانشگاه مازندران می‌گوید: «این مسئله گاهی اوقات به تربیت ناصحیح خانواده برمی‌گردد که دخترم درس داره فعلاً فرصت ازدواج نداره یا دختر تازه استخدام شده فعلاً برای فرزند فرصت مناسبی نیست».



برخی اساتید در مرحله مصاحبه دکتری با دانشجو شرط می‌کنند که بچه‌دار نشود. دانشجوی خانم دکتری دانشگاه مالک اشتر می‌گوید: «تو مصاحبه دکتری یکی از دانشگاه‌ها استادی ازم پرسیدن که قصد بچه‌دار شدن که ندارین! من گفتم دارم و خانوادم حمایت می‌کنن. خاطره از دخترشون گفتن که در دکتری بچه‌دار شد و درس رو کنار گذاشت و گفتن که همیشه اساتید دیگر هم تا بفهمن دانشجو باردار هست سعی می‌کنن اون رو از لیست دانشجوهاشون خارج کنن».

برخی اساتید راهنما به این شرط پایان‌نامه را می‌پذیرند که فرد قول بدهد بچه‌دار نشود. خانم دانشجوی دکتری دانشگاه شهیدبهشتی در این زمینه می‌گوید: «اساتید نسبت به فرزنددار شدن دانشجوی دکتری دیدی فراتر از منفی دارند انگار عمر و موضوع‌شان را سوزاندند. باینکه رساله و مقالاتم آماده بود استخدام متوجه شد باردارم بسیار بد برخورد کردن انگار به ایشان خیانت کردم! گفتن دستم را در گل گذاشتی چون دیگه نمی‌تونستم مجانی برای ایشون در آزمایشگاه کارکنم». دانشجوی ارشد دانشگاه صنعتی مالک‌اشتر می‌گوید: «افتضاح است افتضاح از قضا وقتی اساتید می‌دانند من فرزند دارم انگار بیشتر با من لج می‌کنند و از منی که در حال مرور منابع هستم می‌خواهند ۵ روز در هفته به دانشگاه بیام و این کار را که راحت در خانه قابل انجام است در دانشگاه انجام دهم البته که آموزش بسیار مقصر است چون ساعت تعیین کرده».

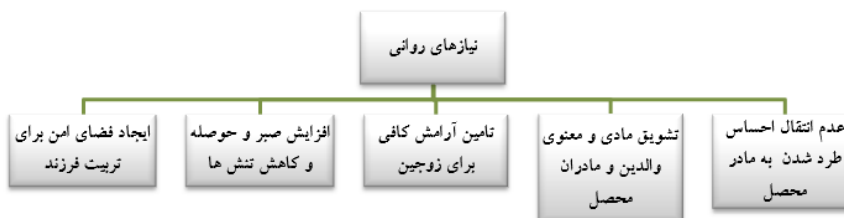
دانشجوی خانم دانشگاه تهران و دکتری باقرالعلوم (ع) می‌گوید: «دانشگاه ما از ورود بچه به دانشگاه جلوگیری می‌کرد و سر این قضیه خیلی اذیت شدم. یه بار کلاسمون خیلی طول کشید استاد گفتن خب بچه رو بعد نماز بیار چون گفتم نمی‌تونم بمونم. همسرم بچه رو آورد داخل و فهمیدن بچه اومده سرکلاس... حراست من رو از کلاس کشید بیرون و این تلخ‌ترین اتفاق دوران بچه‌داریم بود».

درعین حال نگاه‌های مثبت نیز وجود دارد خانم ارشد دانشگاه فردوسی می‌گوید: «وقتی متوجه شدند دو فرزند دارم و باین حال تلاشم بیشتر از بقیه شاید بیشتر نبوده، اما هیچ‌وقت کمتر نبوده، خیلی محترمانه برخورد کرده‌اند». موارد دیگری هم از برخوردهای محترمانه اساتید و کادر گزارش دادند حتی برخی از همراهی فرزندشان در کلاس درس صحبت می‌کردند. که البته در مقایسه با نگرش‌ها و برخوردهای منفی خیلی کم بود. دانشجوی خانم ارشد دانشگاه قم می‌گوید: «بعضی اساتید درک بالایی داشتن و با همراه آوردن فرزند به کلاس مشکلی نداشتن... امتیاز ویژه هم برا مشغله مادریمون موقع نمره دادن و ارائه دروس در نظر می‌گرفتند! اما اکثر اساتید نظر دارن که تحصیل در مقاطع بالا با فرزندآوری جور در

نمیاد!!» دانشجو خانم ارشد دانشگاه علم و صنعت: «فرزندآوری در تحصیل بسیار سخت است و ترجیح می‌دهند دانشجو درس خود را تکمیل کند بعد به فرزندآوری فکر کند. ولی نسبت به من که با بچه‌ای ۲-۳ ساله وارد دانشگاه شدم حس بدی نبود، همه نسبت به بچه ابراز علاقه می‌کردند». ارشد دانشگاه شهیدبهبشتی: «نیازم این هستش که دید جامعه به فرزندآوری عوض بشه و همه بارمشکلات فرزند بر دوش مادر نباشه و این مهترین چیزی هستش که می‌تونه باشه مثلاً اساتید ما الآن این موضوع براشون خیلی حل شده س بارها شده گفتن بچه تو نبری جای دیگه بیارش همین جا که بچه اذیت نشه و این مشوق زیادی بود برای درس خوندن من نسبت به اینکه استاد هی غر بزنه و بگه چرا با بچه درس می‌خونی و...».

دانشجوی خانم ارشد دانشگاه شهیدبهبشتی با اشاره به یک نگاه اجتماعی غلط می‌گوید: «تصور اینه یا قبل بچه‌دار شدن ادامه تحصیل بدی یا بذاری برای بعد مدرسه رفتن بچه که زمان مضاعفی داشته باشی برای تحصیل کردن به نظرم دید مضریه برای یک زن چون تجربه خودم این بوده که بعد ۱۰ سال وارد شدم این بود که همه‌چیزی که قبلاً یاد گرفتم رو بادم رفته و تمرکز خیلی کمه و باید دو برابر بقیه افراد باید زحمت بکشم چون مغز چند سالی از فضایی که درس بودم دور بوده و اولین مشکلم این بود همه‌چیز بادم رفته و فاصله بین تحصیل اذیت کننده س. و اگر القای اطرافیان و تفکر خودم نبود فاصله نمی‌نداختم».

برخی از دانشجویان به لزوم آموزش به خانواده‌ها در جهت ایجاد مهارت تحصیل در کنار فرزندآوری را به پدر و مادرها، تعامل آن‌ها با یکدیگر در حل چالش‌ها و مهارت فرزندپروری آموزش اشاره می‌کردند. دانشجوی خانم ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران: «سفرهای تفریحی برای فرزنددارها ترتیب بدهند مثلاً اگر طرف فرزندان زیر ۵ سال داره مثلاً تو سال ۱۰ تا برنامه خوب فرهنگی براشون گذاشته بشه».



نمودار ۶. نیازهای روانی



نیازها و موانع روانی برخی ریشه در مباحث فرهنگی دارند و برخی به مباحث ساختاری تحصیل مرتبط می‌شوند. بسیاری از دانشجویان خصوصاً مادران با فرزندآوری حس طردشدگی دارند و نیاز به حمایت‌های روانی پیدا می‌کنند. همان‌طور که در بخش فرهنگی اشاره شد نگاه منفی نسبت به فرزندآوری در بسیاری از دانشگاه‌ها غالب است و همین باعث فشار روانی زیادی به مادران می‌شود. دانشجوی خانم دکتری دانشگاه تهران می‌گوید: «درحالی که برخورد بدی از اساتیدم ندیدم ولی حسشون این بود که فرد وقتی بچه میاره دیگه از زندگی علمی ساقط‌شده و این خیلی حس عذاب آوریه».

بخشی از فشارهای روانی حاصل فقدان امکانات حمایتی مناسب از دانشجو در هنگام تحصیل است. خانم ارشد دانشگاه علم و صنعت می‌گوید: «فرزند آوری و تحصیل برای یک خانم می‌تونه دغدغه بزرگی باشه، خستگی‌ها فشار عصبی ایجاد می‌کنه. احساس عقب افتادن و جا ماندن از درس‌ها حس درماندگی ایجاد می‌کنه و حتی جا ماندن از رسیدگی به بچه احساس عذاب وجدان ایجاد می‌کنه» دانشجوی خانم ارشد تهران می‌گوید: «باید تسهیلاتی برای حضور مادر در جامعه فراهم بشه و زنی که بچه‌دار میشه به‌نوعی طرد نشه از جامعه».

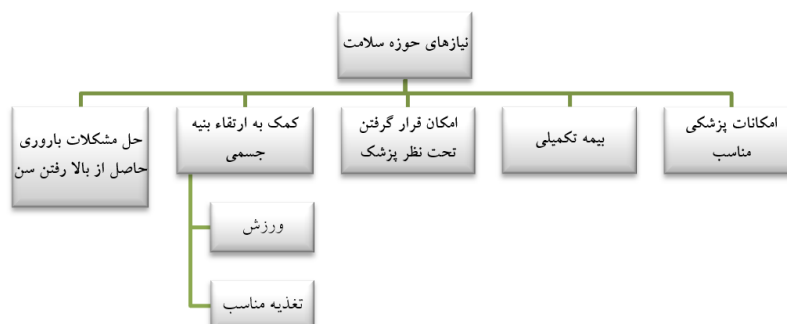
دانشجوی خانم ارشد شهید بهشتی از نگرانی‌ها و استرس‌های خاص مادران محصل می‌گوید و لزوم درک و چاره‌اندیشی در این زمینه: «باید صبح زود از خواب بیدار بشم و بچه رو بیدار کنم و ببرم. برای بچه اول هم مشکل این بود خودم باید می‌آوردمش از مدرسه و گاهی خودم با استرس خیلی زیاد از سر کلاس زودتر بلند می‌شدم تا برسم به مدرسه. خیلی وقتاً با آژانس می‌رفت و می‌آمد و استرس داشتم و گاهی با اسنپ و مادرم و... و همه اینها مشکلاتی هستش که برای درس خوندن هم‌زمان یک مادر هست و بعضی وقتاً نه مادرم بود نه مادرشوهرم گاهی تو گروه فامیلی پیام می‌دادم و گاهی می‌بردم پیش دختر عمه یا خاله».

بخشی از مشکلات دانشجویان نیز به تأمین نیازهای اولیه زندگی برمی‌گشت. آرامش صبر و حوصله که حاصل تأمین نیازهای ابتدایی زندگیست و موجب ایجاد یک محیط امن از نظر روانی برای فرزندان می‌شود از دغدغه‌های مهم دانشجویان خصوصاً دانشجویان مرد در زمینه فرزندآوری بود. البته به نظر می‌رسد عقاید دینی و فرهنگی با معنا بخشی به فرزندآوری تا حدی از بار روانی مسئله می‌کاهد. دانشجوی ارشد دانشگاه تهران می‌گوید: «فکر می‌کنم برای یک خانم سخته فرزندآوری در حین تحصیل به خاطر اینکه دانشگاه‌ها امکانات لازم برای پرستاری و مهد بچه نیست و تمام بار مسئولیت روی دوش

مادر هستش این استقلال مادر رو کم می‌کند. به‌طورکلی خودم فرزندآوری رو جهاد می‌دونم اگر رنجی داره شیرینه و به‌نظرم یک ضرورت فوری هستش».

برخی از دانشجویان معتقدند حتی زمانی که فرد فرزندآوری را در خود سرکوب می‌کند نیز به‌نوعی تحت‌فشار روانی قرار می‌گیرد: «کسی که بخواد به خاطر تحصیل و دلایل مختلف بچه نیاره بچور سرکوبگری داره توش اتفاق میوفته و این خیلی بده» چراکه تمایل به داشتن فرزند تقریباً فراگیر است. خدمات روان‌شناسی رایگان و دوره‌های مرتبط برای مدیریت مناسب فشار مضاعف درس و زندگی و ایجاد مشوق‌هایی که حس حمایت روانی را منتقل کند و همچنین برنامه‌های تفریحی که از بار روانی ماجرا بکاهند از نیازهای مهم دانشجویان بود. دانشجوی خانم کارشناسی دانشگاه تهران در این زمینه می‌گوید: «لازمه برنامه‌های فرهنگی جدی گرفته بشه کارگاه گذاشته بشه. سفرهای تفریحی برای فرزنددارها بگذارند تا کمی از این فشارها دور شوند».

بالا رفتن اطلاعات والدین محصل و حس مسئولیت‌پذیری آنها و ایده‌آل‌گرایی در بحث تربیت فرزند از دیگر عوامل روانی مؤثر در عدم اقبال به فرزندآوری بود که نیاز به چاره‌جویی دارد.



نمودار ۹. نیازهای حوزه سلامت

در نهایت مشکلات جسمی، نبود بیمه‌های درمانی و مشکلات باروری در اثر بالا رفتن سن از دیگر موانع دانشجویان در زمینه فرزندآوری بود. دانشجوی مرد دکتری دانشگاه شریف برخی از این نیازها را این‌گونه عنوان می‌کند: «... بیمه تکمیلی، تسهیلات پزشکی، نیاز به دریافت کمک حضوری از بستگان در دوران بارداری که مستلزم رفت‌وآمد دانشجوی خوابگاهی یا بستگان اوست و نیاز به کمک‌هزینه دارد. شرایط عمومی بیمارستان‌ها برای زایمان بسیار نامناسب است و زایمان در اتاق مجزا ترجیح دارد که هزینه بیشتری می‌طلبد».



برخی از لزوم درک و همراهی دانشگاه در مورد چالش‌های سلامت مادر می‌گفتند. دانشجوی دکتری خانم دانشگاه تهران می‌گوید: «من یک فرزند شیرخوار داشتم و به خاطر رفت‌وآمد از شهری دیگر دچار ضعف شدید جسمی شده بودم. فرزندم هم در شرایط نامناسبی قرار داشت. وقتی برای مرخصی اقدام کردم گفتند شما قبل از ورود به دانشگاه زایمان کردید و مشمول مرخصی زایمان نمی‌شوید! هیچ همراهی در این زمینه از طرف دانشگاه با بنده نشد».

برخی از دانشجویان بارداری‌های سخت را مانع فکر کردن به فرزند جدید می‌دانستند که با برخی حمایت‌های پزشکی و امکانات مراقبتی قابل ارتقا هستند. دانشجوی خانم ارشد دانشگاه علامه و دکتری دانشگاه سمنان می‌گوید: «من یک فرزند دارم و یکی هم ۵ ماهه سقط کردم. گاهی به فرزند دیگر فکر می‌کنم ولی بارداری من به صورت استراحت مطلق است و بدون کمک صددرصدی اطرافیان ممکن نیست». خانم دانشجوی دکتری دانشگاه تهران می‌گوید: «به خاطر بارداری‌های خیلی سختی که دارم همسرم با بارداری مجدد مخالفه و من هم تنها به یک فرزند دیگه فکر می‌کنم».

برخی از دانشجویان نیز به عقب انداختن بارداری به خاطر تحصیل و از دست دادن امکان باروری اشاره کردند. دانشجوی خانم دکترا دانشگاه تهران می‌گوید: «یک فرزند دارم و بازه بارداری را از دست دادم و گرنه دوست دارم. مشکل خاصی هم ندارم، اما بچه‌دار نمیشم دیگه».

دانشجوی مرد دکتری دانشگاه تهران می‌گوید: «به‌طورکلی دغدغه‌ها و فعالیت‌های فشرده تحصیلی در بسیاری موارد مانع رسیدگی مناسب به نیازهای جسمی می‌شوند و این مسئله در مواجهه با زنان که مسئله باروری را دارند اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. دانشگاه‌ها باید برنامه‌های مناسبی برای حمایت‌های مادی و معنوی در حوزه سلامت (پزشکی، ورزش و تغذیه) از دانشجویان داشته باشند».

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله ۵ مانع و نیاز اصلی دانشجویان در مقوله فرزندآوری شناسایی شد: موانع و نیازهای اقتصادی، فرهنگی، روانی، نیازهای حوزه سلامت و نیازهای تسهیلاتی - حمایتی. نیازهای اقتصادی در میان همه اقشار اهمیت زیادی دارد ولی در مورد دانشجویان وضع متفاوت می‌شود چراکه از نظر قانونی خصوصاً در مقاطع بالای تحصیلی منع اشتغال وجود دارد و حتی اگر ممانعت به عمل نیاید کثرت اشتغالات علمی دانشجو او را از پرداختن به شغل درآمدزا بازمی‌دارد. در مورد سایر عرصه‌ها نیز وضع متفاوت است. مثلاً دانشجوی خانم چالش مراقبت فرزند را دارد، نه مانند خانم خانه‌دار فرصت رسیدگی

تمام وقت به فرزند و انجام کارهای منزل را دارد و نه مانند خانم شاغل می‌تواند خدمات موردنیازش را بخرد و لذا تحت فشار زیادی قرار می‌گیرد. از لحاظ فرهنگی به مدد شعار فرزند کمتر زندگی بهتر، کم‌فرزندی در تمام سطوح جامعه به ارزش تبدیل شده است. ولی به دلیل مواجهه مستمر با علوم مدرن در دانشگاه‌ها این فرهنگ پررنگ‌تر است. عدم وجود ساختارهای حمایتی و درآمد مناسب برای دانشجویان نیز به این نگاه منفی دامن می‌زند و فرزند آوری در حین تحصیل را نامعقول جلوه می‌کنند. این نگرش‌ها و ساختارهای مکمل آن از لحاظ روانی مادر و پدر را تحت فشار قرار می‌دهند و حس پردشدگی از فضای تحصیلی به والدین خصوصاً مادران دانشجویان القا می‌شود.

مقایسه پیشینه موجود در این حوزه با یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد برخی از دلایل عدم فرزند آوری در میان افراد با تحصیلات عالی به مانند نبود حمایت در هنگام تحصیل و فشار نقش‌ها، محدودیت‌های بیولوژیکی در اثر بالا رفتن سن، مسائل اقتصادی، مشکل مسکن، مبادله کمی و کیفی، حساسیت نسبت به فرزند پروری و ایدئال‌گرایی مشترک هستند. تغییر هنجارهای فرهنگی و نگرش دانشجویان نه صرفاً از طریق درونی سازی بلکه تا حد زیادی از طریق فشار ساختارها عمل می‌کند. در عین حال مواردی مانند تأثیر بهبود بالقوه شرایط اقتصادی زنان با افزایش تحصیلات، ارتباط بین ازدواج و فرزند آوری، بالا رفتن امکان و انگیزه بیشتر برای پیشگیری از بارداری، عدم جذابیت فرزند برای قشر تحصیل کرده در یافته‌ها بسیار کم‌رنگ بودند. موانع روانی تقریباً با مطالعات پیشین مشترک بودند ولی مشکلات و دغدغه‌های مربوط به حوزه سلامت در یافته‌های این پژوهش جدید بودند.

از بعد نظری یافته‌ها با فرضیه‌های برودل و دیکمن (۱۹۹۷) در مورد تأثیر نهادی آموزش از مسیر نظریه نقش‌ها همخوانی بیشتری داشت: ۱. دانش جویان هنوز برای نقش بزرگسالان آماده نشده‌اند. ۲. تحصیل زمان زیادی می‌طلبد که به نقش‌های دیگر فرصت نمی‌دهد. ۳. انتظارات هنجاری زیادی وجود دارد که طبق آن افراد متأهل باید از نظر مالی خودکفا باشند. لذا نقش دانشجویی، همسری (و والد گری) ناسازگار هستند.

در سال‌های اخیر قوانین حوزه آموزش با توجه به ضرورت‌های فرزند آوری مورد بازنگری قرار گرفته و قوانین خوبی تصویب شده است. ولی ابتدا این قوانین کم هستند و همه وجوه مسئله را در بر نمی‌گیرند و ثانیاً همان‌هایی هم که تصویب شده در بسیاری از موارد معطل مانده و اجرایی شده است برای مثال در قانون جوانی جمعیت مصوب ۱۴۰۰/۸/۱۹ تأمین خوابگاه‌های متأهلی به صورت ویژه مورد توجه قرار گرفته است و به راه‌های مختلف همچون مشارکت خیرین و وقف نیز اشاره شده است. اما شاهد عمل



برخلاف آن در برخی از مراکز علمی هستیم به طوری که خوابگاه‌های موجود نیز رو به تعطیلی می‌روند. در قانون جوانی جمعیت مرخصی تحصیلی در دوران بارداری و شیردهی برای دانشجویان زن در نظر گرفته شده است. به آموزش مجازی و غیرحضوری توجه شده و در رشته‌های شب‌کار معافیت‌هایی برای مادران در نظر گرفته شده است. افزایش سقف سهمیه استاد راهنما نیز اگر اجرایی شود نگرانی‌های اساتید راهنما نسبت به دانشجویان فرزنددار کاهش می‌یابد. از مراکز علمی خواسته شده ترویج و آگاهی بخشی نسبت به وجوه مثبت ازدواج هنگام نیاز، آموزش مهارت‌های دوران ازدواج، فرزندآوری، آثار منفی کم‌فرزندی در خانواده و کاهش رشد جمعیت در جامعه، حرمت سقط جنین، نهادینه کردن هنجارهای صیانت از تحکیم خانواده، ایفای نقش‌های خانوادگی و مقابله با محتوای مغایر سیاست‌های جمعیتی عمل کنند (سایت مجلس شورای اسلامی، ۱۹ آبان ۱۴۰۰).

در کشورهای دیگر نیز سیاست‌ها و قوانینی در رابطه با حمایت از فرزند آوری در هنگام تحصیل وجود دارد. قوانین مربوط به دانشگاه‌های دوستدار خانواده یکی از این موارد هستند. این دانشگاه‌ها باهدف ایجاد تعادل بین کار و تحصیل و زندگی خانوادگی به برنامه‌های ویژه‌ای روی آورده‌اند. برنامه‌هایی که درعین حال هم کارمندان و هیئت‌علمی دانشگاه را پوشش می‌دهد و هم دانشجویان را. میلر و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی تجربی به ویژگی‌های دانشگاه‌های دوستدار خانواده پرداخته‌اند. پژوهشگران ۴ مؤلفه کلیدی را برای ایمنی، حمایت مالی، زیرساخت‌ها و امکانات و احساس جمعی برای دوستدار خانواده بودن دانشگاه کشف کردند. این مؤلفه‌ها از طریق نظریه مرزی کلارک (۲۰۰۰) دوباره تجزیه و تحلیل شدند که منجر به دو موضوع اصلی شد: زندگی ایمن و ساده در محوطه دانشگاه (مرزهای فیزیکی) و احساس حمایت (مرزهای روانی) (کوهن میلر، ۲۰۱۸). در معرفی یکی از این محیط‌ها چنین آمده است: دانشجویان متأهل دارای آپارتمان‌های استودیویی کاملاً مبله از جمله آشپزخانه هستند. ما یک مهدکودک، منطقه بازی کودکان، فروشگاه مواد غذایی، کافی‌شاپ و یک درمانگاه داریم. اعضای خانواده می‌توانند از استخر شنا، سالن بدن‌سازی، زمین اسکواش و بدمینتون استفاده کنند. مرکز یادگیری ما نیز بخش ویژه‌ای از کتاب‌های کودکان دارد. اینجا ۲۰ درصد طبقه فعلی متأهل هستند. دوره مهارتی برای همسران برای مواجهه مؤثر با استرس برگزار می‌شود. همسران از زیرساخت‌ها نهایت استفاده را می‌برند و در کلاس‌های مختلف شرکت می‌کنند باهم به تفریح و خرید می‌روند. از آنجایی که بسیاری از همسران واجد شرایط هستند، تحصیلات دانشگاهی را نیز دنبال

می‌کنند. همچنین فرصت‌هایی برای شبکه‌سازی و رشد حرفه‌ای در محوطه دانشگاه برای خانواده‌ها وجود دارد. بسیاری از همسران نیز در محوطه دانشگاه مشغول به کار می‌شوند (اولاس^۱، ۲۰۱۳).

بامطالعه اجمالی صفحات دانشگاه‌های دوست دار خانواده به موارد زیر رسیدیم که قابل الگو برداری است: ۱. ارائه خوابگاه‌های متأهلی یا مخصوص والدین مجرد و فرزندشان ۲. برنامه‌ریزی درسی منعطف بر پایه تعامل دانشجو و مشاور تحصیلی دانشگاه ۳. ارائه آنلاین برخی دروس ۴. اعطای مرخصی‌های دوست دار خانواده مانند مرخصی‌های پدر و مادری قبل و بعد زایمان ۵. اعطای یارانه برای مراقبت از کودک ۶. اعطای غذای رایگان به کودکی که به همراه والدین به غذاخوری دانشگاه بیاید. ۷. بانک غذای رایگان برای خانواده‌هایی که دچار مشکل هستند. ۸. «دفتر کار والدین» مجهز به سیستم و امکانات مناسب برای سرگرم کردن کودک مخصوص روزهایی که مادر یا پدر به هر دلیلی مجبور می‌شوند کودک را با خود به دانشگاه ببرند. ۹. مهدکودک ساعتی/دائمی/ معرفتی پرستار کودک از سوی دانشگاه و تلاش برای نزدیکی مادر و کودک و در برخی موارد مراقبت رایگان از کودکان ۱۰. ممنوعیت دخانیات برای محافظت از مادران باردار و کودکان ۱۱. ارائه بیمه کم‌هزینه برای فرزندان ۱۲. ارائه مشاوره برای بارداری و فرزندخواندگی ۱۳. ارائه فضای مطالعه دوستدار خانواده مجهز به محیط بازی برای کودکان، برای مثال یک فضای مطالعه دوست دار خانواده برای والدین دارای فرزند امکانات زیر را دارد: محل مطالعه گروهی که با دیوار شیشه‌ای از فضای بازی کودکان جدا شده و به آن مشرف است/وسایل بازی، میز برای فعالیت‌ها، و کتاب داستان برای کودکان/ سرویس‌های بهداشتی مناسب برای کودکان/ اتاق شیردهی خصوصی برای مادران شیرده/ ظرف‌شویی برای پر کردن و تمیز کردن شیشه شیر/ صندلی گهواره‌ای برای تغذیه/آرامش دادن به نوزادان/ فضای بازی سرپوشیده که به‌طور خاص برای کودکان کوچک‌تر طراحی شده است/ همچنین شامل آب‌نما و دو ایستگاه کاری کامپیوتری. ۱۴. تعبیه محل‌های شیردهی به نوزاد با دستگاه ذخیره شیر در دانشگاه ۱۵. تعبیه محل تعویض پوشک برای نوزاد ۱۶. تعبیه محل‌هایی برای استراحت مادران باردار در دانشگاه ۱۷. برنامه‌ها و رویدادهای جانبی برای فعالیت مشترک کودکان و والدین مانند شب علم خانواده ۱۸. برخی دانشگاه‌ها مجهز به خدمات حمل‌ونقل، خشک‌شویی و زمین‌بازی هستند. ۱۹. کارت شناسایی خانوادگی برای استفاده همسر و فرزندان دانشجو از امکانات علمی تفریحی و بهداشتی دانشگاه ۲۰. ارائه کمک‌هزینه خوابگاه ۲۱. ارائه تسهیلات برای افرادی که والدین سالمند دارند. ۲۲. ارائه وام‌های اضطراری برای والدین مجرد

¹ Ullas



این دانشگاه‌ها با اشاره به اینکه مادر یا پدری که فعلاً شغل ندارد یا پاره‌وقت کار می‌کند ممکن است منبع مالی خوبی برای تحصیل نداشته باشند، طرح‌ها و امکانات حمایتی مثل تغذیه و یارانه‌های مراقبت از فرزند به او می‌دهند. برخی از این دانشگاه‌ها بورسیه‌هایی برای تحصیل مادر یا پدرهای مجرد در نظر گرفته‌اند.^۱

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی مواجه بوده است. در روند پژوهش افرادی که نسبت به ازدواج و فرزندآوری دید منفی داشتند، تمایل کمتری به شرکت در مصاحبه و شرکت در پرسشنامه الکترونیک نشان دادند. بیشترین مشارکت از سوی دانشجویانی بود که تمایل درونی به فرزندآوری داشتند ولی به خاطر موانع پیش رو آن را گزینه مناسبی برای خود نمی‌دیدند. از سوی دیگر دانشجویان مرد درحالی‌که نظرشان در حوزه فرزندآوری بسیار اثرگذار بود از پرداختن به آن اجتناب می‌کردند و کمتر حاضر به پاسخگویی می‌شدند. به نظر می‌رسد برای رسیدن به شناخت درست از موانع فرزندآوری در میان دانشجویان، فهم معنای فرزندآوری و ازدواج در میان افرادی که نظر منفی به این مسئله دارند و همچنین مردان دانشجویان اساسی باشد. لذا طراحی پژوهش‌هایی که به‌طور غیرمستقیم به تلقی این‌گونه افراد نسبت به فرزندآوری بپردازد یا به‌طور خاص بر مردان متمرکز باشد ضروری است.

ملاحظات اخلاقی در پژوهش

رعایت اخلاق پژوهش: این مقاله با رعایت اصول اخلاق پژوهش‌های انسانی شکل گرفته است.

^۱ برگرفته از سایت‌های دانشگاه‌های دوستدار خانواده:

<https://lib.byu.edu/services/family-friendly-study-room/>
<https://www.uni-hohenheim.de/en/family-friendly>
<https://www.ncl.ac.uk/who-we-are/equality/family/>
<https://www.uni-stuttgart.de/en/university/profile/family-friendly/>
<https://www.familiengerecht.uni-bayreuth.de/en/>
<https://www.uni-heidelberg.de/en/university/about-the-university/family-friendly-university>
<https://www.advance-he.ac.uk/knowledge-hub/towards-family-friendly-university-research-evidence-student-parents-and-implications>
<https://www.rwth-aachen.de/cms/root/Die-RWTH/Profil/~xfa/Familiengerechte-Hochschule/?lid=1>
<https://www.uni-bonn.de/en/university/equal-opportunity/family-friendly-university>
<https://www.accreditedschoolsonline.org/resources/most-parenting-friendly-colleges-by-state/>
<https://www.thebestcolleges.org/the-20-best-colleges-for-single-parents/>
 Hopkins. K. (2011, March 23). Child-Friendly College Programs for Parents: Balance raising your child and earning a degree at these schools. from <https://www.usnews.com/education/best-colleges/articles/2011/03/23/child-friendly-college-programs-for-parents>
<https://intelligent.com/best-colleges-for-students-with-children/>
<https://singlemotherguide.com/colleges-for-single-parents/>
<https://lib.byu.edu/services/family-friendly-study-room/>
<https://singlemotherguide.com/colleges-for-single-parents> https://www.uni-hohenheim.de.translate.goog/en/childcare?_x_tr_sl=en&_x_tr_tl=fa&_x_tr_hl=fa&_x_tr_pto=wapp
<https://www.familiengerecht.uni-bayreuth.de/en>
<https://studentparents.eku.edu/>
<https://www.ncl.ac.uk/who-we-are/equality/family/>

حمایت مالی: هیچ حمایت مالی برای این مطالعه وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان: نویسنده اول، مسئول اجرای مطالعه و تهیه پیش نویس مقاله است و نویسنده دوم و سوم در فرایند مصاحبه، تدوین پرسشنامه آنلاین و تحلیل داده‌ها همکاری کردند. همه نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید کردند.

تضاد منافع: این پژوهش به طور مستقیم یا غیرمستقیم با منافع حقوقی و حقیقی تعارض ندارد. **قدردانی:** از اساتیدی که در شکل‌گیری طرح مقاله و تدوین یافته‌ها راهنمایی کردند تشکر می‌کنیم. همچنین از مشارکت کنندگان در مصاحبه و پرسشنامه الکترونیک کمال تشکر را داریم. **دسترسی داده‌ها:** داده‌هایی که از این مطالعه پشتیبانی می‌کنند به دلیل حفظ محرمانگی داده‌ها در دسترس عموم نیستند. در صورت تقاضا با ایمیل (f.malekkhani@ut.ac.ir) تماس بگیرید.

منابع

- اکبری، سپیده، شعاع کاظمی، مهرانگیز. (۱۴۰۱). چالش‌های فرزندآوری در زنان تحصیلکرده دارای سه فرزند و بیشتر و راهبردهای ترغیبی. مطالعات زن و خانواده، ۱۰(۴)، ۸۱-۱۰۳. doi: 10.22051/jwfs.2023.38895.2813
- باقری، شهلا؛ مداحی، جواد؛ لطفی خاچکی، طاهره. (۱۳۹۸). بر ساخت معنایی تأخیر سن ازدواج بر اساس نظریه‌ی زمینه‌ای (مطالعه‌ی موردی: دانشجویان دختر شهر مشهد. نشریه زن در توسعه و سیاست. ۶۳. ۶۹-۷۹
- بانکی پور فرد، امیرحسین؛ کلاتری، مهدی؛ مسعودی نیا، زهرا. (۱۳۹۰). درآمدی بر آمار ازدواج جوانان در ایران. نشریه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی. ۱۵(۳). ۲۶-۴۷
- چابکی، ام‌البنین. (۱۳۹۵). روایت دختران ۴۵ سال به بالای شهر تهران از علل تجرد قطعی. نشریه مطالعات اجتماعی ایران. ۱۰(۲)
- حاجیان، بهجت؛ مکتوبیان، مریم. (۱۳۹۴). تجربه‌ی زیسته‌ی زنان از فرزندآوری: مطالعه زنان متأهل شاغل و با تحصیلات دانشگاهی شهر اصفهان. نشریه جمعیت. شماره ۹۱ و ۹۲ (د). ۱۱-۳
- حسنی، محمدرضا. (۱۳۹۲). بررسی آثار و پیامدهای رشد سریع جمعیت بر «مضيقه ازدواج» و تجرد دختران (تحلیلی بر تجرد قطعی دختران به مثابه یک مسئله اجتماعی: چالش‌ها و راهکارها. نشریه معرفت. ۱۸۹. ۱۱۷-۱۱۲
- رجبی، عباس. (۱۳۸۶). سن ازدواج؛ عوامل افزایش و راهبردهای کاهش آن ادیان، مذاهب و عرفان. نشریه معرفت. ۱۱۲. ۱۴۳-۱۵۴
- سفیری، خدیجه. (۱۳۸۶). زنان و تحصیلات دانشگاهی. نشریه زبان و ادبیات فارسی. شماره ۵۶ و ۵۷. ۱۰۱-۱۲۸
- سفیری، خدیجه. (۱۳۸۶). زنان و تحصیلات دانشگاهی. نشریه مسائل اجتماعی ایران. ۱۵(۵۶-۵۷). ۹۷-۱۰۱
- عابدی جعفری، حسن. تسلیمی، محمد سعید. فقیهی، ابوالحسن. شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۰) تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، اندیشه مدیریت راهبردی، ۱۵۱-۱۹۸.
- قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۸/۱۹ برگرفته از <https://rc.majlis.ir>
- کاوه فیروز، زینب؛ کاظمی پور، شهلا؛ رنجبر، مرتضی. (۱۳۹۳). تعیین‌کننده‌های اجتماعی جمعیتی افزایش سن ازدواج (دانشجویان زن تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های تهران. نشریه زن در توسعه و سیاست. ۴۶. ۴۴۹-۴۴۹
- کرسول، جان دبلیو. (۱۳۹۱). طرح پژوهش: (رویکردهای کمی، کیفی و شیوه ترکیبی). ترجمه: حسن دانایی‌فرد، علی صالحی. نشر مترجمان.
- گرایلی، محمدباقر؛ پناهی، محمد اخلاق. (۱۳۹۵). افزایش سن ازدواج زنان، علل و پیامدها. نشریه پژوهش‌های نوین در گستره تاریخ، فرهنگ و تمدن شیعه. ۶. ۸۸-۱۰۰



گفت‌وگو با پروفسور داریوش فرهود - بخش سوم: فرار مغزها یا فرار زن‌ها؟. (۱۴۰۰، ۱ دی). برگرفته از <https://isna.ir/>
میر معزی، سید حسین. (۱۳۸۳). هزینه فرصت سرمایه‌گذاری در اقتصاد اسلامی. فصلنامه اقتصاد اسلامی، پیاپی ۱۶
(زمستان ۱۳۸۳)

هرمزی، حسین. (۱۳۹۵). اختلاف معنادار تعداد دانشگاه‌ها در ایران و جهان. برگرفته از <https://isna.ir/>

- Akbari, S Shua Kazemi, M. (2022). Childbearing challenges in educated women with three or more children and persuasive strategies. *Women and Family Studies*, 10(4), 81-103. doi: 10.22051/jwfs.2023.38895.2813 [link]Bagavos, C., & Tragiki, A. (2017). The compositional effects of education and employment on Greek male and female fertility rates during 2000–2014. *Demographic Research*, 36, 1435-1452.
- Brand, J. E., & Davis, D. (2011). The impact of college education on fertility: Evidence for heterogeneous effects. *Demography*, 48(3), 863-887.
- Brüderl, J., & Diekmann, A. (1997). Education and Marriage. A comparative study. Unveröffentlichtes Arbeitspaier.
- BYU supports young parents with new family-friendly study room. (2017, October 4). from <https://universe.byu.edu/2017/10/04/byu-supports-young-parents-with-new-family-friendly-study-room/>
- Chaudhury, R. H. (1984). The influence of female education, labor force participation, and age at marriage on fertility behavior in Bangladesh. *Social Biology*, 31(1-2), 59-74.
- Ciccolella, F. (2019). Thanks to education, global fertility could fall faster than expected. from <https://www.economist.com/international/۰۲/۰۲/۲۰۱۹/thanks-to-education-global-fertility-could-fall-faster-than-expected>
- CohenMiller, A. S., Saburova, A., & Sagitova, R. (2018). What is a Family-Friendly University Campus? A Pilot Study to Develop Student Research and Provide Practical Results. *American Journal of Qualitative Research*, 2(2), 103-119
- Cornett, A. (2020). Analyzing the Relationship Between Female Education and Fertility Rate. *Drake Undergraduate Social Science Journal*.
- Elina Pradhan. 2015. "Female education and childbearing: A closer look at the data." World Bank Blog. <http://blogs.worldbank.org/health/femaleeducation-and-childbearing-closer-look-data>.
- Götmark, F., & Andersson, M. (2020). Human fertility in relation to education, economy, religion, contraception, and family planning programs. *BMC Public Health*, 20(1), 1-17.
- Haq, I. (2018). Relationship between age at marriage, education and fertility among residence of Bangladesh. *Am J Soc Sci Res*, 4(2), 33-39.
- Hoem, J. M. (1986). The impact of education on modern family-union initiation. *European Journal of Population/Revue Européenne de Démographie*, 113-133.

- Hu, M., & Sun, Z. (2021). Too educated to be married? An investigation into the relationship between education and marriage in China. *Journal of Family Studies*, 1-19.
- Impicciatore, R., & Tomatis, F. (2020). The nexus between education and fertility in six European countries. *Genus*, 76(1), 1-20.
- Impicciatore, R., & Zuanna, G. D. (2017). The impact of education on fertility in Italy. Changes across cohorts and south-north differences. *Quality & Quantity*, 51, 2317-2293.
- Ji, H., & Yan, R. (1997). A study on the reproductive health of married graduate students. *Chinese journal of population science*, 9(3), 171-185.
- Kim, J. (2016). Female education and its impact on fertility. *IZA World of Labor*.
- Kreyenfeld, M., & Konietzka, D. (2008). Education and fertility in Germany. *Demographic change in Germany: The economic and fiscal consequences*, 165-187.
- Lam, D., Sedlacek, G., & Duryea, S. (2016). Increase in women's education and fertility decline in Brazil. *Anais*, 89-118.
- Mallinckrodt, B., & Leong, F. T. (1992). Social support in academic programs and family environments: Sex differences and role conflicts for graduate students. *Journal of Counseling & Development*, 70(6), 716-723.
- Marini, M. M. (1978). The transition to adulthood: Sex differences in educational attainment and age at marriage. *American sociological review*, 483-507.
- Martin, T. C. (1995). Women's education and fertility: results from 26 Demographic and Health Surveys. *Studies in family planning*, 187-202.
- Meisenberg, G. (2008). How universal is the negative correlation between education and fertility?. *Journal of Social Political and Economic Studies*, 33(2), 205.
- Nozaki, Y. (2017). The effects of higher education on childrearing fertility behavior in Japan. *International Journal of Social Economics*, 44(5), 653-669.
- Requena, M., & Salazar, L. (2014). Education, marriage, and fertility: The Spanish case. *Journal of Family History*, 39(3), 283-302.
- Rindfuss, R. R., Bumpass, L., & St. John, C. (1980). Education and fertility: Implications for the roles women occupy. *American sociological review*, 431-447.
- Rindfuss, R. R., Morgan, S. P., & Offutt, K. (1996). Education and the changing age pattern of American fertility: 1963-1989. *Demography*, 33(3), 277-290.
- Rowe, D. C., Jacobson, K. C., & Van den Oord, E. J. (1999). Genetic and environmental influences on vocabulary IQ: Parental education level as moderator. *Child development*, 70(5), 1151-1162.
- 2007Shen, D. (2018). Better Educated, Fewer Divorces: The Impact of College Education Quality on Marriage Outcomes.
- Susan Ullas, s. (2013). Wives get clubby on B-school campuses. from <https://timesofindia.indiatimes.com/>



- The Decline in Fertility: The Role of Marriage and Education. (2022, July 8). from <https://budgetmodel.wharton.upenn.edu/issues/8/7/2022/decline-in-fertility-the-role-of-marriage-and-education>
- Vikram, K. (2023). Modern Marriage in a Traditional Society: The Influence of College Education on Marriage in India. *Journal of Family Issues*, 0192513X231155591.
- Weinberger, M. B. (1987). The relationship between women's education and fertility: selected findings from the Attitude-Stirling, J. (2001), "Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research", *Qualitative Research*, Vol. 1, No. 3, Pp. 305-380
- World Fertility Surveys. *International Family Planning Perspectives*, 35-46.



© 2024 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).



Original Research

The Criteria for the Identification of Highhanded Divorce in the Legal Systems of Iran, Iraq and Algeria

Mina Salempour*¹ Mohammad Roushan² Hossein Simaie Sarraf³

1.Ph.D student of private law, Department of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
mybestgod1@gmail.com (corresponding author)

2.Associate professor, Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

3.Associate professor, Department of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Background and Purpose

Nowadays, divorce is not an unknown or rarely practiced phenomenon; rather, there is an ascending trend of the filed cases of divorce. According to Islam and, consequently, the Iranian legislated laws, the right of divorce belongs to the man, but he is not absolutely free to use it. Indeed, like any other right, divorce should be based on certain rules and regulations and in line with what the religion has postulated. In case a divorce is enforced regardless of the corresponding principles, it is considered highhanded (Boudiha, 2015-2016).

By definition, highhanded divorce is the one in which the man divorces his wife with a unilateral decision, without her consent, for no plausible or legitimate reason, and on the purpose of harming her interests while she has had no misbehavior (Al-Obaidi, 2009).

In the former Iranian set of laws for family support legislated in 1974, Article 11 somehow recognized implausible divorces. After the revolution, in 1992, Note 6 was enacted in order to modify the laws on divorce. Despite this legislation, highhanded divorce has not been paid due attention yet, nor has it been of much concern in the works of jurists. Islam, however, has paid special attention to the dignity of women and prohibited any insult or injustice to them. Socially speaking, highhanded divorce is risky. An examination of the religious decrees in this field shows that they all



intended for benefits and against evils (Mozaffar, 1983). Taking those decrees for what they superficially impart and ignoring their spirit and true intentions would be a contempt to the religion and the Qur'anic verses (Tabatabaie, 2019).

In the Iraqi set of private laws approved in 1959, Paragraph 3 of select 39, which was annexed in 1995, recognizes highhanded divorce and presents certain measures to support women. These measures, however, only concern material compensations, and the law fails to delineate the conditions for such a divorce. In this context, Article 6 of the civil code modified in 1951 states that "legitimacy entails no guaranty, and whoever uses a legitimate right is not responsible for any consequent damage". Of course, the use of this right is restricted by Article 7 in the same code. As it postulates, using a right should not be highhanded (Rahan, 2020-2021). Due to the inadequacy of the laws at hand, court judges have no clear-cut criteria to identify the highhandedness of a divorce. Therefore, jurists have presented the following criteria based on the aforementioned article:

- The right of divorce is used with an intention to harm.
- The goal to attain through the divorce is trivial and disproportionate to the harm done.
- The goal sought through the divorce is not legitimate.

The issue has similarly been dealt with in the Algerian legal system. Legislators have determined the criteria for the abuse of a legitimate right based on Article 124 of the civil code modified in 2005 (Raiq & Jaaija, 2020-2019). This law generally, rather than exclusively, refers to the cases of abusing rights and lays out the criteria for judging the highhanded use of rights as a guilt (Belhadj al-Arabi, 2014). Unless an act corresponds to one of the three items in this law or a similar law, it will not be judged as highhandedness or abuse of rights. This enactment is general and applies to all rights, but every act of using a right is judged upon either a personal or thematic criterion or both.

The Algerian code of family laws, especially Article 52 dedicated to highhanded divorce, fails to mention any specific criteria for such a divorce. In practice, however, the courts pass judgments with reference to Article 124 of the civil code and in accordance with the tenets of Article 49, which concerns holding sessions for peacemaking and examining the reasons for divorce.

Therefore, in both Iraqi and Algerian legal systems, highhanded divorces are taken for granted, but care is also taken to somehow reduce the harm or trauma unjustly imposed on the divorced women.

Once a fulfilled divorce is marked as highhanded, the man is forced to make compensations for the damage incurred by the woman. This punishment serves to dissuade many men who have planned a divorce but cannot afford its financial consequences. It is, indeed, a preemptive

measure for protecting the married life of couples, where men have no plausible motives for divorce. So far, there have been a lot of publications on legal issues, but no independent research has been conducted on highhandedness in divorce. The present research embarks upon determining the criteria for highhanded divorce through the comparative analysis of the Iranian laws and the corresponding legislations in Iraq and Algeria and by delving into the Qur'anic verses, hadiths and jurisprudential decrees. It just focuses on the recognition of this type of divorce in the three countries and the criteria they use to judge it. The research questions are as follows:

- What is the religious or jurisprudential basis on which to justify highhanded divorce in the Iranian society?
- In case highhanded divorce is recognized, what are the criteria with which to prove the highhandedness of men?

Based on the above questions, the following hypotheses are proposed:

Hypothesis I. Highhanded divorce is well-grounded in the religion and jurisprudence and agrees with the will of God worded in numerous verses. It is also confirmed by authentic hadiths. Thus, it can be prevented or punished if the man deviates from the path delineated by God.

Hypothesis II. A man's attempt to divorce his wife is identified as highhanded based on personal and thematic criteria. From the personal perspective, the man is ill-willed and intends to harm his wife. From the thematic point of view, a) the goal that the man pursues is either illegitimate or trivial, b) the benefit that the man acquires is obviously disproportionate to the harm that his wife incurs, or c) the divorce deviates from cultural norms.

Method

This research is conducted through an analytical-basis method. Considering the existence of highhanded divorce in some Arab and Muslim countries, especially Iraq and Algeria, the legal systems of those countries serve as a basis for this study. The significant counterpart laws in those systems are also analyzed comparatively.

Discussion and Conclusion

According to the results of this study, it seems essential to revise or modify the current divorce laws by adding a note or a paragraph to Article 1133 in the civil code. This change of laws can prevent men's injustice and highhandedness and, thus, protect the rights of divorced women. Any modification in the law should be intended to maintain the stability of families and ward off their collapse as well as reinforce justice in the society. In this regard, the legal rights of men and women should be equally respected (Motahari, 1994). Basically, the reforming measures taken to



protect human rights can ultimately lead to the establishment of social justice.

The Iranian legal system lacks a mechanism to distinguish highhanded divorce from otherwise, but some Qur'anic verses, historical events and jurisprudential decrees point to the fact that Islam rejects the absolute dominance of men and disapproves any act of harming. In this case, one may refer to verses such as 2:180, 229, 232, 282, 4:12, 65:6, and 9:107. As for a historical event, the story of Samareh Ibn-e Jondab, in which the prophet advised "Neither harm nor be harmed", is insightful. With these sources at hand, it is possible to determine the criteria for judging the intention to harm, lack of legitimate goals, disproportion of the practiced rights and the imposed harms, contrast to divine orders, and conflict with the culture.

As the comparative study of highhanded divorce in the Iranian, Iraqi and Algerian legal systems proves, the right of divorce is by no means absolute, and the one who has it must apply it in conformity with the goals defined for it; otherwise, it is considered highhanded and the man has to afford the consequences.

Ethical consideration

This study took the ethical points of research into consideration; whatever text or source of information used here is authentically quoted from and cited.

Funding: The research was financially supported by no institute or organization.

Author contributions: This study was adopted from a PhD dissertation written by Mina Salempour under the supervision of her professors at Shahid Beheshti University. Each author has the same share as the others. The first author did the survey and wrote the text. The others contributed with the data analysis. All the authors reviewed and approved the final draft of the text.

Conflict of interests: There is none to declare.

Acknowledgement: As the corresponding author, I appreciate my supervisor and advisor for their valuable guidance.

Data Availability: No new data were generated or analysed during this study.

References

- | | |
|--|---|
| Abdul Amir K., The Discretionary Authority of the Personal Status Judge in Alimony for Arbitrary Divorce: A Fundamental Study in Islamic Jurisprudence and Iraqi | Personal Status Law, Imam Sadiq Society - Law Department, Religious Studies, Issue 40. (text in Arabic) |
|--|---|

- Belhadj A., (2014). *General Theory of Obligation in Algerian Civil Law*, Volume 2, 6th Edition, Ben Aknoun - Algeria. (text in Arabic)
- Majid, U. (2009), Arbitrariness in Divorce in Sharia and Law, *Journal of Anbar University for Islamic Sciences*, Volume 1, Issue 3. (text in Arabic)
- Masouda, B. (2016-2015). *Arbitrary Divorce: A Comparative Study between Islamic Jurisprudence and Algerian Family Law*, Supplementary Thesis for the Master's Degree, University of Muhammad Boudiaf in M'sila. (text in Arabic).
- Motahhari, M.(1994). *The Legal System for Women in Islam*. Sadr Publishing Institute, Eighteenth Edition. (text in Persian).
- Rahan A. (2021-2020), Divorce and Financial Rights of the Divorced Woman: A Comparative Analytical Study in Light of the Personal Status Law of Iraq, *Law and Politics Journal*, University of Nourouz, Kurdistan, Iraq, Issue 1. (text in Arabic)
- Tabatabai, S.M.H, (no date), *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*, Volume 2, Publications of the Society of Teachers in the Qom Seminary. (text in Persian)
- Tabatabai, S.M.H. (no date), *Tafsir al-Mizan*, Volume 2, Translated by Misbah Yazdi, Mohammad Taqi, Alameh Tabatabai Scientific and Intellectual Foundation. (text in Persian)
- Tamimi Amadi, A. (1987), *Classification of Pearls of Wisdom and Droplets of Speech*, Editor: Darayati, Mostafa, First Edition, Qom, Islamic Propagation Office. (text in Persian)
- Waseela, R., Karima, J. (2020-2019). *Provisions of Arbitrary Divorce in Algerian Law*, Thesis submitted for the Master's Degree in Family Law at Mohamed Boudiaf University in M'sila, Faculty of Law and Political Science. (text in Arabic)



معیار شناسایی نهاد طلاق خودسرانه در نظام‌های حقوقی ایران، عراق و الجزایر

مینا سالم پور^{۱*} محمد روشن^۲ حسین سیمایی صراف^۳

چکیده	اطلاعات مقاله
<p>طلاق حقی است که شارع مقدس تحت اقدار زوج قرار داده است. لیکن اعمال آن باید در راستای غرض مقصود شارع و برای دستیابی به مصلحت مشروع و متناسب باشد؛ در غیراین وضعیت زمینه تحقق طلاق خودسرانه مهیا می‌شود. در نظام حقوقی ایران به نهاد طلاق خودسرانه و معیارهای آن عنایت لازم نشده است، درحالی‌که پیش‌بینی این نهاد و شناسایی معیارهای آن با توجه به آثار حقوقی مترتب بر آن، از جمله اجرت‌المثل ایام زوجیت، نحله، تصیف دارایی و جبران خسارت ضرورت دارد. از سویی دیگر در کنترل اراده مستبدانه مرد نقش بسزایی خواهد داشت یافته‌های پژوهش، بیانگر این است که علی‌رغم سکوت نظام حقوقی ایران؛ با مطالعه در آیات قرآن؛ روایات؛ فتوی فقها معلوم می‌شود که معیارهای قصد اضرار؛ فقد مصلحت مشروع؛ عدم تناسب مصلحت ذی‌حق و ضرر دیگری؛ تعارض با غرض شارع و مخالفت با عرف به‌عنوان معیارهای شناسایی نهاد طلاق خودسرانه قابل استنتاج است. به موجب ماده ۷ قانون مدنی عراق سه معیار قصد اضرار؛ فقد مصلحت مشروع و عدم تناسب بین مصلحت و مفسده به‌عنوان ضابطه تشخیص خودسری در استفاده از حق پیش‌بینی شده است. مقنن الجزایر در قانون مدنی، معیارهای شخصی که مربوط به قصد و نیت درونی است و معیار موضوعی که مبتنی بر عدم تعادل بین مصلحت کسب شده و ضرر وارد به دیگری است را به‌عنوان ملاک‌های تمیز سوء استفاده از حق پیش‌بینی کرده است. در عمل قضات در تشخیص طلاق خودسرانه از غیر آن، بر اساس ضابطه‌های پیش‌گفته رأی صادر می‌کنند.</p>	<p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۷</p> <p>نوع مقاله: پژوهشی اصیل</p> <p>واژگان کلیدی طلاق خودسرانه؛ نظام حقوقی ایران؛ نظام حقوقی عراق؛ نظام حقوقی الجزایر</p>

ارجاع به مقاله:
 سالم پور، مینا؛ روشن، محمد و سیمایی صراف، حسین. (۱۴۰۳). معیار شناسایی نهاد طلاق خودسرانه در نظام‌های حقوقی ایران، عراق و الجزایر. *مطالعات زن و خانواده*، ۱۲(۳)، ۱۶۳-۱۳۵. DOI: 10.22051/jwfs.2024.44836.3020

^۱ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهیدبهبشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) mybestgod1@gmail.com
^۲ دانشیار پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
^۳ دانشیار، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

مقدمه

در عصر حاضر طلاق واژه‌ای نامأنوس و کاربردش امری نادر نیست؛ بلکه با روند صعودی و روبه ازدیاد آمار طلاق مواجه هستیم. شرع و به تبع قانون‌گذار ایرانی، اختیار فک رابطه زوجیت را دست مرد قرار داده است. لیکن مرد در استفاده از حق خود آزادی مطلق ندارد. استفاده از هر حقی مبتنی بر رعایت اصول و ضوابطی در راستای تحقق غرض شارع مقدس است. چنانچه اعمال طلاق زوج، بدون موافقت یا رضایت زوجه و بدون عذر موجه یا وجود سبب قانونی یا شرعی قانع‌کننده باشد، به عبارتی زوجه مرتکب قصور و تقصیر نشده باشد و در حفظ کیان خانواده تمام جهد و اهتمام خود را به کار برده، علی‌رغم تلاش وی، زوج با ظلم و تعدی دنبال فروپاشی کانون خانواده باشد، با طلاق خودسرانه مواجه هستیم.

در راستای تحقق اهداف شریعت اسلام در ایجاد عدالت اجتماعی تصویب قانون حمایت‌کننده از زوجه در برابر خودسری زوج لازم است. چراکه چنانچه زوج بداند بدون اراده هیچ دلیل موجه نیز آزادانه خود را از قید زوجیت و مسئولیت رها می‌کند و پاسخگویی اعمال ناروایی حق خود نخواهد بود، بدون واهمه به انحلال رابطه زوجیت اقدام می‌کند. حال آنکه این دیدگاه و اقدامات مبتنی بر آن، پیامدهای جبران‌ناپذیری بر زوجه - فرزندان - خویشاوندان و در نهایت کل جامعه بر جای می‌گذارد. تعیین ضابطه تمیز طلاق خودسرانه از غیر آن به تبیین ماهیت طلاق خودسرانه و کنترل خودسری زوج در استفاده از حق طلاق مساعدت می‌کند تا اعمال حق را به آنچه مطابق باهدف مشروع آن در دستیابی به مصالح و جلوگیری از مفاسد است محدود کند. در غیر این صورت بی‌عدالتی که منجر به نابودی کانون خانواده است، رخ خواهد داد.

کتاب‌ها و مقالات متعددی در این زمینه به رشته تحریر درآمده‌اند. از جمله می‌توان به کتاب سوءاستفاده از حق مطالعه تطبیقی حقوق اسلام و دیگر نظام‌های حقوقی تألیف دکتر حمید بهرامی احمدی، مقاله معیار تشخیص سوءاستفاده از حق در حقوق ایران از آقای ناصر نصرتی صدقیانی، مقاله تحدید قاعده حاکمیت بی‌قید و شرط زوج بر طلاق در فقه و حقوق موضوعه به قلم دکتر حسین مهرپور، مقاله تأملی در قاعده‌انگاری اولویت دفع مفسده از جلب منفعت میرزامحمد واعظی، مقاله مطالعه تطبیقی چگونگی رفع تعارض اصل تسلیط با قاعده لاضرر از آقای قهرمانی نصرالله، منع سوءاستفاده از حق در نظریه‌های حقوقی و مفاهیم قرآنی نگارش آقای سیامک ره‌پیک اشاره کرد اما پژوهش مستقلی



در این موضوع انجام نشده است. پژوهش حاضر با مطالعه تطبیقی با حقوق عراق و الجزایر و تأمل عمیق در آیات و روایات و دیدگاه فقیهان، به شناسایی معیارهای شناسایی نهاد طلاق خودسرانه پرداخته است. در این پژوهش درصدد یافتن پاسخ به این سؤال هستیم که معیارهای طلاق خودسرانه چیست؟ قاضی چگونه بین اعمال حق طلاق توسط زوج و نتایج این استفاده، توازن و تعادل ایجاد می‌کند؟ به عبارتی دیگر چه زمانی زوج در استفاده از حق طلاق خودسر محسوب می‌شود؟ برای پاسخ به این پرسش ابتدا تعاریف لغوی، اصطلاحی و حقوقی طلاق خودسرانه بیان می‌شود در ادامه نهاد طلاق خودسرانه معرفی و سپس معیار طلاق خودسرانه در نظام‌های حقوقی ایران، عراق و الجزایر شناسایی می‌شود.

۱. مفهوم طلاق خودسرانه

در نظام‌های حقوقی عراق و الجزایر طلاق خودسرانه معادل عبارت «طلاق تعسفی» است؛ بنابراین از آنجاکه این اصطلاح به واژه تعسف مرتبط است برای روشن شدن مفهوم طلاق خودسرانه، در ابتدا تبیین معنای تعسف ضروری است، سپس به تعریف طلاق تعسفی (طلاق خودسرانه) پرداخته می‌شود.

۱-۱. مفهوم لغوی تعسف: معنای تعسف در لغت بسیار و متنوع است از مهم‌ترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: العسف: به معنای راه رفتن و حرکت کردن بدون راهنما، انجام دادن کاری بدون تدبیر و اندیشه و بدون قصد. العسیف یعنی همان برده خوار شده که برای خدمت به هر ظلمی تسلیم می‌شود. عسف عن الطریق: رها کردن و از مسیر بازگشت. عسف السلطان: یعنی پادشاه ظلم و بی‌عدالتی کرد و عسفه تعسیفاً: یعنی او را خسته کرد و تعسفه یعنی به او ظلم کرد و العسوف یعنی ظالم (رقیق، جمیع، ۲۰۲۰-۲۰۱۹). بنابراین، معنای لغوی تعسف (خودسری) به مفهوم بی‌عدالتی، تجاوز، انحراف از مسیر موردنظر، برگشت و عدول از راه یا راه را بدون هدف رفتن، است.

۱-۲. مفهوم اصطلاحی تعسف: تعسف اصطلاحاً به معنای مخالفت با قصد شارع است در استفاده از حقی که شرعاً و طبق اصل مجاز است (الدباغ، ۲۰۱۴). مراد از تعسف آن کاربردی است که به شکل غیرقانونی و غیرمشروع انجام می‌شود. از آنجاکه طلاق حق مرد است، مرد حق انشای طلاق به اراده خود را دارد، لیکن اگر او مطابق با مقاصد شریعت، حق خود را استعمال نکند، مستبد و خودسر شناخته می‌شود. قصد شارع در تجویز طلاق به‌عنوان آخرین راهکار، دوری جستن زوجین از مفاسد ناشی از اختلاف در روابط آنها و از بین رفتن اهداف عالی ازدواج، مانند صمیمیت، رحمت، آرامش و غیره است؛ بنابراین می‌توان گفت: «طلاق تعسفی در اصطلاح

عبارت است از هر طلاقی که با قصد شارع در تشریح طلاق در تضاد باشد؛ زیرا طلاق در اصل برای دفع ضرر وضع شده است، هر طلاقی که این هدف را محقق نکند، تعسفی به‌شمار می‌آید» (بن زیطه عبد الهادی، ۲۰۰۶-۲۰۰۵).

۳-۱. مفهوم حقوقی طلاق تعسفی یا خودسرانه: در کتب فقهای قدیم؛ معاصر؛ علمای حقوق و احکام احوال شخصیه نظام‌های حقوقی ایران، عراق و الجزایر تعریفی از طلاق خودسرانه ارائه نشده است، بلکه صرفاً به تبیین برخی از اقسام طلاق، تحت عنوان طلاق تعسفی محدود شده‌اند. همچنین اهتمام این کتاب‌ها در بیان تدابیری برای کاهش اعمال خودسرانه بوده است. قانون‌گذار الجزایر در ماده ۵۲ قانون خانواده اصلاحی ۲۰۰۵ م، به موضوع طلاق تعسفی پرداخته است. لیکن تعریفی از تعسفی و طلاق تعسفی ارائه نکرده است: «اگر قاضی احراز کند که زوج در طلاق خودسر بوده، حکم به جبران ضرر وارده به نفع زن مطلقه صادر می‌کند» (بودیه، ۲۰۱۶-۲۰۱۵).

مقنن عراقی نیز به تعیین حکم طلاق تعسفی بسنده کرده و تعریفی از آن ارائه نکرده است. بند ۳ ماده ۳۹ از قانون احوال شخصیه مصوب ۱۹۵۹ اصلاحی ۱۹۸۵ مقرر می‌دارد: «اگر زوج، زوجه خود را طلاق دهد و بر قاضی محکمه محرز شد که زوج در طلاق خودسر بوده است و بر زوجه ضرری ناشی از طلاق وارد آید، در فرض مطالبه زوجه، محکمه به پرداخت غرامت متناسب با وضعیت مالی زوج و درجه و شدت خودسری به‌طوری‌که از نفقه وی به مدت ۲ سال تجاوز نکند تعیین می‌کند».

براین اساس اگر زوج، زن خود را طلاق دهد و برای قاضی معلوم شود که زوج در طلاق خود بدون دلیل موجه، خودسر بوده و از این طریق زن متضرر می‌شود، قاضی می‌تواند حکم مبنی بر پرداخت غرامت عادلانه صادر کند.

برخی حقوق‌دانان با استنباط از ماده قانونی مذکور طلاق تعسفی (طلاق خودسرانه) را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «طلاقی است که زوج با اراده یک‌جانبه، بدون عذر موجه، با قصد اضرار، بدون رضایت و موافقت زوجه و عدم ارتکاب تقصیر و قصور از جانب وی، به طلاق مبادرت کند و ضرری متوجه زوجه شود» (بودیه، ۲۰۱۶-۲۰۱۵).

در نظام حقوقی ایران در هیچ یک از متون قانونی و کتب فقهی و حقوقی واژه طلاق خودسرانه تعریف نشده است. لیکن حقوق‌دانان از سوءاستفاده از حق تعاریفی ارائه داده‌اند، با توجه به اینکه طلاق خودسرانه از مصادیق سوءاستفاده از حق است، به چند مورد اشاره داشته باشیم:



برخی از حقوق‌دانان سوءاستفاده از حق را «واردساختن ضرر به دیگری در اجرای حق» معنا کرده‌اند (شهیدی، ۱۳۸۵). تعاریف دیگر حقوق‌دانان عبارت است از: «انحراف از غایت قانون و حق در اعمال حق خود» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ذیل واژه). «کاربرد ناروای حق یا تکلیف یا قدرت یا تعدی و تفریط در موضوع تصرف» (طاهری، ۱۳۸۴، ذیل واژه). «سوءاستفاده از حق عبارت است از ضرر به عمد به دیگری ضمن اعمال حقی از حقوق خصوصی» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ذیل واژه).

تعاریف مذکور جامع و کامل نیستند. تعاریف ارائه شده، تک‌بعدی است و تمام جوانب در نظر گرفته نشده است. با توجه به تعاریف ارائه شده، می‌توان گفت: «طلاق خودسرانه طلاق است در تعارض با غرض شارع و بدون مصلحت مشروع یا با قصد سوء، که منجر به ورود ضرر به دیگری (زوجه) شود». پیش از ورود به بحث شناسایی معیارهای تمییز طلاق خودسرانه لازم است، نهاد طلاق خودسرانه در حقوق کشورهای ایران، عراق و الجزایر معرفی شود.

۲. نهاد طلاق خودسرانه

بیشترین قانون‌گذاران در کشورهای مختلف، شرایط طلاق خودسرانه را در متون حقوقی خود تعیین نکرده‌اند. این شرایط در موارد مختلف از یک نوع طلاق به طلاق دیگر و از یک قانون به قانون دیگر متفاوت است. باین حال می‌توان شرایط تحقق طلاق خودسرانه را به شرح ذیل تعیین و مشخص کرد: الف. با حکمت مشروعیت طلاق در تضاد باشد. ب. طلاق به درخواست زوجه یا با رضایت او نباشد. اکنون با این مقدمه شرایط ایجاد نهاد طلاق خودسرانه را به تفکیک در سه نظام حقوقی مورد مطالعه، بررسی می‌کنیم.

۲-۱. حقوق ایران: اگرچه در قانون حمایت خانواده پیشین به نوعی طلاق غیرموجه موردتوجه قانون‌گذار قرار گرفته بود و در همین راستا به وضع ماده ۱۱ قانون حمایت خانواده (مصوب ۱۳۵۳) و پس از انقلاب نیز با تقنین تبصره ۶ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق (مصوب ۱۳۷۱) بدان اشاره شده است؛ لیکن نهاد طلاق خودسرانه به طور صریح نه تنها موردتوجه قانون‌گذار ایرانی قرار نگرفته، بلکه در آثار حقوق‌دانان نیز به این مهم التفاتی نشده است؛ از سوی دیگر شرع به زوج در اعمال حق طلاق اختیارات وسیع و نامحدود نداده است. در صورت عدول از مبانی و موازین شرعی و قانونی در استفاده از حق طلاق، این امر خودسرانه تلقی می‌شود و زوج مسئول جبران ضرر و زیان وارده به زوجه مطلقه است، این همان چیزی است که به آن طلاق تعسفی یا خودسرانه می‌گویند.

در ماده ۱۱۳۳ سابق از قانون مدنی براساس قاعده فقهی «الطلاق بید من اخذ بالساق» به مرد اختیار مطلق در طلاق اعطاشده بود. با استناد به اصول ۴ و ۱۰ قانون اساسی و همچنین باتوجه به فلسفه وضع قوانین خانواده که استحکام و تثبیت کانون خانواده است، این نگرش به وجود آمد که در حوزه حقوق خانواده با وضع قوانین کارآمد از فروپاشی کانون خانواده تا حد امکان جلوگیری شود. چراکه قوانین ناقص و ناکارآمد فی نفسه سبب متلاشی شدن بنیان خانواده شده است.

قانون گذار ایران با این دیدگاه و هم راستا با تحولات اجتماعی و تغییرات وسیع و شگرفی که در جامعه پیش آمده و باتوجه به اینکه خانواده مهم ترین رکن اجتماع محسوب می شود، برای استحکام خانواده و رفاه افراد ناگزیر شد برابر با مقتضیات زمان چاره اندیشی کند. اختیار تام و بدون قید و شرط که ماده ۱۱۳۳ سابق از قانون مدنی به مرد داده بود را محدود کرد. چرا که اگر این اختیارات به دست ناهلان بیفتد، حربه خطرناکی است که می تواند بدون دلیل و شاید صرفاً از روی خودخواهی؛ خودنمایی؛ هوس و امثال آن بندهای استحکام خانواده را بگسلد و پایه های آن را ویران کند. از طرف دیگر زن زبون و گرفتار و محکوم به تحمل تمام ناملایمات است (ظفری، ۱۳۵۳). مری که تاز میدان و زن فقط اسیر و بازیچه شوهر است. در واقع مرد فرماندار و زن فرمان بر محض است. بسیاری از مردان با ادعای تبعیت از دستورات دین و عدم ارتکاب گناه، همسران خود را بدون دلیل موجه و علی رغم اصرار همسرشان به استمرار رابطه زوجیت و تلاش برای جلوگیری از متلاشی شدن بنیان خانواده در سنین کهولت یا بیماری یا عدم توانایی برای یافتن شغل برای امرار معاش، ظالمانه طلاق می دهند.

در ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی اصلاحی مصوب ۱۳۸۱ محدودیت مرد در طلاق، مقید به مراجعه به دادگاه و طی کردن پروسه قانونی و در نهایت پرداخت حقوق قانونی وی (مهریه- نفقه- اجرت المثل ایام زوجیت) شد. لیکن مرد برای اعمال طلاق نیاز به ارائه دلایلی توجیهی نیست. در هر حال دادخواست طلاق زوج پذیرفته و گواهی عدم امکان سازش صادر می شود. حداکثر به استناد ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ ثبت طلاق موکول به تأدیه حقوق مالی زوجه است.

با پیشرفت علم و دانش و افزایش سطح تفکر جامعه دیدگاهی به تقویت رسید که اعتقاد به حقوق مساوی برای زنان و مردان صرف نظر از اختلاف جنسیتی دارد. زنان امروزی به عنوان افراد متمدن باید دارای حقوقی در مقابل حق طلاق اعطایی به مرد باشند. اگر مرد بدون دلیل موجهی به طلاق مبادرت کند، زوجه در مقابل بتواند جبران خسارت وارده به خود را مطالبه کند.



اصلاح و تجدیدنظر در قانون فعلی یا الحاق تبصره یابند به ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی به شدت ضروری است. تغییرات قانونی می‌توانند موجب پیشگیری از خودکامگی مردان شوند و در نتیجه به حفظ حقوق زنان مطلقه کمک کنند. این تغییرات باید باهدف حمایت از خانواده اعمال شوند و از نابودی و متلاشی شدن آن جلوگیری کنند، همچنین عدالت را در جامعه ترویج دهند. حقوق زنان و مردان در جامعه به یک‌میزان سنگینی و توازن داشته‌باشند (مطهری، ۱۳۷۳). این اقدامات می‌توانند به تحقق اهداف عدالت اجتماعی و حفظ حقوق انسانی کمک کنند.

برای توجیه این موضوع از استدلال‌های زیر می‌توان استفاده کرد:

- حفظ حقوق زنان: تغییرات در قانون به طور مستقیم به حفظ و تقویت حقوق زنان کمک می‌کند؛ از جمله حقوق زنان مطلقه که ممکن است در صورت خودکامگی مردان به خطر بیفتند.
- جلوگیری از فروپاشی خانواده: تغییر قوانین می‌تواند از متلاشی شدن و نابودی خانواده پیشگیری و به تقویت این نهاد مهم اجتماعی کمک کند.
- تعادل در حقوق: اصلاحات در قوانین برای ایجاد تعادل در حقوق زنان و مردان و توازن در میزان عدالت بسیار حیاتی است تا تبعیض جنسیتی حاکم نباشد.
- عدالت اجتماعی: این تغییرات می‌توانند به تحقق اهداف عدالت اجتماعی کمک و از تبعیض جنسیتی جلوگیری کنند.
- از سویی دیگر از دیدگاه دین اسلام، تعالیم دینی با وجود داشتن قوانین ثابت خود، قادر به سازگاری با متغیرهای زمان و شرایط فرهنگی هستند. این سازگاری به دلیل آن است که اسلام به پیگیری اهداف روحی و معنوی و هدف زندگی انسان می‌پردازد و دستوراتی را برای دستیابی به این اهداف ارائه داده است. علم هدف تغییر اهداف و فلسفه تعیین شده توسط شرع مقدس ندارد؛ بلکه به دنبال یافتن بهترین راه‌ها و ابزارهای دستیابی به اهداف موردنظر شرع اسلامی است. به‌طور دقیق‌تر، شرع اسلام با تعیین اهداف و فلسفه تعیین مقررات، اجرایی شدن این اهداف را به علم واگذار می‌کند و نه تنها در تعارض با پیشرفت تمدن نیست، بلکه به واقعیت زمینه‌ساز پیشرفت تمدن بشر است (مطهری، ۱۳۷۳).
- نکته مهم دیگر این است که دین اسلام برای تأمین نیازهای ثابت بشر، از قوانین دینی ثابت استفاده می‌کند، درحالی‌که برای تأمین نیازهای متغیر، قوانینی انعطاف‌پذیر تدوین می‌کند. به عبارت دیگر،

اوضاع متغیر را با استفاده از اصول ثابت تنظیم می‌کند تا به وسیله این اصول، قوانین فرعی را استخراج کند. در واقع، این اصول به دین اسلام خصوصیت تطور و تنظیم با توجه به شرایط زمانی و مکانی، ابدیت و جاویدانی می‌بخشند. این اصول نقش کلیدی در کنترل و تنظیم قوانین دینی ایفا می‌کنند (مطهری، ۱۳۷۳).

- یکی از مباحث اساسی فقه اسلامی، اصل عدالت است. با تعمق به این اصل، متوجه می‌شویم که در اسلام، تطابق بین عقل و شرع ضروری است. به عبارت دیگر، اصل عدالت در اسلام تأکید می‌کند که نظام قانونی و اخلاقی باید با اصول منطقی و شریعت هم‌خوانی داشته باشد. اگر عدالت ایجاب کند که یک قانون نامنصفانه و نادرست تصویب شده و به نوعی سبب ستم شود، شرع نیز به نادرستی و نامعقولی این قانون حکم خواهد کرد. این اصول نشان می‌دهد که اساس احکام اسلام بر محوریت عدالت و حقوق طبیعی و فطری است. عدالت و حقوق قبل از تصویب قوانین بر جوامع حاکم بوده‌اند؛ بنابراین، در تصویب قوانین، نباید عدالت را نادیده گرفت. باید تلاش کرد تا قوانین با اصول عدالت و حقوق اساسی جامعه هماهنگی داشته باشند (مطهری، ۱۳۷۳).

معتقدان به اصل عدالت در اسلام بر این باورند که عقل و شریعت در راهبرد قانون‌گذاری و اجرای قوانین باید دست به دست بدهند تا جامعه به عدالت و نظم متعادلی دست یابد.

- یکی از ویژگی‌های اسلام که امکان انطباق با مقتضیات زمان را ممکن می‌سازد عنصر عقلی دستورهای دینی در اسلام است. قوانین و مقررات بر اساس مصالح عالی جامعه تأسیس شده‌اند. به عبارت دیگر، اصول شرعی در اسلام به تأسیس مبانی عقلی و منطقی برای قوانین و احکام می‌پردازند. این معنای اساسی نشان می‌دهد که اسلام اجازه می‌دهد که تصمیم‌گیری‌ها و قوانین دینی با توجه به منافع عامه و مصالح عالی جامعه انجام شود.

شرع اسلامی به متخصصان دینی این اختیار را می‌دهد که در مواقعی که مصالح عالی با یکدیگر در تضاد باشند، مصلحت مهم‌تر را در اولویت قرار دهند. این اصل در فقه اسلامی به نام «اهم و مهم» شناخته می‌شود (مطهری، ۱۳۷۳). این اصل اساسی نشان می‌دهد که اسلام از متخصصان دینی و حقوقی خود انتظار دارد که در تفسیر و اجرای قوانین و احکام، مصلحت‌های جامعه و انسانیت را به عنوان اولویت قرار دهند. با این رویکرد عقلی و منطقی، اسلام توانمندی انطباق با نیازهای متغیر زمان را دارد و به جامعه امکان می‌دهد تا با توجه به تغییرات و چالش‌های جدید در جهان مدرن، قوانین و احکام خود



را به‌روز کند. در اسلام، طلاق یک اقدام جدی و مهم است که باید با دقت و مسئولیت انجام شود. اصول شرعی و حقوقی برای مواردی مانند ضرر و صدمات ناشی از طلاق در نظر گرفته شده‌اند.

۲-۲. حقوق عراق: در این نظام حقوقی خواسته زوج مبنی بر انحلال رابطه زوجیت علی‌رغم عدم وجود دلایل توجیهی موجه و رضایت زوجه، اجابت می‌شود. لیکن در این شرایط زوج باید تاوان اقدام خود را بدهد و ضرر تحمیلی بر زوجه که ناشی از طلاق غیرموجه است را جبران کند.

اگر زوج، همسر خود را طلاق دهد و خودسری او محرز شود، قانون، زوج را ملزم به جبران خسارت ناشی از طلاق خودسرانه می‌کند و این غرامت باید متناسب با میزان خودسری در طلاق باشد؛ زیرا هر چند زوج در انشای طلاق مجاز است، لیکن باید دلایل مشروع و معقول ارائه کند، در غیر این صورت اگر به استناد دلایل واهی و بی‌اهمیت به طلاق مبادرت و کانون خانواده را متلاشی کند، موظف به پرداخت غرامت معادل نفقه ۲ سال زوجه خواهد بود. این موارد از نص بند ۳ ماده ۳۹ قانون احوال شخصیه مصوب ۱۹۹۵ استنباط می‌شود.

در این ماده قانونی آمده است: «اگر زوج زوجه را طلاق دهد و برای قاضی دادگاه خودسری زوج در طلاق احراز و بر زوجه ضرری ناشی از آن وارد شود، محکمه بنا به درخواست زوجه، زوج را با توجه به وضع مالی و درجه خودسری خود به جبران خسارت متناسب که از نفقه ۲ سال او تجاوز نکند، علاوه بر حقوق قانونی ثابت محکوم می‌کند».

در نظام حقوقی عراق در بند ۳ ماده ۳۹ قانون احوال شخصیه مصوب ۱۹۹۵ واژه خودسری (تعسف) به‌کار برده شده است. به استناد این ماده قانونی، در شرط تحقق شرایط زیر طلاق خودسرانه تلقی و مسئولیت جبران به‌عهده زوج خواهد بود.

۱- طلاق بدون ضرورت یا دلیل قانع‌کننده واقع شود.

۲- زن نقشی در ایقاع طلاق نداشته باشد.

۳- طلاق بدون اراده یا رضایت زوجه باشد.

۴- زوجه مطلقه از طلاق متضرر شود.

ضرر در ماده مذکور شامل هر دو ضرر مادی و ضرر معنوی است. مصداق برای ضرر مادی در فرضی متصور است که زوجه شغل و ممر معاش خود را به‌قصدها تمام به امور همسر و فرزندانش ترک کند و در نهایت زوج او را بدون عذر شرعی و قانونی موجه طلاق دهد. با این اقدام غیرموجه زوج، ضرر

مادی به زوجه به واسطه حرمان از شغل و منبع درآمد وارد شده است (رحان عبدالله محمد، ۲۲۰-۲۰۲۱). خسارت معنوی مانند خسارت مادی مستلزم جبران است. چه بسا درد و تشویش و لطمه وارده به احساسات و عواطف و موقعیت اجتماعی ناشی از طلاق، سنگین تر از آثار ضرر مادی باشد؛ لذا حمایت قانونی الزامی است.

باتوجه به موارد فوق الذکر روشن می شود که فقد مصلحت مشروع در طلاق مورد توجه قانون گذار است، اعم از اینکه مرد عمداً به زن ضرر رسانده یا قصد ضرر نداشته باشد. در هر دو حالت در صورت ورود ضرر جبران خسارت پابرجاست (رحان عبدالله محمد، ۲۲۰-۲۰۲۱).

بنا بر ماده مذکور، چنانچه زوج وجود ضرورت یا عذر موجه شرعی - قانونی معقول طلاق را اثبات نکند، در استفاده از حق طلاق خودسر محسوب می شود و مسئول پیامدهای ناشی از اقدام خود خواهد بود. لیکن چنانچه دلایل وقوع طلاق ثابت و معتبر باشد، خودسری منتفی است (رحان عبدالله محمد، ۲۲۰-۲۰۲۱). بنابراین، مرد در فرض نداشتن دلیل موجه خودسر فرض می شود و زوجه نیازی به اثبات خودسری او ندارد لیکن برای تعلق غرامت به زوجه، ایشان باید ورود ضرر ناشی از طلاق اعم از ضرر مادی یا معنوی را ثابت کند. دادگاه از طریق حقایق پرونده و ارزیابی مطالعات محلی و اطلاعات مطلعین تشخیص می دهد که زوج در استعمال حق طلاق خودسر بوده است یا خیر و همچنین حدود خودسری را نیز تخمین می زند.

در برخی موارد شوهر ۱۰٪ خودسر است، در موارد دیگر ممکن است زوجه در تقصیر مشارکت داشته باشد و طلاق حاصل سوء رفتار و سوء معاشرت او نیز باشد یا اینکه سهم زوجه در تقصیر ناچیز باشد. در اینجا محکمه نسبت تقصیر را برآورد می کند. اثبات خودسری از غیر آن با تمام ادله معتبر امکان دارد ولی در هر حال این زوجه است که بار اثبات ورود ضرر به خود را به دوش خواهد کشید (رحان عبدالله محمد، ۲۲۰-۲۰۲۱).

اثبات خلاف آن، یعنی اثبات عدم وجود خودسری در طلاق، بر عهده مرد است. نظر به اینکه مسئله وجود یا عدم خودسری موضوع حقوقی است احراز آن در صلاحیت محکمه است. دادگاه قدرت اختیاری گسترده ای برای احراز وجود خودسری و ضرری که به مطلقه می رسد، دارد.

طبق شرایط متن بند ۳ ماده ۳۹ قانون مذکور درجه و شدت خودسری در برآورد میزان غرامت مورد توجه قرار می گیرد



در ذیل نمونه‌ای از رأی صادره در تاریخ ۲۰۰۸/۳/۱۰ از دادگاه تجدیدنظر اتحادیه با موضوع: علت طلاق به‌عنوان معیار تعیین حکم بر پرداخت غرامت را نقل می‌کنیم.

مدعی در دادگاه احوال شخصیه در اعظمیه مدعی شد که مدعی‌علیه طبق رأی صادره از دادگاه فوق‌الذکر او را طلاق داده‌است. چون رأی مذکور بدون دلایل مشروع یا قانونی که طلاق را توجیه کند صادر شده‌است، لذا تقاضای دعوت خوانده به دعوی و رسیدگی و حکم به پرداخت غرامت طلاق خودسرانه و اخذ هزینه از وی کرد.

دادگاه فوق‌الذکر در تاریخ ۲۰۰۸/۱/۲۷ در رأی حضوری خوانده احمد کامل احمد را به پرداخت غرامت طلاق خودسرانه به مبلغ (۲/۸۸۰/۰۰۰) دینار در حق خواهان به انضمام هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل محکوم کرد.

رأی دادگاه: با بررسی و مذاقه مشخص شد که تجدیدنظرخواهی در مهلت قانونی ارائه شده و تصمیم به پذیرش آن از حیث شکلی گرفته‌شد. با بررسی دقیق، حکم تجدیدنظر خواسته نادرست و مغایر با موازین شرع و قانون تشخیص داده‌شد. زیرا محکوم علیه ملزم است که در جلسه دادرسی در مورد علتی که او را به طلاق وادار کرده‌است، دلایل ارائه کند و براساس نسبت خودسری محکوم علیه، حکم به پرداخت غرامت صادر می‌شود. به عبارتی ما بین درجه خودسری محکوم علیه و تعیین غرامت رابطه مستقیم است. محکوم علیه یکی از طرفین بوده‌است و چون از ارائه دلیل ناتوان بوده، باید حق قسم قاطع به او داده شود؛ لذا بنا به مراتب فوق رأی صادره نقض و پرونده به دادگاه صادرکننده رأی جهت رسیدگی به مراتب فوق، اعاده می‌شود.

از مفاد رأی صادره استنباط می‌شود، هرچند خودسری زوج در طلاق بدون دلیل موجه مفروض است، لیکن زوج حق دارد عدم آن را به دادگاه با استفاده از جمیع ادله، ثابت کند. درنهایت اینکه آیا طلاق خودسرانه بوده است یا خیر به تشخیص دادگاه باقی می‌ماند. دادگاه درصد قصور هر یک از زوجین را ارزیابی می‌کند.

۲-۳. حقوق الجزایر: طلاق در شریعت اسلام و قانون خانواده الجزایر حق مشروع شوهر است که در صورت اصرار بر آن علی‌رغم تلاش برای مصالحه، قاضی چاره‌ای جز اجابت درخواست زوج و صدور حکم طلاق ندارد. قانون‌گذار الجزایر ضمانت این نوع طلاق را در ماده ۵۲ قانون خانواده جدید

مقرر کرده است: «اگر برای قاضی سوء استفاده از حق طلاق محرز شود، به پرداخت جبران خسارت ناشی از طلاق به نفع زن مطلقه حکم خواهد داد».

محکوم کردن مرد به جبران خسارت وارده بر زوجه منتج از طلاق، در زمانی که طلاق غیرموجه به عنوان طلاق خودسرانه توصیف شود، بسیاری از مردان را از اقدام به طلاق محدود و آنها را به دلیل عدم توانایی در پرداخت وجه به زوجه مطلقه، از طلاق منصرف می‌کند. این امر هنگامی که زوج توجیه قانونی و شرعی برای اعمال طلاق ندارد در راستای حفظ زندگی زناشویی یک اقدام پیشگیرانه محسوب می‌شود.

از متون شرعی برداشت می‌شود که کسی که بدون نیاز یا دلیل شرعی همسر خود را طلاق دهد، در نظر خداوند گناهکار است. زیرا از حقی که شرع در اختیار او قرار داده است به طرز نادرستی استفاده کرده است؛ بنابراین گرچه طلاق حقی است که مرد می‌تواند با اراده یک جانبه اعمال کند، اما به آن معنا نیست که آزادی او مطلق و رها از محدودیت است. بلکه طلاق حقی است که استفاده از آن مقید به تحقق وجود ضرورت است. اگر شوهر طلاق را بدون دلیل معقولی اعمال کند، در واقع از حق خود سوء استفاده کرده است؛ بنابراین ملزم است ضرر ناشی از آن را جبران کند، خواه این ضرر مادی باشد، مانند اینکه زن مطلقه قبل از ازدواج به عنوان یک معلم فعالیت کرده و از آن سود کسب کرده و پس از ازدواج آن را ترک کند، یا معنوی باشد، مانند اینکه شرایط طلاق اعتبار مطلقه را تضعیف کرده و شک و تردید درباره او را برانگیزد. ایده طلاق خودسرانه مبتنی بر عدم وجود توجیه مشروع یا دلیل معقول برای طلاق است. گرچه طلاق حق شوهر است، اما او باید دلایل استفاده از این حق و چرایی امضای آن و چستی آن را توجیه کند. در غیر این صورت خودسر و مستبد تلقی می‌شود (بن عمار صوریه رانیا، ۲۰۱۹-۲۰۲۰).

اکنون که موضع نظام‌هایی حقوق اسلامی مورد مطالعه را در خصوص نهاد طلاق خودسرانه بررسی کردیم، اهمیت حقوقی و ضرورت شناسایی معیارهای نهاد طلاق خودسرانه و تصویب مواد قانونی مرتبط روشن شد. در ذیل معیارهای طلاق خودسرانه در سه نظام حقوقی مورد مطالعه (ایران، عراق و الجزایر) را بررسی می‌کنیم:

۳. معیار طلاق خودسرانه

۱-۳. حقوق ایران: تعیین معیار برای طلاق خودسرانه به کنترل این عمل، تعیین ماهیت آن و اعمال ضمانت مناسب کمک می‌کند. زیرا صاحب حق ممکن است در اعمال حق بیش از یک هدف داشته



باشد که برخی از آنها مشروع و برخی غیر مشروع است. اغلب تشخیص قصد و نیت دشوار است، اما قرائن، اوضاع و احوال و معیارهای تعیین کننده حاکم بر عمل، به قاضی در صدور رأی عادلانه مساعدت می‌کند. در نظام حقوقی ایران ضابطه برای تمییز طلاق خودسرانه از غیر آن پیش‌بینی نشده است. لیکن با استنباط از آیات قرآنی؛ روایات معتبر؛ فتاوی فقها، معیارهای تشخیص قابل شناسایی است. این معیارها به‌طور کلی در کلیه صور سوء استفاده از حق است و صرفاً مختص طلاق خودسرانه نیست.

۱-۳-۱. معیار طلاق خودسرانه در آیات قرآنی: الف: قصد اضرار: شارع اضرار به غیر را نهی

کرده است. در قرآن کریم در مورد منع اضرار به غیر آمده است: «طلاق رجعی که برای شوهر در آن حق رجوع و بازگشت به همسر است دو بار است. شوهر در هر مرتبه از رجوع باید همسرش را به‌طور شایسته و متعارف نگه دارد، یا با ترک رجوع، او را به نیکی و خوشی رها کند». در این آیه امساک و تسریح با دو کلمه «به معروف» و «به احسان» مقید شده است. ممکن است استفاده از حق رجوع از باب سوء استفاده از حق؛ با انگیزه اضرار؛ نه از روی طیب خاطر و رغبت باشد. به این ترتیب که به محض اینکه عده مطلقه در شرف انقضا باشد، زوج مراجعه کند و بعد دوباره طلاق دهد. این گونه نگاه داشتن اضراری، خلاف معروف بوده و در شریعت اسلام مذموم و تحریم شده است. امساک که شارع به آن تأکید دارد رجوعی است که موجب التیام و انس و آرامش شود. همچنین تسریحی که با انگیزه‌های انتقام و نفرت باشد نهی شده است. چراکه «تسریح» مقصود شارع آن است که به‌طور متعارف و از روی اصول اخلاقی و عقلایی انجام شود. مقید شدن به معروف و احسان به منظور پیشگیری از آسیب‌هایی است که ممکن است در نتیجه سوء استفاده از احکام شرعی به وجود آید. بنابراین، حکم امساک با کلمه «به معروف» تقیید شده تا از اعمال غرض ورزی جلوگیری شود. در خصوص تسریح که مقید به احسان شده است، این نکته حائز اهمیت است که محتمل است مرد در حالتی که تمام مهر زن را نپرداخته او را رها کند. چه بسا این عمل متعارف اهل بلد باشد و مذموم و ناپسند تلقی نشود. به این دلیل قید «به معروف» کافی نیست (طباطبایی، بی تا: ۳۳۰-۳۲۹).

- خداوند متعال در این خصوص می‌فرماید: «و هنگامی که زنان را طلاق دادید و به پایان عده خود نزدیک شدند، آنان را (با رجوع کردن) شایسته و متعارف نگه دارید یا (با ترک رجوع) به نیکی و خوشی رها کنید و آنان را برای آزار رساندن و زیان زدن نگه ندارید تا بر آنان تعدی و ستم کنید و هر که چنین کند قطعاً به خود ستم کرده است و آیات خدا را به مسخره نگیرد».

منظور از «وَلَا تُمَسِّكُوهُنَّ ضِرَارًا» این است که رجوع در دوران عده به قصد اضرار به زوجه نباشد. از آنجاکه قصد ضرر رساندن به غیر شرعاً حرام و ممنوع است، استفاده از حق با این انگیزه حرام است و باید از آن جلوگیری شود. مرد با این اقدام از فطرت انسانی خارج شده و در اصل دین الهی را مورد تمسخر قرار داده است. با این توضیح که احکام پروردگار یک سلسله قوانین خشک و غیرقابل انعطاف نیست که فقط به ظاهر آن عمل کرد بلکه در راستای سعادت انسان مبتنی بر مصالح عمومی است که مفاسد اجتماعی را برطرف می‌کند. این احکام همراه با اخلاق فاضله‌ای است که روح و جان را منزه و مطهر می‌کند و به وسیله آن معارف متعالی مانند توحید، ولایت و سایر اعتقادات در پرتو آنها به کمال می‌رسد؛ بنابراین شخصی که صرفاً به ظاهر احکام بسنده و اصل تشریح را نادیده بگیرد در واقع دین الهی را به سخره گرفته است (طباطبایی، بی تا: ۳۳۴).

از آنجایی که ما عدلیه هستیم و به حسن و قبح ذاتی اعتقاد داریم و احکام را تابع مصالح و مفاسد می‌دانیم، بر این باوریم که افعال بدون توجه به حکم شارع دارای ارزش ذاتی است، بعضی فی‌نفسه خوب؛ بعضی فی‌نفسه قبیح هستند و بعضی این دو وصف را ندارند. شارع صرفاً به آنچه خیر و نیکوست امر و از آن چه منکر و ناپسند است نهی می‌کند. بنابراین، صداقت به خودی خود خیر است و به دلیل حسن آن خدای متعال با آن امر داده است، نه به این دلیل که امر خداوند متعال به آن است، خوب دانسته شده است. دروغ به خودی خود قبیح است و به همین دلیل خدای تعالی آن را نهی کرد نه به دلیل این که خدای تعالی آن را حرام کرد قبیح شد (مظفر، ۱۹۸۳).

- حق تعالی در مورد اضرار در شیردادن می‌فرماید: «نباید مادری به خاطر فرزندش زیان ببیند و نه پدر برای فرزندش دچار ضرر شود». در تفسیر این آیه گفته شده مراقبت از فرزندان، حضانت، و شیردادن حق زن است، و مرد نباید باعث زحمت و صدمه زن شود. به علاوه، زن نیز نباید موجب مشقت و ناراحتی مرد شود و او را از دیدن فرزندان خود یا موارد مشابه منع کند (طباطبایی، بی تا: ۳۴۰).

- در آیه دیگری آمده است: «نباید به نویسنده و شاهد، (به خاطر حق‌گویی) زانی برسد». آیه شریفه ضرر زدن با قصد و تعمد را ممنوع اعلام کرده است. ورود زیان را امری ناپسند و مذموم که خروج از اطاعت پروردگار را همراه دارد معرفی می‌کند. نکته حائز اهمیت، قصد اضرار است که در این آیه و آیات فوق‌الذکر نهی شده است.



- شارع مقدس در مورد قصد اضرار در وصیت این چنین حکم داده‌اند: «بعد از انجام وصیتی که صورت گرفته یا دینی که باید از اصل مال پرداخت شود، در صورتی که فرد موصی با وصیت و اقرار به دین در وصیت خود به وراثت آسیب نزند. این سفارشی از سوی خدای دانا و بردبار است».

طبری درباره تفسیر وصیت غیر مضار می‌نویسد: «وصیت غیر مضار، وصیتی است که قصد اضرار به بستگان در آن نباشد» (بهرامی احمدی، ۱۳۷۰). آیه بر این دلالت دارد که وصیت به خودی خود مشروع است؛ ولی مطلق و تابع تشخیص موصی نیست، به این ترتیب که به هر نحو که تمایل داشته، هر چند که به قصد اضرار به ورثه باشد، تصرف کند. بنابراین، آیه در نهی از ضرر صریح است. وصیت مقید به عدم قصد ضرر رساندن به ورثه هر چند در حدود ثلث یا کمتر است. اگر موصی در وصیت خود قصد ضرر به ورثه خود را داشته باشد، وصیت از دایره مشروعیت خارج و به دایره گناهان کبیره وارد می‌شود.

- خداوند متعال می‌فرماید: «با سخت گرفتن و تحت فشار قراردادن زنان مطلقه به آنان ضرر نرسانید». از این آیات قرآنی تحریم قصد اضرار به دیگری اگر تنها انگیزه شخص آزار دیگران باشد، به طوری که با قصد دیگری، مانند قصد حصول منفعت نباشد، برداشت می‌شود. ذی حق با در سر پروراندن نیت سوء، از حق خود سوء استفاده می‌کند.

ب: معیار فقد مصلحت مشروع در آیات: در سوره توبه آیه ۱۰۷ می‌خوانیم: «و (از منافقان) کسانی هستند که بر پایه دورویی و نفاق، مسجدی ساختند برای آسیب رساندن و ترویج کفر و تفرقه افکنی میان مؤمنان». این آیه شریفه مصداق نوعی انگیزه نامشروع است که با عملی ظاهراً مشروع پنهان می‌شود. چراکه در ظاهر ساختن بنای مسجد امری مشروع است، لیکن انگیزه منافقان از تأسیس، به وجود آوردن شک و تردید در دل‌های مؤمنین و تفرقه و پراکندگی و تشویش اذهان آنها بود.

ج: معیار خروج از عرف در آیات: «بر شما نوشته شده زمانی که مرگ یکی از شما نزدیک شود، اگر چیز خوبی (مالی) از خود گذارده، به نفع پدر و مادر و نزدیکان به شایستگی وصیت کند. این حقی بر پرهیزکاران است». برخی مفسران «بالمعرف» را این چنین معنا کرده‌اند که بالمعروف چیزی است که نزد افراد عاقل به عنوان امری که در آن عدل و انصاف و خیر و صلاح وجود دارد شناخته می‌شود (طبرسی، ۱۳۶۷). در خصوص وصیت به معروف موصی، باید در حدود منطقی؛ عرف عقلایی، بدون اجحاف و سوء نیت اقدام کند. همچنین در آیه‌هایی که به تفریق یا رجوع به معروف تأکید شده است، منظور این است هنگامی که به انفصال یا رجوع نیاز وجود دارد این موارد در حد متعارف و با حسن نیت و رعایت انصاف انجام شود (طباطبایی، بی تا: ۲۳۴).

۳-۱-۲. معیار طلاق خودسرانه در روایات:

۳-۱-۲-۱. قصد اضرار در روایات:

- مبنای اصلی و عمده در باب نهی اضرار به غیر، روایتی مربوط به داستان سمره بن جندب است (بهرامی احمدی، ۱۳۷۰): «سمره بن جندب در باغ شخصی یک درخت خرما داشت. هر زمانی که سمره برای بازدید درخت خود می‌رفت، به خانواده او نگاهی می‌کرد. مرد از این مسئله ناراحت بود؛ بنابراین به پیامبر اسلام (ص) شکایت کرد. پیامبر (ص) سمره را به حضور خود فراخواند و به او فرمود فلان شخص از تو شکایت دارد. سپس پیامبر (ص) به او فرمود: آیا دوست داری در مقابل درخت خرما در بهشت درختی داشته باشی؟ سمره گفت: خیر. پیامبر (ص) ادامه داد: آیا دوست داری سه درخت داشته باشی؟ سمره باز هم گفت: خیر. در نهایت، پیامبر (ص) به او فرمود: به نظر می‌رسد تو قصد ضرر زدن به دیگران داری. به مرد دستور دادند که برو و آن درخت را بکن».

- از حدیث لاضرر و لاضرار فی الاسلام پیامبر مکرم اسلام (علیه السلام) نیز ضابطه قصد اضرار استنباط می‌شود. این حدیث به طور عام به کلیه صور ضرر اشاره دارد. ضرر هر چه باشد مذموم است. مقصود از این معیار، جلوگیری از قصد ضرر است، نه فقط جلوگیری از وقوع آن. در اینجا تأکید بر نیت ضرر رساندن و تمرکز قصد بر ورود ضرر است.

- در کتاب کافی کلینی از عقبه بن خالد از امام صادق (علیه السلام) در مورد شفعه شرکا در اراضی و مساکن اظهار داشتند، حضرت فرموده‌اند: «پیامبر (صلی الله علیه و آله) بین شرکا در اراضی و مساکن در رابطه با شفعه قضاوت کردند و فرمودند: «لاضرر و لاضرار» و در ادامه فرمودند وقتی که قسمت انجام و حدود مشخص شد دیگر حق شفعه نیست» (بهرامی احمدی، ۱۳۷۰).

- حدیثی از پیامبر به این مضمون نقل شده است که پیامبر فرمودند: «در اسلام ضرر و ضرار نیست. اسلام برای مسلمان خیر و برکت به ارمغان می‌آورد و از شر و بلا در امان می‌دارد». در ادامه می‌فرماید: «اسلام به بالاترین رتبه و درجه نائل می‌شود و هیچ‌کس نمی‌تواند بر آن برتری داشته و آن را مغلوب کند». (عاملی، بی تا)

۳-۱-۲-۲. عدم تناسب بین مصلحت ذی حق و ضرر دیگری در روایات: امام علی

علیه السلام می‌فرماید: «اجتناب السینات اولی من اکتساب الحسنات» دوری کردن از بدی‌ها برتر از انجام خوبی‌هاست (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۸۵)؛ امام علی (ع) باز تأکید نکردند: «افضل من اکتساب



الحسنات اجتناب السینات» برتر از کسب‌کردن نیکی‌ها، دوری‌گزیدن از بدی‌ها است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶).

۳-۲-۱-۳. معیار طلاق خودسرانه در دیدگاه فقها: استفاده از حق برای غرضی مخالف مقاصد شارع در دیدگاه فقها: برای ورود به بحث لازم است در ابتدا دیدگاه مفسرین آیات قرآن کریم نظیر علامه طباطبایی تبیین شود. علامه در تفسیر المیزان چنین نظر داده‌اند: غرض شارع از تشریح احکام رعایت مصالح و دفع مفاسد است. توجه صرف به ظاهر و کالبد احکام و غفلت از روح و حقیقت تشریح در واقع استهزاء دین و آیات الهی است (طباطبایی، بی تا). برخی از فقها برای تبیین موضوع، مسئله اعطای ولایت به ولی بر نفس و مال مولی‌علیه را بیان کردند. به نمونه‌ای از نظرات فقها در بحث ولایت بر نفس و مال اشاره می‌کنیم. امام خمینی در باب فلسفه ولایت ولی بر مولی‌علیه چنین فتوا دادند: «اگر پدر و جد پدری از ازدواج دختر با کفو و همتای او جلوگیری کنند و دختر تمایل به ازدواج با وی داشته باشد یا پدر و جد پدری حاضر نباشند به گونه‌ای که اخذ اذن آنان ممکن نباشد و در عین حال دختر نیاز به ازدواج داشته باشد، در این شرایط اذن پدر و جد پدری ساقط می‌شود» (خمینی، ۱۳۸۷).

- هر یک از پدر و جد پدری حق تزویج مولی‌علیه را دارند، اما شرط صحت و نفوذ عقد این است که تالی فاسد نداشته باشد و به مفسده منجر نشود، بالعکس مانند عقد بیگانه، فضولی محسوب می‌شود و مولی‌علیه خواه دختر یا پسر پس از بلوغ حق تنفیذ یا رد آن را دارد اگر بعد از بلوغ عقد پدر یا جد پدری را اجازه کرد صحیح است، بالعکس صحیح نخواهد بود. بلکه نزدیک‌تر به احتیاط آن است که پدر و جد پدری به نبودن مفسده اکتفا نکنند؛ بلکه وجود مصلحت را رعایت کنند (خمینی، ۱۳۸۷).

شارع ولایت بر جان و مال مولی‌علیه را وضع کرد تا خیر و مصلحت مولی‌علیه در مال و جان او مراعات شود، به عبارت دیگر فلسفه و هدف اعطای حق ولایت به پدر و جد پدری حفظ مصلحت مولی‌علیه است. دامنه حمایت از حق محدود به رعایت مصلحت و عدم اضرار به مولی‌علیه است. چنانچه دلایل یا قرآنی نشان‌دهنده انحراف ولی از مسیر اصلی، غایت و هدف شارع وجود داشته باشد، اقدامات او خودسرانه محسوب می‌شود شریعت اسلام از تصرفات وی جلوگیری می‌کند.

با عنایت به جمیع مطالب بیان شده و نظر به اینکه طلاق خودسرانه مصداقی از سوءاستفاده از حق است، می‌توان معیارها را به شرح زیر بر طلاق خودسرانه تطبیق داد:

الف) طلاق به قصد اضرار: زوج هنگامی در استفاده از حق طلاق خودسر تلقی می‌شود که قصد وی آزار زوجه باشد. تمرکز صرفاً به نیت و قصد ورود ضرر است. خداوند تبارک و تعالی حقوق را تشریح

نکرده است که وسیله‌ای برای آزار دیگران باشد. سپردن حق طلاق تحت سلطه زوج، مجوز آزار رساندن به دیگران نیست.

ب) فقد مصلحت مشروع: این ملاک نیز به قصد صاحب حق برمی‌گردد. اگر اعمال حق آغشته به لجاجت و خودخواهی، انتقام‌جویی یا از باب قدرت‌نمایی و سایر اهداف غیرانسانی و اخلاقی باشد، این معیار احراز می‌شود. برای مثال زوجین زندگی زناشویی مسالمت‌آمیز داشته باشند و اختلاف و تنفر نباشد، لیکن زوج به انگیزه انتقام‌جویی از خانواده‌ی زوجه و ورود ضرر، به طلاق مبادرت کند.

ج) عدم تناسب در مصلحت و ضرر در طلاق: این معیار به تعادل بین مصلحت عایدی صاحب حق طلاق که مرد است و پیامدهای استفاده وی از حق مربوط می‌شود. اگر مابین مصلحت ذی حق و ضرر وارده به زوجه تناسب و تعادل برقرار نباشد؛ به این ترتیب که ضرر تحمیلی با مصلحت برابر یا بیشتر باشد، آن اقدام ممنوع است. مرد در اینجا مصلحت و منفعت خاصی در طلاق زن دارد اما این مصلحت و منفعت در مقابل ضرر وارده ناچیز است.

مانند این که مرد چهار زن در قید زوجیت داشته باشد، لیکن به ازواج با زن دیگری تمایل داشته باشد، در این حالت با مانع شرعی مواجه است. چراکه شرع از دواج را برای مرد تا چهار مرتبه تجویز کرده است؛ بنابراین یکی از همسرانش را طلاق می‌دهد تا با زن دیگری از دواج کند، در اینجا شوهر قصد آزار آن زن را نداشته است، بلکه با طلاق از او مطابق مصلحت خود گام برداشته است، اما باعث وارد شدن صدمه شدید به مطلقه در ازای دستیابی به یک منفعت شخصی ناچیز و نامتناسب شده است. تمایز این معیار از معیار فقدان مصلحت مشروع در این است که در حالت فقد مصلحت، نفس انگیزه حرام و ممنوع است، لیکن در این معیار غرض حرام نیست؛ اما بی‌اهمیت و ناچیز است.

د) استفاده از حق طلاق برای غرضی مخالف غرض شارع باشد: خداوند تبارک و تعالی طلاق را به‌عنوان راهکار نهایی بنا بر مصالحی در زمانی که اختلاف مابین زوجین بالا گیرد و مصالحه غیرممکن باشد، تشریح کرد. هنگامی که زوج، حکمت مشروعیت طلاق را زیر پا بگذارد و زن خود را بدون دلیل موجه یا قابل قبول طلاق دهد، در استفاده از حق خودسر تلقی می‌شود. برای مثال بعد از سپری شدن مدتی کوتاه از انعقاد عقد زوجیت، زوجه را بدون دلیل موجه طلاق دهد و با این اقدام زوجه را در مظان اتهام قرار می‌دهد و در نهایت شانس و فرصت از دواج دوباره وی را به حداقل برساند.

ه) مخالفت با عرف: برای احراز خودسری زوج در انشای طلاق می‌توان از عرف مدد جست. به این ترتیب که قاضی محکمه در تشخیص، به عرف عقلاً مراجعه کند. آیا مرد متعارف در اوضاع و احوال و



شرایط موجود به طلاق زن خود مبادرت می‌کند یا خیر؟ مرد عاقل، بالغ و رشید به جز در مواردی که دلیل موجه و مشروعی اقتضای آن را ایجاب کند، به طلاق اقدام نمی‌کند؛ بنابراین فقد این توجیه، طلاق را در زمره طلاق خودسرانه قرار می‌دهد.

۲-۳. حقوق عراق: قانون‌گذار عراقی در در بند ۳ ماده ۳۹ قانون احوال شخصیه، صرفاً حکم و شرایط جبران خسارت در طلاق خودسرانه را پیش‌بینی کرده است، لیکن ضابطه شناسایی طلاق خودسرانه را تعیین نکرده است. در ماده ۶ قانون مدنی اصلاحی مصوب ۱۹۵۱ مقرر شد: «یک اصل مهم این است که جواز شرعی با ضمان منافات دارد. پس هرکس از حق خود به نحو مباح استفاده کند، مسئول هر گونه خسارت ناشی از آن نخواهد بود». باین حال، ماده ۷ این اصل را به اینکه استفاده از حق خودسرانه نباشد، محدود کرده است (رحان، ۲۰۲۱-۲۰۲۰).

ماده ۷ قانون مدنی اصلاحی مصوب ۱۹۵۱ ملاک ارزیابی برای کلیه اشکال سوءاستفاده از حق ارائه کرده است. ماده قانونی مذکور اشعار می‌دارد: هرکس که از حق، استفاده غیرمجاز کند، ضمانت جبران به عهده اوست. موارد زیر تحت شمول استفاده غیرمجاز از حق قرار می‌گیرد

- در استفاده از حق صرفاً قصد اضرار داشته باشد.
- مصلحتی که تمایل به دستیابی به آن را داشته باشد، بی‌اهمیت باشد، به طوری که با ضرر وارده به دیگری تناسب نداشته باشد.
- مصلحت موردنظر غیر مشروع باشد.

به دلیل فقد ضابطه کافی برای شناسایی طلاق خودسرانه به عنوان معیار راهنمای قاضی محکمه، حقوق‌دانان به استناد ماده مذکور معیارهایی برای طلاق خودسرانه به شرح زیر ارائه داده‌اند (زاهد، بی تا).

۱- قصد اضرار از طریق انجام اعمال مباح یا مستحب یا مکروه: برای مثال چنانچه ازدواج مجدد زوج به نیت اضرار به زوجه اولش باشد، در این حالت زوج خودسر محسوب می‌شود. همچنین اگر زوجه را به قصد اضرار به او یا خانواده‌اش طلاق دهد. این امور هر چند بنا بر حکم اولی جایز هستند؛ لیکن چون با انگیزه شوم اضرار انجام شده است و با حسن نیت و مطابق غرض شارع اعمال نشده است، عمل مستبدانه حرام تلقی می‌شود. این حرمت مطابق سد ذرایع نیز قابل توجیه است.

۲- غرض ذی حق غیر مشروع و مخالف غرض شارع حکیم باشد: مانند اینکه شخصی با مطلقه‌ای که سه بار طلاق داده شده، با نیت محلل کردن ازدواج او با همسر سابقش ازدواج کند و سپس آن زن را طلاق دهد. حکم این مورد نیز مانند حکم مذکور در فوق است.

۳- تحقق مصلحت مشروع یا دفع ضرر از خود را اراده کرده است، لیکن منتج به ورود ضرر بزرگتر به دیگری، نسبت به مصلحت به دست آمده یا ضرر دفع شده از خود است: مانند اینکه طلاق زوجه به دلیل رغبت به ازدواج با زن دیگری باشد. در اینجا مصلحتی در کار است، اما ضرر وارده به زوجه او بزرگتر خواهد بود. بنابراین، حکم تکلیفی در موضوع حرمت ذاتی یا عرضی است.

کلیه این موارد به قاعده سد ذرایع برمی گردد. زیرا هر عمل مباحی که به مفسده منتهی شود، به استناد سد ذرایع باید ممنوع اعلام شود. مانند اینکه بیع سلاح فی نفسه جایز است. لیکن با فروختن به منافقان و اهل فتنه حکم منقلب و به حرمت تبدیل می شود. دروغ از گناهان کبیره و حرام است، اما اگر برای اصلاح ذات از بین گفته شود جایز و مشروع است. طلاق به خودی خود یا مباح یا مکروه است؛ لیکن چنانچه به قصد اضرار باشد، به خصوص چنانچه زوج غرض نامشروعی را در سر پیرواند، حکم اباحه به حرمت تبدیل می شود. برای مثال زوجه خود را بدون عذر موجه و با علم به عدم وجود شخصی که تکفل او را به عهده گیرد طلاق دهد. در این حالت حکم ثانوی حرمت، نقش مهمی را ایفا می کند. یا اینکه در طلاق قصد مشروعی مانند کسب رضایت والدین یا رضایت زوجه نخست را داشته، اما ضرر وارده به مطلقه، بزرگتر و غیر قابل تحمل باشد. یا اینکه طلاق زوجه در موقعیت اجتماعی او مؤثر باشد. یا شرایطی زوجه را طلاق دهد که برای مردم این شبهه را ایجاد کند که به دلیل اعمال خلاف عفت طلاق داده شده است. در همه این موارد چنانچه صاحب حق از حق خود به طور مشروع استفاده کند، حکم اولی اباحه و صحت است و مسئولیتی نخواهد داشت. لیکن چنانچه آغشته به قصد اضرار و سایر امور ذکر شده باشد، ممنوع است. در عمل محاکم با بررسی محتوای پرونده، نتایج مطالعه، محلی دفاعیات، اظهارات طرفین و با لحاظ معیارهای مذکور در فوق در طلاق را خودسرانه یا غیر خودسرانه تشخیص و رأی صادر می کنند.

۳-۳. حقوق الجزایر: قانون گذار الجزایری به موجب ماده ۱۲۴ قانون مدنی اصلاحی

۲۰۰۵/۰۶/۲۰ معیار سوء استفاده از حق شرعی را تعیین کرده است (رقیق، جعجع، ۲۰۲۰-۲۰۱۹).

در ماده مذکور آمده است: استفاده خودسرانه از حق به ویژه در موارد زیر تقصیر است:

- اگر به قصد ضرر رساندن به دیگران باشد.
- اگر هدف کسب منفعت ناچیز، نسبت به ضرر وارده به دیگران باشد.
- اگر هدف کسب منفعت غیر قانونی و غیر مشروع باشد.



از این متن و بخصوص قید واژه «به‌ویژه» روشن می‌شود که قانون‌گذار موارد سوءاستفاده از حق را از باب تمثیل، و نه منحصر به آن، درج و به معیارهایی اشاره کرده است که به موجب آن استفاده خودسرانه از حق تقصیر تلقی می‌شود (بلحاج العربی، ۲۰۱۴: ۱۲۶-۱۲۹).

بنابراین، صاحب حق در استفاده از آن خودسر تلقی نمی‌شود و مسئولیتی نخواهد داشت، مگر اینکه سوءاستفاده او مشمول یکی از موارد سه‌گانه ماده ۱۲۴ قانون مذکور یا مصادیق مشابه باشد. این موارد عام است و شامل کلیه حقوق می‌شود. در واقع مقنن دو معیار شخصی و موضوعی را برای تمییز عمل تعیین کرده است. در زیر این دو معیار توضیح داده خواهد شد.

الف- معیار شخصی: (در بند اول این ماده گنجانده شده است). این معیار مربوط به نیت یا انگیزه شخصی است. این که قصد ضرر تنها انگیزه صاحب حق در استفاده از آن است، موضوعی باطنی و روانی است که مستقیماً قابل اثبات نیست. بنابراین، قاضی باید از عدم وجود مصلحت و منفعت صاحب حق در استفاده او از حقتش به نتیجه برسد.

ب- معیار موضوع: این معیار مبتنی بر تعادل بین منافع موردنظر و ضرری است که متوجه دیگران می‌شود. صاحب حق در استفاده از حق خود، هنگامی خودسر تلقی خواهد شد که منافعی که قصد دستیابی به آن را دارد ناچیز باشد و با آسیبی که به خاطر دستیابی به آنها متوجه دیگران می‌شود، تناسبی نداشته باشد. این مهم در بند دوم ماده مذکور منعکس شده است. اما مطابق بند سوم، صاحب حق در فرضی خودسر تلقی می‌شود که هدف آن دستیابی به مصلحت نامشروعی باشد که با یکی از احکام قانون مغایرت داشته یا با نظم عمومی یا اخلاق حسنه در تعارض باشد.

با رجوع به قانون خانواده الجزایر، به‌ویژه ماده ۵۲ اصلاحی مورخ ۲۰۰۵ متوجه می‌شویم که قانون‌گذار ضوابطی را که بر اساس آن طلاق خودسرانه تشخیص داده شود، را تعیین نکرده است. اما چنین برداشتی می‌شود که قانون‌گذار به قضات محکمه اختیار و صلاحیت تام در تشخیص خودسری زوج در طلاق اعطا کرده است. در اینجا سؤالی که به ذهن خطور می‌کند این است که قاضی چگونه بین استفاده از حق طلاق توسط زوج و نتایج این استفاده توازن و تعادل ایجاد می‌کند؟ چرا که در استفاده از هر حقی توسط ذی حق بالطبع ضرری به دیگری وارد می‌شود. در ماده ۵۲ قانون خانواده الجزایر آمده است: اگر برای قاضی سوءاستفاده زوج در طلاق احراز شود، حکم جبران ضرر وارده به نفع زن مطلقه صادر می‌کند (محمد جانم، ۲۰۱۳).

بنابراین، به دلیل اختیارات گسترده قاضی، او صلاحیت احراز این موضوع را دارد که آیا دلایل روانی که باعث طلاق شده، واقعاً موجه بوده یا صرفاً توهمات و زاینده تخیلات زوج است و زوجه هیچ نقشی نداشته است؟ (الیاس، ۲۰۱۰-۲۰۰۹)

در امور خانواده به ویژه در دعاوی طلاق، قاضی موظف است جلسات محرمانه مصالحه را که فقط دو طرف دعوا در آن حضور دارند، تشکیل دهد. این اقدام به موجب متن ماده ۴۹ قانون خانواده که مقرر می‌دارد: «طلاق ثابت نمی‌شود مگر پس از تشکیل چندین بار جلسه مصالحه توسط قاضی بدون تجاوز از مدت ۳ ماه از تاریخ طرح دعوی طلاق» ضروری تلقی می‌شود. بنابراین، جلسات سازش یا به قول برخی حقوق دانان مذاکره شخصی، صرفاً اجرائیات صوری یا شکلی در دعوی طلاق نیست، بلکه از اجرائیات اساسی و الزامی است که قاضی علی‌رغم عدم درخواست طرفین دعوی ملزم به تشکیل جلسات مصالحه و سازش است.

دیوان عالی کشور در رأی که در تاریخ ۱۹۹۱/۶/۱۸ صادر کرد حکم طلاق را بدون تشکیل جلسات مصالحه بین دو طرف توسط قاضی را لغو کرد در این رأی مقرر کرد که: «بنا بر نص قانونی طلاق ثابت نمی‌شود، مگر بعد از جهد و مساعی به سازش توسط قاضی، بنابراین قضاوت بر خلاف این اصل خطا در تطبیق قانون محسوب می‌شود» (بلحاج العربی، ۲۰۰۶).

این رویه از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا در واقع به قاضی با قدرت اختیاری خود این امکان را می‌دهد که موقعیت زن یا مرد را جدا از آنچه در دادخواست‌ها یا دفاعیات آنها قید شده است، بررسی کند و با بررسی دقیق امور با حضور طرفین، (موضوعات را که برخی از امور شخصی هستند و در ملاء عام آشکار نمی‌کنند) و با رعایت مفاد ماده ۱۲۴ مکرر قانون مدنی تشخیص می‌دهد که طلاق خودسرانه بوده یا خیر (بلحاج العربی، ۲۰۰۶).

اگر زوج خواستار طلاق باشد؛ لیکن نتواند آن را توجیه یا سکوت اختیار کند، نیز طلاق خودسرانه تلقی می‌شود (الیاس، ۲۰۱۰-۲۰۰۹). در این خصوص دیوان عالی کشور در رأی خود در تاریخ ۱۹۹۹/۶/۱۵ مقرر کرد: «قانوناً مرد حق انشای طلاق با اراده خود را دارد؛ بنابراین تجدیدنظر خواهی از رأی مورد اعتراض غیر موجه است. در پرونده حاضر برای قاضی محرز شد که مرد بدون ارائه دلایلی که او را وادار به طلاق کرده است، (بر خلاف مردانی که توجیهاتی برای سلب مسئولیت ارائه می‌کنند)، مسئولیت طلاق را بر عهده دارد و بر این اساس حکم بر طلاق خودسرانه صادر کرده است، رأی صادره صحیح و مطابق قانون است» (الیاس، ۲۰۱۰-۲۰۰۹).



بنابراین، در حقوق الجزایر مرد شرعاً و قانوناً حق در خواست طلاق از محکمه دارد. مقام قضاوت خواسته وی را اجابت می‌کند؛ لیکن موظف به بررسی علل و دلایل طلاق است. چنانچه زوج دلایل مشروع و مقبول ارائه نکند یا سکوت اختیار کند یا مورد از مصادیق مندرج در ماده ۱۲۴ قانون مدنی باشد، حکم به طلاق خودسرانه صادر می‌کند و مرد مسئولیت پیامدهای ناشی از طلاق را به دوش خواهد کشید. در زیر چگونگی تطبیق ضوابط مندرج در ماده ۱۲۴ قانون مدنی در طلاق خودسرانه را توسط قضات محاکم توضیح می‌دهیم (سعاد، ۲۰۱۴).

۱-۳-۳. معیار شخصی:

الف) معیار قصد اضرار به دیگری: و آن زمانی است که مرد به قصد آزار زوجه، بدون دلیل مشروع او را طلاق دهد. مثلاً او را به انگیزه انتقام و نفرت یا ازدواج با دیگری بدون رعایت مفاد قانون خانواده الجزایر در موضوع تعدد زوجات، یا در بیماری متصل به مرگ، قصد سلب ارث داشته باشد. اگر ثابت شود که طلاق او به قصد ضرر زدن به زوجه است، رفتار خودسرانه، او را مسئول جبران ضرر وارده خواهد کرد. از آنجایی که اثبات قصد اضرار که امری باطنی و درونی است بسیار مشکل است، در جایی که هیچ منفعت و مصلحتی از طلاق حاصل نمی‌شود و یا مصلحت مورد نظر دست‌یابی به طلاق، ناچیز باشد و دلیل بر آن شمرده نشود و با عواقب آن هم تناسبی نداشته باشد، همه این موارد قرینه و اماره بر قصد ضرب‌زدن به زن تلقی می‌شود.

ب) معیار انگیزه دستیابی به منفعت نامشروع: شارع طلاق را به‌عنوان راه‌حل نهایی در مواردی که بین همسران اختلاف و درگیری پیش آید به‌نحوی که ادامه زندگی زناشویی را بین آنها غیرممکن سازد و بقای رابطه زوجیت مفسده بزرگ‌تر و ضرر عظیم را باعث خواهد شد، تجویز کرد. ایقاع آن در غیر این موارد باهدف شارع منافات دارد.

۲-۳-۳. معیار موضوعی:

الف) معیار عدم تعادل بین منافع متضاد: اگر زوج بنا به دلایلی که توجیه‌کننده طلاق است و برای دفع ضرر از خود با حفظ تعادل بین منافع حاصل از طلاق و آسیب‌های وارده به زن و فرزندان، به طلاق اقدام کند، طلاق او به‌دور از انتقاد است. لیکن چنانچه مفساد و مضرات بیشتر از منفعت مطلوب زوج در طلاق باشد، زوج در استفاده از حق خود خودسر خواهد بود.

ب) معیار ضرر فاحش: ممکن است طلاق به زوجه ضررهای قابل‌توجهی وارد کند، به‌ویژه اگر مدت طولانی از ازدواج گذشته باشد و زن در سنین پایانی عمر خود با تأمین نفقه از طرف شوهر، به او متکی

باشد. در این شرایط، زن نیاز مبرم به کسی دارد که هزینه‌هایش را تأمین کند و از درد تنهایی، جدایی و دشواری‌های زندگی بکاهد. اگر زوج به واسطه طلاق زن به وی آسیب‌های قابل توجهی وارد کند، قانون برای جبران خسارات و تسکین ناراحتی‌ها و اندوه ناشی از جدایی آنها مرد را مکلف به جبران خسارت کرده است.

نتیجه‌گیری

مطالعه تطبیقی معیار طلاق خودسرانه در سه نظام حقوقی ایران، عراق و الجزایر اثبات می‌کند که استفاده از حق طلاق مطلق نیست، بلکه ذی حق در مقام اجرای حق باید هم‌راستا با فلسفه تأسیس این نهاد اقدام کند، در غیر این صورت خودسر محسوب و مسئولیت پیامدهای ناشی از اعمال خود را بدوش خواهد کشید.

در نظام حقوقی ایران نهاد طلاق خودسرانه و معیارهای آن مغفول مانده است. تعیین محدوده اعمال حق با ارائه ضابطه‌های دقیق به تبیین مفهوم ماهیت طلاق خودسرانه مساعدت می‌کند؛ راهگشای تمییز طلاق خودسرانه از غیر آن و راهنمای قاضی محکمه در تحقق عدالت اجتماعی خواهد بود. چراکه اثبات خودسری زوج در طلاق مسئولیت مالی را بر دوش او تحمیل می‌کند.

بررسی آیات قرآن کریم؛ روایات؛ فتاوی فقها نشان می‌دهد که شرع اسلام، سلطه مطلق مرد نپذیرفته و ورود ضرر را نفی کرده است. معیارهای قصد اضرار، فقد مصلحت مشروع، تعارض با غرض شارع، عدم تناسب مصلحت و ضرر، ضرر فاحش و مخالفت با عرف به عنوان معیارهایی برای طلاق خودسرانه از منابع مذکور قابل استخراج است.

قانون‌گذار عراقی در قانون احوال شخصیه که مشتمل بر حقوق خانواده است، در بند ۳ ماده ۳۹ صرفاً حکم و شرایط جبران خسارت در طلاق خودسرانه را پیش‌بینی کرده است، لیکن ضابطه شناسایی طلاق خودسرانه را تعیین نکرده است. ماده ۷ قانون مدنی اصلاحی ۱۹۵۱ ملاک ارزیابی برای کلیه اشکال سوء استفاده را تعیین و موارد زیر را تحت شمول استفاده غیر مجاز از حق قرار داده است.

۱- در استفاده از حق صرفاً قصد اضرار داشته باشد. ۲- مصلحتی که تمایل به دستیابی به آن راداشته باشد، بی‌اهمیت باشد، به طوری که با ضرر وارده به دیگری تناسب نداشته باشد. ۳- مصلحت موردنظر غیر مشروع باشد.

به دلیل فقد ضابطه کافی برای شناسایی طلاق خودسرانه به عنوان معیار راهنمای قاضی محکمه، قضات محاکم با لحاظ ماده قانونی مذکور طلاق خودسرانه را شناسایی می‌کند.



نظام حقوق الجزایر در ماده ۱۲۴ قانون مدنی دو معیار شخصی (ذاتی) که مربوط به قصد و نیت باطنی سوق‌دهنده ذی‌حق به اقدام و موضوعی (مادی) که ناظر بر میزان تعادل بین منافع که عاید ذی‌حق شده و ضرر و مفسده ناشی از آن است را به‌عنوان فاکتور تشخیص استفاده خودسرانه از حق پیش‌بینی کرده است. قصد اضرار به دیگری و انگیزه دست‌یابی به منفعت نامشروع، در زیر معیار شخصی و عدم تعادل بین منافع متضاد و ضرر فاحش تحت معیار موضوعی گنجانده شده است.

در قانون خانواده الجزایر به‌ویژه ماده ۵۲ که به طلاق خودسرانه اختصاص داده شده است، معیار تشخیص که مختص طلاق خودسرانه باشد، تعیین نشده است. لیکن در رویه عملی، قضات محاکم با توجه به تکلیف مقرر در ماده ۴۹ راجع به لزوم تشکیل جلسات مصالحه و بررسی علل و دلایل طلاق و با رعایت ضوابط مقرر در ماده ۱۲۴ قانون مدنی حکم به طلاق خودسرانه و غیر آن را صادر می‌کنند.

ملاحظات اخلاقی

در نگارش این پژوهش امانت رعایت شده است. در جمیع مطالب اتخاذی از منابع دیگر، به منبع مأخوذ ارجاع داده شده است.

رعایت اخلاق پژوهش: اعم از رضایت آگاهانه، محرمانگی اطلاعات شخصی شرکت‌کنندگان، رعایت امانت در نقل قول‌ها و استنادات به‌ویژه در پژوهش‌های کیفی و مانند آن رعایت شده است. **حمایت مالی:** پژوهش حاضر تحت حمایت مالی هیچ نهادی نبوده است. **سهام نویسندگان:** پژوهش حاضر مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول در دانشگاه شهید بهشتی است. نگارش رساله با راهنمایی و مشاوره نویسندگان دوم و سوم بوده است. سهم همه نویسندگان در این پژوهش یکسان است.

تضاد منافع: این پژوهش مستقیم یا غیرمستقیم با منافع شخص یا سازمان خاصی تعارض ندارد. **تشکر و قدردانی:** از نویسندگان دیگر این پژوهش که سمت اساتید راهنما و مشاور رساله بنده را داشتند، برای راهنمایی ارزنده و مفید تشکر و قدردانی می‌کنم. **دسترسی به داده‌ها:** به دلیل نوع و روش پژوهش مورد استفاده، هیچ داده‌ای در طول این مطالعه تولید یا تجزیه و تحلیل نشد.

منابع

- ایمن، مصطفی‌الدباغ، (۲۰۱۴)، التعسف فی الطلاق، المجلد الثامن عشر، مجلة جامعة الأقصى، العدد الأول. بلحاج العربی، (۲۰۱۴)، النظرية العامة للالتزام فی القانون المدنی الجزائری، ج ۲، ط ۶، بن عكنون - الجزائر. بلحاج العربی، (۲۰۰۶)، قانون الأسرة مع تعديلات الأمر ۰۵-۰۲ ومعلقا علیه بمبادئ المحكمة العليا خلال أربعين سنة، ۲۰۰۶-۱۹۶۶ دیوان المطبوعات الجامعية.

بلحورابی، سعاد، (۲۰۱۴)، نظریه التعسف فی استعمال الحق و تطبیقها فی الفقه الاسلامی و القانون الوضعی الجزائری، مذکره للنیل شهاده الماجستر، جامعه مولود معمري - تیزی وزو.
بن زیطه عبد الهادی، (۲۰۰۵-۲۰۰۶) تعویض الضرر المعنوی فی قانون الأسرة الجزائری والفقه الإسلامی، دراسة لنماذج تطبیقیة مذکره مکملہ لنیل شهاده الماجستير التخصص العلوم الاسلامیه السنه الجامعیه.

بهرامی احمدی، حمید، (۱۳۷۰)، سوءاستفاده از حق مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام و دیگر نظام های حقوقی، چ دوم، تهران، انتشارات اطلاعات.

بن عماره صوریه رانیا، (۲۰۱۹-۲۰۲۰)، الطلاق التعسفی فی قانون الاسره الجزائری، مذکره نهاییه للدراسة لنیل شهاده الماستر جامعہ عبد الحمید بن بادیس مستغانم، کلیة الحقوق والعلوم السیاسیة، السنه الجامعیه.
تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، (۱۳۶۶)، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، محقق، مصحح، درایتی، مصطفی، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

جمیل فخری محمد جانم، (۲۰۱۳)، التدابیر الشرعیة للحد من الطلاق التعسفی فی الفقه والقانون، عمان - الأردن، دار الحامد للنشر والتوزیع.

جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۸)، مبسوط ترمینولوژی، ج ۳، تهران، گنج دانش، چاپ اول.
جرعاملی، محمد بن حسن، (بی تا)، تفصیل الوسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۲۶، باب اول از ابواب ارث، موسسه ال بیت علیهم السلام الاحیاء التراث.

خمینی، سیدروح الله، (۱۳۸۷)، تحریر الوسیله، ج چهارم، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ دوم، موسسه انتشارات دارالعلم.

رحان عبدالله محمد، (۲۰۲۰-۲۰۲۱)، الطلاق والحقوق المالیة للمرأة المطلقة دراسة تحليلیة مقارنة فی ضوء قانون الاحوال الشخصیة العراق، القانون والسیاسه، جامعه نوروز، کردستان العراق، ۱.

شهیدی، مهدی، (۱۳۸۵)، مجموعه مقالات حقوقی، تهران، مجد.
طباطبایی، سید محمد حسین، (بی تا) تفسیر المیزان، جلد ۲، ترجمه مصباح یزدی، محمد تقی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.

طباطبایی، سید محمد حسین، (بی تا)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، منشورات جامعه المدرسین فی حوزه العلمیه قم.

طبرسی، امین الدین ابوعلی الفضل بن الحسن، (۱۳۶۷)، تفسیر جوامع الجامع، جلد اول، چاپ دوم تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

طاهری، محمد علی، (۱۳۸۴) دانشنامه حقوق خصوصی، ج ۲، تهران، انتشارات محراب فکر، چاپ اول.
ظفری، فرخندخت، (۱۳۵۳) طلاق در قانون کنونی ایران، رساله دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا، دانشگاه ملی ایران.

عبدالامیر کاظم زاهد، السلطه التقديریه لقاضی احوال الشخصیه نفقه الطلاق التعسف دراسة اصولیه فی الفقه الاسلامی و قانون احوال الشخصی العراقی، جامعه امام صادق قسم القانون، الدراسات الادیان، عدد ۴۰.



- مجید، عمی العبدی، (٢٠٠٩)، الطلاق التعسفی فی الشریعہ والقانون، مجلہ جامعہ الانبار العلوم الاسلامیہ، المجلد الأول، العدد الثالث.
- مسعوده، بودیه، (٢٠١٦-٢٠١٥)، الطلاق التعسفی در اسه مقارنه بین الفقه الاسلامی و قانون الاسره الجزائری، مذکره مکمله لمقتضیات نیل شهاده الماستر، جامعہ محمد بو ضیاف بالمسیله.
- مسعوده، نعیمه الیاس (٢٠١٠-٢٠٠٩)، التعویض عن الضرر فی بعض مسائل الزواج و الطلاق، رسالہ لنیل شهادة الدكتورا فی القانون الخاص الجزائر، جامعہ ابي بكر بلقايد - تلمسان.
- مظفر، محمدرضا، (١٤٠٣ هـ - ١٩٨٣ م)، اصول الفقه، المجلد الاول، الطبعة الرابعه بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- مطهری، مرتضی، (١٣٧٣)، نظام حقوق زن در اسلام، انتشارات صدرا موسسه چاپ و صحافی، چاپ هجدهم وسیله، رقیق، کریمه، جعيج، (٢٠٢٠-٢٠١٩)، احکام الطلاق التعسفی فی القانون الجزائری، مذکره مقدمه لنیل الشهاده الماستر اکادمی الجمهوریة الجزائریة، میدان الحقوق والعلوم السیاسیة تخصص حقوق الاسره، جامعہ محمد بو ضیاف المسیله.

References

- Abdul Amir K., *The Discretionary Authority of the Personal Status Judge in Alimony for Arbitrary Divorce: A Fundamental Study in Islamic Jurisprudence and Iraqi Personal Status Law*, Imam Sadiq Society - Law Department, Religious Studies, Issue 40. (text in Arabic)
- Ayman, M. (2014). *Arbitrariness in Divorce*, Volume Eighteen, Al-Aqsa University Journal, Issue One. (text in Arabic)
- Bahrami Ahmadi, H. (1991). *Abuse of the Right to Study: A Comparative Study in Islamic Law and Other Legal Systems*, 2nd Edition, Tehran, Entesharat-e Ettela'at Publications. (text in Persian)
- Belhadj A. (2006). *Family Law with Amendments of Order 05-02 and Annotated with the Principles of the Supreme Court Over Forty Years, 2006-1966*, University Publications Council. (text in Arabic)
- Belhadj A. (2014). *General Theory of Obligation in Algerian Civil Law*, Volume 2, 6th Edition, Ben Aknoun - Algeria. (text in Arabic)
- Belhourabi, S. (2014). *The Theory of Arbitrariness in the Exercise of Right and its Application in Islamic Jurisprudence and Positive Law in Algeria*, Master's Thesis, University of Mouloud Mammeri - Tizi Ouzou. (text in Arabic)
- Ben A. & Souria R., (2019-2020). *Arbitrariness in Divorce in Algerian Family Law*, Final Thesis for the Master's Degree, Abdelhamid Ibn Badis University Mostaganem, Faculty of Law and Political Science, Academic Year. (text in Arabic)
- Ben Zita A. (2006-2005). *Compensation for Moral Damage in Algerian Family Law and Islamic Jurisprudence*, A Study of Practical Applications, Supplementary Thesis for the Master's Degree in Specialized Islamic Sciences, Academic Year. (text in Arabic)
- Har'amli, M., (no date). *Tafsir al-Wasa'il al-Shi'a ila Tahqiq Masa'il al-Shari'ah*, Volume 26, First Chapter on the Issues of Inheritance, Al-Bayt Institute for the Revival of Heritage. (text in Arabic)
- Jafary Langroudi, M.J. (1999). *Comprehensive Terminology*, Volume 3, Tehran, Ganj Danesh Publications, First Edition. (text in Persian)

- Jamal Fakhri M.J., (2013). *Sharia Measures to Curb Arbitrary Divorce in Jurisprudence and Law*, Amman - Jordan, Dar Al-Hamid for Publishing and Distribution. (text in Arabic)
- Khomeini, S.R. (2008). *Tahreer al-Wasilah, Volume Four, Translated by Sayyid Mohammad Baqer Musavi Hamadani*, Second Edition, Dar al-'Ilm Publications Institute. (text in Persian)
- Majid, U. (2009). Arbitrariness in Divorce in Sharia and Law, *Journal of Anbar University for Islamic Sciences*, Volume 1, Issue 3. (text in Arabic)
- Masouda, B. (2016-2015). *Arbitrary Divorce: A Comparative Study between Islamic Jurisprudence and Algerian Family Law*, Supplementary Thesis for the Master's Degree, University of Muhammad Boudiaf in M'sila. (text in Arabic)
- Masouda, N.E. (2010-2009). *Compensation for Damages in Some Marriage and Divorce Issues: A Dissertation for the Doctorate in Private Law*, Abi Bakr Belkaid University - Tlemcen. (text in Arabic)
- Motahhari, M. (1994). *The Legal System for Women in Islam*, Sadr Publishing Institute, Eighteenth Edition. (text in Persian)
- Muzaffar, M.R. (1983). *Principles of Jurisprudence*, Volume One, Fourth Edition, Beirut, Dar al-Ta'aruf for Publications. (text in Arabic)
- Rahan A.M. (2021-2020). Divorce and Financial Rights of the Divorced Woman: A Comparative Analytical Study in Light of the Personal Status Law of Iraq, *Law and Politics Journal*, University of Nourouz, Kurdistan, Iraq, Issue 1. (text in Arabic)
- Shahidi, M. (2006). *Collection of Legal Articles*, Tehran, Moj. (text in Persian)
- Tabarsi, A., (1988). *Tafsir Jawami' al-Jami*, Volume One, Second Edition, Tehran, University of Tehran Publications. (text in Persian)
- Tabatabai, S.M.H. (no date). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*, Volume 2, Publications of the Society of Teachers in the Qom Seminary. (text in Persian)
- Tabatabai, S.M.H. (no date). *Tafsir al-Mizan*, Volume 2, Translated by Misbah Yazdi, Mohammad Taqi, Alameh Tabatabai Scientific and Intellectual Foundation. (text in Persian)
- Taheri, M.A. (2005). *Encyclopedia of Private Law*, Volume 2, Tehran, Mehrab Fekr Publications, First Edition. (text in Persian)
- Tamimi Amadi, A. (1987). *Classification of Pearls of Wisdom and Droplets of Speech*, Editor: Darayati, Mostafa, First Edition, Qom, Islamic Propagation Office. (text in Persian)
- Waseela, R., Karima, J (2020-2019). *Provisions of Arbitrary Divorce in Algerian Law*, Thesis submitted for the Master's Degree in Family Law at Mohamed Boudiaf University in M'sila, Faculty of Law and Political Science. (text in Arabic)
- Zaferi, F. (1974). *Divorce in Contemporary Iranian Law*, Master's Thesis in Criminal Law, National University of Iran. (text in Persian).





Original Research

The Effect of Logotherapy on the Death Anxiety, Feeling of Loneliness, and Mental Wellbeing of Women Heads of Households

Arash Ghandehari ¹ , Ilnaz Sajjadian ^{*2} , Ali Mehdad

¹. PhD Student of psychology, Department of psychology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

². Associate Professor, Department of Clinical Psychology, Community Health Research Center, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. (*Corresponding Author*) i.sajjadian@khuisf.ac.ir

³. Associate Professor, Department of Psychology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

Background and Purpose

Considering the official statistics at hand and the noticeable growth in the population of women heads of households in Iran and other countries over the last decade, which is also expected in the future, it is imperative to deal with the harms facing those women (Dorahaki & Noubakht, 2021). Female heads of families undergo more stressful situations than the rest of the society averagely does. The reactions and responses of this vulnerable social segment to the stresses of life need to be studied and managed. One of these stresses is death anxiety, which is experienced by everybody depending on his or her situation. The anxiety occurs as people think of their own or their dear ones' death (Pandya & Kathuria, 2021). In this case, women are more anxious than men (Taywode, 2018), and women heading a family are even more so because, as females, they naturally have to incur more tensions (Khani et al., 2017).

Feeling lonely is another negative emotion that women heads of households face, aggravating their death anxiety (Bahadori et al., 2021). These spouseless women feel not only lonely but also rejected and misunderstood by others (Majdabadi et al., 2019). Once combined with death anxiety, loneliness can adversely affect women's mental and psychological wellbeing, which should be paid special attention. Mental wellbeing, indeed, depends on how individuals perceive and evaluate their quality of life, and the lack of this wellbeing is an unpleasant feeling experienced in response to the quantitative and qualitative shortcomings in one's social relations (Drennan et al., 2008).

So far, many psychological and educational interventions have been practiced to provide mental wellbeing for women heads of households and prevent their loneliness and anxiety, but these therapeutic measures have failed to eliminate or effectively control negative thoughts and anxious states. There is, therefore, a need for a therapeutic approach which can deeply penetrate into thoughts and beliefs so as to make them meaningful. In this regard, one may refer to the logotherapeutic intervention proposed by Frankl (1986), who believes shortages and limitations can sometimes arouse people to seek meaning and sometimes demotivate them to do it. The efficacy of logotherapy has been observed in mitigating death anxiety (Esmailpour et al., 2022; Kiarasi et al., 2021) and loneliness (Nazarifar & Ghaneifar, 2020; Kuhpayehzadeh et al., 2019) as well as improving mental wellbeing (Sarhangi et al., 2023; Mortell, 2020). As the literature suggests, most of the studies about death anxiety, loneliness and mental wellbeing have been conducted on patients, while there is a research gap in the case of women heads of households. With regard to the importance of the issue and with the aim of protecting those women from social limitations and adversities, this study is an attempt to partially fill the gap by focusing on how group logotherapy can help family-running women overcome their negative thoughts and emotions.

Method

This is a semi-empirical study conducted in a pretest-posttest format with a control group for comparison purposes. The research population included all the women heads of households referring to the Public Wellbeing Office in the city of Isfahan during 2022. Of them, 30 were selected by the purposeful sampling method and then randomly and equally assigned to a test group and a control group. The test group received collective logotherapy (Frankl, 1986) in ten 90-minute sessions each per week, but no intervention was provided for the control group. The measuring tools in this study were the questionnaires on death anxiety (Templar, 1970), feeling of loneliness (Russell et al., 1980), and mental wellbeing (Keyes & Margiano, 2003). Also, the data were analyzed with the repeated measures ANOVA and the SPSS software version 24.

Results

According to the results of measurements in three stages, the scores on death anxiety, loneliness and mental wellbeing were significantly different (P -value < .01). Moreover, the test and control groups were significantly different in terms of their scores on the three variables (P -value < .01). In general, the time-group interaction was significant (P -value < .01). According to Table 1, about 56.4% of the variance in the dependent variable of death anxiety in the test group is explained by the independent variable (i.e. Frankl's logotherapy). In the same group, about 91% of the variance in the dependent variable of mental wellbeing is explained by



Frankl’s logotherapy, as the independent variable. Logotherapy also accounts for about 24.9% of the variance in the dependent variable of loneliness.

Table 1. The results of the repeated measures ANOVA for the scores on the research variables

Variables	Source of squares	SS	df	MS	F	P	Impact factor	Power
Death anxiety	Time	45	1.54	29.21	18.27	.001	.395	.99
	Group	149.51	1	149.41	18.62	.001	.399	.98
	Time-group interaction	89.356	1.54	57.99	36.27	.001	.564	1.00
Mental wellbeing	Time	29768.956	1.72	17301.28	280.81	.001	.909	1.00
	Group	50362.678	1	50362.67	171.37	.001	.86	1.00
	Time-group interaction	30162.689	1.72	17530.12	284.32	.001	.91	1.00
Feeling of loneliness	Time	671.02	1.34	499.15	14.19	.001	.336	.98
	Group	1969.34	1	1969.34	13.68	.001	.328	.95
	Time-group interaction	437.956	1.34	325.78	9.26	.002	.249	.91

To continue, Table 2 compares the study groups through Bonferroni’s post hoc test.

Table 2. The results of Bonferroni’s post hoc test to compare the groups in terms of death anxiety, feeling of loneliness and mental wellbeing

Variables	Base group	Stage	Difference of means	Level of significance
Death anxiety	Pretest	posttest	3.2	.001
		Follow-up	3.86	.001
	posttest	Follow-up	0.667	.234
Mental wellbeing	Pretest	posttest	- 57	.001
		Follow-up	- 88.13	.001
	posttest	Follow-up	- 31.13	.001
Feeling of loneliness	Pretest	posttest	8.66	.001
		Follow-up	11.13	.001
	posttest	Follow-up	2.47	.078

Based on the results reported in Table 2, the intervention practiced for the test group made significant changes in the three studied variables.

Discussion and Conclusion

The results of this study point to the role of logotherapy in reducing the death anxiety of women heads of households. In this respect, the results are in agreement with the findings of Esmailpour et al. (2022) and Kiarasi et al. (2021). To account for how death anxiety is affected, one may say that logotherapy sessions are dedicated to self-recognition lessons and a delve into the human nature and man’s inevitable obligations toward life, which leads to the change of attitudes about life as a bounty whose value is due to the death that follows. This study also found the role of logotherapy in

the reduction of the loneliness that female family heads feel. This finding is in line with the research by Nazarifar and Ghaneifar (2020) and Kuhpayehzadeh et al. (2019). The efficacy of logotherapy in this case is due to its awareness-raising function which helps individuals realize the concepts of free will, responsibility and life and, at the same time, accept their own self. It also involves trainings on how to find meaning, which helps one tolerate the sufferings of life, such as loneliness. Another finding of this study is the positive effect of logotherapy on the mental wellbeing of those women. This puts the study in line with the research by Sarhangi et al. (2023) and Mortell (2020). As a justification for this role of logotherapy, one may refer to its capability for giving women a broadened view of themselves and the world around as well as shedding light on the features that give meaning to their life. This makes women strong enough to cope with and overcome the hardships of life.

Considering the positive effects of logotherapy on the variables of this research, those in charge of wellbeing and consultation centers are suggested to hold logotherapeutic training courses so as to deal with the death anxiety, loneliness and mental wellbeing of women heads of households, thus enhancing their psychological traits and saving them from social isolation.

Ethical Considerations

This study was adopted from a PhD dissertation in psychology written at the Islamic Azad University of Isfahan (khorasgan) and ethically approved with the code of ethics IR.IAU.KHUISF.REC.1401.134.

Funding: This research was financially supported by no organization or institute.

Authors' contribution: The tests and tenets included in this article were implemented and organized by the first author. He adopted them from his own PhD dissertations. The second author supervised the project. He is also the corresponding author of this article. The third author served as the advisor.

Conflict of interest: The authors have no conflicting interests to declare regarding this research

Acknowledgments: The lecturers at the Islamic Azad University of Isfahan (Khorasgan) branch, are highly appreciated for their supporting this study. Sincere words of gratitude are also forwarded to the managers and clerks of Touhid and Nik Kar Clinics as well as all the women heads of households who participated in this research.

Data Availability: For access to the data of this study, please contact the corresponding author via email (i.sajjadian@khuisf.ac.ir).



References

- Bahadori, Z., Jahangiri, A., & Bakhshipour, A. (2021). Comparing the effectiveness of "reality therapy" and "narrative therapy" in improving the loneliness of female heads of households. *Health Promotion Management Quarterly*, 11(1), 36-46. [Link] (Text in Persian)
- Dorahaki, A., & Noubakht, R. (2021). Investigating the economic and social status of Iranian women heads of households: a secondary analysis. *Payesh Journal*, 20(4), 427-437. [Link] doi: 10.52547/payesh.20.4.427 (Text in Persian)
- Drennan, J., Treacy, M., Butler, M., Byrne, A., Fealy, G., Frazer, K., & Irving, K. (2008). The experience of social and emotional loneliness among older people in Ireland. *Ageing & Society*, 28(8), 1113-1132. [Link] <https://doi.org/10.1017/S0144686X08007526>
- Esmailpour Dilmaghani, R., Panah Ali, A., Aghdasi, A.N., & Khademi, A. (2022). Comparing the effects of group logotherapy and solution-oriented therapy on death anxiety and feelings of loneliness in elderly women with fear of corona virus. *Journal of Aging Psychology*, 8(3), 235-249. [Link] doi: 10.22126/jap.2022.8172.1645 (Text in Persian)
- Khani, S., Khezri, F., & Yari, K. (2017). Investigating the social vulnerability of women heads of households and married women in Sultanabad area of Tehran. *Journal of Women in Policy Development*, 15(4), 597-620. [Link] <https://doi.org/10.22059/jwdp.2017.233709.1007203> (Text in Persian)
- Kiarasi, Z., Emadian, S.A., & Fakhri, M.K. (2022). The effectiveness of logotherapy on fear of disease recurrence and death anxiety in women with breast cancer. *Journal of Cancer Care*, 2(1), 4-10. [Link] (Text in Persian)
- Kuhpayehzadeh, F., Motamedi, A., Dortaj, F., Eskandari, H., & Farrokhi, N.A. (2019). The effectiveness of an educational package based on logotherapy on the feeling of loneliness and self-efficacy of retired teachers. *Journal of Aging*, 4(1), 24-33. [Link] <https://doi.org/10.29252/joge.4.1.24> (Text in Persian)
- Majdabadi, Z., Nik Peyma, N., Hazrati Gonbad, S., Nouri, F., & Nou'ie, E. (2019). Quality of life of women heads of households in Iran: A review study. *Journal of Research in Nursing*, 14(5), 58-65. [Link] doi: 10.21859/ijnr-14508 (Text in Persian)
- Mortell, S. (2020). Logotherapy to mitigate the harmful psychological effects of current events: A tool for nurses. *Journal of Psychosoc Nurs Ment Health Surveys*, 58(4), 38-42. [Link]



- <https://doi.org/10.3928/02793695-20200127-01>
- Nazarifar, M., & Ghaneifar, N. (2020). The effect of group counseling based on logotherapy on the loneliness and depression of mothers with learning-disabled children. Tehran International Conference on Psychology and Educational Sciences. 3(2), 9-31. [Link]
<https://doi.org/10.52547/row.2.3.9> (Text in Persian)
- Pandya, A. k., & Kathuria, T. (2021). Death anxiety, religiosity and culture: Implications for therapeutic processes and future research. *Religions*, 12(1). [Link]
<https://doi.org/10.3390/rel12010061>.
- Sarhangi, M., Hosseini Nasab, S.D., & Panah Ali, A. (2023). The effectiveness of logotherapy on the psychological wellbeing, communication skills and parenting stress of mothers with mentally retarded children. *Applied Familytherapy*, 3(3), 388-417. [Link]
<https://doi.org/10.22126/jap.2019.1125> (Text in Persian)
- Taywade, A. (2018). Death anxiety in the elderly. *Journal of Basic and Applied Research*, 8(2), 158-164. [Link]



اثربخشی معنادرمانی بر اضطراب مرگ، احساس تنهایی

و بهزیستی ذهنی زنان سرپرست خانوار

آرش قندهاری^۱، ایلناز سجادیان^۲، علی مهداد^۳

چکیده	اطلاعات مقاله
<p>افزایش روزافزون زنان سرپرست خانوار در ایران و آسیب‌های متعددی که بر آن‌ها وارد می‌شود، اهمیت ارتقای بهداشت روان این افراد را بین روان‌شناسان و متخصصان بالابردن بنابر این هدف پژوهش حاضر اثربخشی معنادرمانی بر اضطراب مرگ، احساس تنهایی و بهزیستی ذهنی زنان سرپرست خانوار بود. روش پژوهش از نوع نیمه‌آزمایشی با پیش‌آزمون - پس‌آزمون و پیگیری با گروه گواه بود. جامعه آماری، تمامی زنان سرپرست خانوار مراجعه‌کننده به اداره بهزیستی کل شهر اصفهان بودند که ۳۰ نفر از بین آن‌ها با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و در دو گروه آزمایش و گواه گمارده شدند. گروه آزمایش مداخله معنادرمانی فرانکل (۱۹۸۶) را طی ۱۰ جلسه (۹۰ دقیقه‌ای) دریافت و گروه گواه مداخله‌ای دریافت نکرد. داده‌ها در مراحل پیش‌آزمون-پس‌آزمون و پیگیری به وسیله پرسشنامه اضطراب مرگ تمپلر (۱۹۷۰)، احساس تنهایی راسل و همکاران (۱۹۸۰) و بهزیستی ذهنی کینز و ماگیارمو (۲۰۰۳)، جمع‌آوری شد. برآیند تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر نشان داد معنادرمانی بر کاهش اضطراب مرگ، احساس تنهایی و افزایش بهزیستی ذهنی زنان سرپرست خانوار تأثیر معناداری داشته و این اثر تا مرحله پیگیری نیز ماندگار بوده است. براساس یافته‌های پژوهش به نظر می‌رسد معنادرمانی می‌تواند در جهت بهبود مشکلات روان‌شناختی از جمله اضطراب مرگ و احساس تنهایی و همچنین بهزیستی ذهنی زنان سرپرست خانوار در مراکز درمانی و مشاوره‌ای استفاده شود.</p>	<p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۱۸ نوع مقاله: پژوهشی اصیل</p>
	<p>واژگان کلیدی معنادرمانی، اضطراب مرگ، احساس تنهایی، بهزیستی ذهنی.</p>

ارجاع به مقاله:
 قندهاری، آرش؛ سجادیان، ایلناز و مهداد، علی. (۱۴۰۲). اثربخشی معنادرمانی بر اضطراب مرگ، احساس تنهایی و بهزیستی ذهنی. مطالعات زن و خانواده، ۱۲(۳)، ۱۶۴-۱۸۸. doi: 10.22051/jwfs.2024.44020.2989

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.
 ۲. دانشیار گروه روان‌شناسی بالینی، مرکز تحقیقات سلامت جامعه، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول)
 i.sajadian@khuisf.ac.ir
 ۳. دانشیار گروه روان‌شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.



مقدمه

تغییرات ایجاد شده در جوامع در دهه‌های اخیر منجر به تغییر ساختار خانواده، پذیرش مسئولیت‌های بیشتر و استرس بیشتر برای اداره‌ی زندگی توسط برخی از زنانی شده است که به دلایلی مثل فوت، اعتیاد و ناتوانایی‌های جسمی یا روانی همسر، سرپرستی خانواده را برعهده گرفته‌اند (زارع و مهمان‌نواز، ۱۳۹۴). براساس تحلیل داده‌های موجود و بررسی وضعیت اقتصادی و اجتماعی زنان سرپرست خانوار^۱ ایرانی مشخص شد این گروه از افراد در ایران ۱۲/۵ درصد از جمعیت کل سرپرستان خانوار را به خود اختصاص می‌دهند (دوراهکی و نوبخت، ۱۴۰۰). با در نظر گرفتن آمارهای رسمی و آگاهی از اینکه نرخ جمعیت زنان سرپرست خانوار در دهه‌ی اخیر در ایران و سایر کشورها رشد چشم‌گیری داشته و خواهد داشت پرداختن به آسیب‌های زنان سرپرست خانوار ضرورت دارد (خسروی اصل و همکاران، ۱۳۹۸، دوراهکی و نوبخت، ۱۴۰۰).

باتوجه به نتایج پژوهش‌ها، این گروه، از ناراحتی‌های روان‌شناختی و علائم و نشانه‌های کلی اضطراب و افسردگی رنج می‌برند (خسروی اصل و همکاران، ۱۳۹۸). مطالعات خانواده، مشکلات متعدد زن‌های سرپرست خانوار را چنین برشمرده‌اند: فقر، ناامنی اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، بی‌قدرتی، عدم حمایت عاطفی و مشکلات بهداشتی که این زنان و کودکان را به شدت متأثر می‌سازد و به تبع آن، سلامتی روانی و جسمی آنان به دلیل عوامل بیولوژیک، تولید مثل، کار، تغذیه، استرس، جنگ و مهاجرت و غیره تحت تأثیر قرار می‌گیرد (ال لاونیدی و همکاران^۲، ۲۰۱۸).

زنان سرپرست خانوار زانی هستند که بدون حضور منظم یا حمایت یک مرد بزرگسال سرپرستی خانواده را برعهده دارند (افراسیابی و جهانگیری، ۱۳۹۵). بدین ترتیب زنان سرپرست خانوار روزانه فشارهای مازادی را تحمل می‌کنند و درجه آسیب پذیری آنان نسبت به مسائل و مشکلات روانی بالا خواهد آمد (ضرغام حاجبی و نوری، ۱۳۹۹). براین اساس، نیاز به یک نظام حمایتی و درمانی چندبعدی و همچنین نیاز به یک رویکرد پیشگیرانه در جامعه در ارتباط با مسائل این گروه اهمیت زیادی دارد (کیم و وون^۳، ۲۰۲۰). به‌طور طبیعی زنان سرپرست خانوار موقعیت‌های تنش‌زای زیادی را نسبت به میانگین جامعه متحمل می‌شوند و براین اساس ضرورت دارد که به واکنش‌ها و پاسخ‌های این قشر آسیب‌پذیر

^۱. households

^۲. El-Lawindi, Hend, & Eman

^۳. Kim & Kwon

نسبت به تنش‌ها پرداخت. اضطراب معمول‌ترین پاسخ به محرک تنش‌زاست. منظور از اضطراب، هیجانی است ناخوشایند که همه‌ی ما درجاتی از آن را در قالب کلمه‌هایی همچون دل‌شوره، نگرانی، تنش و ترس تجربه کرده‌ایم (صدقی، ۱۳۹۷). یکی از انواع این تنش‌ها، اضطراب مرگ است.

اضطراب مرگ^۱ پدیده‌ای شایع است که انسان‌ها آن را با ابعاد مختلف تجربه می‌کنند شامل پیش‌بینی مرگ خود و ترس از فرایند مرگ و مردن در مورد افراد مهم زندگی است (پانديا و کاتوری،^۲ ۲۰۲۱). مسئله بسیار مهم این است که اضطراب مرگ مطابق با مراحل رشدی و رویدادهای زندگی اجتماعی-فرهنگی متغیر است (لیهتو و استیس،^۳ ۲۰۰۹)، به این معنا که در انسان‌ها بر اساس شرایط زندگی، موقعیت، گذشته، تربیت، بحران‌ها و جنسیت تجربه‌ی اضطراب مرگ متفاوت است و مخصوصاً زنان، اضطراب مرگ بیشتری را نسبت به مردان تجربه می‌کنند (تای وود،^۴ ۲۰۱۸). اضطراب مرگ در زنان سرپرست خانوار به‌طور چشم‌گیری می‌تواند بیشتر باشد، زیرا که هم زن هستند و هم موقعیت‌های آسیب‌زای بیشتری را تجربه می‌کنند (خانی و همکاران، ۱۳۹۶؛ فلاتو^۵ و همکاران، ۲۰۱۰). بنابراین، مستلزم مداخله و توجه و پیشگیری از شدت آن در زنان سرپرست خانوار است.

یکی دیگر از هیجانات منفی که زنان سرپرست خانوار با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند و متعاقباً اضطراب مرگ آن‌ها را افزایش می‌دهد (آقاجانی و همکاران، ۱۳۹۹)، احساس تنهایی^۶ است (بهادری، جهانگیری و بخشی پور، ۱۴۰۰). زنان سرپرست خانوار و فاقد همسر، با مشکل احساس تنهایی، انزوا، طردشدگی و عدم درک از سوی دیگران مواجه هستند (ام‌الله‌مجدآبادی و همکاران، ۱۳۹۸). فقدان حمایت‌های اجتماعی، مهمترین عامل جهت پیش‌بینی پیامدهای منفی وضعیت این زنان است که می‌تواند به اوج گرفتن احساس تنهایی ایشان دامن بزند (پاک‌خصال و همکاران، ۱۳۹۹)، چراکه زنان سرپرست خانوار، بیش از سایرین در معرض آسیب، تبعیض‌های اجتماعی و فشارهای روانی قرار دارند (عابدی دیزناب و همکاران، ۱۳۹۷). احساس تنهایی در آن‌ها، مانند تفکر فردمبنی بر متمایز بودن از دیگران تجربه‌ای ناخوشایند است (لاباری و همکاران،^۷ ۲۰۱۲). کارشناسان احساس تنهایی را عدم هماهنگی میان سطحی از تماس اجتماعی که فرد خواهان آن

1. death anxiety

2. Pandya & Kathuria

3. Lihito & stiss

4. Taywode

5. Flato, Muttarak, Pelser

6. feeling lonely

7. Labarrere, Woods, Hardin, Campana, Ortiz, Jaeger et al



است با سطحی از تماس اجتماعی که در واقعیت برقرار کرده است، تعریف کرده اند (اسچینکا و همکاران^۱، ۲۰۱۳). احساس تنهایی در کنار اضطراب مرگ می تواند در بهزیستی ذهنی و روان شناختی افراد اثرگذاری منفی داشته باشد. از این رو، توجه به بهزیستی ذهنی در این گروه از زنان ضروری است.

بهزیستی ذهنی در واقع ارزیابی و درک شخصی افراد از کیفیت زندگیشان است و عدم بهزیستی ذهنی تجربه ای ناخوشایند است که در پاسخ به نارسائی های کمی یا کیفی در روابط اجتماعی ظاهر می شود (دیرینان^۲ و همکاران، ۲۰۰۸). بنابراین، یکی از مؤلفه هایی که به عنوان یک مؤلفه مثبت و با اهمیت در کنار دو مؤلفه منفی اضطراب مرگ و احساس تنهایی در زنان سرپرست خانوار می تواند مورد بررسی قرار بگیرد بهزیستی ذهنی است (قدیمی نوران و یونسی، ۱۳۹۵). به اعتقاد داینر^۳، بهزیستی ذهنی، همان چیزی است که مردم عادی آن را به عنوان خوشبختی یا رفاه می دانند، خوشبختی در رشد متعادل و سلامتی است (صادقی و باوزین، ۱۳۹۸). بهزیستی ذهنی شاخه ای از روان شناسی مثبت است که نشان دهنده ارزیابی فرد از روند و جهت زندگی خود و دربرگیرنده دیدگاه و نگرش فرد در مورد رضایت از زندگی است (جادوان و همکاران، ۱۳۹۴). افراد با احساس بهزیستی ذهنی بالا هیجان های مثبت بیشتری را تجربه می کنند و افراد با بهزیستی ذهنی پایین هیجان های منفی مانند اضطراب را بیشتر تجربه می کنند (عباسی، پیرانی، صالحی، ۱۳۹۶). از این نظر، توجه به بهزیستی ذهنی در زنان سرپرست خانوار حائز اهمیت است (کاشانی نیا و علیا، ۱۳۸۸).

تاکنون مداخلات روان شناختی و آموزشی زیادی در راستای بهزیستی ذهنی، احساس تنهایی و اضطراب در زنان سرپرست خانوار انجام شده است، از جمله درمان پذیرش و تعهد بر کیفیت زندگی (محمدی و همکاران ۱۳۹۷)؛ واقعیت درمانی بر سرسختی روان شناختی (بهادری و همکاران، ۱۴۰۰)؛ و مقایسه این دو درمان بر اضطراب اجتماعی و نگرش به زندگی آن ها (اسدی خلیلی و همکاران، ۱۳۹۹)؛ درمان مبتنی بر شفقت بر تاب آوری، ناگویی هیجانی و احساس تنهایی (ولی زاده و همکاران، ۱۴۰۲)؛ مقایسه واقعیت درمانی و روایت درمانی بر احساس تنهایی (بهادری و همکاران، ۱۴۰۰) و تلفیقی معنادرمانی و واقعیت درمانی به شیوه گروهی بر کیفیت زندگی و سازگاری روان شناختی (نامیو ۱۳۹۸) است که اثربخش بودند، اما نکته قابل ذکر این است که درمان هایی همچون واقعیت

^۱ Schinka, Van Dulmen, Mata, Dossrate, Swahn

^۲ Drennan

^۳ Dayner

درمانی و پذیرش و تعهد با استفاده از مداخلات و تکنیک‌هایی نظیر استعاره‌ها، مثل‌ها و تناقض منطقی و نیازهای اساسی که از خاستگاه نظری و فلسفی آن نشئت می‌گیرد. مراجعان را به پیگیری زندگی با کیفیت، معنادار و ارزشمند و با مسئولیت متعهد می‌کند و در درمان شفقت خود؛ با ایجاد انگیزه، هم-دری، حساسیت و تحمل پریشانی به شیوه‌ای مشفقانه عمل می‌کند، اما این درمان‌ها به‌طور عمیق نمی‌توانند باورهای منفی و اضطرابی که نتیجه آن‌ها می‌باشد را حذف و کنترل کنند. بنابراین، نیاز به رویکردی درمانی است که بتواند عمیقاً در باورهای افراد نفوذ کند و آن‌ها را معنادار سازد که می‌توان به مداخله معنادرمانی^۱ فرانکل^۲ (۱۹۸۶) اشاره کرد. چراکه فرانکل معتقد بود، محدودیت‌ها و کمبودها می‌توانند جستجوی انسان را برای معنی برانگیزند و از جهتی همین کمبودها می‌توانند معنی‌جویی وی را خنثی کنند.

فرانکل در معنادار شدن زندگی انسان به نقش باور به خدا، دین و مذهب توجه داشته و بنابر دیدگاه او در عمق ضمیر ناخودآگاه هر فردی یک احساس مذهبی عمیق و ریشه دارست. فرانکل در تعریف مذهب می‌گوید: «مذهب به‌عنوان تکاپوی بشر برای یافتن معنای نهایی یا غایی است. فرانکل معتقد بود در تاریک‌ترین و دشوارترین موقعیت‌های زندگی انسان، وقتی هیچ‌کس به یاد او نیست، حس می‌کند که او آنجاست، "او" که همان خداست، نظاره‌گر فرد بوده و کنار فرد حضور دارد» (فرانکل، ۱۳۹۳). اینکه آیا اهمیت و نحوه پرداختن به کمبودها و رنج‌ها در کنار محدودیت‌ها که اصل زیربنایی معنادرمانی فرانکل است. می‌تواند در زندگی پر از رنج و محدودیت زنان سرپرست خانوار مؤثر واقع شود؟ سوالی است که در این پژوهش به آن پرداخته شد.

فرانکل در مکتب معنادرمانی از دو گونه انسان صحبت به میان می‌آورد یکی انسان اندیشه‌ورز و دیگری انسان طاقت‌ورز و معتقد است، انسان طاقت‌ورز یا رنج‌کش در اوج شکست و محرومیت هم می‌تواند به جای ناامیدی، شکوفایی را برگزیند، اگر رنج بشر و شکست‌هایش، با معنا و معنادار تلقی شود، حتی اگر تلاش‌هایش موقعیتی در پی نداشته باشند، رنج‌هایش قابل تحمل می‌شوند و فرد از یأس وجودی در امان خواهد ماند (مارشال^۳، ۱۳۹۶). با وجود اینکه به‌طور کلی شرایط حاکم بر زندگی خانواده‌هایی که با سرپرستی زن اداره می‌شوند محرومیت‌ها و محدودیت‌هایی را در پی دارد یکی از مسائلی که در این پژوهش به آن پرداخته شد این است که معنادرمانی با دو پیش فرضی که برای کاربرد

^۱. logotherapy

^۲. Frankl

^۳. Marshal



آن ارائه شد تا چه میزان می‌تواند نویدبخش یک رویکرد مناسب برای پرداختن به این قشر آسیب پذیر باشد. میزان اثربخشی معنادرمانی بر اضطراب مرگ در پژوهش‌هایی از جمله اسمعیل پور و همکاران (۱۴۰۱)؛ کیارسی، عمادیان و فخری (۱۴۰۰)، گل محمدیان و نظری (۱۳۹۶) و بر احساس تنهایی از جمله ثقتی و همکاران (۱۳۹۹)، نظری فر و قانع‌فر (۱۳۹۹)، کوهپایه‌زاده و همکاران (۱۳۹۸)، آقاجانی و همکاران (۱۳۹۷) و بر بهزیستی ذهنی از جمله مطالعه سرهنگی و همکاران (۱۴۰۲)، مورتال^۱ (۲۰۲۰)، چمنی قلدری، دکانه‌ای فر و رضایی (۱۳۹۸)، صفاری نیا و درتاج (۱۳۹۶) مشاهده می‌شود، اما با توجه به ادبیات پژوهشی در این زمینه، بیشتر پژوهش‌های متمرکز روی اضطراب مرگ، احساس تنهایی و بهزیستی ذهنی روی بیماران انجام شده و با توجه به اهمیت موضوع زنان سرپرست خانوار و اهمیت بررسی این ۳ ویژگی در این زنان، خلاء پژوهشی بزرگی در این زمینه وجود دارد بنابراین، در راستای رفع محدودیت‌ها و انجام پژوهشی با در نظر گرفتن بهبود ویژگی‌های آسیب‌رسان، اثربخشی معنادرمانی گروهی بر اضطراب مرگ، احساس تنهایی و بهزیستی ذهنی زنان سرپرست خانوار انجام شد.

روش پژوهش

روش پژوهش نیمه‌آزمایشی با پیش‌آزمون - پس‌آزمون و پیگیری با گروه گواه بود. جامعه آماری شامل تمامی زنان سرپرست خانوار مراجعه‌کننده به اداره بهزیستی کل شهر اصفهان در سال ۱۴۰۱ بود. برای انتخاب نمونه پس از ارزیابی ابتدایی برای قطعیت وجود ملاک‌های ورود به پژوهش، ۳۰ نفر به شیوه هدفمند مبتنی بر ملاک‌های ورود ۱- عدم سابقه اختلال حاد روان‌پزشکی از طریق مصاحبه بالینی (مصاحبه بالینی مبتنی بر نسخه پنجم راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی^۲ (DSM-5) با ۵۳ زن سرپرست خانوار)، ۲- داشتن سن ۴۰ تا ۶۵ سال (در نیمه دوم عمر، افراد با مشکلات مربوط به معنا روبرومی‌شوند)، تمایل آگاهانه برای شرکت در پژوهش و داشتن سواد حداقل سیکل انتخاب و به‌طور تصادفی (هر گروه ۱۵ نفر) در دو گروه آزمایش و گواه گمارده شدند. در واقع ابتدا افراد واجد شرایط یعنی زنان سرپرست خانوار بر اساس معیارهای ورود و خروج وارد پژوهش شدند.

^۱. Mortell

^۲. diagnostic and statistical manual of mental disorders (5 ed.) dsm-5-tr™

جهت تخصیص به دو گروه آزمایش و گواه افراد باتوجه به شرایط سنی و مدرک تحصیلی همسان سازی شدند و در دو گروه قرار گرفتند. گروه آزمایش تحت جلسات معنادرمانی گروهی (فرانکل، ۱۹۸۶) در قالب ۱۰ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای (هفته‌ای یک جلسه) قرار گرفتند ولی گروه گواه مداخله‌ای دریافت نکردند. پرسشنامه‌های اضطراب مرگ تمپلر^۱ (۱۹۷۰)، احساس تنهایی راسل و همکاران^۲ (۱۹۸۰) و بهزیستی ذهنی کیز و مارگیانو^۳ (۲۰۰۳) پیش از مداخله و پس از اتمام جلسه درمانی و سپس در مرحله پیگیری پس از دو ماه توسط دو گروه آزمایش و گواه تکمیل شد.

به منظور رعایت ملاحظات اخلاقی، پیش از اجرای پژوهش از همه زنان سرپرست خانوار شرکت کننده رضایت‌نامه کتبی دریافت شد. جهت تجزیه و تحلیل داده، از روش تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر با استفاده از نرم‌افزار SPSS24 استفاده شد.

ابزارهای پژوهش

پرسش‌نامه اضطراب مرگ^۴: این مقیاس توسط تمپلر (۱۹۷۰) طراحی شده است و متشکل از ۱۵ سؤال صحیح و غلط است. دامنه نمرات از ۰ تا ۱۵ است و نمره بالاتر نمایانگر درجه بالاتر اضطراب مرگ است. تمپلر (۱۹۷۰)، ضریب اعتبار بازآزمایی مقیاس را ۰/۸۳۱ به دست آورده است. رجبی و بحرانی (۱۳۸۰)، در ایران پایایی و روایی پرسش‌نامه اضطراب مرگ را بررسی کرده و ضریب پایایی و دو نیمه کردن را ۰/۶۲۱ و ضریب همسانی درونی را ۰/۷۳۱ گزارش کرده‌اند. علاوه بر این همبستگی سؤالات پرسش‌نامه با یکدیگر و با نمره کل نیز محاسبه شد که به جز سؤال ۱۴، مابقی سؤالات همبستگی معناداری با نمره کل داشتند. دامنه این ضرایب بین ۰/۲۷ تا ۰/۶۱ متغیر است. همچنین در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای این پرسش‌نامه ۰/۷۹ به دست آمد.

پرسش‌نامه احساس تنهایی^۵: توسط راسل و همکاران (۱۹۸۰)، ساخته شده است و پرسش‌نامه شامل ۲۰ سواد و به شکل ۴ گزینه‌ای، ۱۰ جمله منفی و ۱۰ جمله مثبت است. هرگز امتیاز (۱)، به ندرت امتیاز (۲)، گاهی امتیاز (۳) و همیشه امتیاز (۴) را دارد با این توضیح که امتیاز سؤالات ۱-۵-۶-۹-۱۰-۱۶-۱۹-۲۰، برعکس است. دامنه نمرات بین ۲۰ تا ۸۰ است. نمره بالاتر از ۵۰ بیانگر شدت بیشتر تنهایی است. پایایی این آزمون در نسخه جدید تجدیدنظر شده ۰/۷۸ گزارش شده است.

^۱. Templar

^۲. Russell, Pilova, Cortana

^۳. Keyes & Margiano

^۴. Death Anxiety Questionnaire

^۵. Loneliness Questionnaire



همچنین پایایی این آزمون، ۰/۹۸ گزارش شده است (نادری و حق شناس، ۱۳۸۸). همچنین در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای این پرسش نامه ۰/۸۶ به دست آمد.

پرسش نامه بهزیستی ذهنی^۱: دارای ۴۸ گویه که توسط کیز و مارگینو (۲۰۰۳) طراحی شده است که ۱۲ سؤال بهزیستی هیجانی را براساس طیف لیکرت ۵ درجه ای نمره گذاری می شود. ۱ برابر با بدترین حالت هیجانی و ۵ برابر با بهترین حالت هیجانی است. نمرات بین ۱۲ تا ۲۴ نمایانگر بهزیستی هیجانی پایین، نمرات بین ۲۴ تا ۳۶ نمایانگر بهزیستی هیجانی بالا است. ۱۸ سؤال بهزیستی روان شناختی که براساس طیف لیکرت ۷ درجه ای نمره گذاری می شود. ۱ به معنای بسیار مخالفم و ۷ به معنای بسیار موافقم می باشد. در ارتباط با بهزیستی روان شناختی نمره بین ۱۸ تا ۳۶ نمایانگر بهزیستی روان شناختی پایین، نمره بین ۳۶ تا ۷۲ نمایانگر بهزیستی روان شناختی متوسط، و نمرات بالاتر از ۷۲ نمایانگر بهزیستی روان شناختی بالاست و در پایان ۱۵ سؤال بهزیستی اجتماعی که براساس طیف لیکرت ۷ درجه ای نمره گذاری می شود. ۱ به معنای بسیار مخالفم و ۷ به معنای بسیار مخالفم است. و نمره ۱۵ تا ۳۰ نمایانگر بهزیستی اجتماعی پایین، نمره ۳۰ تا ۶۰ نمایانگر بهزیستی اجتماعی متوسط و نمره بالاتر از ۶۰ نمایانگر بهزیستی اجتماعی بالاست.

برای زیر مقیاس بهزیستی هیجانی اعتبار درونی در بخش هیجان مثبت ۰/۹۱ و بخش هیجان منفی ۰/۷۸ گزارش شده است. اعتبار درونی زیر مقیاس های بهزیستی روان شناختی و اجتماعی نیز متوسط و از ۰/۴ تا ۰/۷ و اعتبار مجموع هر دو این مقیاس ها ۰/۸ و بالاتر گزارش شده است (کیز و ماگیارمو، ۲۰۰۳). در پژوهش کیز و ماگیارمو (۲۰۰۳) روایی عاملی برای بررسی روایی این مقیاس مورد استفاده قرار گرفته و نتایج آن ساختار سه عاملی این مقیاس را مورد تأیید قرار داده است. برای مقیاس بهزیستی ذهنی و زیر مقیاس های بهزیستی هیجانی، بهزیستی روان شناختی و بهزیستی اجتماعی پایایی به ترتیب برابر با ۰/۷۵، ۰/۷۶، ۰/۶۴ و ۰/۷۶ گزارش شده است. برای هر یک از این موارد آلفای کرونباخ به ترتیب برابر با ۰/۸۰، ۰/۸۶، ۰/۸۰ و ۰/۶۴ گزارش شده است که نمایانگر همسانی درونی مطلوب این مقیاس بوده است (گلستانی بخت و همکاران، ۱۳۹۱). همچنین در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۳ به دست آمد.

^۱. Mental Well-being Questionnaire

روند اجرای پژوهش

در این پژوهش از مداخله معنادرمانی متناسب با ویژگی‌های روان‌شناختی (اضطراب مرگ، احساس تنهایی و بهزیستی ذهنی) زنان سرپرست خانوار با اقتباس از معنادرمانی فرانکل (۱۹۸۶) استفاده شد که به شکل ۱۰ جلسه آموزشی ۹۰ دقیقه‌ای با یک جلسه در هفته اجرا شد. در مداخله معنادرمانی پذیرش خویشتن و شناخت ویژگی‌های خویش، توجه به آزادی، آگاهی از مسئولیت‌پذیری و نقش آن در به دست آوردن موفقیت، شناخت اضطراب وجودی، عشق، بررسی معنای رنج و شناخت ارزش‌های خلاق، تجربی و نگرشی مورد استفاده قرار گرفت. روایی این مداخله توسط ۵ متخصص در زمینه معنادرمانی که با استفاده از نمونه‌گیری گلوله‌برفی انتخاب شدند و برنامه طراحی شده به آن‌ها ارائه شد تا میزان تناسب هر یک از جلسات مداخله درمانی را در مقیاس اندازه‌گیری طیف لیکرت مشخص کنند. نتایج نشان داد همه جلسات دارای نمره بالاتر از ۰/۷۹ بوده و مناسب تشخیص داده شده‌اند. در نهایت برای تکمیل مداخله متوسط شاخص روایی محتوایی (S-CVI/Ave)، ۰/۹۶ به دست آمد. خلاصه محتوای جلسات درمانی در جدول ۱ ارائه شده است:

جدول ۱. خلاصه محتوای جلسات

شماره جلسات	محتوای جلسه
جلسه ۱	آشنایی اعضا با یکدیگر، معرفی اهداف گروه، تعیین زمان و مقررات جلسات، انجام پس‌آزمون، آشنایی با معنادرمانی و تعریف و بیان معنادرمانی و لزوم وجود معنا در زندگی برای افراد با یک مثال. ارائه تکلیف.
جلسه ۲	مرور و بازخورد تکلیف جلسه پیش، باور و پذیرش خویشتن و شناخت ویژگی‌های خویش، توجه به آزادی به‌عنوان یکی از ابعاد هستی انسان، ارائه تکلیف.
جلسه ۳	مرور و بازخورد تکلیف جلسه پیش، آگاهی از مسئولیت‌پذیری و نقش آن در به دست آوردن موفقیت (چنانچه آزادی همراه با مسئولیت نباشد، تبدیل به خودکامگی صرف می‌گردد). ارائه تکلیف
جلسه ۴	آشنایی با عوامل به‌وجودآورنده اضطراب و روش‌های مقابله با آن، آشنایی با اضطراب وجودی (اضطراب برای مبارزه و جنگ برای زنده ماندن به‌عنوان یکی از ابعاد هستی نام‌برده شده و ما می‌توانیم به‌وسیله ترمیم و بازسازی کردن زندگی و کم کردن انتخاب‌ها، باعث کاهش میزان اضطراب خود شویم). ارائه تکلیف
جلسه ۵	مرور و بازخورد تکلیف جلسه پیش، گفتگو درباره جنبه‌های گوناگون عشق و روشی برای دست‌یافتن به معنا (عشق پدیده‌ای است انسانی و باید از جنبه انسانی آن محافظت شود) ارائه تکلیف.
جلسه ۶	مرور و بازخورد تکلیف جلسه پیش، بررسی معنای رنج (انسان‌ها باید، درد و رنج دارای معنی و هدف را با اشتیاق متحمل شوند)، ارائه تکلیف



مرور و بازخورد تکلیف جلسه پیش، آشنایی با ارزش‌های خلاق (در معنادرمانی جهت معنادهی به زندگی از ارزش‌های خلاق که ناظر به نوعی کار هستند و با فعالیت خلق‌کننده ادراک می‌شوند، با خلق اثری ملموس یا اندیشه‌ای ناملموس برای معنابخشی به زندگی می‌توان بهره برد)، ارائه تکلیف	جلسه ۷
مرور و بازخورد تکلیف جلسه پیش، آشنایی با ارزش‌های تجربی (انسان می‌تواند تنها با تجربه شدت و عمق ابعاد مختلفی از زندگی، جدای از هر نوع عمل مثبت خود، به معنای زندگی دست یابد)، ارائه تکلیف	جلسه ۸
مرور و بازخورد تکلیف جلسه پیش، آشنایی با ارزش‌های نگرشی (پذیرش تنها راه معقول هنگام رویارویی با شرایط تغییرناپذیر سرنوشت، است. به این معنا که سرنوشت خود را بپذیریم، رنج را تحمل کنیم و مسئولیت‌پذیر باشیم)، ارائه تکلیف	جلسه ۹
خلاصه و جمع‌بندی جلسات، اجرای پس‌آزمون	جلسه ۱۰

یافته‌ها

میانگین و انحراف استاندارد توزیع فراوانی سن در گروه آزمایش $66/66 \pm 6/09$ و سطح تحصیلات ۹ نفر فوق دیپلم (۶۰٪)، ۴ نفر فوق لیسانس (۲۶/۷٪)، ۲ نفر دیپلم (۱۳/۳٪) بودند: در گروه کنترل میانگین و انحراف استاندارد توزیع فراوانی سن $63/39 \pm 4/73$ و سطح تحصیلات ۷ نفر فوق دیپلم (۴۶/۷٪)، ۳ نفر دیپلم (۲۰٪)، ۴ نفر فوق لیسانس (۲۶/۷٪)، ۱ نفر فوق دیپلم (۶/۷٪) بودند. یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار نمرات متغیرهای پژوهش

گروه	متغیر	پیش‌آزمون		پس‌آزمون		پیگیری
		میانگین	انحراف	میانگین	انحراف	
گروه آزمایش	اضطراب مرگ	۱۱/۳۳	۲/۲۲	۸/۱۳	۱/۷۲	۱/۵۵
	بهبودی ذهنی	۱۲۵/۵۳	۸/۲۰	۱۸۲/۵۳	۱۴/۰۷	۲۱۳/۶۶
گروه کنترل	اضطراب مرگ	۱۱/۲۰	۲/۲۷	۱۱/۴۰	۱/۸۴	۱۲/۰۶
	بهبودی ذهنی	۱۲۶/۸۶	۷/۹۸	۱۲۶/۲۶	۶/۷۶	۱۲۶/۶۶
	احساس تنهایی	۵۴/۴۰	۱۱/۱۲	۵۵/۴۶	۱۰/۲۷	۵۲/۲۰
	احساس تنهایی	۵۱/۲۶	۲/۴۳	۴۲/۶۰	۴/۲۳	۴۰/۱۳

جدول ۳. نتایج آزمون شاپیرو-ویلک، لوین، ام باکس و ماچلی متغیرها

آزمون لوین		آزمون شاپیرو-ویلک		اضطراب مرگ
p-value	آماره	p-value	آماره	
۰/۲۷۷	۱/۳۲	۰/۰۵۵	۰/۸۸۴	پیش آزمون
۰/۴۳۸	۰/۹۱۸	۰/۰۹۳	۰/۸۹۹	پس آزمون
۰/۰۵۹	۲/۹۱	۰/۵۲۰	۰/۹۵۰	پیگیری
آزمون ماچلی		آزمون باکس		
p-value	آماره	p-value	آماره	
۰/۰۰۱	۰/۴۵۸	۰/۲۱	۱۳/۸۵	
آزمون لوین		آزمون شاپیرو - ویلک		احساس تنهایی
p-value	آماره	p-value	آماره	
۰/۰۷۱	۲/۶۵	۰/۶۶۱	۰/۹۵۸	پیش آزمون
۰/۱۲۵	۲/۰۴	۰/۹۹۷	۰/۹۸۷	پس آزمون
۰/۰۶۲	۲/۷۴	۰/۶۸۱	۰/۹۵۹	پیگیری
آزمون ماچلی		آزمون باکس		
p-value	آماره	p-value	آماره	
۰/۰۰۱	۰/۶۶۷	۰/۲۰۶	۱۲/۷۳۵	
آزمون لوین		آزمون شاپیرو - ویلک		بهزیستی ذهنی
p-value	آماره	p-value	آماره	
۰/۱۳۴	۱/۹۴	۰/۶۸۸	۰/۹۶۰	پیش آزمون
۰/۱۲۸	۲/۰۱	۰/۴۹۳	۰/۹۴۸	پس آزمون
۰/۰۸۷	۲/۴۱	۰/۰۷۴	۰/۸۹۲	پیگیری
آزمون ماچلی		آزمون باکس		
p-value	آماره	p-value	آماره	
۰/۰۰۱	۰/۵۰۴	۰/۳۱۰	۱۵/۸۷۱	

بر اساس نتایج جدول ۲، در متغیرهای اضطراب مرگ، احساس تنهایی و بهزیستی ذهنی، میانگین پس آزمون گروه آزمایش به نسبت پیش آزمون تغییر کرده و کاهش یافته است. به منظور بررسی تفاوت‌های اثربخشی درمان در سه مرحله از آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر استفاده شد که مفروضه‌های استفاده از تحلیل واریانس در جدول ۳ ارائه شده است. چنان‌که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، اضطراب مرگ، احساس تنهایی و بهزیستی ذهنی در هر سه مرحله پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری، دارای توزیع نرمال، برابری واریانس خطا و برابری ماتریس واریانس-کوواریانس بوده است. همچنین، آزمون ماچلی معنادار است. یعنی پیش فرض کرویت رعایت نشده است. در مواردی که فرض کرویت رعایت نشده، بر مبنای اصلاح درجه آزادی بر حسب اسپیلون به آماره گرین-هاوس-گیزر گزارش شده است.



جدول ۴. نتایج تحلیل واریانس با اندازه‌گیری‌های مکرر در نمرات متغیرهای پژوهش

متغیر	منبع مجذورات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	p-value	ضریب تأثیر آماری	توان
اضطراب مرگ	زمان	۴۵	۱/۵۴	۲۹/۲۰۷	۱۸/۲۷	۰/۰۰۱	۰/۳۹۵	۰/۹۹
	گروه	۱۴۹/۵۱	۱	۱۴۹/۴۱	۱۸/۶۲	۰/۰۰۱	۰/۳۹۹	۰/۹۸
بهبودی ذهنی	تعامل گروه و زمان	۸۹/۳۵۶	۱/۵۴	۵۷/۹۹	۳۶/۲۷	۰/۰۰۱	۰/۵۶۴	۱/۰۰۰
	زمان	۲۹۷۶/۹۵۶	۱/۷۲	۱۷۳۰/۱۲۸	۲۸۰/۸۱	۰/۰۰۱	۰/۹۰۹	۱/۰۰۰
احساس تنهایی	گروه	۵۰۳۶/۶۷۸	۱	۵۰۳۶۲/۶۷۸	۱۷/۳۷	۰/۰۰۱	۰/۸۶	۱/۰۰۰
	تعامل گروه و زمان	۳۰۱۶/۶۸۹	۱/۷۲	۱۷۵۳۰/۱۱۶	۲۸/۳۲	۰/۰۰۱	۰/۹۱	۱/۰۰۰
احساس تنهایی	زمان	۶۷۱/۰۲	۱/۳۴	۴۹۹/۱۵	۱۴/۱۹	۰/۰۰۱	۰/۳۳۶	۰/۹۸۴
	گروه	۱۹۶۹/۳۴۴	۱	۱۹۶۹/۳۴۴	۱۳/۶۸	۰/۰۰۱	۰/۳۲۸	۰/۹۴۶
احساس تنهایی	تعامل گروه و زمان	۴۳۷/۹۵۶	۱/۳۴	۳۲۵/۷۸۲	۹/۲۶	۰/۰۰۲	۰/۲۴۹	۰/۹۰۸

بر اساس نتایج جدول ۴ تفاوت بین نمرات اضطراب مرگ، احساس تنهایی و بهبودی ذهنی در سه مرحله اندازه‌گیری (پیش‌آزمون و پس‌آزمون و پیگیری) معنی‌دار است ($p\text{-value} < ۰/۰۱$). همچنین تفاوت بین نمرات اضطراب مرگ، احساس تنهایی و بهبودی ذهنی در دو گروه گواه و آزمایش، معنی‌دار است ($p\text{-value} < ۰/۰۱$).

در مجموع، تعامل بین زمان و گروه‌ها نیز معنی‌دار است ($p\text{-value} < ۰/۰۱$). مقدار مجذور اتا برای اضطراب مرگ، برابر ۰/۵۶۴ است و بنابراین، حدود ۵۶/۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته (میزان اضطراب مرگ) توسط متغیر مستقل گروه آزمایشی (معنادرمانی فرانکل) تبیین می‌شود.

برای بهبودی ذهنی، مقدار مجذور اتا برابر ۰/۹۱ است و بنابراین حدود ۹۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته (نمره کل بهبودی ذهنی) توسط متغیر مستقل گروه آزمایشی (معنادرمانی فرانکل) تبیین می‌شود. برای نمرات احساس تنهایی، مقدار مجذور اتا برابر ۰/۲۴۹ است و بنابراین حدود ۲۴/۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته (نمرات احساس تنهایی) توسط متغیر مستقل گروه آزمایشی (معنادرمانی فرانکل) تبیین می‌شود. در جدول شماره ۵ به مقایسه دوه‌گروه‌های پژوهش از طریق آزمون تعقیبی بونفرونی پرداخته شد.

جدول ۵. نتایج آزمون تعقیبی بونفرونی برای مقایسه گروه‌ها در اضطراب مرگ، احساس تنهایی و بهزیستی ذهنی

متغیر	گروه مبنا	مرحله	تفاوت میانگین‌ها	p-value
اضطراب مرگ	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	۳/۲	۰/۰۰۱
	پس‌آزمون	پیگیری	۳/۸۶	۰/۰۰۱
		پیگیری	۰/۶۶۷	۰/۲۳۴
بهزیستی ذهنی	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	-۵۷	۰/۰۰۱
	پس‌آزمون	پیگیری	-۸۸/۱۳	۰/۰۰۱
		پیگیری	-۳۱/۱۳	۰/۰۰۱
احساس تنهایی	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	۸/۶۶	۰/۰۰۱
	پس‌آزمون	پیگیری	۱۱/۱۳	۰/۰۰۱
		پیگیری	۲/۴۷	۰/۰۷۸

براساس نتایج جدول ۵، در متغیرهای اضطراب مرگ، احساس تنهایی و بهزیستی ذهنی دارای تفاوت معناداری است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر اثربخشی معنادرمانی بر اضطراب مرگ، احساس تنهایی و بهزیستی ذهنی زنان سرپرست خانوار بود. یکی از یافته‌ها تأثیر معنادار معنادرمانی بر کاهش اضطراب مرگ در زنان سرپرست خانوار بود که نتایج مطالعه حاضر با نتایج مطالعه اسمعیل پور و همکاران (۱۴۰۱)، کیارسی و همکاران (۱۴۰۰)، و گل محمدیان و همکاران (۱۳۹۶) هم‌سو بود. در تبیین یافته فوق می‌توان گفت که معنادرمانی با تکیه بر افزایش امید و ایجاد معنا در زندگی انسان‌ها می‌کوشد تا سبک زندگی افرادی را که دچار بحران‌های متعدد در زندگی خود شده‌اند تغییر دهد و از این طریق اضطراب مرگ ایشان را کاهش دهد (اسمعیل پور و همکاران، ۱۴۰۱).

معناجویی، کمکی است به مراجعان برای رویارویی با واقعیت مرگ و همچنین مبارزه و تلاشی است که فرد برای رسیدن به یک آرمان یا ارزش و در نهایت معنای زندگی انجام می‌دهد. آگاهی از مرگ، باعث افزایش حس مسئولیت‌پذیری افراد نسبت به زندگی می‌شود. بنابراین، افراد وقتی از موضوع مرگ خود آگاه می‌شوند همه تلاش خود را برای انجام مسئولیتی که در مقابل تمام لحظات زندگی دارند، به کار می‌برند. در نهایت با افزایش افق دید و تغییر نگرش نسبت به مرگ و باز تعریف آن و قبول



اینکه تحت هر شرایطی مرگ، جزئی از زندگی و همراه با زندگی است، اما پایان حیات نیست و با پذیرش اینکه روی دادن مصائب و اتفاقات مثل فوت همسر و بیوه شدن خارج از اختیارات بشر است، اما عامل خود تعیین‌کنندگی در انسان و آزادی در انتخاب واکنش‌ها و نحوه برخورد با مسائل، کاملاً در اختیار و انتخاب اوست، جلسات معنا درمانی، با پرداختن به مقوله خودشناسی و کاوش در ماهیت انسان بودن و یادآوری مسئولیت‌های اجتناب‌ناپذیر انسان در مقابل زندگی به تغییر نگرش به زندگی به‌عنوان موهبتی پر ارزش که ارزشمندی آن به علت وجود مرگ است، منجر شد و عاملی برای کاهش اضطراب مرگ شد.

یافته بعدی این پژوهش تأثیر معنادار معنادرمانی بر کاهش احساس تنهایی در زنان سرپرست خانوار بود که نتایج مطالعه حاضر با نتایج مطالعه ثقتی و همکاران (۱۳۹۹)، نظری فر و قانعی فر (۱۳۹۹)، کوهپایه زاده و همکاران (۱۳۹۸)، آقاجانی و همکاران (۱۳۹۷) هم‌سو بود. در تبیین این یافته باید به این نکته اشاره کرد که در رویکرد معنادرمانی اعتقاد بر این است که زمانی که فرد وضعیت ناخوشایندی مانند احساس تنهایی را از سر می‌گذراند، می‌توان این وضعیت را به‌عنوان موقعیتی ارزشمند و فرصتی جهت رشد دانست که فرد در آن مجال برای رسیدن به بالاترین ارزش‌ها و عمیق‌ترین معنای زندگی که همانا رنج کشیدن است، پیدا می‌کند. بهترین تجلی ارزش وجودی انسان درد و رنج بوده و نگرش فرد نسبت به آن و روشی که این رنج را متحمل می‌شود، اهمیت دارد در معنادرمانی یکی از ابعاد ارزشمندی که به آن توجه شده و می‌تواند باعث رشد و پیشرفت انسان شود، احساس تنهایی است. بنابراین در معنادرمانی با بالابردن آگاهی فرد به او کمک کرده تا در کنار آشنایی با مفهوم آزادی اراده، مسئولیت و معنای زندگی، بتواند خویشتن خویش را بپذیرد و همچنین با آموزش روش‌هایی برای پیدا کردن معنا به فرد کمک می‌کند در جهت متحمل شدن رنج و سختی‌هایی مانند احساس تنهایی تلاش کند. از طرفی مفاهیم معنادرمانی آگاهی و درک جدیدتر و عمیق‌تری برای زنان سرپرست خانوار ایجاد کرد که منجر به تغییر در نگرش به زندگی و احساس تنهایی می‌شود.

یافته دیگر این پژوهش تأثیر معنادار معنادرمانی بر بهبود بهزیستی ذهنی در زنان سرپرست خانوار بود که نتایج مطالعه حاضر با نتایج مطالعه سرهنگی و همکاران (۱۴۰۲)، مورتال (۲۰۲۰)، چمنی قلدری و همکاران (۱۳۹۸)، صفاری نیا و درتاج (۱۳۹۶) هم‌سو بود. در تبیین آن می‌توان گفت که آموزش گروهی معنادرمانی بر جنبه‌های مثبت و اثربخش مختلف زندگی افراد تأکید کرده و بدین ترتیب باعث به وجود آمدن افکاری شده که حاکی از هدفمند بودن زندگی است و منجر می‌شود فرد به

این باور برسد که برای افراد هدفمند، زندگی معنی دار است و بدین روش زنان سرپرست خانوار را در تعیین اهداف برای زندگی ترغیب می‌کند. این شیوه انگیزه‌ای می‌شود تا افراد تلاش‌های منظم برای افکار، احساسات و رفتار را برای دستیابی به هدف سازمان‌دهی کنند و فعالیت‌های هدفمند خود را در زمان‌های گوناگون هدایت کنند. از سوی دیگر معنادرمانی، علاوه بر اثرات روان‌شناختی با عوامل زیست‌شناسی مختلف همچون عملکرد مؤثر انتقال دهنده‌های عصبی سروتونین، آدرنالین و نظام ایمنی و جلوگیری کردن از یادآوری اتفاقات ناراحت‌کننده نیز ارتباط دارد و می‌تواند نقش مؤثری در تعادل و بهزیستی روانی فرد داشته باشد.

در نتیجه یافتن معنا در زندگی می‌تواند با اثر گذاشتن بر نظام عصبی و انتقال دهنده‌های عصبی باعث کاهش اضطراب و ارتقا بهزیستی ذهنی افراد شود. انسان‌ها واکنش خود را در برابر رنج‌ها و سختی‌های ناخواسته ولی پیش‌آمده زندگی انتخاب می‌کند و هیچ‌کس قادر نیست این حق را از انسان بگیرد. رنج‌ها و سرنوشت نامطلوب باعث ازپای درآمدن انسان نمی‌شود، بلکه آنچه سخت و اندوه‌بار است، بی‌معناشدن زندگی انسان است. همچنین معنادرمانی، بهزیستی ذهنی زنان سرپرست خانوار را با گسترده‌کردن نگرش آن‌ها نسبت به خویش و دنیای اطراف و روشن کردن ابعادی که به زندگی فرد معنا می‌دهد، تا هنگام روبه‌رو شدن با شرایط سخت و ناراحت‌کننده قدرت حل مسائل و مشکلات را داشته‌باشند، ارتقا می‌دهد. با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهاد می‌شود در محیط‌هایی که خدمات روان‌شناختی به زنان سرپرست خانوار همچون مراکز زیرپوشش بهزیستی ارائه می‌کنند، از این رویکرد درمانی برای آموزش و درمان مشکلات روان‌شناختی آن‌ها از جمله میزان اضطراب مرگ، احساس تنهایی و بهزیستی ذهنی آن‌ها استفاده شود و به سایر پژوهشگران پیشنهاد می‌شود تا جهت تعیین اثربخشی با توجه به اینکه سایر اعضای خانواده در تقویت بهداشت روان نقش مهمی دارند، جلسات خانواده‌درمانی با حضور افراد خانواده برگزار شود. هر پژوهشی در راستای انجام محدودیت‌هایی دارد که پژوهش حاضر نیز از این امر مستثنی نبوده است. استفاده از ابزار خود گزارش‌دهی و اینکه پژوهش تنها بر روی زنان سرپرست خانوار شهر اصفهان انجام شده است و بهتر است در تعمیم داده‌ها و نتایج این پژوهش جانب احتیاط رعایت شود. در این راستا پیشنهاد می‌شود که این مطالعه روی دیگر نمونه‌ها در سایر شهرها نیز انجام شده و نتایج مورد مقایسه قرار گیرد. همچنین از آنجا که امکان انتخاب کاملاً تصادفی نمونه برای پژوهشگر ممکن نبوده است و از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است، در تعمیم نتایج باید احتیاط لازم انجام شده و به پژوهشگران بعدی پیشنهاد می‌شود پژوهش را روی



نمونه تصادفی از زنان سرپرست خانوار انجام دهند. در زمینه کاربرد نتایج این پژوهش، باتوجه به اثربخشی معنادرمانی بر کاهش اضطراب مرگ و احساس تنهایی و همچنین افزایش بهزیستی ذهنی در زنان سرپرست خانوار، به مدیران مراکز بهزیستی و مشاوره پیشنهاد می شود تا دوره های معنادرمانی را برای این گروه از زنان سرپرست خانوار آسیب پذیر جهت بهبود ویژگی های روان شناختی از جمله اضطراب، افسردگی، بهزیستی روان شناختی و ذهنی، احساس تنهایی و انزوای اجتماعی آن ها برگزار کنند.

ملاحظات اخلاقی

رعایت اخلاق پژوهش: این مطالعه حاصل رساله مقطع دکترای روان شناس دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) با کد اخلاق IR.IAU.KHUISF.REC.1401.134 است. حمایت مالی: این پژوهش هیچ گونه حمایت مالی را جهت اجرا دریافت نکرده است. سهم نویسندگان: مقاله حاصل از اجرا و انجام پژوهش توسط نویسنده اول به عنوان دانشجوی دکتری و مستخرج از پایان نامه دکتری انجام شده است و نویسنده دوم به عنوان استاد راهنما و نویسنده مسئول و نویسنده سوم به عنوان استاد مشاور نقش داشتند.

تضاد منافع: نویسندگان اعلام می دارند که در نتایج این پژوهش هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد. تشکر و قدردانی: نویسندگان از زحمات و حمایت های اساتید محترم دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان واحد خوراسگان و مدیریت و کارکنان کلینیک های توحید و نیک کار و همه زنان سرپرست خانوار شرکت کننده در این طرح تقدیر و تشکر می کنم. دسترسی به داده ها: برای دسترسی به داده های این مطالعه با ایمیل نویسنده مسئول تماس بگیرید (i.sajjadian@khuif.ac.ir).

منابع

آقاجانی، محمد جواد؛ موسوی، سیده سمیه؛ اکبری، بهمن و ابوالقاسمی، شهنام. (۱۳۹۹). ارتباط دلستگی به خداوند و سرسختی روان شناختی با اضطراب مرگ در مردان سالمند بازنشسته. دین و سلامت، ۱۸(۱)، ۲۹-۱۹. [لینک]

آقاجانی محمد جواد، اکبری بهمن، خلعتیری جواد، صادقی عباس. (۱۳۹۷). اثربخشی معنی درمانی به شیوه گروهی بر احساس تنهایی و سرسختی روان شناختی دانشجویان دختر دارای نشانگان ضربه عشق. ارمغان دانش، ۲۳(۵): ۵۵۹-۵۷۶. [لینک]

اسدی خلیلی، مریم؛ عمادیان، سیده علیا و فخری، محمد کاظم. (۱۳۹۹). مقایسه اثربخشی واقعیت درمانی و درمان پذیرش و تعهد بر اضطراب اجتماعی و نگرش به زندگی در زنان سرپرست خانوار. روان پرستاری، ۸(۴)، ۲۳-۱۰. [لینک]

اسمعیل پور دیلمقانی، روح انگیز؛ پناه علی، امیر؛ اقدسی، عی نقی و خادمی، علی. (۱۴۰۱). مقایسه اثربخشی معنادرمانی گروهی و درمان راه حل محور بر اضطراب مرگ و احساس تنهایی در زنان سالمند با ترس از ابتلا به کرونا. روان شناسی پیری، ۸(۳)، ۲۳۰-۲۴۹. doi: 10.22126/jap.2022.8172 [لینک]

- افراسیابی، حسین و جهانگیری، ساناز. (۱۳۹۵). آسیب شناسی تعاملات اجتماعی زنان سرپرست خانوار (مطالعه کیفی شهرستان شاهین شهر). فصلنامه زن در توسعه و سیاست، ۱۴(۴)، ۴۵۰-۴۳۱.
- <https://doi.org/10.22059/jwdp.2016.60963> [لینک]
- امراه مجد آبادی، زهرا؛ نیک پیمان، نسرین؛ حضرتی گنبد، سارا؛ نوری، فاطمه؛ ونوعی محمدباقر، الهام. (۱۳۹۸). کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار در ایران: یک مطالعه مروری. پژوهش پرستاری، ۱۴(۵)، ۵۸-۶۵. doi: 10.21859/ijnr-14508 [لینک]
- بهادری، زهرا؛ جهانگیری، علی و بخشی پور، ابوالفضل. (۱۴۰۰). مقایسه اثربخشی «واقعیت درمانی» و «روایت درمانی» بر احساس تنهایی زنان سرپرست. فصلنامه مدیریت ارتقای سلامت، ۱۱(۱): ۳۶-۴۶. [لینک]
- بهادری، زهرا؛ جهانگیری، علی و بخشی پور، ابوالفضل. (۱۴۰۰). اثربخشی واقعیت درمانی بر سرسختی روان شناختی زنان سرپرست خانواده. دوفصلنامه روانشناسی خانواده، ۸(۲)، ۱-۱۱.
- <https://doi.org/10.52547/ijfp.2022.544207.1065> [لینک]
- پاک خصال، اعظم؛ سیف الهی، سیف الله و میرزایی، خلیل. (۱۳۹۹). رابطه احساس تنهایی، حمایت ادراک شده و رضایت زناشویی با استفاده از شبکه های مجازی در بین زوجین شهر تهران. مطالعات راهبردی زنان، ۲۲(۸۷)، ۱۵۱-۱۷۳.
- <https://doi.org/10.22095/jwss.2020.199937.2102> [لینک]
- تقتی، طوبی؛ شفیع آبادی، عبدالله؛ سودانی، منصور و غلامزاده جفره، مریم. (۱۳۹۱). مقایسه اثربخشی مشاوره گروهی از طریق گروه درمانی با گروه درمانی شناختی- رفتاری بر احساس تنهایی و امید به زندگی در دانشجویان مبتلا به اختلال افسردگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت. دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، ۲۳(۲)، ۲۵-۳۹.
- <https://doi.org/10.30486/jsrp.2020.1883423.2169> [لینک]
- جاویدان، موسی، حاجی علی زاده، کبری، رفیعی پور، امین. (۱۳۹۴). رابطه علی بهزیستی ذهنی، کیفیت زندگی و سبب کهای هویت با پیشرفت تحصیلی از طریق خود کارآمدی تحصیلی در دانش آموزان پسر دوره متوسطه شهر بندرعباس. پژوهش در نظام های آموزشی، ۹(۳۰)، ۱۲۳-۱۴۵. [لینک]
- چمنی قلندری، رسول؛ دکانه ای فرد، فریده و رضائی، روناک. (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش معنا درمانی بر تاب آوری و بهزیستی روان شناختی زنان دارای تجربه سوگ. مجله روانشناسی و روانپزشکی شناخت، ۶(۴): ۳۶-۲۶. doi: 10.29252/shenakht.6.4.26 [لینک]
- خانی، سعید؛ خضری، فرشید و یاری، کتایون. (۲۰۱۶). بررسی آسیب پذیری اجتماعی زنان سرپرست خانوار و زنان دارای سرپرست در منطقه سلطان آباد تهران. مجله زنان در توسعه سیاست، ۱۵(۴)، ۵۹۷-۶۲۰.
- <https://doi.org/10.22059/jwdp.2017.233709.1007203> [لینک]
- خسروی اصل، مرجان؛ نصیریان، منصوره و بخشایش، علیرضا. (۱۳۹۷). تأثیر درمان هیجان مدار بر اضطراب و افسردگی زنان سرپرست خانوار کمیته امداد امام خمینی. مجله تحقیقات سلامت جامعه، ۷(۳)، ۱۷۳-۱۸۲. [لینک]
- دوراکی، احمد و نوبخت، رضا. (۱۴۰۱). بررسی وضعیت اقتصادی و اجتماعی زنان سرپرست خانوار ایرانی: تحلیلی ثانویه بررسی وضعیت اقتصادی و اجتماعی زنان سرپرست خانوار ایرانی: تحلیلی ثانویه. نشریه ی پایش، ۲۰(۴)، ۴۲۷-۴۳۷. doi: 10.52547/payesh.20.4.427 [لینک]
- رجبی، غلامرضا و بحرانی، محمود. (۱۳۸۰). تحلیل عاملی سؤالیهای مقیاس اضطراب مرگ. مجله روانشناسی، ۵(۴) (پیاپی ۲۰)، ۳۳۱-۳۴۴. [لینک]
- زارع، حسین، و مهمان نوازان، اشرف. (۱۳۹۴). تأثیر آموزش دلگرم سازی بر ارتقاء خودکارآمدی عمومی و تاب آوری زنان سرپرست خانوار. مطالعات زن و خانواده، ۳(۱)، ۳۷-۵۷. doi: 10.22051/JWFS.2015.2195 [لینک]



سرهنگی، معصومه، حسینی نسب، سیدداوود، پناه علی، امیر. (۱۴۰۱). اثربخشی آموزش معنادرمانی بر بهزیستی روان‌شناختی، مهارت‌های ارتباطی و استرس والدگری مادران کودکان کم‌توان ذهنی. خانواده درمانی کاربردی، ۳(۳)، ۴۱۷-۳۸۸. doi: 10.22034/aftj.2022.336259.1512 [لینک]

شیانی، ملیحه، زارع، حنا. (۱۳۹۸). فراتحلیل مطالعات زنان سرپرست خانوار در ایران. مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی سابق)، ۲۶(۲)، ۶۷-۹۷. doi: 10.22059/jsr.2020.75859 [لینک]
صادقی، مسعود و باوازین، فاطمه. (۱۳۹۸). تنهایی در سالمندان: پیش‌بینی بر اساس بهزیستی ذهنی، سرمایه روان‌شناختی و هوش معنوی. روانشناسی سالمندی، ۱۵(۱)، ۴۱-۵۱. doi: 10.22059/jsr.2020.75859 [لینک]

صفاری نیا، مجید و درتاج، افسانه (۲۰۱۸). تأثیر معنادرمانی گروهی بر امید به زندگی و سلامت روانی و اجتماعی زنان سالمند ساکن خانه های سالمندان در دبی. سالمند: مجله سالمندی ایران، ۱۲(۴)، ۴۸۲-۴۹۳. doi: 10.21859/sija.12.4.482 [لینک]

صدقی، پروین (۱۳۹۷). توانمند سازی روان شناختی زنان سرپرست خانوار. تهران: انتشارات آکادمیک.
ضرغام حاجی، مجید و نوری، مریم. (۱۳۹۹). تأثیر درمان کوتاه راه حل محور بر کاهش اضطراب و افسردگی زنان سرپرست خانوار. نشریه پیشرفتهای نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، ۳(۳۱)، ۱۶۸-۱۸۰. [لینک]
عباسی، مسلم؛ پیرانی، ذبیح؛ صالحی، الهه. (۱۳۹۶). بررسی رابطه کمال‌گرایی مثبت و منفی با بهزیستی هیجانی و اشتیاق تحصیلی دانشجویان پرستاری - دوماهنامه علمی - پژوهشی راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، ۱۰(۶): ۴۵۴-۴۴۷. [لینک]

عابدی دیزناب، محدثه؛ عباسی، محمد و علی‌مندگاری، ملیحه (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی ویژگی‌های سرپرستان خانوارهای زن و مرد در مناطق شهری و روستایی (سرشماری ۱۳۹۵ ایران). مجله بررسی آمار رسمی ایران، ۲۹(۱)، ۹۵-۱۱۳. doi: 10.25385/798.1397.29.1.6.6 [لینک]

فرانکل، ویکتور امیل. (۱۹۸۶). انسان در جستجوی معنا (چاپ ۳۵). ترجمه نهضت (فرونودی‌مهر) صالحیان، مهین میلانی (۱۳۹۴). تهران: انتشارات لیوسا (درسا).

فرانکل، ویکتور امیل. (۱۹۴۸). خدا در ناخودآگاه (چاپ سوم). ترجمه ابراهیم یزدی (۱۳۹۳). تهران: انتشارات رسا.
قدم پور، عزت‌الله و مشرفی، شبنم. (۱۳۹۶). رابطه سلامت معنوی، بهزیستی ذهنی و کیفیت زندگی با اضطراب مرگ در سالمندان. روان‌شناسی پیری، ۳(۲)، ۹۷-۱۰۶. [لینک]

قدیمی نوران، میترا و یونسی، جلیل (۱۳۹۵). ساخت و اعتبارسنجی مقیاس سرمایه روان‌شناختی و ارتباط آن با بهزیستی روان‌شناختی. فصلنامه سنجش تربیتی، ۷(۲۵)، ۱۵۹-۱۸۶. doi: 10.22054/jem.2017.5385.1169 [لینک]

کاشانی نیا، زهرا و علیا، زهرا. (۱۳۸۸). عوامل استرس زا و رابطه آن با کیفیت زندگی زنان سرپرست خانواره. تهران: مجموعه مقالات دومین همایش توانمندسازی و توان‌افزایی زنان سرپرست خانواره.

کوهپایه زاده، فاطمه؛ معتمدی، عبدالله؛ درتاج، فریبرز؛ اسکندری، حسین و فرخی، نورعلی. (۱۳۹۷). اثربخشی بسته آموزشی مبتنی بر معنادرمانی بر احساس تنهایی و خودکارآمدی معلمان بازنشسته. مجله سالمندی، ۴(۱)، ۲۴-۳۳. doi: 10.29252/joge.4.1.24 [لینک]

کیارسی، زیبا؛ عمادیان، سیدعلیا و فخری، محمد کاظم. (۱۴۰۰). اثربخشی معنادرمانی بر ترس از عود و اضطراب مرگ در زنان مبتلا به سرطان پستان. مجله مراقبت از سرطان، ۲(۱)، ۴-۱۰. [لینک]

هاشمیان، کیانوش؛ پورشهریاری، مه‌سیما؛ بنی‌جمالی، شکوه‌السادات؛ و گلستانی بخت، طاهره. (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی با میزان بهزیستی ذهنی و شادمانی در جمعیت شهر تهران. مطالعات روان‌شناختی، ۳(۳)، ۱۳۹-۱۶۳. [لینک]

گل محمدیان، محسن؛ نظری، حسنا و آذر، پروانه. (۱۳۹۶). اثربخشی معنادرمانی گروهی بر اضطراب مرگ و سازگاری اجتماعی سالمندان. مجله روانشناسی سالمندی، ۲(۳)، ۱۶۷-۱۷۵. [لینک]

مارشال، ماریا. (۲۰۱۱). منشور معنادرمانی (راهنمای اصول بنیادین معنادرمانی ویکتور فرانکل). ترجمه رحیم رابط. تهران: انتشارات رشد. (۱۳۹۶).

محمدی، زهرا؛ برجلی، احمد و سهراپی، فرامرز. (۱۳۹۷). اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی تهران. مجله روانشناسی و روانپزشکی شناخت، ۵(۵)، ۸۱-۹۱. Doi: 10.29252/shenakht.5.5.81 [لینک]

ولی زاده، حدیث؛ احمدی، وحید؛ و میرشکار، ساره. (۱۴۰۲). اثربخشی درمان مبتنی بر شفقت بر تاب‌آوری، ناگویی هیجانی و احساس تنهایی زنان سرپرست خانوار. فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی، ۱۸(۶۹)، ۲۶۵-۲۵۷. doi: 10.22034/jmpr.2023.16248 [لینک]

نادری، فرح، و حق‌شناس، فریبا. (۱۳۸۸). رابطه تکانشگری و احساس تنهایی با میزان استفاده از تلفن همراه در دانشجویان یافته‌های نو در روان‌شناسی (روان‌شناسی اجتماعی)، ۴(۱۲)، ۱۱۱-۱۲۱. [لینک]

نامنی، ابراهیم؛ کشاورز افشار، حسین؛ حیدری، حامد؛ و فطوه‌چی، شادی. (۱۳۹۸). اثربخشی تلفیق دو رویکرد واقعیت‌درمانی و معنادرمانی به شیوه گروهی بر کیفیت زندگی و سازگاری روان‌شناختی زنان سرپرست خانوار. پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی (روان‌شناسی و علوم تربیتی)، ۱۰(۱)، ۸۳-۹۶. https://doi.org/10.22059/japrr.2019.258509.643001 [لینک]

نظری‌فرو، محسن و قانع‌فرو، ندا. (۱۳۹۸). اثربخشی مشاوره گروهی مبتنی بر معنادرمانی بر احساس تنهایی و افسردگی مادران دارای فرزند دارای ناتوانی یادگیری. همایش بین‌المللی روان‌شناسی و علوم تربیتی، تهران. (۲۰۲۳)، ۹-۳۱. doi: 10.52547/row.2.3.9 [لینک]

References

- Abbasi, M., Pirani, Z., & Salehi, E. (2017). Investigate The Relationship between Positive and Negative Perfectionism with Emotional Wellbeing and Academic Engagement in Nurse's Students. *Educ Strategy Med Sci*, 10(6), 447-454. (Text in Persian) [Link]
- Abedi Diznab, M., Abbasi, M., & Ali Mandegari, M. A. (2018). Comparative Study of the Characteristics of Female and Male Heads of Households in Urban and Rural Areas (1395 Census of Iran). *Iranian official statistics review magazine*, 29(1), 95-113. http://dori.net/dor/20.1001.1.25385798.1397.29.1.6.6 (Text in Persian) [Link]
- Afrasiabi, H., & Jahangiri, S. (2016). Problems of social interactions of women head of household (Qualitative study amongst Shahin-Shahr women). *Woman in Development & Politics*, 14(4), 431-450. doi: 10.22059/jwdp.2016.60963 (Text in Persian) [Link]
- Aghajani M. J., Mosavi S. S., Akbari B., Aboalghasimi S. (2020). Relation of Attachment to God and Psychological Hardiness with death anxiety of Retired Elderly Men. *JRH*; 8 (1) :19-29. (Text in Persian) [Link]
- Aghajani, M., Akbari, B., Khalatbari, J., & Sadeghi, A. (2017). The effectiveness of meaning therapy in a group manner on the feeling of loneliness and psychological toughness of female students with love trauma syndrome.



- Scientific Research. *Journal of Yasouj University of Medical Sciences*. 33(5), 576-559. (Text in Persian) [Link]
- Amrollah Majd Abadi, Z., Nikpeyma, N., Hazrati Gondad, S., Noori, F., & Noei Mohammad Bagher., E. (2019). Quality of Life of Head-of-Household Women in IRAN: a review study, *Iranian Journal of Nursing Research*, 14(62), 58-65. doi:10.21859/ijnr-14508 (Text in Persian) [Link]
- Asadi Khalili M, Emadian S O, Fakhri M K. (2020). Comparison of the effectiveness of reality therapy and acceptance and commitment therapy on social anxiety and attitude to the life in head of household women with. *IJPN* 2020; 8 (4) :10-23. (Text in Persian) [Link]
- Bahadori, Z., Jahangiri, A., & Bakhshipour, A. (2022). Comparison of the Effectiveness of “Reality Therapy” and “Narrative Therapy” on the Feeling of Loneliness of Female-Headed Households. *JHPM*, 11 (1), 36-46. (Text in Persian) [Link]
- Bahadori, Z., Jahangiri, A., & Bakhshipour, A. (2022). The Effectiveness of Reality Therapy on the Psychological Hardiness of Female-Headed Households. *Journal of Family Psychology*, 8(2), 1-11. doi: 10.52547/ijfp.2022.544207.1065. (Text in Persian) [Link]
- Chamani Ghalandari, R., Dokaneifard, F., & Rezaei R. (2019). The effectiveness of semantic therapy training on psychological resilience and psychological well-being of mourning women. *Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry*, 6 (4), 26-36. <https://doi.org/10.29252/shenakht.6.4.26> (Text in Persian) [Link]
- Dorahaki, A., & Noubahkt, R. (2021). The Study of Economic and Social Status of Iranian female-headed households: a secondary analysis. *payeshj*, 20(4), 427-437. <http://dx.doi.org/10.52547/payesh.20.4.427> (Text in Persian) [Link]
- Drennan, J., Treacy, M., Butler, M., Byrne, A., Fealy, G., Frazer, K., & Irving, K. (2008). The experience of social and emotional loneliness among older people in Ireland. *Ageing & Society*, 28(8), 1113-1132. <https://doi.org/10.1017/S0144686X08007526>. [Link]
- El-Lawindi, M. I., Hend, A. S., & Eman, H. E. (2018). Household Headship and Women’s Health: An Exploratory Study from Egypt. *The Egyptian Journal of Community Medicine*, 37(2), 231-249. <https://doi.org/10.21608/ejcm.2019.309081>. [Link].
- EsmailpourDilmaghani, R., Panahali, A., Aghdasi, A. N., & Khademi, A. (2022). The Comparison of the Effectiveness of Group-Based Logotherapy and Solution-Oriented Therapy on Death Anxiety and Feeling of Loneliness in Elderly women with Fear of Coronavirus. *Aging Psychology*, 8(3), 249-235. doi: 10.22126/jap.2022.8172.1645 (Text in Persian) [Link]
- Flato, M., Muttarak, R., & Pelsler, A. (2017). Women, Weather, and Woes: The Triangular Dynamics of Female-Headed Households, Economic Vulnerability, and Climate Variability in South Africa. *World Development*, 90(c), 41-62. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2016.08.015>. [Link]
- Frankl, V. (1948). *The Unconscious God*. Translators Ebrahim yazdi (2014). Tehran: Liouosa Publisher (Dorsa). (Text in Persian)
- Frankl, V. (1986). *Man's Search for Meaning: An Introduction to Logotherapy*. Translators Mehin Milani, Nehdat (Fernudi- Mehr) SalehiaN (2015). Tehran: Liouosa Publisher (Dorsa). (Text in Persian)

- Ghadampour, E., & Moshrefi, S. (2017). Relationship between Spiritual Health, Mental Well-Being and Quality of Life with Death Anxiety in the Elderly. *Aging Psychology*, 3(2), 97-106. (Text in Persian) [Link]
- Ghadimi Nouran, M., & Younesi, J. (2016). Construction and Validation the Psychological Capital Scale and its relation to Psychological Well-being. *Quarterly of Educational Measurement*, 7(25), 159-186. <https://doi.org/10.22054/jem.2017.5385.1169> (Text in Persian) [Link]
- Gol Mohammadian, M., Nazari, H., & Azar, P. (2017). The effectiveness of group meaning therapy on death anxiety and social adjustment of the elderly. *Journal of Psychology of Aging*, 2(3), 167-175. (Text in Persian) [Link]
- Javdan, M., HajiAliZade, K., & Rafii Poor, A. (2015). rabete. *Journal of Research in Educational Systems*, 9(30), 123-145. (Text in Persian) [Link]
- Kashaninia, Z., & Alia, Z. (2008). *Stressful factors and their relationship with the quality of life of female heads of the family*. Tehran: Proceedings of the second conference on empowering women heads of the family. (Text in Persian)
- Keyes, C. L. M., & Magyar-Moe, L. (2003). *The measurement and utility of adult subjective wellbeing*. In *Positive psychological assessment: A handbook of models and measures*, pp. 411-425, edited by Lopez, S. J. and Snyder, C. R. Washington, DC: American Psychological Association. <https://doi.org/10.1037/10612-026> [Link]
- Khani, S., Khazri, F., & Yari, k. (2016). A study of social vulnerability of women heads of households and women with guardians in Sultanabad area of Tehran. *Journal of Women in Policy Development*, 15(4), 597-620. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2017.233709.1007203> (Text in Persian) [Link]
- Khosravi Asl, M., Nasirian, M., & Bakhshayesh, A. (2018). The Impact of Emotion-focused Therapy on Anxiety and Depression among Female-Headed Households in Imam Khomeini Relief Committee. *J Community Health Research*, 7(3), 173-182. (Text in Persian) [Link]
- Kiarasi, Z., Emadian, S. A., & Fakhri, M. K. (2021). Effectiveness of meaning therapy on fear of recurrence and death anxiety in women with breast cancer. *Journal of Cancer Care*, 2(1), 4-10. (Text in Persian) [Link]
- Kohpayehzadeh, F., Motamedi, A., Dartaj, F., Eskandari, H., & Farrokhi, N. (2018). The effectiveness of the educational package based on meaning therapy on the feeling of loneliness and self-efficacy of retired teachers. *Journal of Aging*, 4(1), 24-33. <http://dx.doi.org/10.29252/joge.4.1.24> (Text in Persian) [Link]
- Kwon M, Kim H. (2020). Psychological well-being of female-headed households based on age stratification: a nation wide cross-section study in South Korea. *International journal of environmental research and public health*, (17), 45-64. <https://doi.org/10.3390/ijerph17186445> [Link]
- Kyung, K. A., Im, J. I., Kim, H. S., Kim, S. J., Song, M. K., & Sim, S. (2009). The effect of logo therapy on the suffering, finding meaning, and spiritual well-being of adolescents with terminal cancer. *Journal of Korean Academy of Child Health Nursing*, 15(2), 136-144. <http://dx.doi.org/10.4094/jkachn.2009.15.2.136> [Link]
- Labarrere, C. A., Woods, J. R., Hardin, J. W., Campana, G. L., Ortiz, M. A., Jaeger, B. R., Baldrige, L. A., Pitts, D. E., Kirilin, P. C. (2012). Value of the first post-transplant biopsy for predicting long-term cardiac allograft



- vasculopathy (CAV) and graft failure in heart transplant patients. *PLoS ONE*, 7(4), 1-10. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0036100> [Link]
- Letho, R. H., & Stein, K. F. (2009). Death anxiety: an analysis of an evolving concept. Research and theory for nursing practice. *an international Journal*, 23(1), 23-41. <https://doi.org/10.1891/1541-6577.23.1.23> [Link]
- Marshall, M. (2011). *Prism of Meaning: Guide to the Fundamental Principles of Viktor E Frankl's Logotherapy*. Translator Raheem Ghazan (2017). Tehran: publisher Roshd (text in Persian)
- Mohammadi Z, Borjali A, Sohrabi F. (2018). Effectiveness based on acceptance and commitment therapy on quality of life women heads of household conducted in Tehran welfare Organization. *Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry*, 5 (5) :81-91. <http://dx.doi.org/10.29252/shenakht.5.5.81> (Text in Persian) [Link]
- Mortell, S. (2020). Logotherapy to Mitigate the Harmful Psychological Effects of Current Events: A Tool for Nurses. *J Psychosoc Nurs Ment Health Serv*, 58(4), 38-42. <https://doi.org/10.3928/02793695-20200127-01>. [Link]
- Naderi, F., & Haqshanas, F. (2007). The relationship between impulsivity and loneliness with the amount of mobile phone use in students. *New Findings in Psychology*, 4(12), 111-121 (Text in Persian) [Link]
- Nameni, E., keshavarz, H., Heydari, H., & fatoorchi, S. (2019). The Effectiveness of Combining Reality Therapy and Logo Therapy Approaches on the Quality of life and Psychological Adjustment of Female Householders. *Journal of Applied Psychological Research*, 10(1), 83-96. doi: 10.22059/japr.2019.258509.643001. (Text in Persian) [Link]
- Nazari Far, M., & Qanei Far, N. (2019). The effectiveness of group counseling based on meaning therapy on feelings of loneliness and depression of mothers with children with learning disabilities. *Tehran*, 3(2), 9 – 31. <https://doi.org/10.52547/row.2.3.9>. (Text in Persian) [Link]
- Pakkhesal, A., Seyfollahi, S., & Mirzaee, K. (2020). The Relationship between Loneliness, Perceived Support and Marital Satisfaction with the Use of Virtual Networks among Couples in Tehran. *Women's Strategic Studies*, 22(87), 151-173. <https://doi.org/10.22095/jwss.2020.199937.2102>. (Text in Persian) [Link]
- Pandya, A. k. & Kathuria, T. (2021). Death Anxiety, Religiosity and Culture: Implications for Therapeutic Process and Future Research. *Religions*, 12(1). <https://doi.org/10.3390/rel12010061> [Link]
- Rajabi, G. R., & Bohrani, M. (2002). Item Factor Analysis of the Death Anxiety Scale. *Journal of Psychology*, 54 (20), 331-344. (Text in Persian) [Link]
- Russell, D., Peplau, L. A., & Cutrona, C. E. (1980). The Revised UCLA Loneliness Scale: Concurrent and discriminate validity evidence. *Journal of Personality and Social Psychology*, 39, 472-489. <https://doi.org/10.1037//0022-3514.39.3.472>. [Link]
- Sadeghi, M., & Bavazin, F. (2019). Loneliness in the Elderly: Prediction Based on Mental Well-Being, Psychological Capital and Spiritual Intelligence. *Aging Psychology*, 5(1), 41-51. <https://doi.org/10.22126/jap.2019.1125> (Text in Persian) [Link]
- Saffarinia, M., & Dortaj, A. (2018). Effect of Group Logotherapy on Life Expectancy and Mental and Social Wellbeing of The Female Elderly Residents of Nursing Homes in Dubai. *Salmand: Iranian Journal of Ageing*, 12(4), 482-493. <http://dx.doi.org/10.21859/sija.12.4.482> (Text in Persian) [Link]

- Sarhangi, M., Hosseini Nasab, S. D., & PanahAli, A. (2022). The Effectiveness of Logo Therapy on the Psychological Well-being, Communication Skill and Maternal Parenting Stress of Mothers of Children with Intellectual Disability. *Journal of Applied Family Therapy*, 3(3), 388-417. Doi:20.1001.1.27172430.1401.3.3.23.5 (Text in Persian) [Link]
- Schinka, K. C., Manfred, H. M., van Dulmen, A. D., Mata, R., Bossarte, M., & Swahn, M. (2013). Psychosocial predictors and outcomes of loneliness trajectories from childhood to early adolescence. *Journal of Adolescence*, 36(6), 1251-1260. <https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2013.08.002>. [Link]
- Seghati, T., shafiabadi, A., Sodani, M., & Gholamzadeh jofreh, M. (2022). The Comparison of the effectiveness group counseling through group therapy with group cognitive-behavioral therapy on the feeling of loneliness and life expectancy among students suffering from depression disorder at Islamic Azad University of Rasht. *Knowledge & Research in Applied Psychology*, 23(2), 25-39. <https://doi.org/10.30486/jsrp.2020.1883423.2169>. (Text in Persian) [Link]
- Shiyani, M., & Zare, H. (2020). A meta-analysis of female-headed household studies in Iran. *Sociological Review*, 26(2), 67-97. <https://doi.org/10.22059/jsr.2020.75859> (Text in Persian) [Link]
- Taywade, A. (2018). Death Anxiety in elderly. *Journal of basic and applied research*, 8(2), 158-164. [Link]
- Templer, D. I. (1970). The construction and validation of a Death Anxiety scale. *Journal of General Psychology*, 82, 165-177. doi:10.1080/00221309.1970.9920634 [Link].
- valizadeh, H., ahmadi, V., & mirshekar, S. (2023). The effectiveness of compassion-focused therapy on resilience, emotional ataxia and feelings of loneliness in female heads of households. *Journal of Modern Psychological Researches*, 18(69), 257-265. doi: 10.22034/jmpr.2023.16248. (Text in Persian) [Link]
- Zare, H., & Mehmannavazan, A. (2016). The Effectiveness of Encouragement Training on Promotion of General Self-Efficacy and Resiliency of Female-Headed Households. *Journal of Woman and Family Studies*, 3(1), 37-57. <https://doi.org/10.22051/jwfs.2015.2195> (Text in Persian) [Link]
- Zargham Hajebi, M., Nori, M. (2020). The Effectiveness of Solution-Base Short-Term Treatment (SFBT) on Reducing Anxiety and Depression in Female Heads of Households. *Journal of New Advances in Psychology, Training and Education*, 3(31), 168-180. (Text in Persian) [Link]



اسامی داوران شماره پاییز ۱۴۰۳

سعیده اینی

عضوبیات علمی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی

طیبه فروسی

عضوبیات علمی گروه آموزشی علوم تربیتی، دانشگاه تهران

شهره روشنی

عضوبیات علمی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه الزهراء (س)

احمد داخلکی

عضوبیات علمی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی

کرم حبیب پورکتابی

عضوبیات علمی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه خوارزمی

فاطمه ترابی

عضوبیات علمی گروه جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران

محمد رضایکینا

عضوبیات علمی گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان

رقيه السادات مؤمن

عضوبیات علمی، گروه حقوق، دانشگاه امام صادق (ع)

زهره خسروی

عضوبیات علمی گروه روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء (س)

نعیمه ذوالفقاری

مدرس گروه حقوق، دانشگاه سمنان

عباس میرشکاری

عضوبیات علمی گروه حقوق، دانشگاه تهران



P-ISSN: 2008-9384
E-ISSN: 2538-2004

Woman and Family Studies

Quarterly Journal of Woman and Family Studies
Alzahra University, Women Research Center

Volume 12, Issue 3, Serial 34, Autumn 2024

